گزیدهٔ سرودهای

ریگ ودا

قدیمترین اثر موجود مردم آریایی هند

با

مقدمهٔ انگلیسی

دکتر تاراچند

استاد فلسفه و تاریخ و سفیر کبیر پیشین هند در ایران

ترجمهٔ

سید محمد رضا جلالی نائینی

عضو انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی

با مقدمه و فرهنگ لغات سانسکریت

سال ۱۳۴۸ هجری شمسی

تهران ـ چاپ تابان

بسم الله الرحمن الرحیم

هست کلید درِ گنج حکیم

پیش گفتار

میراث باستانی قوم آریایی هند و ایرانی

همبستگی ریگ ودا واوستا

هندحداقل بین سه تا چهارهزار سال تاریخ پیوستهٔ زبان دارد و «ریگ ودا Rig-Veda » سندی زنده وجاوید وقدیمترین آنهاست.

ریگ ودا (رگ بید Rgveda) برای مردم ایران ازسه نظردرخور اهمیت میباشد :

یکی بستگی این کتاب بتاریخ جهان، و دو دیگر تعلقش به تاریخ هندوستان ، وسدیگر ارتباط مخصوصش بتاریخ وفرهنگ ایران باستان.

شرح بستگی این کتاب به تاریخ جهان ، وهند؛ خارج از بحث ماست ، و لذا در مقوله‌ای که خارج ازموضوع است وارد نمی‌شویم ، و دراینجا فقط بنحوایجاز، ارتباط ویژهٔ آنرا با تاریخ ومذهب وفرهنگ ایران دراین پیش گفتار بیان میکنیم .

ساخت و بعدها که در دوران هخامنشی، و یونانی، و باختری، وسکایی مردم ایران و قسمتی از مردم هندوستان تابع یك شاهنشاهی واقع شدند، همخونی پدران خودرا ازیادبرده بودند و تصور اینرا که نیاکانشان خویشاوند و از یك گوهر بوده‌اند، نمی‌کردند.

مواقع جغرافیایی بی‌شك یکی از عوامل ایجاداین‌فراموشی بوده است، ولی علت دیگر آنست که‌مردم آریایی هند و ایران بعداز انفصال در دوجهت مخالف گسترش یافتند. بااین‌حال‌هریك ازاین‌عوامل به‌تنهایی هرگز نمیتوانند موجب قطع روابط فرهنگی بین‌ایران و هند درعصر ودایی بشود (۱).

ایرانیـان یاد میهن مشترك ایـران ویج Erānvēj را در اساطیر خود حفظ کردند، ولی آریاهای هندوستان که تمدن مشخص ریگ بیدی راقبل از هزار وپانصد سال پیش از میلاد بوجودآوردند، هیچ نوع اشاره‌ای به‌سرزمین مشترك اجدادی نکرده‌اند.

✡ ✡ ✡

با این همه «لودویگ Ludwig» و «وبر Weber» در بعضی‌ازجملات: «ریگ‌ودا» که ذکری از: «پریتهو - پرشوه Prithu-ParŚavah» شده‌است، آنرا اشاره‌ای به «پریتهوها Prithus» و «پرشوها ParŚus» یعنی: پارت‌ها، و پارس‌هـا (= ایرانیان) میدانند(۲).

در جمله‌ای از ریگ‌ودا، «یادوYadu» مخصوصاً با«پرشو»: (= پارس) اصطکاك پیدا میکند(۳).

بعقیدهٔ «ویلسون H. H. Wilson» منظور از کلمهٔ: « تیریندیره Tirindira» - مذکور در ریگ بید، پسر «پرشو» است، و هردو اسم ایرانی است که تیرداد (تیردات Tiridatas) و پارسهاهستند.

---

(1) Iran in the Ancient East, 1941, p. 190.
Op. Cit., p. 192 & Op. Cit., pp.11,177.

(۲) برخی از مفسرین ومحققین ریگ ودا، عبارت: «پریتهو - پرشوه Prithu-ParŚavah» را بمعنی: «دنده‌های پهن»، یا «تبرهای‌پهن» دانسته‌اند، از آن جمله:«گریفیت»همین‌معنی را اختیار کرده‌است، ولی بعکس «لودویگ» معنی: تبرهای‌پهن راغیرصحیح میداند و استدلال میکند که عبارت‌پریتهوپرشوه Prithu-ParŚavah پریتهو (پارت‌ها) وپرشو (پارس= ایرانی‌ها) میباشند

(۳) بنگرید به مـاندالای هفتم - سرود ۸۳ بند اول، و ماندالای‌هشتم- سرود ٦ - بند ٤٦ - ومراجعه شود به جلد دوم این کتاب.

زبان ریگ‌ودا و اوستا

زبان ریگ‌ودا با زبان اوستا Avesta خویشاوندی نزدیك دارد. شباهت و نسبت میان زبان قدیم‌ایران (اوستا)، و زبان ریگ‌ودا زیاد است. این دو زبان‌درقسمت اعظم لغات مشترك‌اند. واژه‌ها و کلمات بسیاری دراین دوزبان موجوداست که‌درسایر زبان‌های هند و اروپائی موجودنیست.

اختلاف اصلی زبان ریگ‌ودا بازبان اوستا فقط بعضی مشخصات معلوم لفظی است که‌آن دورا از یکدیگر جدامیسازد، بهمین جهت زبان‌سانسکریت (زبان ریگ‌ودا) وزبان اوستا بمنزلهٔ دولهجهٔ منشعب‌ازیك‌زبان مادرشاهی: «هندوایرانی» شناخته میشود.

در «اوستا» قطعاتی یافت‌میشود که میتوان فقط باتغییر تلفظ آنرا به سانسکریت قابل فهم تبدیل کرد.

دوتیرهٔ آریایی قوم هند و ایرانی پیش‌از آنکه ازهم جداشوند مدت طویلی در موطن مشترك اصلی خویش می‌زیستند و واجد یك فرهنك و مذهب هند و ایرانی بودند که‌اگر نتوان به‌تمام جزئیات آن پی‌برد، قسمتی‌ازآنرا میتوان از طریق مقایسهٔ «ودا» هابا «اوستا» مشخص‌ساخت.

ظاهراً پیش‌ازآنکه طوایف آریایی هند و ایرانی ــ که ازمیهن اصلی کوچ کرده بودند ــ فلات ایران‌را به‌پیمایند، قسمتهای کوهستانی این‌سرزمین بزرك منشاء یك‌فرهنگ مادرشاهی قدیمتر بوده‌است و سکنهٔ‌آن مانند سکنهٔ هندوستان (قبل‌از هجوم طوایف آریایی) خدایان مارمانندی را پرستش می‌کردند، وبسیار محتمل است که فرهنگ ایران و شمالغرب هندوستان پیش‌از ورود طوایف آریایی دارای‌یك‌روح و مبداء بوده‌است، وهمین فرهنگ قدیمتر پس‌از ورود طوایف آریایی درمذهب وطرزتفکر وحتی‌خدایان آنهااثر گذاشته باشد.

چگونگی روابط فرهنگی میان ایران‌وهند پس‌از هجوم طوایف‌آریایی چندان روشن نیست. ظاهراً بعداز آنکه این‌دو طایفه انشقاق پذیرفتندویکی درفلات ایران، و دودیگر درهندوستان سکونت گزیند ازهم جدا افتادند، و در اثر عواملی که برما پوشیده است بیکدیگر پشت کردند، و ماترك جداگانه‌ای برای‌خود بوجود آوردند و این‌جدایی‌پیوند خویشاوندی‌رافراموش

بدین ترتیب قبل از آنکه از سرزمین اصلی کوچ کنند از جهاتی توافق وهم‌آهنگی خود را از دست دادندوظن نزدیك بیقین آنست که این اختلاف و عدم هم‌آهنگی معتقدات مذهبی وعوامل دیگر علت کوچ کردن وجدا شدن‌ایرانیان از هندیان بوده است نه نتیجهٔ آن (۱) .

بطوری که از سند مشهور کشف شده در بغاز کویی Boghaz-köi بر می آید ، درحدود چهارده‌قرن پیش ازمیلاد مسیح خدایان دیوایی Daiva که اندرا ، و ناستیه Nāsatya باشند در ردیف خدایان اسورایی Asura یعنی : وارونا ، و میترا قرار داشتند ، و این نکته همانگونه که کریستنسن Christensen هم بدان اشاره میکند ، بخوبی نشان میدهد که اختلاف بین پرستندگان خدایان‌دیوایی‌وخدایان‌آسورایی که‌ازمشخصات اصلی تاریخ‌باستانی نژاد هندو ایرانی میباشد هنوز در آن تاریخ وجود نداشته است؛ ولی مدت‌ها قبل از پدیدهٔ زردشت که گاتهای او باید لااقل‌متعلق به هزار سال پیش ازمیلاد باشد ، این اختلاف بحد اعلای خود رسیده است (۲) .

اختلاف میان پرستندگان خدایان جدید و خدایان قدیم باید یکی از علل اصلی دو دستگی ، و بالاخره جدا شدن آریاهایی که بعداً هندوستان را تصرف کرده‌اند، باشد،اما اختلاف آنان‌منحصر به‌جنبهٔ‌مذهب نبوده است. کریستنسن چنین اظهار نظر مینماید که پیروان مذهب اسورایی (= اهورایی) طبقاتی پرورش یافته‌تر ، و ثابت قدمتر از جامعهٔ هند وایرانی بوده‌اند که حرفهٔ اصلی آنها فلاحت و تربیت احشام بوده است ؛ و حال آنکه مذهب قدیمتر دیوایی Daiva در طبقات زورمندتر ولی کم رشد تر ادامه یافته و در این طبقات عادات موروثی اولیه بیشتر رسوخ داشته است .

دستهٔ اول به باقی ماندن در ایران قانع شدند، لیکن دستهٔ دوم به اغوای روح حادثه جویی و زیاده طلبی خود به سوی خاور پیش تاختند وسرانجام به هندوستان وارد شدند.

نباید تصور کرد تمام آنهایی که درایران باقی ماندند، اسورا (= اهورا)

---

(1) The fires of the Prytaneia in Greece, Vestal fire of Rome, Gārhapatya fire of India.

(2) Kulturgeschichte des Alten Orients, p. 211.

(۳) بنگرید به:

Sukumar Sen, Old Persian Inscriptions. pp. 148-56

بعضی از نامهای جغرافیائی ثابت می کنند که زمان کوچ و انشقاق این دو قوم چندان دیر نپاییده است . صرف نظر از سایر اسامی، کلمات: « رسا Rasā» (= اوستا: Ranhā») و«سرسوتی Sarasvatī» و« باهلیکه Bāhlīka» را آریاها از ایران به هندوستان بردند و دو رودخانه و یك ناحیه را به آن اسامی نامگذاری کردند.

بعقیدهٔ بعضی از محققان سکوت مطلق ریگ بید را درمورد مهاجرت از سرزمین مشترك هند و ایرانی نمیتوان جز به تعمد حمل نمود. بنظر هیلبراند Hillebrandt در غیر این صورت باید تصور کرد که آن قسمت از سرودهای ریگ ودا که شامل اسامی نخستین ایرانی است در فلات ایران سروده شده باشد (۱) .

گویا بین تیرهٔ آریای هند وتیرهٔ آریای اولیهٔ ایران یك نوع عدم توافق و اختلافی وجود داشته که موجب این بی‌علاقگی مخفی و سر پوشیده گردیده است و همین عدم توافق و اختلاف است که موجب گردید هنگام کوچ کردن از سرزمین اصلی این دو تیره ازیکدیگر جداشوند وهریك تشکیل‌واحد جداگانه‌ای بدهند .

این عدم توافق و اختلاف که بعدها مورث دشمنی میان دوتیره گردیده است از مذهب و آیین باستانی آریاهای دوکشور بخوبی آشکار میباشد . مثلا مردم آریایی ایران اهورا را خدادانستند ولی‌هندوها اسورا را بعکس دیوتصور کردند و همین طور اندرا در ایران نام دیوی است ولی درهند از زمرهٔخدایان بشمار آمده ودویست وپنجاه سرود ریگ‌ودا تنها درستایش او سروده شده‌است.

مذهب اولیهٔ هند و اروپائی خدایانی راکه مظهر طبیعت‌بودند مانند آسمان و خورشید و باد میشناسد وشامل پرستش آتش میشود ولی آریاهای‌هند و ایران علاوه بر پرستش آتش دارای کیش سوماپرستی (هوما) نیز بوده‌اند و اضافه برخدایان مظهر طبیعت به عده‌ای خدایان غیر محسوس‌هم‌عقیده داشتندو

---

(1) Ved. Myth., first ed; Vol I, pp. 99 ff.,; Vol. III, pp. 372-8. Older attempts to read Irānian histroy and geography in the Veda have been briefly dealt with by Jackson in CHI, Vo 1, pp. 322 ff., and more recently by Keith in Woolner Comm. Vol. (1940)

(2) The Vedic Age, p.219.

اینکه در اساطیر هندو معمار خدایان آسورایی بنام مایا Māyā است، نمیتوان آنرا یك تصادف دانست . دیوپرستان خشن ظاهراً پیشه و هنر برتر رقیبان خویش را ناشی از جادو و افسون میدانستند. باوجود توجه به خدایان دیوایی Daiva در هندوستان و توجه به مذهب اهورایی در ایران فرهنگ و مذهب این دو، تا زمان ظهور زردشت، کم و بیش شبیه به وضع و مقام بودا درهند و ارفوس Orpheus در یونان است که هردوآنها عملا با کشتن حیوانات درمراسم مذهبی بنام مذهب معترض بودند، ولی اعتراض هیچیك از آنها بشدت مخالفت زردشت نبود .

درگاتها ، زردشت جشن های مذهبی عامیانه و جاهلانه را که دیو-پرستان سرمست از افشرهٔ هوم، خون حیوانات را بهخدایان تقدیم میداشتند ، و در میان فریادهای شادی جان‌گاو بی‌گناه را فدا میساختند ، شدیداً محکوم میسازد .

کاملا روشن است مراسمی که مورد حمله و انتقاد زردشت واقع شده و هموطنانش انجام میدادند، بسیار شبیه‌بمراسم ودایی است. تعداد زیادی ازلغات وکلمات مذهبی دردوزبان مشترك‌اند، مانند: هوما Haoma (=سوما Soma)، زئوتر Zaotar (=هوتا Hotā)،اثرون Athravan (=اتهرون Atharvan =آذربان) منتره Manthra (=منتره Mantra) یزته Yazata (=یجته Yajata) یسنا Yašna (=یجنا Yajña) آزوئیتی Āzūiti (= آهوتی Āhüti) ایریمان Airyaman (=اریمان Aryaman) ایشون Iśvan (=ایشور Iśvara)، و امثال آنها . و همچنین تمام مراسم ودایی، و اوستایی از یك اصل و ریشه‌اند . واضح است که نوسازی‌های زردشت نتوانسته است‌بطور مؤثری پرستش سوما (هوما) راکه یکی از خصوصیات ودا است ، و از مدتها پیش از زردشت در ایران مرسوم بوده است ، تغییر دهد .
معهذا زردشت دررشتهٔ‌مذهب و اساطیر (=میتولژی) موفق‌تر بوده است ، ولی از این جنبه‌ها نیز شباهت بحدی آشکار است که‌میتواند یگانگی‌های قبلی‌را ثابت نماید .

تشریفات « اوپه‌نه‌یَنه Upanayana » در « ودا » و « اوستا » تقریباً یکسان است . درهردو (=ودا ، و اوستا) تعداد رسمی ایزدان‌سی‌وسه است . در ادبیات مقدس ودایی و اوستایی اوزان عروضی یکی است واصطلاحات و نامهای آنها یکسان میباشد و تقریباً هیچگونه اختلافی در بین نیست .
در هر دو کتاب ایزدان ابتدا بصورت پهلوان جنگجوی آریایی ، سوار بر

پرست بوده‌اند ، و یا همهٔ آنها که‌سختی‌را برخویش‌هموار نمودندو به‌طرف سرزمین هندوستان پیش رفتنددیوا پرست بودند .

سنگ نبشتهٔ خشایار شاه در بارهٔ دیو پرستی که در سال ۱۹۳۵ میلادی کشف شدبخوبی آشکارمیسازد که‌حتی درسدهٔ‌پنجم قبل از میلاد نیزدرشاهنشاهی هخامنشیان با دیو پرستی شدیداً مبارزه می شده است ، و در هندوستان با وضع خاصی روبرو میشویم که در ایام بسیار قدیم به همهٔ خدایان بزرگ لقب‌اسورا (= اهورا) بعنوان احترام اطلاق می شده است .

هرچند در ایام‌بعد، این صفت مطلقا بعنوان دشنام بکار رفته است . در قسمتهای بیشماری از براهماناها ، آسوراها درحرف زندگانی متمدن برتر از دیواها نشان داده شده‌اند ، و در داستانهای ودایی وپورانی، آسوراها برادران بزرگتر خدایان‌بشمار رفته‌اند، و مانند خود دیواهابمراتب بالاتر ازداسیوها، و راکشس‌ها قرار گرفته‌اند .

باتوجه به مجموع علائم وامارات مشکل‌است انکار شود که باجمیع انبوه آریاهای دیو پرست ، یك اقلیت قوی پیشرفته‌تر اسورا (=اهورا) پرست به هندوستان نیامده باشد که رسوم و مذهب آنها بادستهٔ اکثریت مختصر اختلافی داشته است و بهمین جهت پیوسته از طرف آریاهای ودایی مورد لعن و تهمت قرار میگرفتند، و ظاهراً این بدبینی بیشتر از جنبهٔ حسد بوده است تا از نظر تحقیر ؛ زیرا اگر آریاهای ودایی که عمداً تمام‌بقایای وطن اصلی هندوایرانی را-بطوری که در بالاگفته شد-ازمیان برده‌اند اگر میتوانستند آیا یادبودهای اسورا (اهورا) پرستی را نیز از میان برنمیداشتند ؟! ولی از عهدهٔ این کار برنیامدند!زیرا عدهٔ‌قابل توجهی‌اسوراپرست‌درواقع‌درمیان‌آنهاوجود داشت. بنابر این‌قدیمترین‌جامعهٔ‌آریایی هند مانند قدیمترین جامعهٔ هند و ایرانی از نظر فرهنگ یکنواخت نبود ، و هر چند قسمت اعظم آن دیوا پرست بودند ، اما همه نبودند .

ازطرف دیگر جامعهٔ ایرانی هم باا کثریت بزرگی اهورا پرست بودند. بعد از یك‌دوره کشمکش و تغییرات‌بفرجام آشتی برقرارشد، و بحدی موفقیت-آمیز بود که حتی درمورد بزرگترین خدای ودایی یعنی: اندرا نه‌تنهادرقسمت-های بسیار قدیمی‌ریگ‌ودا او رایکی ازآسوراها شناخته‌اند، بلکه ویرا دارای نیروی ، مایا Māyā دانستند که از مختصات آسوراها بود که بمعنی نیروی جادویی است .

هند وایرانی است ، منهای وریتراهن .

بنابراین هیچ اختلافی بین اندرای « ودا » ، و اندرای « اوستا » نخواهد بود . اگر تاریخ اندرا را درنظر آوریم درمی‌یابیم که تاریخ‌دوخدای مختلف است که درایران و هندبه دوطریق دریکدیگر اثر نموده‌اند .

« ناستیه‌ها Nāsatyas » که درکتیبهٔ بغازکویی در کنار اندرا ، و وارونا نام برده شده‌اند ، نیزدر اوستا ذکر گردیده‌اند ، منتهی‌مانند : اندرا بصورت دیو (۱) ، حتی « اپام‌نپات Apām - Napāt » که یکی‌از ایزدان کوچکتر ودا است، دراوستابصورت‌ایزدی به‌همان‌نام‌ذکر گردیده است (۲).

معادل « گندهروه Gandharva » ودایی ، گندروه Gandarəwa اوستا و معادل کریشانو(۱) Kṛiŝanu و دایی ، « کرشانی Kərəvāni » ی اوستا است .

یمه (یاما Yama) پسرویوسوت Vivasvat مذکور درودا فرمانروای مردگان است . وییمه Yima پسر ویونهنت Vivanhant (= جم فرزند ویون جهان) در اوستا فرمانروای بهشت است .

شواهد زیادی میتوان نشان داد که باوجود تجددی که زردشت‌آورد ، مذهب ایرانیان در اغلب مواردبصورت‌پیش‌ازآن‌باقی‌ماند. بطورکلی‌چنین بنظر می‌آید که نوآوری زردشت منظورش آن‌قدرها قطع رابطه باگذشته نبود ، بلکه تصمیم داشت و تاحدی نیز موفق‌شدکه اصول مذهب « اسورا Asura » (= اهورا Ahura) را مستقرسازد ، و آنرا از تمام پلیدی های دیوان پاك نماید .

این فرض مخصوصاً از این‌نکتهٔ دقیق آشکار میشود که زردشت تنها بفرستادن دیوان مهم‌مانند : اندرا به‌دوزخ اکتفا نکرد ونام خدای بزرگ آسورا یعنی : وارونا را به « اهورا مزدا Ahura Mazdāh » تغییرداد . علت اینکه زردشت نام این‌خدارا ازمیان‌برد ولی شخصیت او را نگاهداشت و ببالاترین مقام افتخار بالابرد ظاهراً آن است که در عصر پیشین ـ دست کم در زمانی که الواح‌بغازکویی نوشته شده است ـ نام این‌خدا باسم دیو اندرا توأم گشته بود .

---

(۱) این نام کریشانی Kriŝāni نیز تلفظ شده است .

(۲) بنگرید بصفحهٔ ۲۱٤ این کتاب.

ارابه که اسبان نیرومند آنرامیکشند ، مجسم شده‌اند . ایزدان ودایی بسان ایزدان اوستایی آسمان را نگاه میدارند ، و از فرو افتادن آن جلوگیری میکنند . و پرستش «بتان» (صور یا تندیس خدایان) در وداها و در اوستا بهیچ وجه وجود ندارد.

«وارونا »ی « ودا » مثل مقابل اوستایی خود اهورا ، بایاری میتره Mitra (= در اوستا میثره Mithra) حافظ اعلای قانون اخلاق است ، و تصور نظم کیهانی در هردومورد بصورت ایزدی‌معنوی که در « ودا » بنام: « ریتا Rita » ، و در « اوستا » به‌اسم : « اشا Aša » خوانده‌میشود، متصور است . حتی اختلاف شدید بین « اندرا »ی ودا ، و « اندرا »ی اوستا اگر بتاریخ این ایزد که شرح اورا : « بنونیست Benveniste » (۱) و « لویی رنو Louis Renou » (۲) درتألیف خود داده‌اند توجه شود، بکلی ازمیان برمی‌خیزد .

خلاصهٔ فرضیهٔ استادانهٔ : « لویی‌رنو Louis Renou» و « بنونیست Benveniste» بشرح‌زیراست:

در عصرهند و ایرانی دوخدای مختلف بوده‌اند:اندرا Indra (۳) ، و وریترا‌هن Vṛitrahan (وریترا = مقاومت ، و وریترا‌هن = مقاومت‌شکن). اندرا تنها تجسم قدرت طبیعی بود که درافسانه‌های بیشتر تمدن‌های قدیمی موجوداست ، ولی درعین حال‌دیوایی (= دایویك Daivic) نیز شناخته‌شد تا باسلیقهٔ زردشت نوآور و سختگیر که اورا بی‌تأمل به دوزخ می‌فرستد ، وفق دهد،اماخداوند مقاومت‌شکن یعنی: وریتراهن (ورثرغنه Vṛiθragna = بهرام) که وظیفهٔ او پیروزی‌و از میان بردن مقاومتی‌است که بدی‌بوجود می‌آورد ، مقام افتخارآمیز خودرا درمیان ایزدان ایرانی پیوسته حفظ کرده است .

اندرا، و وریتراهن فقط بعدها درعصر ودایی توأم گشته ، ودریك‌شخص متصور شده‌اند . بطور خلاصه، اندرای ودا، همان اندرای هند وایرانی مذکور دربغاز کویی است باضافهٔ‌وریتراهن ، وحال آنکه‌اندرای‌اوستا ، اندرای

بنگرید به:

(۱) Like Vedic Ṛita.

(۲) In Vritra et Vṛiθragna, Paris 1934.

(۳) بعضی گفته‌اندنام این خدا از ریشهٔ Innar = مقاومت، مأخوذاست، امااشتقاق های دیگری نیزبرای این‌کلمه ذکر کرده‌اند.

ازآن‌نیست، اصل‌ایرانی‌اوستایی ندارد؛ بلکه یك‌عادت «مدی Median» است که مخصوص مجوسان بوده است ، و این‌عادت تنها درعصر اشکانیان درایران مرسوم گردید و برای اولین‌بار در «ویدودات VĪdevdat» که درعصر اشکانیان نوشته‌شده ، ذکر گردیده است .

جسد پادشاهان هخامنشی پس‌ازمرك درقبرهای مخصوص قرار داده‌میشد و درهیچ کجا ذکری ازآن‌نیست که‌جسد یکی‌از شاهنشاهان نیرومند هخامنشی برای‌طعمهٔ مرغان ، و کرکس‌ها و درندگان عرضه‌شده باشد (۱) .

ازآنچه بازنموده شد،چنین‌مستفاد میگردد که ریگ ودا و اوستا نمایندهٔ یك ارتباط فکری است. این دو اثر بقدری‌بهم نزدیك و شباهت دارند که آنها را میتوان یکی دانست . این قرابت و خویشاوندی زبان ومذهب این احتمال را بوجود آورده که بعضی از سرودهای ریگ ودا هنگامی که قبائل آریایی فلات ایران رامی‌پیمودند،موجودبوده است، وریشی‌هاوخاندان‌های روحانی‌آنها را در حافظه داشتند .

یك مراجعهٔ اجمالی بـه‌اوستا و ریگ ودا محرز میدارد که در هر دو اثر لغات و واژه‌های مشترك‌بیك معنی و مفهوم بکار برده شده است . توگویی در آنها اختلافی نیست ، مگر بعضی مشخصات معلوم‌لفظی (۲).

---

(۱) بنگرید به :

Herzfeld, Iran in the Ancient East. 1941, pp. 216-217

و بنگرید به :

The Vedic Age, R. C. Majumdar, London, 1957, pp. 218-223.

(۲) در بمبئی اردشیر خبردار از زردشتیان هندگاتها را بـه زبـان انگلیسی ترجمه کرده‌استو در آخر کتاب‌فرهنگی ترتیب داده و لغات‌مشترکی راکه درگاتها و ریگ ودا بکار برده شده با‌نشان دادن تلفظودایی و اوستایی استخراج کرده است.

بنگرید به

New Light on the Gāthās of Holy Zarathushtra, By: Ardeshir F. Khabardar, pp. 727-777.

بدلایل مشابهی زردشت از بکاربردن کلمهٔ : « بگه Baga»(= بغ) (۱) بمعنی : خدا که دارای ریشهٔ هند و اروپایی است ، اجتناب نمود ؛ اگرچه این واژه در قسمت‌های اوستا که مربوط به قبل از زمان زردشت است ، در کتیبه‌های قدیم ایران ذکر شده است ؛ زیرا یك کلمه مذهبی هند و اروپایی نمیتوانست از ملازمه بادیوها خالی باشد.

تازمانی که معتقد بودند ، « گات‌ها Gāthās » چون دارای قدیمترین زبان میباشد نمایندهٔ قدیمترین تمدن آریایی ایران نیزهست بهیچوجه ممکن نبود مشاهده شود جامعه‌هایی که در « ودا » ، و « اوستا » توصیف شده اند ، در اصل یکی باشد ، ولی اکنون کاملا ثابت شده است که تمدن گاتها ، تمدن نوین عصر جدیدتری از ایران است که جنبهٔ بسیار قدیمتر آن در «یشت‌ها Yašts» منعکس است ، مخصوصاً در « یشت » هایی که از تجدید نظرهای زردشتیان مصون مانده است ، وفرهنگی که دراین گونه « یشت » های ایرانی قبل از زردشت منعکس است ، اصولا همان فرهنگ ودایی هندوستان میباشد.

آیین هوما Haoma که حقاً شاهد اصلی یکی بودن تمدن هند و ایران است ، نه تنها پیش از زردشت است ، بلکه مخالف تعلیم زردشت است و نگاهداری این سنت درمذهب بعداز زردشت درایران ازآن نظر میباشد که این پیامبر از نظر سیاست درحرام ساختن نوشابه‌هـای سکرآور بویژه ذکری از « هوما » نکرده است ، و علمای اوستادان ازعدم ذکر نام «هوما » چنین استدلال نموده اند که تمام مسکرات نجس است مگر هوما (= درودا: سوما Soma).

« بنونیست» نشان داده است که مذهب ایرانیان دورهٔ هخامنشی بطوری که « هردوت Herodotus » آنرا وصف مینماید ، هیچ توافقی بامذهب گاتها ندارد بلکه بعکس دربسیاری نکات مهم به مذهب ودایی شبیه است (۲) .

اختلاف فاحش میان طرق دفن مردگان در ایران وهند درنتیجهٔ موشکافی بکلی ازبین میرود. عادت گذاشتن جسد مردگان دردخمه که درهندوستان خبری

---

(۱) « بهگه Bhaga » در ودا خداوند خوشبختی و وفور نعمت شناخته شده است .

(۲) بنگرید به :

The Persian Religion, Ratanbai Katrak Lectures, Paris 1929, pp. 32 ff.

« برهر ثابت و برهر جنبنده و نیز بر هر آنچه راه میرود و برهر آنچه میپرد ، و بر تمام این آفرینش رنگارنگ تنها یک (ذات) فرمانروایی میکند »

(ریگ ودا ۳/٥٤)

ریگ‌ودا Ṛg-Veda

واژهٔ «ودا Veda» (بید) در زبان سانسکریت Sanskrit از ریشهٔ «وید Vid» (دانستن) مشتق، و بمعنی: «دانش» است؛ اما بطوراخص بمعنی: «دانش الّهی» «یا علمِ منزل» میباشد.

در آغـاز این نام به سه کتاب: « ریگ ودا Rig-Veda » (رگ بید Ṛgveda)، و «یاجور ودا Yajur Veda » (جـجر بید)، و « ساما ودا Sāma-Veda (سام بید) اطلاق میشد و مجموع این سه کتاب را ترایی ودیه Trayi-Vidya (دانش سه گانه) میخواندند ؛ اما برسه ودای اصلی، کتاب چهارمی بنام «اتهروا ودا Atharva - Veda» (اتهربن بید) افزوده شد. قبول کتاب چهارم بعنوان یك متن اصیل و حقیقی «ودا» ظاهراً مقارن تدوین قانون « مانو Manu» است، زیرا در قانون مانو غالباً نام‌سه ودا آمده وآنها «ترایم برهم سناتنم Trāyam brahma sanatānam» (ودای ثلاثهٔ ابدی) خوانده شده‌اند، ولی در یك‌جا (کتاب‌یازدهم ـ مادهٔ ۳۳) بعنوان «ودا» از کتاب‌چهارم اسم برده شده است .

مدهاتیتهی Medhātithi مفسروفقیه «هندو » نیز ازسه ودای اول اسم میبرد، بی آنکه کتاب چهارم را در ردیف‌آنها قرار دهد.

بنابرآنچه گذشت بخوبی روشن شد که‌تاریخ فرهنگ و مذهب ایران باستان ، باتاریخ فرهنگ و مذهب قدیم هندوستان ریشه واصل‌واحد ونزدیکی کامل دارد و این قرابت و شباهت بامطالعهٔ « ودا » و « اوستا » نمایان میشود.

بدین‌ترتیب فرهنگ باستانی ایران‌وهند را نمیتوان از یکدیگر جدا شناخت،و این‌مسأله بایدهم همینطور باشد، زیرا هردو ازیك فرهنگ هند و ایرانی منشأ گرفته و از یك سرچشمه سیراب شده‌اند .

هیچ کتابی در قلمرو «فرهنگ هندو» بتألیف‌وتدوین نشده مگر آن که‌تعلیمات «ودا»ها کم و بیش نویسنده را تحت‌تأثیر و نفوذخود قرار داده است . با این تفاوت که اسلام‌مذهب جهانی است واز سر زمین عربستان به‌کشورهای دور و نزدیك دیگر هم گسترش‌یافته است ولی حوزهٔ مذهب هندو در طول تاریخ تقریباً محدود بسر زمین‌هندوستان‌بوده وبخارج شبه قارهٔ هندنفوذ پیدا نکرده و جنبهٔ مذهب بومی و ملی خود را حفظ نموده است.

کلمهٔ وداVedas بصیغهٔ جمع‌برسه یاچهار کتاب‌مذکوراطلاق‌میشود. این کتب پایه و اساس فلسفه و ادب و هنر و موسیقی و علوم مختلف قدیمهٔ هندو را تشکیل میدهد.

هرچند کتب‌ودا منحصر درچهار است، ولی نوشته‌ها ورسالات‌و کتابهای عدیده حاوی مسائل و احکام مذهبی و آیین پرستش و دستورهای قربانی و کلامی و فلسفی و تفسیر به آنها ملحق شده است.

بعبارت دیگرمجموع ادبیات مقدس هندوبه‌چهار دسته بشرح زیر تقسیم می‌گردد:

۱ ـ سمهیتا (سنهیتا Saṁhitā) : ترتیب متن‌ودا.

۲ ـ براهماناها Brāhmanas : در تفسیرو‌داها

۳ ـ آرنیکاها Āranyakas : متون مدون در جنگل .

٤ ـ اوپانیشادها (اُپنشدها Upanishads) : مُبیّن‌فلسفهٔ وداها .

بدین ترتیب مینگریم هریك ازوداهای چهارگانه دارای براهماناها ، و آرنیکاها، و اوپانیشادهای وابسته بخودمیباشد .

سمهیتای رگ بید بی‌تردید مجموعه‌ای است که‌نمایندهٔافکارمردان‌چندین نسل است و همین موضوع دلیل عدم هم آهنگی سرودها و نمو طبقات فکری آنست که از اعتقاد به‌خدایان متعددشروع شده و به وحدت وجودفلسفی‌منتهی گردیده است .

قدمت ریگ ودا:

راجع بقدمت این کتاب میان محققان هندی وفرنگی اختلاف نظراست . درسدهٔ‌نوزده‌برخی از دانشمندان هندی مانند تیلك Tilak بعضی از منترهای

در اوپانیشادهای اصلی و قدیمی مندك Mundakya، و چهاندوگ Chandogya، و چند اوپانیشاد دیگرقدیمی و نوشته‌های‌متأخر باستانی هندو ازقبیل: «ایتی‌هاس Itihasa» و «پُران‌ها Purānas» کتاب«اتهرواودا»،«ودای چهارم» شناخته شده است .

« رگ بید » ودای منظوم ، و «ججربید» ودای منثور، و « سام بید » ودای آهنگ‌ها است .

درمیان‌سه‌بید اصلی رگ‌بید قدیمترین آنهاست.سه بید اصلی نه تنها از حیث قدمت تاریخی‌بلکه از نظرمطالب‌وطرز تفکر گویندگان و آیین پرستش باکتاب چهارم اختلاف دارند.

ریگ ودا مادر وداهای دیگر است.

رگ‌بیدرا«شروتی Śruti» (ازمصدر: شرو Śru = شنیدن) نیزمی‌نامند. «شروتی» بمعنی: «دانش‌مسموع»و دربرابر: «سمرتی Smṛiti» (از ریشهٔ:سمری Smṛi = یادآوردن) است که‌مفهوم‌آن «دانش‌دریادمانده»یا«علم‌محفوظ»میباشد. مقصود از علم اول علم مستقیمی است که مبداء آن خارج از حیطهٔ بشر است و در نتیجهٔ تفکر و تعمق و تحصیل به دست نیامده باشد . و منظور از علم دوم دانشی است که سینه به‌سینه و دست به دست و پدربرپدر منتقل شده است و درواقع‌ریگ‌مردهٔ (= میراث)مربیان‌و معلمان‌وپیشوایان‌مذهبی باستانی‌میباشد.

کتاب ودا در نظرغالب«هندوان» در حکم وحیِ مُنَزَّل است و از نظر دین‌باوران «هندو» تعلیمات آن‌کامل و بالاترین‌سند و مدرك مذهب است. این تعلیمات حاکم برجمیع شؤن زندگانی هر فرد میباشد، و وظائف او را درهر وضع و شکل و در هر مرحله از مراحل حیات از تولد وکودکی و جوانی و پیری و مرگ معین میکند . بعبارت دیگر این تعلیمات وظیفهٔ هرکس را از گهواره تاگور زیر نظر دارد .

«ودا»ها مرجع‌کلیهٔ‌آداب و سنن است. همهٔ‌قوانین ومقررات درچهارچوب تعلیمات آنها بوجودآمده و مراسم وتشریفات مذهبی و دعاها و نمازهاوآداب و رسوم اجتماعی هندو ازآنها سر چشمه گرفته‌اند .

همان‌گونه که‌درعالم اسلام‌روح«قرآن»مجیددرکتابهای اسلامی‌جلوه‌گر شده و زبان قرآن‌در «فرهنگ‌اسلام» بنیاد نوین و استواری بوجودآورده‌است، و هیچ‌کتابی را نمیتوان یافت که از روح‌قرآن‌الهام‌نگرفته باشد،بهمین مقیاس

این سرودها نخست مکتوب و مدون نبود و خانواده‌های مذهبی هندو آنها را پدر بر پدر در حافظه نگاهداشتند، و بعدها بر حسب روایات سنتی هندوان آنهارا ویاسا Vyāsa درعصر: «کالی‌یوگ Kāliyuga» (عصر کالی) که‌آنراسه هزارسال پیش از میلاد دانسته‌اند، جمع‌آوری نموده و به صورت مجموعه (Saṁhitā =)در آمده است.

ریگ ودا (رگ‌بید) : مشتمل بر ۱۰۲۸ سرود (سوکتا Sukta) است. این سرودها در ستایش خدایان است.هفده سرود از ۱۰۲۸ سرود را والکیلیا (بال کیلا Vālakhilya) خوانند و آنها را معمولا بین ماندالای هشتم و نهم قرار میدهند.

ساماودا Sāma-Veda(سام‌بید): ودای آهنگ‌هاست. نیمی ازسرودهای این ودا تکرار همان اشعاری است که در ریگ ودا آمده، ونیم دیگر که بالغ بر ۷۵ سرود میشود، اصلی است.

یاجورودا Yajur-Veda(ججربید): این‌وداازقطعات نظم ونثر ترکیب یافته‌است. بعبارت روشنترقسمتی ازاین‌ودامنظوم وقسمت‌دیگر منثوراست. کلیه قطعات نظم و نثر راجع است به‌قربانی‌های‌عدیده، وبنابراین میتوان این ودا را، ودای قربانی‌ها نامید.

اتهروا ودا Atharva-Veda (اتهربن‌بید): این وداازحیث‌تاریخ مؤخر برسه ودای مذکور در بالاست ، ومشتمل است‌بر تعداد زیادی وردهای‌جادویی که برای‌ارضاءواقناع‌ارواح پلید و راکشس‌ها ، و امثال آن‌ها بکارمیبرده‌اند.

چنانکه گفته شد درابتدا وداهـا مکتوب نبود و خانـواده‌های روحانی آنهـا را حفظ و نگاهـداری میکـردند ، و صدهـا سال بعـد مـدون شد . خاندان‌هـای مختلف مـذهبـی هـریك قسمتـی از وداهـا را جمـع آورده‌اند و بدین‌ترتیب‌بیدهاازطریق مکتب‌ها (شاکهه‌ها Śakhas) یا قراآت‌مختلف به دست ما رسیده است .

درمـورد ریگ ودا مجموعهٔ (سمهیتا Saṁhitā) موجودمتعلق به یك مـکتب‌موسوم‌به«شاکل Śākala» است و ازمکتب دیگـر بهاشکل Bhāshakal جز نامی باقی نیست .

بیشترسرودهای‌ریگ‌ودا، ستایش‌هائی‌است‌خطاب‌به‌خدایان‌مختلف که‌ازآنها

ریگ‌ودا را از روی محاسبات ارقام نجومی مربوط به‌پنج تا ششهزار سال پیش‌از میلادمسیح وحتی قدیمتردانسته‌اند،ولی ماکس‌مولر Max Müller تاریخی‌را در حدود ۱۲۰۰سال پیش از میلاد درنظر گرفته است.

ریگ ودا یا ریك سمهیتا Rik-Samhitā بحد زیادی قدیمتراز دیگر وداهامیباشد- بخصوص نسبت بمتون منثور.خصوصیات کهنگی،ریگ‌ودا راازادبیات جدیدتر جدامیسازد،واین کهنگی‌را نمیتوان منحصراًمربوط باختلاف‌سبك یا سطح تطورهای‌اجتماعی دانست. اگر سرودهای ریگ ودا درزمانی نزدیك‌به زمان براهماناها Brāhmanas جمع‌آوری‌شده باشد،بوجودآمدن این‌سرودهامربوط به‌زمانی بسیارقدیمتربوده است.زمان‌ادبیات‌ودایی‌را میتوان بین‌دو تاریخ‌قرار داد که‌مبداءهردوتاریخ‌متأسفانه‌غیرروشن و نامعلوم‌است. آنچه‌مسلم است‌بوجودآمدن این‌سرودها قرن‌ها پیش از بودا و تبلیغ عقاید بودایی‌بوده‌وازطرف‌دیگرشروع آن‌همزمان‌یا کمی‌قبل‌ویا بعداز ورود قوم‌آریایی به‌هندوستان‌میباشد. دوره‌های مختلف متون را باید در بین این دو تاریخ مرتب ساخت.

شباهت‌و نسبت‌نزدیکی که‌ریگ ودا با اوستا Avesta دارد، این فرض را بوجودمی‌آورد که‌تاریخ ریگ‌ودا به‌حدزیادی‌جدیدتراست،ولی‌این‌فرض‌درصورتی میتواند موردقبول‌واقع‌شود که‌مطمئن گردیم گاتها Gāthās که‌درشکل شباهت زیادی به ودا دارد، پیش ازسدهٔ ششم و هفتم قبل از میلاد بوجود نیامده باشد و علاوه براینکه این تاریخ بهیچوجه طرف قبول‌و اطمینان نیست کاملا مشخص است که پیدایی ادبیات ودایی نیازمند به‌زمان بسیار درازتر است . ژاکوبی Jacobi بر اساس اطلاعات نجومی چنین نتیجه میگیرد که تاریخ دو تا از سرودهای ریگ ودا درهزارهٔ پنجم قبل ازمیلاد است . کلبروك Colebrooke تاریخ تنظیم ودا را در سدهٔ چهاردهم پیش‌از میلاد قرار داده است .

به هرحال‌آنچه مسلم‌بنظر میرسد، ریگ ودا قدیمترین اثرقوم آریایی است، و بیشك تاریخ‌بوجود آمدن آن قبل از تاریخ تمدن یونان و پیش از تدوین کتب مذهبی‌موجودیهود میباشد.

این دسته سرودها نمایندهٔ مرحلهٔ نخستین آیین ریگ ودا است . یکی از خصایص مشخص این‌دسته‌ازسرودهاجنبهٔ چند خدایی‌آنها میباشد . خدایان مختلفی در این‌گونه سوکتاهامورد‌ستایش‌قرار‌گرفته‌اند.دانشمندان‌صلاحیت‌دار عقایدمختلفی در بارهٔ روح‌این سرودها بیان‌داشته‌اند، بعضی آنها را ادعیهٔ کودکانهٔ اولیه پنداشته‌اند، و بعض دیگر آنها را کنایه از بیان صفات ذات اعلی شناخته‌اند، و عده‌ای آنها را مربوط به‌قوم با نشاط و جوانی که اهمیت زیادی بمراسم‌مذهبی میداده‌اند،میدانند،وگروهی‌هم‌تاحدودی‌آنهارا‌بنوعی‌طبیعت‌پرستی تعبیر کرده‌اند.سرودهای ۱ و ۴۸ و ۵۰ و ۱۵۴ و ۱۸۵ ماندالای اول‌و سرود ۸۴ ماندالای پنجم و ۶۸ و ۸۹ و ۱۲۵ و ۱۶۸ ماندالای دهم را بطورنمونه میتوان معرف فکرچندخدایی در ریگ ودا دانست (۱).

۲ ـ جنبه‌های توحیدی

در پاره‌ای از قطعات سرودهای ریگ ودابه نوعی یکتاپرستی‌اشاره شده است . اینگونه سرودها نمایندهٔ مرحلهٔ دوم و سوم پیشرفت و نموافکار ریگ ودا میباشدکه از مرحلهٔ پرستش عوامل طبیعی و چند خدایی گذشته‌و بمرحلهٔ توحید و یکتا پرستی میرسد ، و بعدها از آن نیز تجاوز کرده صورت فرضیهٔ وحدت وجود فلسفی بخودگرفته‌است‌که اساس مکتب فلسفی ودایی را تشکیل میدهد،و در دورهٔ بعد وارد تعلیمات او پانیشادها میشود،و بالاخره پایهٔ مکتب‌گسترش یافته و عالی افکار هندو بنام مکتب ویدانت قرار میگیرد،

تعداد بیشمار خدایان مرد و زن در قسمتهای چند خدایی ودا رفته‌رفته موجب خستگی دماغ شد و در نتیجه تمایلاتی بوجود آمدکه چند خدا را با هم یکی بدانند و باری تمام خدایان مختلف را یکی سازند.

حاصل این تمایلات و مرتب ساختن آن طبعاً بتوحید و یکتا پرستی

(۱) برای نمونه بنگرید به صفحهٔ ۴۳ ـ ۴۷ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۶ و ۱۲۷ ـ ۱۲۸ و ۱۳۰ ـ ۱۳۱ این کتاب .

طول‌عمر و فرزند وگاو و اسب و مال و ثروت و وفور نعمت و باران و شفای بیماران‌وپیروزی‌ومحافظت ازارواح‌پلید وامثال‌آنها درخواست شده‌است.خدایان دارای شخصیت بزرگ و مقام عالی‌اند و نیروی فوق‌العاده دارند ، و هر چند از مردم جدا هستند ولی درعین حال با مردم‌اند ونزدیك ایشان و یار قوم آریایی شناخته میشوند . آنها درمراسم قربانی حاضر می‌گردند وبقربانی‌ها برکت و تقدس می‌بخشند .

عدهٔ خدایان در ریگ ودا به ۳۳ خدا یعنی : هشت واسو Vasu، یازده رودرا Rudra ، دوازده آدیتیا Āditya ، و دوخدای دیگر نامشخص محدود شده است. این خدایان به سه دستهٔ: آسمانی، وجوی یافضائی، و زمینی تقسیم میگردند .

سرودهای این ودا را روحانیان هوتا Hotā باآهنگ میخوانند .

مجموعهٔریگ ودا به ده ماندالا Maṇḍala تقسیم میشود. کوچکترین سرود فقط یك‌بیت دارد وکلانترین آنهااز ۵۸ بیت ترکیب یافته‌است. مجموع سرودهای‌ریگ وداحاوی ۲۰۰۶ قطعه‌یاورگا Varga و۱۰٤٦۲ ریک Ṛik یا Ṛich (شعر یابیت یا آیت) و ۱۵۳٤۲٦ پادا Pada(کلمه‌یا$\frac{1}{4}$بیت)میباشد.

برخی سرودهای ریگ ودا را به‌هشت قسمت تقسیم کرده‌اند و هرقسمت را اشتاکا Ashṭaka خوانند و هریك از اشتاکاها به‌هشت ادهییای Adhyâya (باب) تقسیم‌میگردد .

سرایندهٔ سرودها را ریشی Ṛṣi گویند . ریشی‌ها مردمان آزاده و صریح‌اللهجه و روشنبین زمان خود بوده‌اند .

طبقه بندی سرودها

در افکارگویندگان سرودهای ریگ ودا سه طبقه تطور دیده میشود:

۱ ـ چند خدایی.

۲ ـ توحید.

۳ ـ وحدت وجود فلسفی.

۱ ـ طبیعت پرستی و تصور خدایان مختلف

طبیعت پرستی‌وتصورخدایان‌مختلف‌ـحتی بصورت انسان ـ بطوری که در بعضی‌ازسرودهاملاحظه میشود [illegible] مرحلهٔاول یامراحل‌اولیهٔ‌افکارودایی است.

آفرینش تشریح شده است که این جهان نتیجهٔ تطوریك فرد نخستین است. در ماندالای سوم ـ سرود ٥٤ ـ تأکید میشود که «بر هر ثابت و بر هر جنبنده و نیز بر هر آنچه راه میرود و بر هر آنچه میپرد ، و بر تمام این آفرینش رنگارنگ تنها یك (ذات) فرمانروایی میکند» (۱)

در رگ‌بید گفته شده است که باید بین حقیقت مطلق (براهمن Brāhman)، وخدای واجد شخصیت (ایشور Iśvara) فرق گذاشته شود، و غالب افکار فلسفی ومذهبی که بعداً در هندوستان بوجود آمده و گسترش یافته ، ازاین فکر سرچشمه گرفته و تابع آن بوده است.

بعضی ازمسائلی‌را که ریشی‌های دورهٔ اخیر ودایی مورد بحث قرارداده‌اند، از امور فلسفی است و بهمین‌جهت میتوان دورهٔ اخیر و دایی‌را بمنزلهٔ صبحدم فکر و طلوع مسائل‌فلسفی دانست.

برای مطالعات فلسفی ججربید و سام‌بید چندان اهمیتی ندارند . اتهربن بیدشرح طلسمات و ادعیه و اورادی است که جهت‌شفای بیماران و عمر دراز و از این قبیل امورمورد نظرو توجه بوده است. ریشهٔ‌علم‌طب هندی‌ظاهراً مقتبس از اتهربن‌بید میباشد.

رابطهٔ خدایان با پدیده‌های طبیعی

قسمت عمدهٔ سرودهای رگ‌بید در ستایش خدایان مختلف مثل : سورج (سوریه Surya = آفتاب) ، اگنی Agni (آتش) ، دیوس Dyaus (آسمان) ، ماروت‌ها Maruts (طوفان)، وایو Vayu یاوات Vāta (باد) ، آپه Āpas (آب‌ها) ، اوشس Uśas (سپیده‌دم) ، پرتهی (پریتهیوی prithivî = زمین) است. حتی‌خدایان‌همچون اندرا Indra ، و وارونا Varuna ، میترا Mitra ، ادیتی Aditi ، بشن (ویشنو Vishņu) ، پوشان pushan ، دواشوین Aśyins ، رودرا Rudra ، وپرجنیه Parjanya ، درابتدامنتسب به‌پدیده‌های طبیعی بوده‌اند .

صفاتی که جنبه‌های خاص‌ومهم پدیده‌های طبیعی راشان میداده است ، بصورت‌خدایان‌مستقلی‌در آمده‌اند. مثلا: سویتری Savitri (سویتر Savitar = آفتاب) که بمعنی الهام دهنده و برانگیزنده و حیاتبخش است ، و وی‌وسوان Vivasvān که بمعنی درخشان میباشد ، اصلاازصفات خورشید بوده است ، و بعدا بصورت‌خدایان‌آفتاب درآمده‌اند. بعضی خدایان‌مانند : پوشان Pūshan

(۱) بنگرید به‌صفحهٔ ۳۸٦

منتهی میگردد . فرضیهٔ توحید از هرج و مرج خدایان مذکر و مونث بیشمار که بایکدیگر در اصطکاکاند ساده‌تر و منطقی‌تر بنظر رسیده است ، و از این جهت در سرودهای این دوره جنبهٔ یکتاپرستی تا حدودی تقویت شده است.

روحانیت بخشیدن تدریجی بصور وجودالهی و منطق مذهب در یکی ساختن و بهم پیوستن چند خدا و پرستش یک خدا از خدایان که متوجه و معطوف به فرضیهٔ توحید است ، وفرضیهٔ: «ریتا Rta» یا وحدت‌طبیعت‌و بالاخره انگیزهٔ تنظیم مغز بشر همهٔ آنها از عواملی بودند که دانشمندان اخیرودایی را به‌نوعی‌یکتا پرستی متمایل کرده‌اند.

ازخصایص‌این دوره‌این‌است که حتی یگانه‌وجود اعلای دورهٔ‌یکتاپرستی از انتقاد بر کنار نماند. سرودهای ۸۹ و ۱٦٤ ماندالای اول و بندهای ٥ و ۸ سرود٥٤ ماندالای‌سوم،وسرود٤١ ماندالای هشتم و سرود ۷۲ و ۸۲ و ۹۰ و ۱۲۱ و ۱۹۰ماندالای دهم معرف تمایل گویندگان آنها به‌یکتاپرستی‌است(۱).

۳ ـ وحدت وجود فلسفی

چون فکر بشردورهٔودایی‌را فرضیهٔ یک‌الوهیت بشرمانند ارضاءنمیکرد،از اینرو بتدریج فکر پژوهنده‌ای که‌برای رسیدن به حقیقت مطلق بمراتب بیشتر از یافتن طریق لذایذ و خوشیهای شخصی و خصوصی اهمیت قائل است نموّ و گسترش یافت . ارزش احساسات خدای شخصی هر چه باشد « حقیقت » ترتیب دیگری مقرر میدارد و‌برای پرستش معبود دیگر میخواهد. چون‌فرضیهٔ توحید متفکرین ایام اخیر دورهٔ ودایی‌را اقناع نکرد، لذا مکتب توحید جای خودرا به مکتب وحدت وجود فلسفی‌داد که اساس‌آن بروجود اعلای‌غیرشخصی‌وشناخته نشدنی‌قرار گرفته‌است.

بتدریج فرضیهٔ وحدت وجود شامل عدم شخصیت پیدامیشود . در سرود

(۱) بنگرید‌به‌صفحهٔ ۱ و ۸ و ۹٥ و ۱۸۱و ۲٥٤ و ۳۳۳ و۳۸٦این کتاب.

مشخصات ریگ ودا

مراسمی که مدت‌ها بعد از عصر ودایی برقرار گردیده بطور آزاد از قطعات سرودها و ادبیات ودایی گرفته شده است- بی‌آنکه توجه زیادی بمعنی اصلی آن‌ها بشود. ریگ‌ودا برای این منظور نوین بصورت کتاب روحانیان هوتری Hotri درآمده است. اساطیر (میتولژی) ریگ‌بید، دیگر اساطیر معمولی ودایی نیست، بدین معنی که اساطیر ریگ‌ودا از اساطیر وداهای دیگر قدیمتر و درعین حال بجای آنکه مستقیماً بصورت انساب (پدر فرزندی) باشد بصورت همزمانی است.

یك شبکهٔ تشابه میان قربانی‌های بشری و اصل اولیهٔ الهی آن‌ها وجود دارد که بنوبهٔ خود مربوط به پدیده‌های طبیعی آسمان و جو است و این اساس بحدی وسیع میباشد که ریشی‌ها با کوشش خستگی ناپذیر خود دستور اعمال خویش را از آن استخراج کرده‌اند.

ارتباطات پیچ‌درپیچ جنبه‌های مختلف طبیعی و اساطیری و مراسمی و اجتماعی است که افکار ریگ‌ودا را مشخص میسازد. تمام اشکال نمودارها سهمی در بوجود آوردن این نمایش‌ها دارد. نمودارها یاعلائم ادبی قابل ملاحظه می‌باشد.

حساب اساطیری برگین Bergaigne مخصوصا عدد هفت درمقابل عدد یك، یادرتقسیم واحدقابل توجه است. باستثنای ماندالای اول ودهم که دیدگاه را تاحدی تغییر میدهد، مطالب سایرماندالاها بطور کلی مربوط به صوررسمی مذهب است و تقریباً یکنواخت میباشد و بمسائل تجربی عمومی چندان توجه نشده است. کهنگی زبان نیز ازمشخصات بارز ریگ‌بید میباشد.

اصول اخلاقی و آداب اجتماعی

ریتا (رت Rta) قانون یا نظم جهان که معنی تحت اللفظی آن «خط مشی اشیاء» است اصول اخلاقیات را معین میکند. بطوری که قبلا بازنموده شد ریتا نظم وترتیب ویاناموس جاودانی جهان است؛ پس برای اصول رفتار بشر نیزهمان مقام واعتبار را دارد. رفتار منظم ومتجانس از مشخصات اساسی یك زندگانی خوب است.

عدم نظم وترتیب که غالبا بصورت دروغ نشان داده میشود، بزرگترین بدی است.

که ظاهراً طوائف مختلفی آنها را پرستش می کرده‌اند ، جزء خدایان ودایی بشمار آمده‌اند . صفات مطلق معنوی بسان : شرادهه Śrādha (ایمان) ، منیو Manyu (خشم) ، گندهرب‌ها Gandharvas (پریان) ، اپچهرا Apsaras (دختران آسمانی) ، وهمچنین ارواح جنگل و مزارع نیز جزو خدایان قرارداده شده‌اند .

هرچند در سرودهای رگ‌بید از خدایان متعدد ستایش شده است ، اما چون یکی ازآنها مورد ستایش قرارمیگیرد ، او بصورت خدای اصلی و آفریدگار ، و نگاهدارنده و یا ویران کنندهٔ جهان شناخته میشود ،و چون بدین ترتیب چند خدا هریك جداگانه بدرجهٔ رب‌الارباب رسیده اند این‌مکتب را « مـاکس‌مولر » : « هنوتئیزم Henotheism » خوانده که شاید بتوان آنـرا : « وحدت مقید بـه زمان » تعبیر نمود و در مقابـل : « مونوتئیزم Monotheism » یاوحدت واقعی است که فقط یك‌خدای قادرمتعال برهمه مسلط می‌باشد .

صفات آفرینش و نگاهداری و ویران کنندگی ، نخست قابل تجزیه وجدا از هم شناخته نمی‌شده‌است ، وبدین لحاظ قابل اسناد به‌خدایان مختلف نبوده ، وهرسه‌صفت‌را به‌شخصیتی‌واحد می‌داده‌اند، مثل : پرجاپتی Prajapati (خدای آفرینش) ، و وشوکرمن Viśvakarman (صانع‌جهان) .

ارتباط ریك‌ودا بـاسایر وداها

قسمت‌های بسیاری از ریگ‌ودا ، در سایر مجموعه‌های سه بید دیگر یعنی؛ سام‌بید، وججربید،واتهربن بید دیده میشود . تعداد زیادی از منترهای ریگ‌ودا در تمام ادبیات ودایی نقل گردیده است. درمواردی که‌عبارات‌نقل‌شده با متن منطبق است،ظاهراً دلیل براصالت‌واعتباری‌است که‌پیشینیان‌برای‌مجموعهٔ ریگ‌ودا قائل بوده‌اند.

اگر نظر: «الدنبرگ Oldenberg» را راست‌انگاریم ، علاقه به متن اصلی درادوار بعدی شدیدتر گردیده و این اعتبار گسترش یافته است .

درمواردی که‌اختلاف موجود است، واین اختلافها بطور نامنظم درسراسر عبارات منقول وجود دارد،،وجود اختلاف شاهد برکمال تعلیمات‌ریگ‌وداست . مطالعهٔ این اختلافات آشکار میسازد که احادیث ریگ بید در زمانی که این مجموعه‌ها تدوین شده، دارای قدمت وکهنگی بوده است .

٤ ـ آیا باید کاری کنیم که هرگز نکرده‌ایم ، و ما که از تقوی سخن میگوئیم ، آیا اکنون ازپلیدی سخن بگوئیم ؟!

و نیز در ماندالای دهم سرود ۱۸۳ خطاب به قربانی کننده دربارهٔ ریاضت چنین مذکور است :

۱ـ من ترا دراندیشهٔ خویش می بینم که (بامراسم مقدس) در گفت و گوئی. از ریاضت بوجود آمده‌ای و به ریاضت مشهوری (۱) .

در ماندالای دهم سرود ۱۳٦ بطریق عملی ریاضت نیز اشاره شده است،

٤ـ مرتاض درمیان فلك بپرواز می آید و همه اشیاء را نورانی میکند . دوست هریك از خدایان بر کارهای نیکو گماشته شده است.

درماندالای دهم سرود ۱۱۷ دربارهٔ آزادگی و نیکوکاری و بذل مال به فقیران واحسان به درویشان آمده است :

۱ـ خدایان گرسنگی را وسیلهٔ کشتن قرار نمیدهند ؛ مرگ بیشتر حتی به سراغ مردان سیر نیز میرود .

بخشندهٔ نیکوکار هرگز ازمیان نمیرود .

لئیم هیچگاه کسی را نخواهد یافت که براو ترحم کند.

۳ـ راد مرد آنست که به مستمند ناتوان دوره گرد که درطلب خوراك است کمك کند ، و چون از او استمداد جوید فوری بیاری او بشتابد وسپس اورا در زمرهٔ دوستان خود قراردهد .

٤ ـ آن که مال خویش را از دوست یك دل و صمیمی دریغ دارد دوست نباشد، از چنین دوستی باید چشم پوشید (۲) .

در ماندالای اول سرود ۹۰ دربارهٔ نظم اخلاقی چنین آمده است :

٦ ـ کسی که برای خود نظم اخلاقی بخواهد بادها شیرین‌اند ؛ برای او رودخانه‌ها به شیرینی جریان دارند ؛ حتی باشد که گیاهان برای ما شیرین باشد .

۷ ـ باشد که شب شیرین باشد و سپیده دم هم ؛ باشد که ناحیهٔ زمین شیرین باشد ؛ باشد که آسمان پدرما برماشیرین باشد .

۸ـ باشد که آن درخت بلند برای ما پرازشیرینی باشد ؛ باشد که آفتاب نیز پرازشیرینی باشد، و گاوان ماده برما شیرین باشند (۳) .

---

(۱) بنگرید بصفحهٔ ۱٤۹ این کتاب

(۲) بنگرید به صفحهٔ ۱٤ این کتاب

(۳) بنگرید به صفحهٔ ۲۱۱ این کتاب

اخلاق حمیده (تقوی) مطابقت با ناموس کیهان دارد . فرضیهٔ: « رت » (نظم جهان) ازطرف دیگر مؤید این فکر است که اگر تطورات و تغییرات بی انتهای جهان فکرداشتن خدایان متعددرا ایجاد میکند ، وحدت جهان وجوب خدای واحد را ثابت میدارد .

درمکتب‌های فلسفی جدیدتر هندو ، ریتا بعنوان اساس نخستین فرضیهٔ اخلاقی دهرما Dharma (وظیفه وتکلیف) شناخته شده‌است.

دوستی همنوعان ومهربانی باهمه و انجام دادن وظائفی که هر شخص نسبت به خدایان ومردم دارد ، درودا تأکید گردیده است.

به ریاضت و روزه و پرهیزهم درریگ ودا اشاره شده‌است ، ولی ریاضت از اموراساسی نیست .

اینك شواهد بارزی دربارهٔ اموراخلاقی وآداب اجتماعی دراین جاذکرمیشود در ماندالای هفتم سرود ۱۰٤ خطاب به اندرا و سوماچنین آمده‌است :

۸ ـ هرکه مرا باسخنان دروغ متهم سازد هنگامی که من راه خودرا باروحی عاری ازخطادنبال میکنم؛ باشد که دروغگو، ای اندرا چون آبی گردد که درمیان دست تهی فشرده میشود .

۹ ـ آنها که بعادت خویش دل‌هارا هلاك میسازند و باطینت بدخود راست کاران را آزار و اذیت میکنند ؛ باشد که سوما آن‌ها را به‌مار بسپارد ، یاآنهارا در دامان‌مرگ و نابودی قراردهد .

۱۰ـ ای اگنی! دیوی که‌میخواهدبه‌جوهر رزق گاوان و اسبان‌وتن‌های ما صدمه وارد آورد ؛ باشد که‌آن مخالف و دزد و غارتگر درخراب و بوار افتد ـ هم‌خوداو و هم‌اخلافش (۱).

درماندالای‌دهم سرود۱۸۲ خطاب به‌بریهسپتی Brihaspati چنین گفته شده است :

۱ـ باشد که بریهسپتی رافع مشکلات (همهٔ گناهان‌را) دور سازد ؛ باشد که سلاح مفتری دروغزن را دورکند ؛ باشد که (دشمن) بی‌آبرو را به زمین بزند و بدخواه را منکوب سازد ، و قربانی کننده را سلامت و سعادت بخشد (۲) .

درماندالای دهم سرود ده برین تقریب آمده‌است :

---

(۱) بنگرید بصفحه ٤۷۷ کتاب حاضر

(۲) بنگرید بصفحه ۱٤۷ این کتاب

۳ـ برای مجاهده در راه قدرت ستایشی بدرگاه اندرامی‌آوریم یك سرود حقیقی ؛ اگر اندرایی به‌حقیقت موجود باشد .

و دیگری میگوید : اندرایی نیست . او راکه دیده است ؟ پس کی‌را ما احترام کنیم ؟

درماندالای چهارم سرود ۲۴ خطاب به‌اندرا آمده‌است :

۱۰ ـ کی‌اندرا را که مال‌من است در مقابل ده‌گاو شیرده از من خریده است ؟

چون او وریترا را کشت‌پس‌آن خریدار ویرا به‌من بازدهد (۱).

در ماندالای دوم سرود ۱۲ خطاب به‌اندرا چنین‌گفته شده‌است :

۱ـ آن‌که بصورت خدای اصلی و پرازروح تولدیافت، و دردانایی بحد زیادی ازسایر خدایان‌پیش‌افتاد ، و درمقابل جلال‌وقدرت مردانگی‌او هردو جهان‌بلرزه درآمد ، ای‌مردم ! او اندرا است.

۵ـ راجع‌به آن‌قهار میپرسند او کیست ؟ فی‌الحقیقه دربارهٔ اومیگویند: او وجود ندارد .

ثروت‌روساء را مانند گرو قماربازان او کم‌میکند . به‌اوایمان بیاورید چون او ای‌مردم ! اندرا است (۲) .

درماندالای اول سرود ۱۶۴ چنین‌آمده است :

٤ ـ کی‌فرد نخستین را هنگام تولدش دیده‌است ؟

آن بی‌جسمی که اجسام را بوجود می‌آورد کیست ؟

نفس وخون از زمین‌است ، ولی‌روح از کجاست ؟

کی پیش دانایان رفته‌است که‌این را بپرسد ؟!

۵ ـ بافهم نارسا و عقل‌ناقص من‌این امور را میپرسم که‌حتی برخدایان پوشیده است .

در ماندالای چهارم سرود ۱۳ آمده‌است :

۵ـ چگونه‌است که‌او بی‌هیچ حدوپایه‌ای و باآنکه به‌سوی‌پائین متمایل است ، نمی‌افتد ؟!

با چه‌نیروی درونی درحرکت است ؟! کی‌اورا دیده است ؟ اوطاق‌سپهر را چون ستون برافراشته‌ای نگاه‌میدارد (۳) !

(۱) رجوع کنید بصفحهٔ ٤۹٦ این کتاب.

(۲) بصفحهٔ ۲۸۰ این کتاب مراجعه کنید .

(۳) نگاه کنید به‌صفحهٔ ۲٤.

درماندالای پنجم‌سرود ۸۵ چنین مسطور است :

۷ـ اگر ما در بارهٔ آنکه ما را دوست دارد گناهی کرده‌ایم و یا نسبت به برادر و یا دوست یا رفیق یا همسایه ای که با ماست یا بیگانگان خطائی مرتکب شده‌ایم . ای‌وارونا این تقصیر را از ما بردار (۱) .

در ماندالای اول سرود ۷۱ گفته‌شده است :

۵ـ یکی را کودن می‌نامند و در دوستی بلید است ، هرگز اوبکارهای رادمردی تحریص نمیکنند. او درخطای باصره بی‌فایده سرگردان‌است ، صدائی که او می‌شنود برایش گل ومیوه‌ای ندارد.

٦ـ آن که‌دوست گرامی خود را رهاساخته‌است‌وحقیقت‌را نمیداند،سهمی از واك (سخن) ندارد؛ حتی‌وقتی‌آنرا (واك) میشنودبیهوده گوش‌داده است. او چیزی از طریقهٔ اعمال راستی نمیداند .

۷ـ دوستانی که‌به‌آن‌ها یکسان گوش‌وچشم بخشیده شده در روح خود دارای سرعت‌های مختلفی‌هستند .

بعضی چون سبوهایی میباشند که به‌دهان و شانه میرسند ، و دیگران بسان حوض‌های آبی‌اند که‌درآن تن‌را میشویند (۲) .

تردید و استهزاء نسبت به خدایان

هندوان دورهٔ اخیر ودائی نه‌تنها با یك‌نوع شگفتی روبرو شدند که از مختصات فلسفه آنهاست بلکه‌نسبت بمعتقدات مسلم سابق‌خویش نیز دچار شك و تردید گردیدند و این‌شك‌وتردید راه نخستین افکار فلسفی‌را هموار کرد.

یك حالت سوآل وپرسشی بوجود آمد و شکاکیت در محیط پیدا شد . بطوری که‌از سرودهای ۱۲۱ و ۱۲۹ ماندالای‌دهم ریگ‌ودا برمی‌آیدهندوی آن دوره راجع به‌خدایان و امکان شناختن مبداء اشیاء دچار شگفتی شدواین تردیدبصورت استهزاء و تمسخر نسبت بعقاید پذیرفته شده و خدایان درآمد . وجود بالاترین خدایان مورد پرستش قرارگرفت وحتی نمازها و دعاهایی‌برای حصول ایمان گذارده و خوانده شد . بدیهی است در دوره‌ای که ایمان ثابت وپابرجا باشد کسی‌برای حصول ایمان دعا نخواهدکرد.

در سرود ۸۹ ماندالای هشتم چنین گفته شده‌است:

(۱) رجوع کنید به صفحهٔ ۳۳۰ کتاب حاضر

(۲) بنگرید بصفحهٔ ۱۲۱ این کتاب

۱۰ـ آن که برحسب دستورش تاریکان از جامه‌ای‌نور پوشانده‌شده اند ، آنکه منازل‌قدیم را پیمود، آنکه‌هردوجهان‌را جداگانه ستون‌زد ، وهمانگونه که تولدنیافته است، آنرا نگاه‌میدارد (۱).

و نیز درماندالای هشتم سرود ۸٤ براین تقریب آمده‌است :

۱ـ اوست که سقف آسمان وستارگان‌را درکمال بلندی برافراشت ، و زمین‌را چون بستری پهن بگسترد (۲).

درماندالای اول سرود ۱۲٤ چنین آمده‌است :

۱ ـ صبح درخشان آن هنگام که آتش‌مقدس، برمی‌افروزد و خورشید سربرمیزند ، انوار خویش‌را منتشر میسازد .

۳ ـ درناحیهٔ خاور ، دخترآسمان با جامه‌هایی از نورهویدامیشود.

٤ ـ اومی‌آید وچون مگسی‌خفتگان‌را بیدار میکند ، وازهمه بانوانی که برمیگردند،راستکارتر و پابرجاتر است .

۷ـ صبحدم چون بانویی مهربان برای شوهر خود خندان وبالباس‌نیکو از جمال خویش پرده برمیدارد .

۸ـ اوجمال خویش‌را زینت‌میدهد ، وباشعهٔ خورشید میدرخشد ، چون گروه زنانی که‌بمجلس‌جشن رومی‌آورند (۳).

در ماندالای اول سرود ۱۸۵ خطاب‌به‌آسمان وزمین گفته شده‌است:

۱ ـ کدامیك مقدم و کدامیك مؤخر بود؟ چگونه بوجود آمد ، ای دانشمندان ؛ کی‌میتواند بداند؟

آنها بخودی خود همهٔ وجودرا در بردارند ، شب و روز مانند چرخی درگردش است .

۲ ـ آن‌دو بی‌پا که‌حرکت نمیکنند ، بسیاری از جرثومه‌های جنبنده و دارای پارا در بردارند ، چون پسری دردامان‌پدر ومادرخویش (٤).

در ماندالای نهم سرود ۱۱۲ چنین مسطوراست :

٤ـ اسب میخواهد که ارابهٔ سبکی‌را بکشد ، گروه عاشقان مشغول شوخی و خنده‌اند ، و غورباغه در اندیشهٔ استخرآب (٥).

---

(۱) ببینید صفحهٔ ۱۳۸ را
(۲) بنگرید به صفحهٔ ۱۳۲
(۳) بنگرید به صفحهٔ ۳۰۹
(٤) بنگرید به صفحهٔ ٤۹
(٥) ببینید صفحهٔ ٤۱ را

در ماندلای دهم سرود ۱۰ چنین آمده است :

۶ـ کی آن روز نخست را که از آن سخن میگویی میداند ؟ که اورا دیده است ؟ کی میتواند آنرا اعلام نماید ؟ (۱)

در ماندالای سوم سرود ۵٤ چنین گفته شده است :

۵ـ چه راهی به سوی خدایان میرود ، کی حقیقت آنرا میداند ؟ و کی آنرا اعلام خواهد کرد ؟

تشبیهات و تعبیرات ادبی

در ریگ‌ودا به تشبیهات و تعبیرهای شیوا و نغز برمیخوریم . برای نمونه ترجمهٔ چند قطعه مختلف را در اینجا می‌آوریم :

در ماندالای دهم سرود ۱۲۷ در توصیف الههٔ شب چنین آمده است :

۱ـ الههٔ شب باهمهٔ چشمان خود (یعنی ، ستارگان) به پیش مینگرد ، و بنقاط بسیاری ، نزدیك میگردد . اوهمهٔ جلال خویش را برخود پوشیده است .

۳ـ آن الهه چون می‌آید خواهر خود سپیده‌دم را بجای خویش میگذارد ، وخود در تاریکی ناپدید میگردد .

٤ ـ پس امشب برما لطف فرما ، ای تویی که راههایت را ما دیدن کرده‌ایم ، مانند مرغان برآشیانهٔ خویش بردرخت (۲)

درماندالای اول سرود ۱۲۳ آمده است :

۱۱ـ همچون عروس زیبایی که مادرش اورا آراسته باشد ، تواندام خودرا می نمایی تاهمه بنگرند (۳).

درماندلای چهارم سرود ٦۵ آمده است :

۲ـ کدام مرد پرهیزکار اشعهٔ بامدادی را لباس می‌پوشاند ؟ (٤)

درماندالای اول سرود ۵۰ خطاب به خدای آفتاب چنین آمده است :

۲ـ هنگامی که خورشید عالمتاب نزدیك میشود ، ستارگان چون دزدان می گریزند ، و شب سیاه به دنبال آن‌ها میرود (۵).

درماندالای هشتم سرود ٤۱ چنین آمده است :

---

(۱) ببینید صفحه ۳٤۱ را

(۲) بنگرید صفحهٔ ۳۹۷ را

(۳) رجوع کنید به صفحهٔ ٤۸٤

(٤) بنگرید به صفحهٔ ٤۲۰

(۵) رجوع کنید به صفحهٔ ۱٦۹

خوراکی و غیر حیوانی اهداء می گردد.

کره (= گهریته Ghrita) در غالب قربانی‌ها بکار میرود.

در مراسم قربانی ، نذورو تقدیمی‌ها و نیازها باترانه‌ها و خواندن آیات بید ، مقدس میگردد.

خدایانی که خوانده میشوند در محل قربانی حضور می یابند. اگنی واسطهٔ انتقال قربانی به خدایان دیگر است . آب و باد نیز گاهی وسیلهٔ انتقال قربانی میباشند.

عمل قربانی خدایان را وامیدارد که خورشید را طالع نمایند و باران‌را به زمین برسانند ، ودانه‌هارا برویانند و بثمر برسانند، و حیوانات را از گزند محفوظ بدارند و آنها را زیاد کنند.

قربانی قدرت کاملهٔ خدایان و نیروی بشر را برای انجام دادن کارهای بزرك افزایش میدهد ، و از تجاوز افراد بهیکدیگرجلوگیری میکند. قربانی همکاری‌روستایان‌و افرادخانواده‌ها را فراهم‌میسازد، و بعلاوه‌آتش‌قربانی‌وجشن‌های مذهبی همراه با نوشیدن افشرهٔ سوما ، نشاط و شادابی را افزون میکند.

در ماندالای دهم سرود ۷۱ خطاب به Jnānam (دانش) تصریح شده که باقربانی خط سیر سخن (= Vāk)دنبال شد.

۱- بریهسپتی که بههمهٔ اشیاء نام‌بخشید ، نخستین و ابتدائی‌ترین تلفظ «واك» را فرستاد.

۳- باقربانی خط سیر «واك» را دنبال کردندوجایش‌را در درون‌ریشی‌ها یافتند (۱) .

در همین ماندالا سرود ۹۰ داستان قربانی جهانی:«پروش Púrûsha» مذکور است. ایـن قربـانی از حیث عظمت قربـان شونده و قربـان کنندگان مهمترین قربانی است که در ریگ بید به آن اشاره شده است.

در این قربانی که در آن نذر جهانی تقدیم گردید ، خدایان‌همه‌شرکت داشتند ، و پروش را که پیش از آفرینش تولد یافته بود قربان کردند.

۲- پروش در حقیقت تمام این جهان مرئی است ، و آنچه بود ، وخواهد بود . او خداوند ابدیت است.

۶- وقتی خدایان اعمال قربانی راباپروش‌برپا داشتند ، بهار روغن آن، و تابستان هیزمش ، و پائیز خود نذر بود.

(۱) بنگرید بصفحهٔ ۱۲۰ این کتاب.

درماندالای دهم سرود ۷۱ گفته شده‌است :

۲ـ هنگامی که‌مردم آرد را درغربال می‌بیختند ، دانایان در روح‌سخن را آفریدند (۱).

در ماندالای پنجم سرود اول درتوصیف آتش چنین گفته شده‌است :

۱ـ مانند درختان جوان که شاخه‌های بلند خویش را برمی‌افرازند ، شعله‌های اوبسوی گنبد افلاك زبانه می‌کشد (۲).

در ماندالای چهارم سرود ۱٤ براین تقریب آمده است :

۱ـ صبحدم سرخ‌فام ، سوار بر روشنایی پیش‌تاخته ، و اشعهٔ شادگون ، و نیرومند خودرا نمایان ساخته‌است .

۵ـ چگونه است که‌او بی‌مهار و ستون باآنکه بسوی پایین مایل‌است ، فرو نمی‌افتد ؟!

باچه‌نیروی درونی حرکت میکند ، که‌اورا دیده‌است ؟ اوگنبدآسمان را نگاه میدارد ـ ستون نیکو برافراشته‌ای (۳).

قربانی در ودا

در سرودهای ریگ ودا عمل قربانی برای جلب توجه خدایان اهمیت شایان دارد . خدایان موجودات مهربان و خیرخواهی‌اند که در میان مردم‌آمد و شد میکنند و از بشر والاتر و قویترند و بمناسبت عظمت و نیرومندی‌سزاوار ستایش و احترام میباشند . اشتهای سیری ناپذیری به نذور و قربانی دارند و تنها با قربانی موجبات ارضاء و اقناع آنان فراهم میشود و بهمین جهت قربانی برجسته‌ترین مشخصات مذاهب ودایی است .

در این قربانی‌ها حیوانات ذبح و مواد حیوانی تقدیم میشود و یا مواد

(۱) بنگرید به‌صفحهٔ ۱۲۰

(۲) رجوع کنید به‌صفحهٔ ۱۰۵

(۳) بنگرید به‌صفحهٔ ۱۰۲

ازدستهای پرورش‌فرمانروایان پیداشدند تا نظم و انضباط را بگسترانند و عدل و داد را برقرار سازند وازرانهایش طبقهٔ «ویشیه» vaiŝya (بازرگانان و کشاورزان) پدید آمدند ، تا امر سوداگری و کشاورزی رونق یابد و بنیهٔ مالی و اقتصادی و کشاورزی مردم تقویت شود ، و ازپاهایش طبقهٔ «شودر Ŝūdrá » بوجود آمد تاخدمتگزار اجتماع باشد و از کار و زحمت ورنج او جامعه برخوردار گردد(۱).

ناموس طبیعت یا نظم کیهانی

یکی از صوری که فرضیهٔ وحدت واقعیت بدان ظاهر گردید شناختن یك ناموس کلی و ابدی است که « ریتا » Rita نام دارد، و قبلا به آن اشاره شد .

«ریتا» عبارت از ناموس و وحدت وحقیقتی است که اساس نظم جهان میباشد.

در ریگ‌ودا هیچگونه سرودمستقلی خطاب به ریتا نیست ولی در سرودهای خطاب به وارونا ، و اگنی و وشودیوها وغیره آنها، اشاره‌های مختصری باین فرضیهٔ مهم شده است .

درماندالای چهارم سرود ۲۳ دربارهٔ ریتا خطاب به اندرا چنین آمده است:

۸ ـ قانون جاودانی (ریتا) رزق نیروبخش را متنوع ساخته است . فکر قانون جاودانی تخطی و تجاوز را برطرف میسازد .

سرود ستایش قانون جاودانی چون برخاست و درخشید گوش‌های سنگین (= کر) زندگان را باز نموده است .

۹ ـ پای بست‌های قانون جاودانی محکم وپا برجاست و درصورت زیبای او جمال عالی هویداست .

از برکت قانون مقدس دیرپای خوراك برای ما می‌آورند، و از برکت قانون مقدس گاوان بپرستش ما می‌آیند .

۱۰ ـ او (اندرا) که قانون جاودانی را مقرر داشت، آنرا حفظ مینماید.

قدرت قانون بسرعت حرکت میکند و غنمیت را به چنگ می‌آورد .

زمین وسیع و عمیق و آسمان : از آن قانون است .

---

(۱) دو بند اخیر این سرود ناظر به نظام طبقاتی است که هزاران سال برهندحکومت میکرد و هندوها از نظرمذهبی به این نظام سخت گردن نهاده بودند.

در قانون اساسی هند همهٔ افراد آن کشور صرف نظر از مذهب و نژاد و رنگ وجنس برابرند ولی عملا هنوز بسیاری ازهندوها خاصه مردم روستانشین به نظام طبقاتی پایبند هستند و باید سال‌ها بگذرد تا آثار این سنت قدیم با گسترش فرهنگ و تمدن عصر فضاء زائل شود .

۷- خدایان پروش را که پیش از آفرینش تولد یافته بود جهت قربانی در روی علفزار (چمن) مقدس ذبح کردند.

۸- از آن قربانی که در آن نذر جهانی تقدیم شد، مخلوط دوغ و کره بدست آمد، و از آن آفریدگان هوایی و حیوانات اهلی و وحشی را بیافرید.

۹- از آن قربانی ریچ‌ها و آهنگ‌های سامن بوجود آمدند و بحور عروض پیدا شد، و دستور اعمال قربانی (ججربید) نیز پدید آمد.

۱۰- اسباب از آن بوجود آمدند، و آنها که دارای دو رشته دندان‌اند، و گله‌های گاو از آن هستی یافت و همچنین بز و گوسفند.

۱۱- وقتی پروش را ذبح کردند، آنرا به چند قطعه تقسیم نمودند. دهان او چیست؟ بازوانش کدام؟ رانها، و پاهایش را چه نامیدند؟

۱۲- از دهانش «براهمن»، و از دودستش «راجنیه» (= کشتریه)، و از ران‌هایش «ویشیه»، و از پاهایش «شودر» بوجود آمد.

۱۳- از فکر (مغز) او ماه پیدا شد، و از چشمش خورشید، وازدهانش اندرا واگنی پدید آمدند، و از نفس او باد وزیدن گرفت.

۱٤- از نافش فلك، وازسرش عرش، و ازپایش زمین، واز گوشش جوانب و اطراف عالم پدید آمد، وبدین‌سان جهان (هستی) تکوین یافت.

۱٦- با این قربانی خدایان پروش را که در همان‌حال قربانی‌شده بود، پرستش کردند.

بدین ترتیب می نگریم که پروش به میل و ارادهٔ خویش، خود را برای ظهور و تکوین عالم هستی قربانی کرد و از برکت این نذرجهانی زمین و آسمان و خورشید و ستارگان و حیوانات و نباتات و سایر موجودات پیدا شدند (۱).

در اثر قربانی پروش که همهٔ خدایان وریشی‌هادراین مراسم حاضر بودند،

---

(۱) هندوها می گویند اگر عیسی جهت نجات بشر خود را برای صلب حاضر کرد، پروش جهت تکوین عالم و پیدایی جهان هستی خویشتن را قربان نمود تا عالم و عالمیان بوجود آیند و بدین ترتیب دامنهٔ دید و سعهٔ صدر و وسعت نظر و همت‌واثرنذر جهانی پروش از خودگذشتگی عیسی که تنها به مسئله نجات بشر می اندیشید بیشتر و مهمتر است.

۷ - من نخست‌دوهوتری‌الٰهی را به دست می آورم ، آن هفت‌نیرومند به عادت خویش شادی میکنند، حقیقت‌راتعلیم میدهند ، حقیقت را اعلام میدارند، حافظین قانون‌اند ، و در قانون تعمق مینمایند.

در ماندالای هشتم سرود ۶ چنین گفته شده است :

۲ - وقتی که روحانیون در تقویت فرزند قانون مقدس هدایای‌خویش‌را تقدیم میدارند ، سرایندگان با سرود نظم میستایند.

* *

بحث و پژوهش در بارهٔ ریگ ودا نیاز به تدوین و تألیف کتاب مستقلی دارد ، و چون این مقدمه گنجایش‌تطویل کلام را ندارد ، ازاینرو پژوهش و بحث بیشتر را در مجلد دیگر دنبال و تعقیب خواهیم کرد ، و سعی خواهد شد در جای خود حق مطلب اداشود - انشاء الله.

گسترش روابط ایران وهند

در این موقع که‌خوشبختانه‌روابط ایران وهند در هرزمینه گسترش‌قابل توجه یافته است،ورشتهٔ پیوندها و علائق دیرین استوارتر میشود ، این ترجمه به زبان فارسی انتشار می یابد ، و انتظار دارد بتواند برای شناسایی فرهنگ باستانی هندوستان مفید واقع گردد.

اکنون کرسی‌های مستقل ایرانشناسی در دانشگاههای‌هند،وکرسی‌های هند شناسی در دانشگاههای ایران تأسیس شده‌اند. امیدوارم دانشجویان مستعد و علاقمند ایرانی و هندی‌با هدایت استادان ، و تحقیقات‌پردامنهٔ‌خود بتوانند در آینده کارهای ناقص و نا تمامی را که نسل ما شروع کرده‌است،دنبال کنندو زمینه‌هایی فراهم شودکه دو ملت‌ایران و هنداز میراث مشترك فرهنگی‌خویش بیش از پیش بهرور گردند.

* ✿ *

در سال ۱۳٤۰ هجری‌شمسی/ ۱۹٦۲ میلادی که به‌دعوت‌شورای‌روابطفرهنگی هند ، به آن کشور رفته بودم قسمت‌هایی‌ازاین ترجمه آمادهٔ چاپ بود و آنرا از نظر استاد ارجمند دکتر تاراچند گذرانیدم.

در روزهای اهدای کتاب سرّ اکبر (ترجمهٔ فارسی پنجاه اوپانیشاد) به حضرت دکتر رادها کرشنن ، و شادروان جواهرلعل‌نهرو دربارهٔاین ترجمه‌و لزوم چاپ و انتشار آن ، علامه‌تاراچند بیاناتی‌ایراد کردو تکلیف‌نمود که‌هرچه زودتر آنرا انتشاردهم و دکتررادها کرشنن و نهرو مرا به انجام این خدمت تشویق فرمودند. هرچنداین‌کاربس دشوارو بزرگ بود ، اما برای تشیید روابط

گاوان شیر ده علاوی شیر خود را به قانون تقدیم میکنند .

در ماندالای اول سرود دوم خطاب به وایو (باد) چنین آمده است :

میترا و وارونا شما عاشقان و عزیزداران قانون به‌وسیلهٔ قانون، نیروی توانای خود را بدست آورده‌اید .

و نیز در ماندالای دهم سرود ۱٦۸ خطاب به «وایو» گفته شده است :

۳ـ چون‌راه خودرا درمیان هوا باشتاب‌می‌پیماید هرگزآرام‌نمی‌پذیرد.

دوست آب‌ها ، نخست‌زاد ، قانون پذیر ، او درکجا تولد یافته وازکجا برخاسته است ؟!

در ماندالای اول‌سرود ۱۰۵ خطاب به وشودیوها (همهٔ‌خدایان) چنین آمده است :

۱۲ ـ ای خدایان جمع شوید تا سرود ستایش تازه ساختهٔ محکم برای شما خوانده شود .

وزش طوفان‌ها قانون است ، نور منبسط خورشید حقیقت است .

۱۶ ـ مسیر خورشید در آسمان برای تجلیل و تعظیم ساخته شده است، و نباید مورد تجاوز قرار گیرد .

ای خدایان! ای موجودات فانی! شما نیز آنرا نمی‌نگرید .

در ماندالای اول سرود ۱۲۳ خطـاب بـه اوشس (سپیده دم) در بارهٔ قانون ابدی چنین آمده است :

٦ ـ بامدادهای رخشان گنج‌های زیبا راکه تاریکی پنهان کـرده بود آشکار میسازند.

۷ ـ آن‌یکی میرود، وآن دیگر می‌آید. دو نیمهٔ مختلف‌اللون‌روز درپی یکدیگر درگذرند .

۸ ـ امروز در همان شکل ، و فرداهم در همان شکل، آنها هنوزقانون ابدی وارونا را نگاه میدارند .

۹ ـ آن‌دوشیزه قانون را نمیشکنند، و همه روزه به‌محل معهود می‌آیند.

و نیز در ماندالای چهارم سرود ۵ خطاب به اگنی باین تقریب گفته شده است :

۱۱ ـ بااحترام‌من‌قانون را اعلام میدارم ، ای اگنی آنچه هست‌به‌فرمان تواست ، ای‌جات‌ویداس (دانندهٔ‌همه و آفرینندهٔ آفرینش)!

درماندالای‌چهارم سرود۳ خطاب به‌اپری‌ها (موجودات الهی‌یاموجوداتی که‌بدرجهٔ الوهیت رسیده‌اند) چنین مذکوراست :

توجه کامل و علاقهٔ وافر داشت و حتی در مقام ریاست جمهوری هند نیز از مطالعهٔ کتب عرفانی و دواوین سخن سرایان فارسی گوی منفك نمی‌ماند و هرروز دقایقی چند از وقت گرانبهای خویش را صرف مطالعهٔ اینگونه کتاب‌هامیکرد و در آخرین روز حیات هم دیوان حافظ را در کنار بسترخود داشت .

* ✿ *

در خاتمه لازم و واجب است از جناب آقای دکتر تاراچند عالم بزرگ و برجستهٔ هند، و آقای علی‌اشرف شیبانی دانشمند ایرانی که‌در کار ترجمهٔ این کتاب کمك های ذیقیمت و ممتد فرموده‌اند سپاسگزاری نمایم . اگر مساعدت های پی گیر و یاری‌های مداوم آقایان دکتر تاراچند وعلی‌اشرف شیبانی نبود، هرگز این کتاب باینصورت به‌دست خوانندگان نمیرسیدومن صمیمانه مدیون‌زحمات و خدمات این دواستاد ارجمند هستم .

ازهمکاری‌ها ومساعدت‌های گرانبهای آقایان محمودتفضلی‌رایزن‌فرهنگی سابق ایران در هند و نپال، و هاشم کاردوش جانشین شایسته و ارجمند ایشان که با ارسال کتاب‌ها و اسناد ومدارك مورد لزوم به پیشرفت کار من کمك‌های مؤثری مبذول فرموده‌اند، سپاسگزارم .

همچنین‌ازآقای‌امام‌الرحمن‌دبیردانشمندومحترم‌شورای‌روابطفرهنگی‌هند که باارسال کتب عدیده به‌پیشرفت کاریاری فرموده‌اند تشکر دارم .

ازآقای دکترمهتاب نارایین‌ماتور دوست هندی‌خود که‌درترتیب وتنظیم فرهنگك الفبائی کتاب به‌من کمك نموده‌است امتنان دارم .

ازآقای عبدالله ملکی مدیر محترم شرکت‌چاپ تابان ، و همچنین ازکلیهٔ کارکنان این شرکت که برای چاپ این کتاب‌زحمت کشیده‌اند، تشکر مینمایم.

تهران ـ بتاریخ چهارشنبه بیستم فروردین ماه ۱۳۴۸ هجری شمسی، برابر بیست و یکم محرم‌الحرام سال ۱۳۸۹ هجری قمری،موافق نهم آوریل ۱۹۶۹ میلادی . والسلام علی من اتبع‌الهدی.

سید محمد رضا جلالی نائینی

معنوی ایران و هند- دو کشوری که تاریخ و فرهنگ مشترك دارند- و گسترش دامنهٔ زبان فارسی درسرزمین هند کارترجمه وچاپ سرودهای ریگ ودا را تعقیب کردم، و اینك پس از گذشت بیش از هشت سال جلد اول ترجمهٔ فارسی گزیدهٔ سرود هـای ریگ ودا در دسترس ارباب فضل ودانش قرار میگیرد؛ باشد که مورد قبول محققان و دانشمندان واقع شود .

این کتاب تقریباً بههمهٔ زبانهای زندهٔ دنیا ترجمه شده است وسالیان دراز هند شناسان فرنگی برای ترجمهٔ آن عمر خود را صرف نموده اند . ما دراین ترجمه از تحقیقات غالب مترجمان و مفسران معروف اروپایی ریگ بید از قبیل: ویلسون ، وگریفیت، وتوماس ، وماکدونل ، و ورت ، و برگین، ولولی رنو، و پولرنود ، وماکس مولر، وگرسمن و غیرآنها استفاده کرده ایم، همچنان که ازتحقیقات علمای بیددان هند ، فوائدبیشماری برگرفته ایم.

دراینجا اقتضاء دارد ازعالم بزرگ و سیاستمدار برجستهٔ هند، شادروان دکتر ذاکر حسین - رئیس جمهوری سابق هند - که خدای خاکش راخوشبوی گرداند - نام ببرم .

در فروردین ماه سال ۱۳٤۷ هجری شمسی /۱۹٦۸ میلادی نیز که بدعوت شورای روابط فرهنگی هند از آن کشور دیدن کردم - درمعیت دوست ارجمندم آقـای هاشم کاردوش بحضور حضرت ذاکر حسین رسیدم . قبلا درسالهای ۱۹۵۳ میلادی در دانشگاه علیگره، و در سال ۱۹٦۲ در پتنه محضر ایشان رادریافته بودم . در این دیدار بمعظم له عرض شد در سه مقام مختلف ، یعنی: ریاست دانشگاه اسلامی علیگره ، و حکمرانی بیهار ، و ریاست جمهوری هندحضرتتان را زیارت کرده ام، دکتر ذاکر حسین باوقار توأم بـاتواضع و آمیخته باخفض جناح چنین فرمود: مثل من مشابه مثل انگلیسی «سنگ غلطان» است (۱) . در این میان هاشم کاردوش گفت: البته سنگ گرانبهاوجواهر ذیقیمت. سپس دکتر ذاکر حسین دربارهٔ لزوم تشییدروابط همه جانبهٔ ایران و هندسخن گفت وکلام پر مغز وپرمعنی خودرا با این بیت نظیری نیشابوری تمام کرد:

چراغ صومعهها زنده میتوان کردن
به دوستی تو ، اعنی به سوز سینهٔ ما

دکتر ذاکر حسین مانند: مولانا ابوالکلام آزاد- علامهٔ شرق- ودکتر محمد اقبال لاهوری ، و بسیاری دیگر از رجال علم و ادب هندوستان به زبان و ادب فارسی

(۱) اشاره است بهضرب المثل: Rolling stone gatters no moss
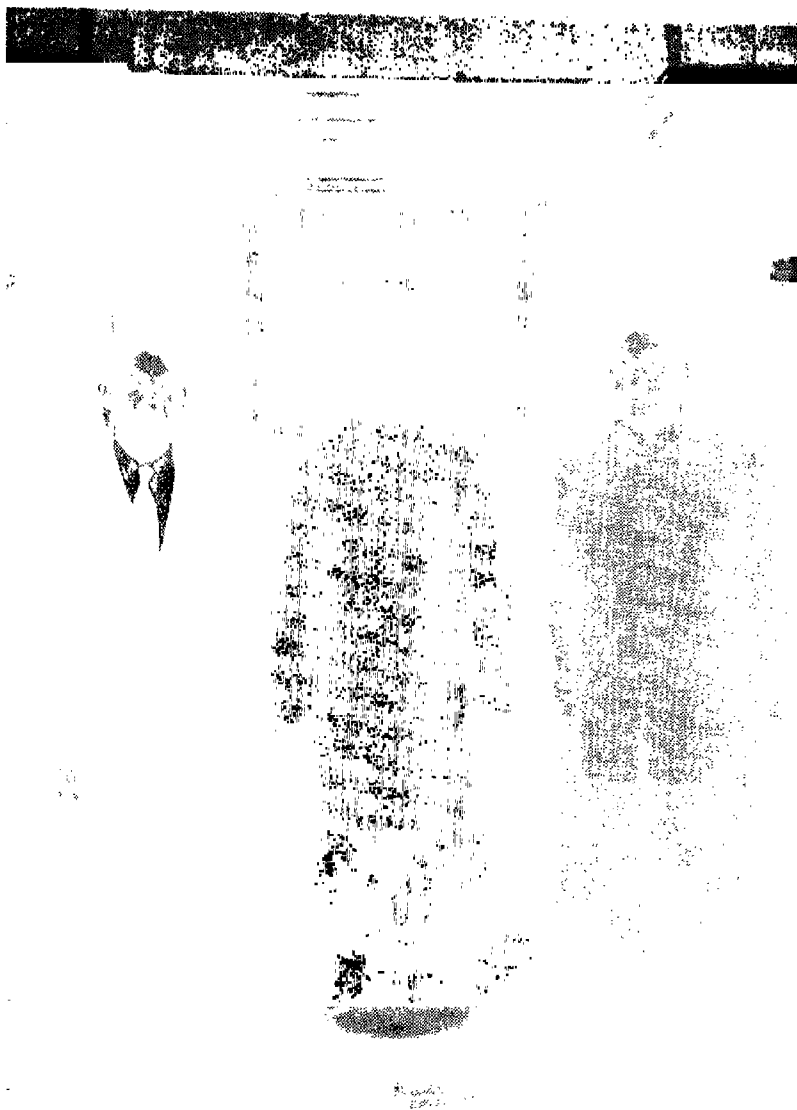
از راست به چپ: علامه دکتر تاراچند ، حضرت دکتر رادها کرشنن و جلالی نائینی در عکس بالا دیده میشوند.
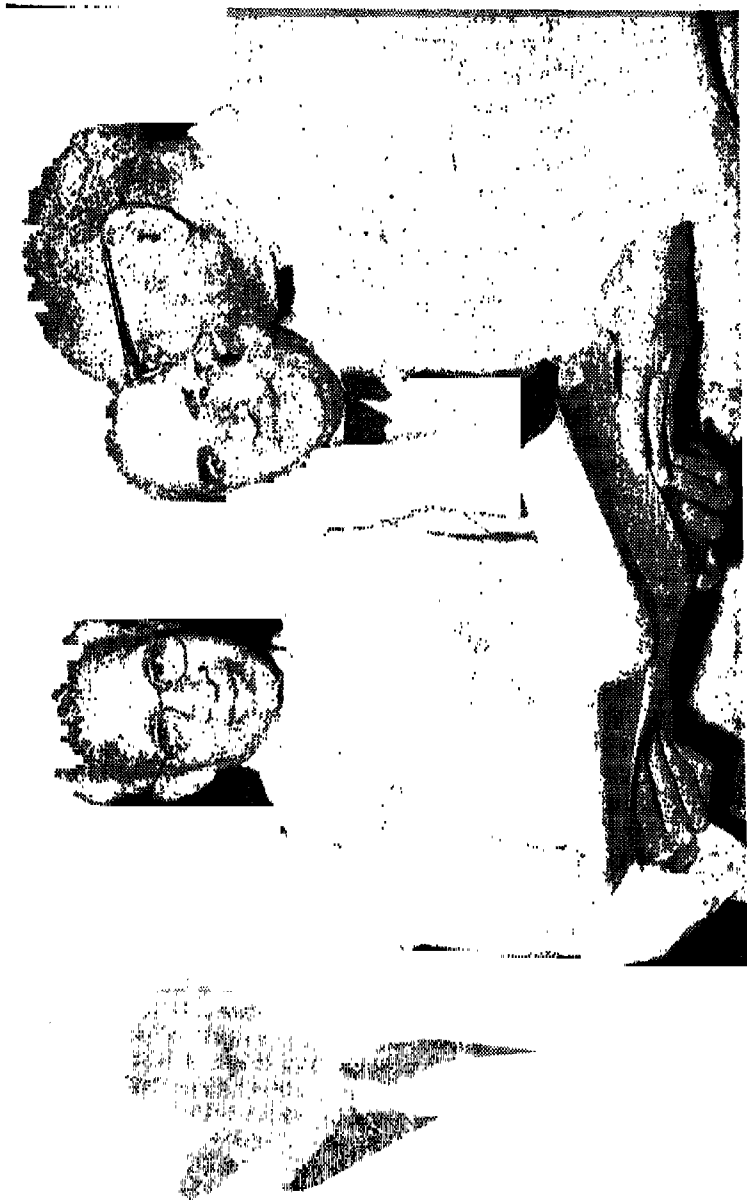
اهدای کتاب ترجمهٔ فارسی اوپانیشادها به حضرت دکتر رادها کرشنن در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی
ازچپ براست : جلالی نائینی ، حضرت دکتر رادها کرشنن ، جناب آقای مسعود انصاری، و استاد تاراچند

شرح این گراور در پشت صفحه
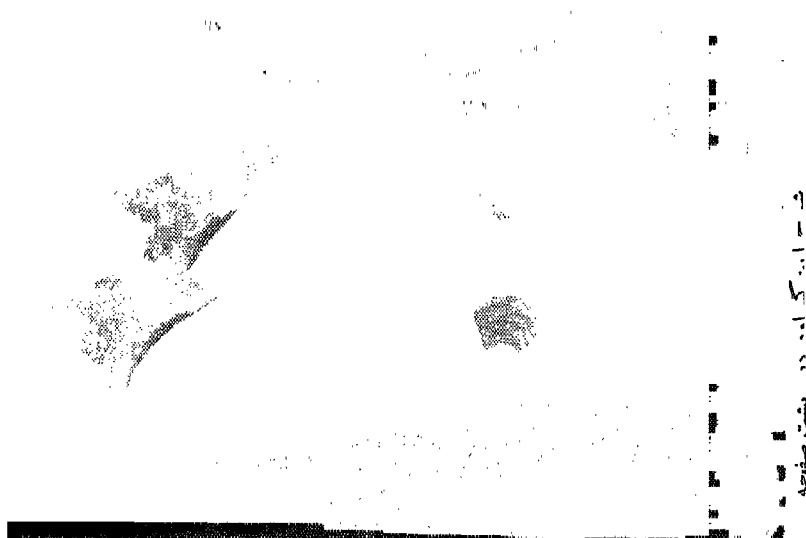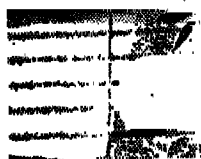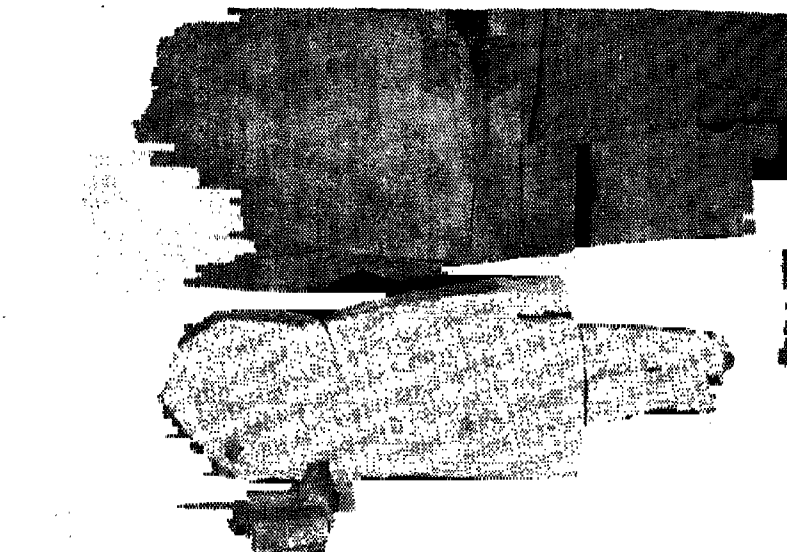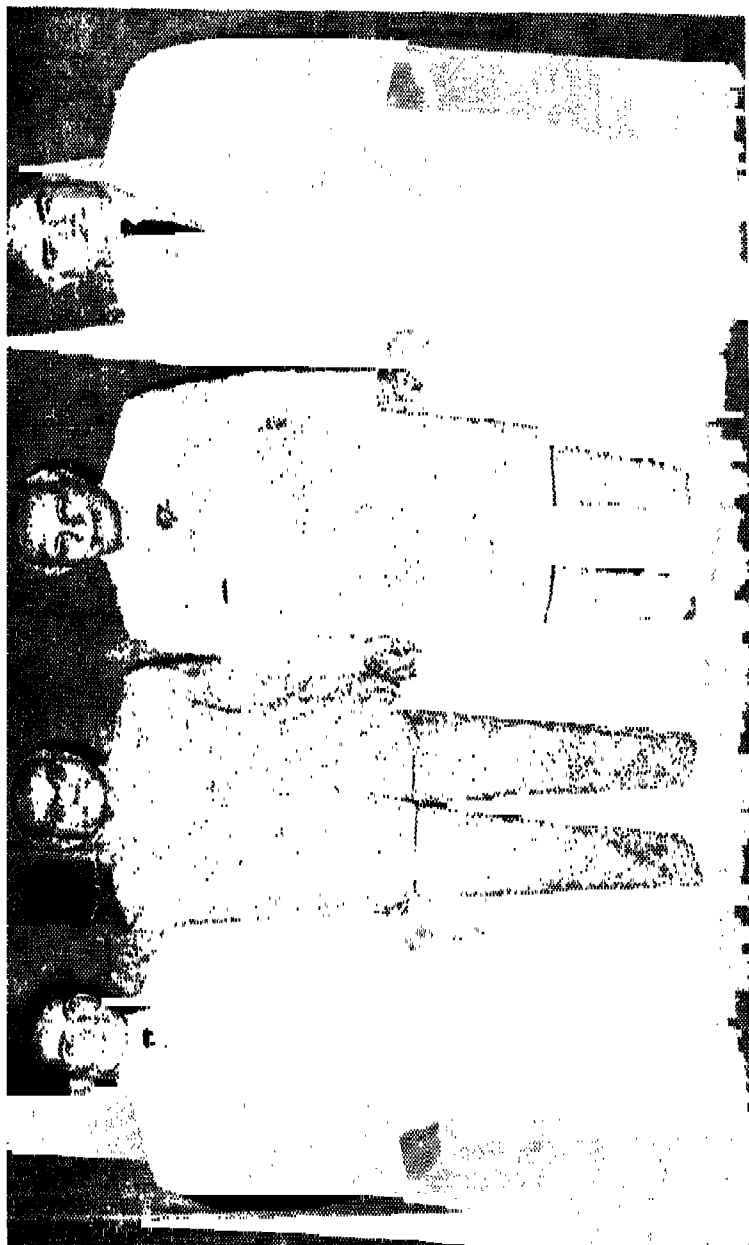
از راست به‌چپ: جناب آقای مسعود انصاری سفیر کبیر ایران، حضرت جواهر لعل نهرو، جناب استاد دکتر تاراچند، و جلالی نائینی در تصویر بالا دیده میشوند

درمراسم اهدای ترجمهٔ فارسی اوپانیشادها (کتاب سرّ اکبر) درسال ۱۳۴۱ هجری شمسی، جواهر لعل نهرو ترجمهٔ فارسی اوپانیشادها را که به آن جناب اهدا شده ملاحظه مینماید و درپیرامون لزوم گسترش روابط فرهنگی ایران و هند سخن میگوید. از راست به چپ: استاد تاراچند، جواهر لعل نهرو، عبدالحسین مسعود انصاری، جلالی نائینی، ومحمود تفضلی رایزن فرهنگی ایران درهند.

رِگ‌وِدا

NĀSADĪYA

नासदासीन्नो सदासीत्तदानीं
नासीद्रजो नो व्योमा परो यत् ।
किमावरीवः कुह कस्य शर्म-
न्नम्भः किमासीद्गहनं गभीरम् ॥ १ ॥

न मृत्युरासीदमृतं न तर्हि
न रात्र्या अह्न आसीत्प्रकेतः ।
आनीदवातं स्वधया तदेकं
तस्माद्धान्यन्न परः किं चनास ॥ २ ॥

तम आसीत्तमसा गूळ्हमग्रे-
ऽप्रकेतं सलिलं सर्वमा इदम् ।
तुच्छ्येनाभ्वपिहितं यदासी-
त्तपसस्तन्महिनाजायतैकम् ॥ ३ ॥

कामस्तदग्रे समवर्तताधि
मनसो रेतः प्रथमं यदासीत् ।
सतो बन्धुमसति निरविन्द-
न्हृदि प्रतीष्या कवयो मनीषा ॥ ४ ॥

तिरश्चीनो विततो रश्मिरेषा-
मधः स्विदासी३दुपरि स्विदासी३त् ।
रेतोधा आसन्महिमान आस-
न्त्स्वधा अवस्तात्प्रयतिः परस्तात् ॥ ५ ॥

1. Nāsadāsīnno sadāsit tadānīm nāsīdrajo no vyomā paro yat.
   Kimāvarīvah kuha kasya Śarmannambhah kimāsīdgahanam gabhīram.
2. Na mṛtyurāsīdamṛtam na tarhi na rātryā ahma āsīt praketah.
   Anīdavātam swadhayā tadekam tasmād-dhānyanna parah kim canāsa.
3. Tama āsīt tamasā gūhvamagre praketam salilam sarvamā idam.
   Tucchyenābhvaphitam yadāsīt tapasastan-mahināāyātaikam.
4. Kāmastadagre samavartatādhi manaso re-tah prathamam yadāsīt.
   Sato bandhumasati niravindan hṛdi pratīṣyā kavayo manīṣā.
5. Tiraścīno vitato raśmireṣā madhah svidā-sīdupari svidāsīt.
   Retodhā āsan mahimana āsan tsvadhā ad-hastāt prayatih parastāt.
6. Ko addhā veda ka iha pra vocat kuta ājātā kuta iyam visṛṣtih.
   Arvāgdevā asya visarjanenā thā ko veda yata ābabhūva.
7. Iyam visṛṣtir yata ābabhūva yadi vā dadhe yadi vā na.
   Yo asyādhyakṣah parame vyoman tso aṇga veda yadi va na veda.

को अद्धा वेद क इह प्र वोच-

त्कुत आजाता कुत इयं विसृष्टिः ।

अर्वाग्देवा अस्य विसर्जनेना-

था को वेद यत आबभूव ॥ ६ ॥

इयं विसृष्टिर्यत आबभूव

यदि वा दधे यदि वा न ।

यो अस्याध्यक्षः परमे व्योम-

(۱) न्त्सो अङ्ग वेद यदि वा न वेद ॥ ७ ॥

---

(۱) سرود بالا با حروف لاتین درصفحهٔ بعد درج میشود وسپس ترجمهٔ فارسی آن ازنظرخوانندگان میگذرد .

1. Nāsadāsīnno sadāsit tadānīm nāsīdrajo no vyomā paro yat.
Kimāvarīvah kuha kasya Śarmannambhah kimāsīdgahanam gabhīram.
2. Na mṛtyurāsīdamṛtam na tarhi na rātryā ahma āsīt praketah.
Ānīdavātam swadhayā tadekam tasmād-dhānyanna parah kim canāsa.
3. Tama āsīt tamasā gūhvamagre praketam salilam sarvamā idam.
Tucchyenābhvaphitam yadāsīt tapasastan-mahināāyātaikam.
4. Kāmastadagre samavartatādhi manaso re-tah prathamam yadāsīt.
Sato bandhumasati niravindan hṛdi pratīṣyā kavayo manīṣā.
5. Tiraścīno vitato raśmireṣā madhah svidā-sīdupari svidāsīt.
Retodhā āsan mahimana āsan tsvadhā ad-hastāt prayatih parastāt.
6. Ko addhā veda ka iha pra vocat kuta ājātā kuta iyam visṛṣtih.
Arvāgdevā asya visarjanenā thā ko veda yata ābabhūva.
7. Iyam visṛṣtir yata ābabhūva yadi vā dadhe yadi vā na.
Yo asyādhyakṣah parame vyoman tsó aṅga veda yadi va na veda.

को अद्धा वेद क इह प्र वोच-

त्कुत आजाता कुत इयं विसृष्टिः ।

अर्वाग्देवा अस्य विसर्जनेना-

था को वेद यत आबभूव ॥ ६ ॥

इयं विसृष्टिर्यत आबभूव

यदि वा दधे यदि वा न ।

यो अस्याध्यक्षः परमे व्योम-

(۱) न्त्सो अङ्ग वेद यदि वा न वेद ॥ ७ ॥

---

(۱) سرود بالا با حروف لاتین درصفحهٔ بعد درج میشود وسپس ترجمهٔ فارسی آن ازنظرخوانندگان میگذرد .

آن اولین بذر بود که فکر محصول آن است.

دانشمندان که دردل خویش به نیروی دانش جستجو میکنند،

قید وجود را ازعدم دریافته‌اند،

۵ـ شعاع آنها روشنائی را در تاریکی گسترش داد:

ولی آیا فرد یگانه دربالای آن بود، یا درزیر آن؟ قدرت

خلاقه وجود داشت ونیروی ایجاد:

درزیر قدرت بود، ودربالا امر.

۶ـ کیست که بیقین بداند، و کیست که آنرا در اینجا بیان

کند؟

در کجا تولد یافت، ودر کجا این آفرینش بوجود آمد.

خدایان بعداز خلقت جهان پیدا شدند؟

پس که میداند آفرینش ازکجا سرچشمه گرفته‌است؟

۷ـ هیچکس نمیداند که آفرینش از کجا برخاسته است،

وآیا اوآنرا بوجود آورده، یانه؟

آن که برعرش اعلی ناظر برآن است، تنها او میداند، و

شاید اوهم، نداند.

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۲۹)

۱

سرود خلقت

۱ـ آن هنگام نه نیستی بود ، ونه هستی :
نه‌هوائی (جوی) بود ، ونه‌آسمانی که ازآن برتراست .
چه پنهان بود ، درکجا ، درظل حمایت‌کی ؟ آیاآب ژرف بی‌پایانی وجود داشت ؟
۲ـ آن‌هنگام نه مرگ بود ، ونه زندگی جاویدی ، و نه نشانه‌ای ازشب وروز .
به‌نیروی‌ذات خود ، فردیگانه‌بی‌حرکت (باد) تنفس‌میکرد؛
جزاو هیچ‌چیز وجود نداشت .
۳ـ درآغاز تاریکی درتاریکی نهفته بود .
هیچ علامت مشخصی نبود ، همه‌جا آب بود .
آن‌فرد به نیروی حرارت بوجود آمد .
٤ـ درابتدا خواهش (خواستن) درآن فرد پیدا شد :

---

(۱) عنوان این‌سرود دربعضی از متون سانسکریت : «ناسدیه Nāsadīya (عدم وجود) است ، ولی ما به پیروی از برخی مترجمین دیگر ، آنرا سرود خلقت نامیدیم .

آن که این قسمتهای فضاء از اوست ، و آن که بازوان به او تعلق دارد .

پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟

۵ ـ آن که به او آسمان محکم و زمین پا برجاست ؛ و آن که به او آسمان‌ها و کرهٔ آفتاب ثابت‌اند ، وآن که اندازهٔ آب در افلاك است .

پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟

٦ ـ آن که آسمان ، وزمین به حمایت او بوجود آمدند ، و به روشنی درخشان است .

با فکر خود اورا مینگرد ، وخورشیدطالع در او میدرخشد،

پس ستایش و نذر خودرا به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟

۷ ـ هنگامی که آب‌های بی‌پهنا جهان را که شامل جرثومه بود فرا گرفت ، وا گنی را به‌وجود آورد ، در آن زمان تنها نفس خدایان پیدا شد .

پس ستایش و نذر خودرا بسوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟

۸ ـ آن که بقدرت خویش آب‌ها را در اطراف نگاه داشت ، وشامل نیروی خلاقه بود ، وقربانی را بوجود آورد .

آن که درمیان‌خدایان بالاترین خدای یکتا بود .

پس ستایش ونذر خودرا بسوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟

۹ ـ او که پدر زمین است ، وبی‌اشتباه‌جهان براو متکی‌است،

۲

پیدائی جهان

۱ـ درآغاز «هرن گربهه» بود ، چون بوجود آمـد یگانه خداوند آفرینش بود .

اوزمین ، وآسمان‌را نگاه می‌داشت .

پس ستایش و نذر خود را به‌سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟.

۲ـ بخشندهٔ روح ، و دهندهٔ نیرواست ، و فرمان اورا (حتی خدایان دیگر) به‌جا می‌آورند .

خداوند مرگ‌است ، وسایهٔ او ابدیت‌است .

پس ستایش ونذر خودرا به‌سوی چه‌خدایی تقدیم نمائیم ؟.

۳ـ (به او) که ببزرگی خویش یگانه پـادشاه جهان نفس کشنده و بیننده است ،

وبرمجموع دوپایان وچهارپایان حکم میراند .

پس ستایش ونذر خود را به‌چه خدایی تقدیم نمائیم ؟.

٤ـ آن که بعظمت‌او این کوه‌های‌پوشیده ازبرف موجوداست، آن که مردم اورا مالك دریاها و رودخانه‌ها میدانند ؛

۳

ستایش: اندرا INDRA

۱ ـ من پیش از روزگار «مانو» بودم، من «سوریه» بودم،
من «ککشیوان» دانشمند، وسرایندهٔ مقدس هستم.
من بر «کوتسه» پسر «ارجونی» مسلط شدم.
من «اوشان» خرمندم؛ مرا بنگرید.
۲ ـ من زمین را به «آریه» بخشیدم، وباران را به مردی که
برای من نذر می‌آورد.
من آب‌های خروشان را رهبری میکنم، وخدایان بخواهش
من در حرکت‌اند.
۳ ـ در نشاط «سوما» من‌قلاع نودونه‌گانهٔ «شمبره» را ویران
ساختم؛
وبفرجام صدمین منزلگاه را هنگامی که «دیوداس اتهتگوه»
را یاری می کردم.
٤ ـ این پرنده بالاتر از همهٔ پرندگان مقام دارد،
ای «مروت» ها! این شاهین‌کشتی آسا بر همهٔ مرغان

و آسمان را به‌وجود آورده ، و آب‌های بی‌پهنا و ژرف و دل‌انگیز را آفریده است ؛ باشد که او ما را گزندی نرساند .

پس ستایش و نذر خودرا به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟

۱۰ ـ هیچکس جز تو ای « پرجاپتی » وجود را به همهٔ این موجودات نداده است .

باشد که حاجات ما که به‌منظور آنها برای‌تو قربانی‌میکنیم، روا گردد .

باشد که صاحب ثروت شویم .(۱)

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۲۱)

---

(۱) سرود بالاخطاب‌به: «که Ka (Kah) است. این کلمه‌بمعنی «کی؟» است ، و از آن ظاهراً خدای نامشخصی منظور میباشد واحتمالاتام پرجاپتی یا دیگر خدایان است .

خطاب به : اوشس USAS

۱ـ سپیده دم دختر آسمان برخاسته‌است ؛ اومی‌آید، وجلال خویش‌را باروشنائی نمایان میسازد ؛

اودشمنان مارا وهمچنین تاریکی مذموم‌را پراکنده میکند ، وراههارا روشن مینماید تا (موجودات زنده) از آنها بگذرند .

۲ـ امروز برما موجب برکت بزرگ باش، ای «اوشس» که (برانگیزندهٔ) سعادت عظمی هستی .

مارا ثروت‌بخش، وشهرت‌شگرف عطافرما ؛ ای‌نیکخواه‌الهی بشر به مردم‌فناپذیراخلاف نرینه عطا کن .

۳ـ اشعهٔ شگفت ابدی سپیده دم زیبا ظاهرمیشود ، و بمراسم پرستش پاك‌آلهی حیات می‌بخشد ، ودر اطراف‌پراکنده میشود ، و فلك‌را پرمیسازد .

٤ـ بامجاهده شتابان ازراه دور پیش می‌آید تا به پنج طبقه مردم (روشنائی بخشد)(۱) .

آن‌دختر آسمان ، ونیکخواه موجودات زنده، افکار مردم‌را

(۱) ظاهراً منظور از پنج طبقه مردم ، پنج طایفهٔ آریایی میباشد .

شکاری سرور است ؛

زیرا این(پرندهٔ) سخت‌چنگال بی‌آنکه هیچ گوشی،آوایش را بشنود ، نذور خدا پسند را به سوی «مانو» آورد .

۵ ـ هنگامی که این پرنده ، آن نذر را آورد ، با حرکت سریع آنرا در راهی فراخ فرستاد که به سرعت خیال در حرکت بود .

بشتاب برگشت وحلاوت «سوما» را بیاورد ، واز آن‌جا است که این شاهین بکسب افتخار نائل آمد .

۶ ـ با حمل ساقه‌های (بوتهٔسوما) آن شاهین تیز پر ، مرغی که آن (گیاه) سرورآوررا از دور می‌آورد ؛

دوست خدایان «سوما» را محکم گرفت و بیاورد ، «سوما»یی که آنرا از بالاترین آسمان‌ها برگرفته بود .

۷ ـ آن شاهین که«سوما» را برگرفت وبیاورد ، هزار،بلکه ده هزار نذر با خود داشت .

آن فرد شجاع که بدی‌ها را در پشت‌سر گذاشت ،

آن دانایی که‌درنشاط وسرور «سوما» ، نادان‌را فرو گذاشت.

(ماندالای چهارم ـ سرود ۲۶)

۵

ستایش آدیتیاها Aidtyas

۱ـ باشد که دراثر حمایت «آدیتیا» ها ، ماازمنزلگاه‌راحت نوینی بهره‌مندشویم ؛
باشد که «آدیتیا» های تندرو به ستایش‌های‌ماگوش‌فرادهند ، واین پرستندهٔ خودرا دربیگناهی واستقلال حفظ کنند .
۲ـ باشد که «آدیتیا» ها ، و «ادیتی» ، و «میترا»ی راستکار ، و «اریمن»، و «وارونا» ، (ازاین‌نذر) شادمان شوند ؛
باشد که نگاهدارندگان جهان، نگاهدارما نیز باشند؛ باشد که امروز برای نگاهداری‌ما «سوما» را بنوشند .
۳ـ همهٔ «آدیتیا»ها، همهٔ «مروت» (ماروت)ها، همهٔ‌خدایان ، همهٔ«ریبهو»ها .
و «ایندرا» ، و «اگنی» ، و «اشوین»هارا (ما) تجلیل‌کرده‌ایم؛ همهٔ شما به‌ما برکت بخشید .

(ماندالای هفتم ـ سرود ۵۱)

مشاهده میکند.

۵ـ عروس «سوریه»، بخشندۀ (رزق) ، وصاحب ثروت فراوان به‌گنجها و اموال (گوناگون) حکومت میکند.

ستودۀ (ریشی) ها ، تلف کنندۀ زندگی ، پرورد کار نعمت برمی‌خیزد، وقتی که تقدیم‌کنندگان نذور اورا تجلیل‌مینمایند.

۶ـ اسب‌های عجیب نورانی که «اوشس» درخشان‌را می‌آورند، هویدا میگردند .

اودر ارابۀ همه سوروان خویش ، پیش می‌آید ، اوبه مردی که مراسم مقدس‌را انجام میدهد، ثروت می‌بخشد .

۷ـ با راستان راست ، وبا بزرگان‌بزرگ ، وبا خدایان‌آلهی؛ وبا معبودان معبود .

او (غم‌های) مهم‌را برطرف میسازد ، و (چراگاههای) گاوان راآشکار میکند؛

همۀ آفریدگان ـ به‌ویژه‌گاوان ـ مشتاق سپیده‌دم هستند .

۸ـ ای «اوشس» ! مارا ثروت‌بخش‌که شامل‌گاوان، واسبان، وروزی فراوان، وپسران باشد ؛

مبادا که قربانی‌ما درمیان مردم ایجاد ملامت نماید ، و شما (ای‌خدایان) همیشه مارا برکت عطافرمایید.

(ماندالای هفتم ـ سرود ۷۵)

بیگانه‌ای شد .

۵ـ آن که توانگر است، باید به‌محتاجان ببخشاید،ومدار زندگی آینده را در نظر آورد ؛ زیرا که مال چون چرخ ارابه در گردش است، امروز دست یکی، وفردا دست دیگری خواهد بود .

۶ـ مردی که مهمان نواز نیست، بیهوده درپی‌غذاست ؛ من به راستی میگویم : این مرگ او است ؛ او نه « اریمن» ونه دوستی را عزیز میدارد، آن که تنها غذا میخورد جز گناهکارچیز دیگر نیست.

۸ـ گاو آهنی که زمین رامیشکافد ، محصولش ارزاق است ؛ آنکه‌پای خودرا بحرکت درمی‌آورد، سفررا پایان میرساند .

براهمن گویا بیش از براهمن خاموش نصیب میبرد،

دوست بخشنده از لئیم وخسیس بهتراست .

۸ـ آن که یك‌پا دارد ، ازدوپاپیشی گرفته‌است ،وآن که دوپا دارد، به‌سه‌پا، رسیده است .

مخلوقات‌چهارپا، وقتی که‌دوپاها آنها را میخوانند ،می‌آیند، وایستاده به‌جایی که پنج تاگرد آمده‌اند ، مینگرند (۱)

---

(۱) بعضی از مفسران : « ریگ ودا » برآنند که منظور از عبارت : «اِکه‌پاد êkApad» (یك‌پا) خورشید میباشد، زیرا خورشید زندهٔ جاویدیك‌پا « Aja-êkapad » است. و مقصود از دوپا، « انسان» ، واز«سه‌پا» پیر مردی که باعصا راه میرودوقطعاً درپیمودن راه‌سرعتش‌ازسرعت کسی که محتاج عصانیست کمتراست. ومقصود از«چهارپا» «سگ» است . معمولا سگ‌ها در ابتدا مطمئن نیستند که صاحبشان در میان جمع باشد و مقصود از «پنج‌پا» چند نفرند که گردهم آمده باشند .

ستایش : دانه Dāna

۱ـ خدایان گرسنگی را وسیلهٔ کشتن قرار نمیدهند ،
مرگ بیشتر حتی به سراغ مردان سیر نیز میرود .
بخشندهٔ نیکوکار هرگز ازمیان نمیرود ،
لئیم هیچگاه کسی را نخواهد یافت که براو ترحم کند .

۲ـ آن که صاحب رزق فراوان است ، و حتی سائل پیر ، و زمینگیر ـ و نیازمندی که ازوابستگان سابقش باشد ـ و از اوطلب نان کند و دل خود را نسبت باو سخت نماید ، چنین مردی هم کسی را نخواهد یافت که براو ترحم کند .

۳ـ رادمرد آن است که بهمستمندان ناتوان دوره گرد که در طلب غذاست کمك کند ، وچون از او یاری جوید ، فوری بیاریش بشتابد ، وسپس او را درزمرهٔ دوستان خود قرار دهد .

۴ـ آن که مال خویش را ازدوست یکدل وصمیمی دریغ دارد دوست نباشد ، ازچنین دوستی باید چشم پوشید ،
پناهگاهی نیست و باید برای کمك در جای دیگر دست به دامن

۸

ستایش اشوین‌ها

۱ - ای «اشوین»های درخشان ! با اسب‌های نجیب خود بیائید، وسرود خدمتگزار خویش را بپذیرید .

ای خدایانی که کارهای شگفت میکنید ، از این نذور که ما برای تهنیت شما می‌آوریم ، لذت برید .

۲ - شیره‌های شادیبخش (سوما)، درپیش شمامهیاست ، بشتابید و از نذرمن بهره برگیرید .

ازضیافت دشمن‌ما بگذرید ، ومارا بشنوید .

۳ - ای اشوین‌ها! ارابهٔشما باصد کمك، شمارا باسرعت‌خیال درمیان عوالم (نواحی) میگذراند .

شما که دارای «سوریا» هستید، به‌سوی‌ما بشتابید .

٤ - ای پرستندگان خدایان ! کی این سنگ (آسیای) شما بحرکت در می‌آید ، و چون چرخشت سوما برای شما به صدا درخواهدآمد ؟!

باشد که روحانیون بوسیلهٔ نذور ای زیبایان ، شما را

۹ـ دو دست با یکدیگر شباهت دارند، اما کارهای آنها

مختلف است.

مقدار شیر دو گاو (شیرده) که باهم خواهرند، متفاوت است،

حتّی توأمان (دوقلو) درقدرت ونیروباهم یکسان نیستند.

دوخویشاوند درثروت باهم فرق دارند.

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۱۷)

۹

ستایش : اگنی Agni

۱ ـ برای «جات ویداس»، «سوما» را بفشارید ؛ باشد که او
ثروت بدخواه‌را ازبین ببرد.

باشد که «اگنی» مارا ازمیان‌مشکلات بگذارند،ومانندقایقی
که از میان رودخانه میگذرد ، ما را از میان غم‌عبور دهد .

(ماندالای‌اول ـ سرود۹۹)

بیاورند .

۵ ـ غذائی که شما دارید ، به‌راستی عجیب است ، شما آن‌را مانند مخزنی حیاتبخش به«اتری» میدهید که چون درپیش‌شماعزیز است، لطف‌شمارا می‌پذیرد.

۶ ـ هدیه‌ای که‌همه‌میتوانندبه‌دست‌آورند ، شمابه«چیه‌وانه» می‌بخشید وقتی که اوپیرمیشود ؛آن که نذرهارا به‌شما تقدیم‌نموده است، شما او را جمال ابدی بخشیدید .

۷ ـ آن‌هنگام که دوستان نا موافق «بهوجه» او را درمـیان اقیانوس رها کردند،

ای «اشوین»ها، اسب شما اورا نجات داد ـ آن که خدمتگزار باوفای شماست.

۸ ـ شماهنگامی که«وریکه»بکلی‌بی‌پا شده‌بود، یاری‌نمودید ، وقتی که«شایو»(نیز)شمارا میخواند، به او گوش فرا دهید .

شماشیر گاورا چون‌آب‌جاری ساختید؛ ای «اشوین»ها ، شما (زن) نازاد را به نیروی خویش تقویت کردید .

۹ ـ این‌سراینده، باسرود نیکوی خویش، وقتی که درسپیده دم باافکارشاد بیدار میشود، شمارا پرستش میکند .

باشد که گاو اورا باشیر خویش غذا دهد، وروزی بخشد، ای خدایان ، مارا همیشه بابرکت خود حفظ فرمائید .

(ماندالای‌هفتم ـ سرود ۶۸)

ستایش: اگنی Agni

۱ ـ ای اگنی! آن که ترا برافروزد، و باچمچهٔ (ملعقه) برافراخته، سه بار ترا غذا دهد،

باشد که او درجلال تو، به پیروزی رسد، و با نیروی دفاعی تو دانا شود، ای «جات‌ویداس» (دانندهٔ آفرینش)!.

۲ ـ آن که با رنج وزحمت برای تو هیزم می‌آورد، و به جلال «اگنی» توانا خدمت میکند.

آن که ترا درشامگاه، وبامداد برمی‌افروزد، کامگاروتوانگر میشود، و دشمنان خویش را هلاك میسازد.

۳ ـ «اگنی» سرورِ سلطنت عالی‌است، «اگنی» خداوندنیرو و ثروت های عظیم است.

آن خدای‌قائم بنفس‌و برنا، به‌آن فناپذیری که اوراستایش میکند، گنج‌ها می‌بخشد.

٤ ـ ای خداوندجوان! هر گناهی که‌ما در صورت ابنای‌بشر از راه بلاهت در اینجا مرتکب شده‌ایم، درحضور «ادیتی» مارا از

۱۰

ستایش : اندرا Indra

۱ ـ باشد که هنوز (به آرامی) در لطف «ویشوانر» باقی بمانیم،
آری او پادشاه والای همهٔ موجودات زنده است.

هرچه را که او بر آن نظر انداخته، حیات یافته است .

«ویشوانر» رقیب : «سوریه» است.

۲ ـ «اگنی» در آسمان ، و زمین همه‌جا حاضر است ، همه
گیاهانی که درزمین میرویند، تحت فرمان اوست .

باشد که «اگنی» ، باشد که «ویشوانر» باقدرت وحضور خود
مارا شب‌وروزازدشمن حفظ فرمایند.

۳ ـ ای‌ویشوانر ، حقیقت تو به‌سوی‌ما معطوف باشد ،ثروت
راگرداگردما جمع آور .

این دعای مارا «وروتا» ، و«میترا» ، و «ادیتی»، و «سندهو» ،
و«زمین» ، و«آسمان» قبول فرمایند .

(ماندالای اول ـ سرود ۹۸)

ستایش : آگنی Agni

۱ ـ « اگنی » با نظر مرحمت به چشمهٔ ثروتهـای درخشان صبحگاهان نگریسته است .

ای «اشوین» ها ، به منزل پرهیز کاران بیائید ، « سوریه » بافروشکوه خویش ، درحال طلوع است .

۲ ـ «سویتر» خداوند درخشش(اشعهٔ) خویش را در افق اعلی انتشار داده است ،ورایت‌خود را چون قهرمانی که‌برای‌جمع‌غنائم میرود به اهتزاز درآورده است .

«ورونـا» ، و«میترا» راه‌ثابت‌خویش را می‌پیمایند،آن‌هنگام که‌آنها خورشیدرا درآسمان بالا میبرند .

۳ ـ آن که‌به کمك‌آنان (ورونا ـ ومیترا) ، تاریکـی را دور میسازد، آنها که‌خداوند منزل‌های امن‌اند ، ودر راه منظور خویش پا برجا میباشند .

آن که برین جهان مینگرد ، خدای آفتاب هفت مرکب نیرومند جهان‌اورا پیش میبرند.

گناه پاك ساز ؛

ای اگنی، از تقصیرات ما در گذر .

۵ ـ حتی با وجود گناهان بزرگ ، ما را از زندان خدایان، وآدمیان ، آزاد کن .

هرگز مبادا که ما دوستان تو رنجه شویم ، سلامت بزرگ و نیرو به اخلاف وفرزندان ما عطا شود .

۶ ـ ای خدایان اعلای مقدس ، همانگونه کـه شما گاوی را که پایش بسته بود ، رها ساختید ؛ ما را نیز از این رنج آزاد کنید .

ای اگنی ، عمر دراز به ما بده .

(ماندالای چهارم ـ سرود ۱۲)

۱۳

ستایش : اندرا Indra

۱ ـ «اندرا»ی «شت کرتو» (صد نیرو) که فراوانی لطف‌وسیع خویش را درهمه جا می‌پرا کنی ،
ای خداوند سلطنت نیکو ، و ای دوست همهٔ مردم ، ثروتی بافروشکوه به ما عطافرما .

۲ ـ غذائی که‌تو ای «اندرا»ی نیرومند، مالك آنی ، ودرخور آوازه است ،
و شهرت وغلبه ناپذیر (تو)در همه‌جا معروف است ،ای‌زرین فام ، بطلب .

۳ ـ ای پرتاب کنندهٔ سنگ‌ها ، نیروهائی که بطوع‌از ارادهٔ تو پیروی میکنند ـ تو و آنها ـ هردو از خدایانید ؛
شما فرمانروائی میکنید تازمین و آسمان را نگاه دارید .

٤ ـ ای کشندهٔ «وریترا» ، ازهریك نیروهائی که بشاید مارا قدرت‌پهلوانی بخش ،
تو که‌نسبت به‌ما مانندبشر لطف‌داری .

خود را می گستری ،

ای خداوند ، ردای‌سیاه‌فام‌را پاره میکنی، اشعهٔ «سو

بشدت میدرخشند تاریکی‌را چون‌مشك درآب فرومیبرند.

ه ـ چگونه است که او بی هیچ حد وپایه‌ای ، و با

به‌سوی پائین متمایل است نمی‌افتد ؟!

باچه نیروی درونی درحرکت است ؟

کی اورا دیده است ؟

او طاق سپهررا چون ستون برافراشته‌ای نگاه میدا

(ماندالای‌چهارم ـ سر

ستایش : میترا Mitra

۱ ـ «میترا»چون به‌سخن‌درآید ، مردم‌را به کاربرمی‌انگیزد،
«میترا» زمین ، و آسمان ـهردوـرا نگاه میدارد .
«میترا» مردم را با چشمانی که بسته نمیشود ، مینگرد.
باروغن مقدس برای «میترا» نذر بیاورید .
۲ ـ آن که برای تو (میترا) غذا آورد ، برترازهمه‌باشد ،
ای«میترا» ، آن که میکوشد تا قانون مقدس‌را نگاه دارد ،
«آدیتیا»(است).
آن که تو ، اورا یاری کنی ، هرگز کشته نشود ، و مغلوب
نگردد ؛ هیچ رنجی‌از دور،و نزدیك به‌اونرسد .
۳ ـ باشد که ما مسرور از غذای مقدس ، وفارغ ازبیماری،و
با زانوهای خم شدهٔ بر سطح زمین گسترده ، و با پیروی دقیق از
قوانین «آدیتیا» در رحمت‌لطف‌آمیز«میترا» باقی‌بمانیم .
٤ ـ این «میترا»ی قابل ستایش ، ومتبرك ، با پادشاهی زاده
شد ، پادشاه و بخشنده .

۲۶

۵ ـ در کهف حمایت تو ، با آن همه مساعدت‌های تو ، ای خداوند صدنیرو ،

ای اندرا ، باشد که ما بخوبی درامان باشیم ،

ای قهرمان ، باشد که ما بخوبی حفظ شویم .

(ماندالای پنجم ـ سرود ۳۸)

۱۵

ستایش: اگنی Agni

۱ ـ فرستادهٔ تو که مالك برهمه ، و جاویدان است ، وحامل عطایای تو میباشد ، بهترین پرستنده ، من او را باسرود می‌ستایم .

۲ ـ آن قادری که بنحوهٔ اعطای ثروت آگاه است ، اعماق زوایای آسمان را میشناسد ، او خدایان را به اینجا خواهدآورد.

۳ ـ آن که خودش خداست ، میداند که چگونه خدایان (دیگر) را به‌خانهٔ راستکار ، رهبری‌نماید .

اوحتی خزاینی راکه مطلوب ما است ، می‌بخشد .

٤ ـ او پیشرو ، و خبیر است ، و پیغام خویش را بـه همه‌جا میرساند ، و به اعماق زوایای آسمان آشنا است .

٥ ـ باشد که ما از آنها باشیم که «اگنی» را باقربانی‌هـای تقدیمی خود اقناع‌مینمایند ، واو راعزیز میدارند،و برمی‌افروزند.

٦ ـ آنهاکه «اگنی» را بـه احترام خدمت کرده‌اند ، در توانگری ، و اعمال قهرمانی مشهور،و پیروزند .

۷ ـ باشد که‌همه‌روزه ثروتی که‌موردآرزوی(مردم) بسیاری

باشد که ما از لطف مقدس او بهره‌مند شویم ، آری در مهربانی محبت آمیز ، وفراوان او باقی بمانیم .

۵ ـ آن «آدیتیا»ی بزرگ که باید او را بساپرستش خدمت کنیم ، ومردم را برمی‌انگیزد ، سراینده‌را قرین لطف خویش قرار میدهد .

به «میترا» که در خور والاترین ستایش است ، نذری‌را که‌او دوست دارد ، درآتش تقدیم نمائید .

۶ ـ لطف سودمند «میترا» ، خداوند ، و نگاهدارندهٔ نوع بشر ، شهرت اعلی و بالاترین جلال می‌بخشد .

۷ ـ میترا که جلال او دراقصی نقاط منتشر است ، درنیرو از آسمان درمیگذرد ، ودر شهرت (خویش) از زمین فزونی‌می‌یابد.

۸ ـ تمام «پنج نژاد» (۱) به«میترا» توسل‌میجویند که‌دریاری نیرومند میباشد ، چون او نگاهدارندهٔ همهٔ خدایان است .

۹ ـ «میترا» به‌خدایان ، و به‌مردم زنده ، وبه آن که علف مقدس رامی گسترد ، در اجرای قانون مقدس روزی‌میدهد .

(ماندالای سوم ـ سرود ۶۰)

---

(۱) همهٔ‌پنج‌نژاد : همهٔ‌مردم آریائی (همه قبایل وطوایف آریائی) .

۱۶

در ستایش: اگنی Agni

۱ ـ ای اگنی ، تو بزرگواری که بسوی این مرد پرهیزکار آمده‌ای،

لطف فرما و براین چمن مقدس بنشین.

۲ ـ باشد که آن یاور جاویدان که فریفتن او درمیان مردم بسیارمشکل است، پیامبر همه باشد.

۳ ـ آن گاه که رئیس روحانیون درتشریفات رسمی اورا در دور قربانگاه برای پذیرائی راهنمائی مینماید ، یاهنگامی که روحانی پاك کننده اورامینشاند.

٤ ـ «اگنی» در آتش قربانی ـ چون خداوندگار خانه ، ویا مانند براهمن ـ جلوس مینماید.

٥ ـ تو ماننده‌رهبر گروهی که قربانی‌را برپا میدارند ، و نذور مردم‌را می‌آورند ، می‌آئی .

٦ ـ تو بسان پیامبر آن کسی‌هستی که قربانی‌اورا نیکودوست داری، وتقدیمی‌های مردم را به‌آسمان، میبری .

است ، به‌سوی ما آید ؛ قدرت‌وتوانائی برای ما برویید(بوجودآید).

۸ ـ آن سرایندهٔ مقدس به نیروی خویش تیرهای خود را سریعتر از تندروترین تیرهای طوایف بشر پرتاب میکنند .

(ماندالای چهارم ـ سرود ۸)

۱۷

ستایش : سوماپومانه Soma Pavamāna

۱ـ باشد که «اندرا»ی«وریترا» کش در کنار(دریاچهٔ) «سریه ناوان» (۱)سوما را بنوشد، تا در دل خود نیرو ذخیره کند، وبرای کارهای قهرمانی آماده شود.

ای «اندو» جاری شو؛ برای خاطر «اندرا» جاری شو.

۲ ـ ای خداوند نواحی جهان،(۲) جاری‌شو.

ای«سوما»، ازسرزمین«آرجیکیه»(۳) بانشاط وبا ایمان، وبا سرورحقیقی قربانی .

ای اندو جاری شو ، برای‌خاطر «اندرا» جاری‌شو.

۳ـ دختر «سوریه» گوسالهٔ وحشی را که «پرجانیه» پـرورش

---

(۱) سریه‌ناوان Saryanāvān : نام‌دریاچه‌ای واقع‌درناحیهٔ کرو کشتره

(۲) ظاهراً منظور چهار ناحیـهٔ آسمان حسب اعتقاد قـدمـای هند می باشد .

(۳) بنابرتفسیر«ساینه Sāyana »، «آرجیکیه Ārjīkya» همان کشور رجیک‌ها Rijikas است .

۷ ـ مراسم رسمی‌مارا قبول فرما ، و از قربانـیهای ما راضی باش،ای«انگیراس»، به ندای ما گوش فرا ده .

۸ ـ باشد که ارابهٔ تخطی ناپذیر تو که با آن بخشندگان را حراست می‌فرمائی، ازهرسو بجانب ما آید .

(ماندالای چهارم ـ سرود نهم)

ای اندو جاری‌شو، برای خاطر اندرا جاری‌شو.

۸ ـ درآن کشوری که پسر «وی و سوان» پادشاه زندگی میکند، مرا زندگی جاوید بخش،آنجا که زیارتگاه نهان عرش است ، آنجا که‌آب‌های تازه وشیرین هستند.

ای‌اندو جاری شو، برای‌خاطر اندرا جاری شو.

۹ ـ درآن سرزمین که‌آنها، همان گونه که ساکن‌اند ، در حرکت میباشند، مرا زندگی جاویدبخش ، درسومین کرهٔ درونی آسمان، آنجا که عوالم‌روشن پراز نورند .

ای اندو جاری‌شو ، برای خاطر اندرا جاری‌شو .

۱۰ ـ درآن سرزمین‌آرزو، و اشتیاق، وامیال نیرومند، مرا زندگی جاوید بخش، درکشور ماه درخشان، جائی که غذا ولذت به‌دست می‌آید.

ای اندو جاری‌شو، برای خاطر اندرا جاری‌شو.

۱۱ ـ درآن سرزمینی که شادی ، و نشاط ، وسرور،وبرکت به‌هم می‌پیوندند، مرا زندگی جاوید بخش ، درآنجا که آرزوهای دلخواه برآورده میشود .

ای اندو جاری‌شو، برای خاطر «اندرا» جاری شو.

(ماندالای نهم ـ سرود ۱۱۳)

داده، به‌اینجا آورده است .

« گند هروه » ها آن را گرفته ، و شیره اش را در «سوما» ریخته‌اند .

ای اندو جاری شو ، برای خاطر اندرا جاری شو ،

۴ ـ ای صاحب جلال در (قلمرو) قانون ، ای اعلام کنندهٔ قانون ، ای گویندهٔ راستی، ای که درهمهٔ کارهای خود راستکاری، ای بیان کنندهٔ ایمان.

ای «سوما»ی پادشاه ، تو ای سوما که سازندهٔ تو، تورا زینت داده‌است.

ای اندو جاری شو ، برای خاطر اندرا جاری شو.

۵ ـ ای نهرهای آن فرد بزرگوار ، ونیرومند، باهم‌جاری شوید، ای شیرهٔ آن آبدار به‌هم بپیوندید ، ای‌زرین‌فام که بادعاپاك گشته‌ای.

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو .

۶ ـ ای « پومانه » ، وقتی که روحانی دعای موزون را میخواند ؛ وآنرا با سنگ به روی «سوما» میگذارد ، وبا «سوما» لذت می‌آورد .

ای اندو جاری شو ، برای خاطر اندرا جاری‌شو.

۷ ـ ای «پومانه» مرا در آن جهان بی‌مرگی وفنا ناپذیرجای [illegible] جائی که [illegible] قرار است، [illegible] روشنائی [illegible] بخشد.

۵ ـ الههٔ درخشان صبح‌را بخوانید، وسرود ستایش خـود را
با احترام به سوی او ، آورید؛ او با پخش شیرینی روشنی خویش
را درآسمان برقرار ساخته ، و با زیبائی جلالش را آشکار کرده
است .

٦ ـ سرودها آن فرد مقدس را درآسمان‌ها بیدار ساخته‌اند،
و آن بانوی ثروتمند با روشنائی به‌سوی دوجهان واردشد .

ای‌آگنی ، چون صبح‌تابناك درآید، به‌سوی او رو ، واز او
ثروت نیـکو بخواه .

۷ ـ براساس استوار قانون، گاوی‌کـه رانندهٔ صبح‌هـا است
با قدرت وارد زمین وآسمان شده است .

بزرگ است نیروی « وروا» ، و «میترا» که بادرخشش جلال
خویش‌را برهمه جاگسترده‌اند .

(ماندالای سوم ـ سرود ٦١)

۱۸

ستایش : اوشس Usas

۱ ـ ای اوشس ، ای نیرومند به نیرو ، ای صاحب‌دانائی،
ستایش سراینده را بپذیر ، ای بانوی ثروتمنـد ، ای الهـهٔ
باستانی ، و جوان ، و مملو از دانش(خرد) ، تو کـه به رادی در
حرکتی، همان گونه که درقانون مقرر است.

۲ ـ ای صبح، ای الهٔ نعمت ، در ارابهٔ نورانی خویش کـه
آوای دلنواز بیدار کننده دارد ، درخشان شو .
اسب‌های رام برازندهٔ زرین فام، تورابه‌اینجا آورد.

۳ ـ تو ای صبح که بر هر آفریده‌ای رو می‌نمائی ، چـون
نشانهٔ‌جاویدانی ، در اوج می‌ایستی.
توکه‌پیوسته به‌سوی یك‌مقصدروانی ، مانندچرخی‌ای نوزاد،
به‌اینجا بیا .

٤ ـ صبح بالگام‌های فروهشته می‌آید ، آن بانوی‌ثروتمند،
آن خاتون خانه‌ها ، آن مبارك شگفت‌آور ، نور خویشتن را بر
اطراف واکناف‌زمین وآسمان گسترده‌است.

۲۰

ستایش : ددهیکراس Dadhikrās

۱ ـ من «ددهیکراس» را میخوانم که نخست شما را یاری دهد : « اشوین » ها .

«بهگه»، سپیده‌دم ، واگنی (آتش) نیکو برافروخته‌میباشند، اندرا ، و ویشنو ، پوشان، برهمنسپتی، آدیتیاها ،آسمان، و زمین، آب‌ها ، وروشنائی .

۲ ـ چون به (اعمال)قربانی میپردازم (برمیخیزم) ، باپرستش به‌بیدارساختن ددهیکراس میشتابم ،

ای الههٔ «ایلا» که برچمن مقدس نشسته‌ای ، بگذار تااشوین های‌تیز گوش دانشمندرا بخوانیم.

۳ ـ هنگامی که به بیدار کردن «ددهیکراس» میپردازم ، با اگنی ، وزمین ، وسپیده‌دم، وسوریه سخن میگویم؛

باشد که «ورونا»ی همیشه‌آگاه‌سرخ قهوه‌ای ، مارا از غم و رنج حفظ فرماید .

٤ ـ «ددهیکراون» برهمه مقدم است ،آن‌مرکب نیرومنددر

۱۹

ستایش: اندرا

۱ـ تو که بانشاط بسیار «شمبره» (دشمن راجه) «دیوُداس» را شکار کردی،

این سوما برای تو مهیا شده است، ای اندرا، بنوش!

۲ ـ جرعهٔ شادی‌بخش آن («سوما»ئی) که از سرشاخه‌ها فرو ریخته، تو آنرا درمیان ودر پایان(۱) حفظ مینمائی.

این «سوما» برای تومهیا شده است، ای «اندرا» بنوش!

۳ ـ تو که با نشاط فراوان گاوهائی راکه در میان سنگ به‌سختی بسته بودند، آزاد ساختی،

این «سوما» برای تو تهیه شده است، ای‌اندرا بنوش!

٤ ـ این «سوما» که درشیرهٔ فرح‌بخش آن توقدرت«مگهون» را به‌دست می‌آوری،

این«سوما» برای تو تهیه شده است، ای «اندرا» بنوش!

(ماندالای ششم ـ سرود ٤۳)

---

(۱) بنابر تفسیر «ساینه» Sānana ظاهراً مقصود از میان وپایان لذور ظهر وشب است که تقدیم خدایان میشده است.

۲۱

خطاب به: سوماپومانه Soma Pavamāna

۱ - به راستی افکار ما متفاوت است، . راه های مردم مختلف
است.
نجار درجست وجوی شکسته‌است، وپزشك‌دراندیشهٔ‌سانحه،
وبراهمن درفکرپرستش.
ای «اندو» برای «اندرا» جاری شو.
۲ـ صنعت‌کار با هیمهٔ خشك، و بال پرندگان (برای باد زدن
آتش) با سنگها و آتش سوزنده در پی ثروت زرین برای خود
است.
ای «اندو» برای «اندرا» جاری شو.
۳ ـ من شاعرم، تاتا (پدر) پزشك است، ونانا (مادر)آسیارا
می‌چرخاند،
هریك با افکار مختلف به دنبال ثروت گاوان میگردیم،
ای اندو، برای اندرا جاری شو.
٤ ـ اسب میخواهد که ارابهٔ سبکی را بکشد،

پیشاپیش ارابه‌ها راه‌خودرا بخوبی‌می‌شناسد؛

با سوریه ، و بامداد ، و آدیتیا ها، و انگیراس‌ها ، وواسوها

متحد ومتفق است .

۵ ـ باشد که ددهیکراس راه سفرمارا آماده سازد تاازجادهٔ

نظم بگذریم ؛

باشد که اگنی مارا بشنود،وسپاه آسمانی‌شما افرادنیرومند

که‌هرگزفریب کسی‌را نمیخورید ، مارا بشنوید.

(ماندالای هفتم ـ سرود ٤٤)

۲۲

ستایش : اندرا

۱ ـ من «اندرا»ی قهرمان‌را ستایش‌خواهم کرد که به‌نیروی خویش زمین ، و آسمان‌را از یکدیگر جدا ساخت، و همه راوسعت می‌بخشد ، وبشررا حمایت میکند ودر بزرگی خویش از طوفان ،و رودخانه‌ها پیشی میگیرد ،

۲ ـ او « سوریه» است ، درتمام عرصهٔ پهناور (جهان) اندرا اورا بسرعت چرخهای ارابه خواهد چرخانید ،

و مانند رودخانه است که هرگز نمی‌ایستد ، و پیوسته در جریان است،

او با روشنائی خویش تاریکی سیاه رنگ را از بین برده است .

۳ ـ برای او دعای مقدس می‌سرایم ، دعائی ناگسستنی، نو، بی‌مانند ، وبرای ـ هردوـ زمین ، وآسمان.

«اندرا»ی شریف که همهٔ موجودات زنده را می‌شناسد ، و هرگز دوست‌را فرو نمیگذارد .

۴۲

گروه عاشقان مشغول شوخی و خنده‌اند ،
و غورباغه در اندیشهٔ استخر آب است ،
ای اندو ، برای اندراجاری شو .

(ماندالای نهم - سرود ۱۱۲)

باشند ـ مورد ایذاء (تخطی) قرار میدهند .

۹ـمردمی که زندگی شرارت آمیز دارند، وپیمان می‌شکنند و به «ورونا» ، و «اریمن» ، و «میترا» آزار میرسانند ،

ای «اندرا»ی نیرومند ، گاو آتش گونهٔ خود را چون مرگ غضبناکی بر انگیز .

۱۰ ـ «اندرا» ، خداوند زمین ، و آسمان است ، « اندرا » سَروَرِ آب‌ها ، وکوه هاست ،

اندرا خداوند کامیابان، و دانشمندان است ، «اندرا» را باید درحال راحت وهنگام کار بخوانند .

۱۱ ـ پهناور تر از روز، و شب، بخشندهٔ فزونی ، وسیعتر از فلك، و طوفان دریا ،

پهنتر از گسترش‌زمین، و میدان باد، فراخ‌تر ازرودخانه ها، وزمین‌های‌ما اندر است .

۱۲ ـ ای‌اندرا ، تیر سیری ناپذیر خودرا چون پیك صبح به پیش پرتاب نما ،

وچون سنگی که از آسمان فروافتدباگرمترین شعله کسانی که‌دوستان‌را فریب دهند، سوراخ کن.

۱۳ ـ به راستی ، اقمار ، کوه‌ها ، درختان بلند، گیاهان ، و علف‌ها اورا پیروی میکنند .

هردو جهان باشوق وعشق نزدیك شدند ، وآب ها وقتی کـه

٤ ـ من سرود های خودرا چون جریان ناگسستنی ، و بسان آب زیردریا ، به‌سوی «اندرا» میفرستم،

آن که در دو طرف ارابۀ خود آسمان ، و زمین را بسان دو سر محوری‌ثابت نگاهداشته است .

٥ ـ با بادها برمیخیزد ، همه را می‌لرزاند ، حمله میکند ، نیرومند وقوی است ، و به‌تیرها مسلح است .

«سوما» است ؛ درختان‌جنگل ، و بوته‌ها نمیتوانندباشباهت خویش «اندرا»را بفریبند .

٦ ـ «سوما» به سوی اوجریان یافته است، آن که هیچ چیز نمیتواند همسنگ او باشد ، نه زمین ، نه آسمان ، و نه فلك ، نه کوه ها .

چون‌به‌خشم‌آید ،غضب اوهر(چیز) محکمی را خردمیکند ، وهرنیرومندی‌را درهم می‌شکند .

٧ ـ چون تبری که درخت‌را می‌اندازد ، «وریترا» را کشت ، قلعه‌هارا ویران ساخت ، و (بستر) رودخانه ها را کند(تغییرداد).

اومانند عصای (اهرم) آهنین تازه سازی کوه‌ها رابشکافت.

«اندرا» با همراهان خویش گاوان ماده را بیاورد.

٨ ـ تو دانائی ،تو گناه را کیفر میدهی ، ای «اندرا»،شمشیر دست و پا را هرس میکند ، تو گناهکاران را درهم میکوبی،

مردمی که‌قانون اعلای:وورونا، ومیترا راـمثل‌آن که‌همط از

۴۷

را درجائی که غنائم جمع آوری شده است، میخوانیم،
نیرومندی که میشنود،ودر جنگ‌ها یاری مینماید، و«ویترا»
را میکشد، وثروت‌را به‌دست می‌آورد، وجمع میکند.

(ماندالای دهم - سرود ۸۹)

«اندرا» به‌وجود آمد به‌خدمت او کمر بستند.

۱۴ ـ کجاست آن تیر انتقام که تو ای اندرا ، دیو شورش‌و تخطی‌را با آن بشکافتی ؟

آن هنگام که دیوان چون گله ای که درقربانگاه بخوابد ، درروی زمین خوابیده بودند .

۱۵ ـ آن ها که به دشمنی ما برخاسته‌اند ، (۱) ای اندرای نیرومند ، آن دشمنان ما را به تاریکی کور کننده گرفتار ساز.

و اینان (ما ودوستان ما) از نور درخشان روشنی‌یابند.

۱۶ ـ باشد کــه نذور فراوان مردم ، و خواندن ادعیهٔ مقدس « ریشی » ها ، تو را خشنود سازد .

با محبت این دعای همگانی مارا بشنو، به‌سوی‌ما بیا ، وبــر آن‌ها که تورا ستایش‌میکنند ، بگذر.

۱۷ ـ ای اندرا ، باشد که ما ازاین‌الطاف جدید که برای ما سودآور است ، بهره‌مند شویم .

باشد که ما «ویشوامتر» ها با سرودن از روی شوق ، بوسیلهٔ تو ای اندرا، به‌روشنائی روزنایل شویم.

۱۸ ـ ما «مگهون»،«اندرا»ی نعمت بخش ، و بهترین‌قهرمان

---

(۱) در متن واژهٔ: « اوگانه‌ها Oganas » بکاررفته و احتمالا‌نام‌خانواده یا قبیلهٔ دشمن است .

خطاب به: «آسمان Dyaus ، وزمین Prithivī»

۱ ـ کدام یك مقدم ، و کدام یك مؤخر بود؟
چگونه بوجود آمد؟
ای دانشمندان ، کی میتواند بداند؟
آنها(۱) به خودی خود همهٔ وجود را دربردارند ،
شب‌وروز مانند چرخی در گردش است .
۲ ـ آن‌دو بی پا که‌حرکت نمیکنند، بسیاری‌از جرثومه‌های جنبنده، ودارای پارا دربردارند،
چون پسری در دامان پدر ، ومادرخویش؛
باشد که زمین ، و آسمان ما را از بدی هراسناك محفوظ نگاه دارند.
۳ ـ من بخشش «ادیتی»(۲) را ستایش میکنم، بخششی که از نفرت مبراست ، وکاستی نمی‌پذیرد ، و آسمانی ، وشکست ناپذیر ،

(۱) ظاهراً منظور خدایان آسمان وزمین است.
(۲) منظور از بخشش ادیتی یا برکت ادیتی نعمت‌های تمام ناپذیرطبیعت است . بنا بر تفسیر «ساینه» اینجا «ادیتی» بمعنی : «فلك» است.

ستایش : زمین Prithivī

۱ ـ تو ای «پریتهیوی» (۱)به حقیقت سنگینی‌وزن کوه هارا با نیرومندی تحمل میکنی،

تو که صاحب جوی های فراوانی ، ای توانا ، خاك را برمی انگیزی .

۲ ـ سرود های ستایش ما با گل های سخن به گوش تو می‌آید .

ای پهناور که ابرهای منبسط را چون کشتی تندرو به پیش میرانی، ای درخشنده .

۳ ـ ای که به نیروی‌خویش درختان‌جنگل‌را بر روی‌زمین پا برجا نگاه میداری‌هنگامی که ازبرق ابرهای تو سیل‌باران از آسمان برزمین فرو میریزد .

(ماندالای پنجم ـ سرود ۸٤)

---

(۱) دراینجا منظور ازکلمهٔ «پریتهیوی» الههٔزمین یاشخصیت زمین‌نیست : بلکه بعقیدهٔ «ساینه»، خدائی از افلاك یا جو است . پریتهیوی دوصورت دارد، یکی: زمین،ودیگر: اسبابی است‌برای سوراخ کردن کوهها ، یعنی اسبابی که به کوهها‌اصابت میکند وآنهاراسوراخ میسازد وچشمه‌های آب‌را جاری مینماید، مثل: صاعقه، وقدرت دیگری که همان اثرات را داشته باشد .

باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی‌های هراسناک محفوظ نگاه دارند .

۷ ــ آن دوفرد بزرگ وسیع، وپهناور را بادست وپای باسط من به‌وسیلهٔ این قربانی– ازآن دوفرد بخشندهٔ لطف بخش–مسئلت دارم که درین قربانی شریک باشند ؛

باشد که آسمان و زمین ما را از بدی‌های هراسناک محفوظ نگاه دارند .

۸ ــ هر گناهی که ما به درگاه خدایان، یا ضد دوستان، ویا ضد رئیس خانواده مرتکب شده‌ایم ؛

باشد که این دعـای ما موجب آمرزش آن گناهان گردد؛

باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی های هراسناک خود محفوظ نگاه دارند .

۹ ــ باشد که برکت هردو ، و مردم (و خدایان) ، مرا یاری کند؛ باشد که هردو به حفظ و کمک‌من پردازند،

فراوانی بیشتر نصیب بخشندگان باشد تا نصیب بی خدایان.

باشد که ما با سرور از غذا های فرح بخش بهره یابیم ، ای خدایان .

۱۰ ــ این مراسم رسمی (اعمال قـربانـی) را من دانشمنـد (فهمیده) به‌آسمان، وزمین بجا آورده‌ام تانخست‌آنها بشنوند ،

باشد که‌آنها مارا ازخطا وجنایت حفظ فرمایند، وچون پدر،

وقابل پرستش است .

ای جهان‌ها ، چنین بخششی برای سراینده فراهم سازید.

باشد که آسمان ، و زمین مارا از بدی‌های هراسناك محفوظ نگاه‌دارند .

۴ ـ باشد که ما دو جهان را که هرگز رنجی نمی شناسند ، خدمت کنیم ،

آنها که کمك میدهند وخدایان فرزندانشان هستند ، وخود آن دو نیز از خدایانند ، و شب و روز را بـه تـوالی یکدیگـر می آورند ؛

باشد که آسمان ، و زمین مارا از بدی های هراسناك محفوظ نگاه دارند .

۵ـ آن‌دو دوشیزه که چون متحدشوند یك‌جفت میگردند، و دختران توأم که در دامان پدر ومادر خویش ناف جهان را نوازش میدهند ؛

باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی‌های هراسناك محفوظ نگاه دارند .

۶ ـ آن دو منزل بزرگ وسیع را من چنانکه باید ستایش میکنم ،

آن دوپدر ، ومادر با حمایت خدایان ،

آن دو موجود زیبا که از آب حیات بهره ورند ؛

ستایش : اوشس Usasa (فجر ـ سپیده‌دم)

۱ـ باسعادتمندی برما طالع شو،ای «اوشس»، ای‌دختر آسمان، باعظمت وجلال طالع‌شو، ای بغ بانو، ای بانوی روشنائی، باثروت طالع شو، ای بخشندهٔ فراوانی .

۲ـ آن‌ها که اسب، و گاومی‌آورند ، ورفاه وثروت‌می‌بخشند، بیشترپیش تاخته‌اند تامارا روشنی بخشند .

ای اوشس ، آوای شادی را برای من بیدار ساز، وثروت و عظمت را به مافرست .

۳ـ اوشس دمیده و اکنون نیز خواهد دمید ، الههٔ رانندهٔ ارابه‌ها .

آن که چون نزدیك شود ، همهٔ افکار متوجه او می گردد ، مانند جویندگان افتخار درروی سیل .

٤ـ اینك «کنوه» رئیس قوم (نژاد) «کنوه»ها ، افتخارات نام قهرمانان را باآوای بلند می‌سراید .

شاهانی که چون‌تو ای اوشس نزدیك میشوی افکارخودرا به

ومادری مارا با یاری خویش حمایت کنند .

۱۱ ـ ای آسمان و زمین ، باشد که این حقیقت باشد،

ای پدر ومادر ، آنچه من اینجا از شما خواستارم ، با کمك

شما از نزدیکان خدایان میشوم،

باشد که رزق گوارا ، واردوگاه (چراگاه) پرآبی نصیب ما

گردد .

(ماندالای اول ـ سرود ۱۸۵)

گنج‌های نعمت وبرکت را به ما ببخش ، وبر مراسم رسمی مابتاب .

۱۰ــ چون تنفّس ، وحیات هرموجود زنده‌ای ازتواست،وقتی که توای فرداعلی طالع میشوی ، سوار بر ارابهٔ مجلّل خود ، ای بانوی روشنائی، وای صاحب ثروتهای شگرف، دعوت ما را بشنو .

۱۱ــ اوشس نیروی خود را که در میان مردم شگفت آور است ، به دست‌آور ، وبا آن نیرو پاکدامنان را به اجرای مراسم مقدّس وادار :

آنها که چون روحانیّون ستایش تورا می‌سرایند .

۱۲ــ ای اوشس ، همهٔ خدایان را از فلك فرود آور تاشیرهٔ «سوما»ی مارا بنوشند .

وچنان که هستی گاوان ، واسبان ما را نگاهداری فرما ، و برای ستایش ونیروی قهرمانی ازما دیدن کن .

۱۳ــ باشد که اوشس که اشعهٔ موهبت و برکت اودر همه اطراف ساطع است، مارا ثروت‌های‌زیبا وشامل هرچیز نیکو ببخشد؛ ثروتی که بتوان باکارآسان به‌دست آورد .

۱٤ــ ای فرد توانا که «ریشی» های عهدباستان تو را برای حمایت ، ویاری مامیخوانده‌اند ؛

ای «اوشس» ، سرودهای ستایش ما را ازراه لطف بارفاه و روشنائی رخشان جواب بده .

سوی بخشش های راد مردانه متوجّه میسازند .

٥ـ اوشس چون مادری مهربان می‌آید ، وبادقّت به‌هرچیز رسیدگی میکند :

زندگی را بیدار میسازد ، وهمهٔ آفریدگان پادار را برمی انگیزد ، وهمهٔ مرغان هوا را بپرواز درمی‌آورد .

٦ـ او (اوشس) کار کنان را پیش میفرستد ، وهر کس را به کارخود مشغول میدارد ، وچون برپا خاست دیگرتأخیر در کار نمی‌شناسد .

ای توانگر درمال ، ونعمت ، پس ازدیدن تو مرغانی که به پرواز درآمده‌اند ، دیگر آرامش ندارند .

٧ـ این «سپیده دم» اسبان خود را به ارابه بسته است و به آن سوی مطلع خورشید می‌تازد .

سوار برصدها ارابه سپیده دم فرخنده در راه خویش به‌سوی مردم می‌تازد .

٨ـ برای دیدار اوهمهٔ آفریدگان زنده سرفرود می‌آورند. آن سرور والا به وجود آورندهٔ روشنائی است .

اوشس دختر آسمان ، وثروتمند چون بدرخشد ، دشمنان ، وبدخواهان‌را دورمی کند .

٩ـ ای «اوشس»، ای دختر آسمان ، بانور درخشان خود برما بتاب .

۳۶

خطاب به : شردها Sradhā(ایمان)

۱ ـ با ایمان «اگنی»افروخته‌میشود ، و با ایمان نذورتقدیم میشود .

ما باستایش : «ایمان» ، وکمال سرور،جشن میگیریم .

۲ ـ ای «ایمان» ، مرد بخشنده را مبارك کن ، ای ایمان ، کسی که‌مایل است ببخشد ، بر کت ده .

پرستند گان آزاده را مبارك فرما .

۳ ـ همان گونه که خدایان « ایمان » را در «اسوره» های نیرومند نگاهداشتند (حفظ نمودند) ،

این آرزوی گفته شدهٔ مرا در بارهٔ پرستند گان آزاده‌جامهٔ حقیقت بخش.

٤ ـ ای خدایان ، و مردم که قربانی میکنید ، در تحت حمایت «وایو» به ایمان نزدیك شوید .

آدمی ایمان را از راه خواهش دل به دست می‌آورد ، و از ایمان به نعمت ، و ثروت میرسد .

١٥ـ ای اوشس، همان گونه که امروز درهای دولنگهٔ آسمان را باز کردی، مارا منزلگاهی فراخ، وفارغ ازدشمن عطافرما .
ای الهه، مارا روزی (رزق) ، و گاو نصیب فرما .

١٦ـ مارا به نعمت ، و فراوانی راهنمائی نما ، ورزقی گوارا وفراوان، و گوناگون برای مابفرست ،
ای اوشس که پُرجلال وپیروز می‌باشی ، ای توانا ، ای آن که به نیرومندی درغنایم، ومال توانگری .

(ماندالای اول ـ سرود ٤٨)

۲۷

ستایش: اندرا

۱ ـ اندرا ، آوای مرا بشنو، وبدان بی‌اعتنا مباش ؛ باشد که ما در خورعطای گنجهای تو باشیم ؛

این نذور که به منظور به دست آوردن ثروت است ، و مانند رودخانه جریان دارد ، نیروی تو را افزایش می‌دهد .

۲ ـ ای اندرا ، ای قهرمان، توآب‌های عظیم‌را که«اهی»پیش از این دربند کرده‌بود ، آزاد ساخته‌ای ، وآن‌هارا پخش‌نموده‌ای، و به نیروئی که سرودها به تو بخشید ه‌اند ، آن برده [۱]را که‌لاف جاویدانی میزد ،فرو انداخته‌ای .

۳ ـ ای‌اندرا ، ای قهرمان ، این (ستایش‌های) درخشان(به صورت) سرودها که تو از آن‌ها لذّت میبری ، و این حمد و ثنای پرستندگان که تو را اقناع میکنند ، خطاب به تو است، تا تورا(به سوی قربانی ما) بیاورد .

٤ ـ ما نیروی فروزان تو را با (حمد وثنای) خویش تقویت

---

(۱) داسه Dāsa : غلام ، برده ، مردم بومی قدیم هندوستان .

۵۸

۵ ـ ما «شردها» (ایمان) را در سپیده دم میخوانیم ،و بازدر نیمروز میخوانیم ، و همچنین هنگام غروب آفتاب .

ای «شردها» ، در این جهان «ایمان» را برما الهام فرما .

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۵۱)

اطراف گسترده شده است ؛

بادها که صدا را در افق دور تقویت میکنند ، صدای«اندرا» را منتشر ساخته‌اند .

۹ ـ «اندرا»ی نیرومند ، «وریترا» ی خطاکار ساکن در ابر را خرد ساخته است ؛

آسمان و زمین می‌لرزید ، و از آذرخش فرستندهٔ رگبار هراسان بود .

۱۰ ـ آن هنگام که «اندرا»ی دوست مردم در اندیشهٔ کشتن دشمن بشر بود ، صاعقهٔ رگبار فرستنده‌به آوای بلند می‌غرید ؛ او (اندرا)شیرهٔ«سوما»رانوشید،ونقشه‌های«دانوه»[۱]خطاکاررابرهم‌زد.

۱۱ ـ ای اندرای‌قهرمان ، بنوش ، بنوش سومارا ؛

باشد که‌شیرهٔ نشاط‌آور (آن) ، تورا لذت بخشد ؛

باشد که جناحین تورا منبسط سازد، و (شجاعت تورا) فزونی دهد، و بدین گونه‌نذرمداوم، «اندرا» را خرسند کند .

۱۲ ـ باشد که‌ما پرستندگان‌پاکدل تو ،در (جوار) تو ساکن گردیم، و با (نیروی) ایمان به تو نزدیك و از(اجر) عبادت خویش بهره‌مند شویم .

در آرزوی حمایت تو ، ما در اندیشهٔ تجلیل توهستیم ؛باشد

---

(۱) دانوه‌ها Dānavas : دسته‌ای ازاهریمنان یادیوان زادگان یا فرزندان دانه .

میکنیم، و صاعقه را دردست تو میگذاریم ؛

تو ای «اندرا»ی درخشان که نیرویت درافزایش است، و آفتاب تو را (شجاعت می‌بخشد) قوم زیر دست [1] را برای خاطر (خیر) ما مغلوب ساز .

۵ ـ ای اندرا ، ای قهرمان ، تو با دلیری خویش « اهی » [2] با عظمت را که در غاری مخفی شده بود و در پنهانی به‌سر می‌برد، و آب‌هائی که منزلگاهش بود ، او را پوشیده بودند ، ودر آسمان (فضاء) مانع از ریزش باران بود ، از میان بردی .

٦ ـ ای اندرا ، ما (اعمال) نیرومند قدیم تو را تجلیل میکنیم ، ما کارهای جدید تو را تجلیل‌میکنیم ؛

ما صاعقه را که دردست‌های تو میدرخشد ، می‌ستائیم ، و ما اسب‌ها را که علائم آفتاب (اندرا) است جشن میگیریم .

۷ـ اسب‌های تیزرو تو، ای اندرا، شیههٔ بلندی که باران را اعلام میدارد ، برآورده‌اند ؛

زمین هموار به اشتیاق منتظر ریزش آن (باران) است؛ آن هنگام که ابرهای گردآمده ، گذشته‌اند .

۸ ـ ابری که (بوظیفهٔ خویش) بی‌اعتنا نیست در آسمان (فضاء) معلّق است ، وخروشان از (آب‌های) مادری (سرچشمه) در

(۱) یعنی‌داسه‌ها Dasas .

(۲) اهی Ahi : دیو خشکسالی ـ مار (ابر) ـ نام وریترا .

تفاخر کن ، و شیرهٔ «سوما» بنوش ، و پی در پی آن را از ریش‌خود بزدای ، و با اسبان خویش به خرسندی برای نوشیدن نذر روان باز گرد.

۱۸ ـ ای اندرای قهرمان ، نیروئی را که با آن « وریترا » فرزند عنکبوت مانند «دانوه» را مقهورساختی، نگاهدار، و(دریچهٔ) روشنائی را به سوی «آریا» بکشا ؛

داسیو[۱] در طرف چپ تو قرار گرفته است .

۱۹ ـ آن مردانی را که تحت حمایت تو بر رقیبان خود پیشی گرفته‌اند ، همان گونه که «آریا» ها بر « داسیو » ها غلبه کردند ، احترام نمائیم ؛ این را برای ما (توانجام داده‌ای) ، تو «ویشوروپ»پسر :«توشتر»را برای‌دوستی«تریته[۲]» هلاك‌ساخته‌ای.

۲۰ ـ تو بتقویت (نذر) «تریته» تفاخر کننده که «سوما» را به تو تقدیم نمود ، «اربوده» [۳] را معدوم ساخته‌ای ؛ «اندرا»با کمك «انگرس» ها سلاح خویش را مانند خورشید که به دور چرخ خود میگردد ، چرخانید، و«وله» [٤] را کشته‌است .

۳۱ـ آن‌بخشش فراوان که از تو ای«اندرا» ،منبعث‌میگردد،

---

(۱) داسیو Dasyu: مردم بومی وساکن سرزمین هندوستان پیش‌ازورودقوم آریائی

(۲) تریته Trita : یکی از خدایان قدیم دورهٔ ودائی .

(۳) اربوده Arbuda : نام دیو فضاء (جو) .

(٤) وله Vala : زیر زمین ، زندان تاریك ، دیو خشکسالی . در اینجا ظاهراً منظوربرادر: «وریترا Vrita» یاخود «وریترا» میباشد.

که ما همیشه (درخور) بخشش گنج‌های تو باشیم .

۱۳ ـ باشد که ما (به‌لطف) تو ای اندرا ، مانند کسانی باشیم که در آرزوی حمایت تو (با ستایش خود) نیروی تو را افزایش میدهند .

ای «اندرا»ی الهی ، تو ثروت دلخواه ما را می‌بخشی (ثروتی که سرچشمه) نیروی عظیم و فرزندان (بیشمار) است .

۱۴ ـ تو به ما مسکن می‌بخشی ؛ تو به ما دوستان عطا میکنی ، تو ای اندرا ، به ما نیروی «ماروت» ها را میدهی ؛ بادهای مهربان و پیروزی که مقدار زیادی از اولین تقدیمی (شیرهٔ سوما) مینوشند.

۱۵ ـ آنان که مورد مهر تواند (به‌نذر) میل کنند ، و تو ای اندرا ؛ با اطمینان از «سوما»ی سیراب کننده بنوش ؛

ای رهاننده (از بدی) ، به کمك (ماروت‌های) نیرومند قابل پرستش، کامیابی ما ، وآسمان را فزونی بخش .

۱۶ ـ ای رهاننده (از بدی) ، آنان که تو را ای شادیبخش با سرودهای مقدس عبادت میکنند، به‌زودی به بزرگی خواهندرسید.

آنان که علف مقدس را (به افتخار تو) برمی‌افشانند ، مورد حمایت تو میباشند، و با خانوادهٔ خویش روزی (فراوان) به دست می‌آورند .

۱۷ ـ ای «اندرا»ی پهلوان ، به‌مراسم رسمی «تری کدروکه»(۱)

---

(۱) تری کدروکه Trikadruka : نام سه روز اول جشن ابهی پلوه Abhiplava .

۲۸

ستایش: وشودیوها Visvadevas

۱ ـ اشعهٔ ساطع، وروشن، وفنا ناپذیر، وزیبا، وپاك خورشید، به لطف «میترا» و «ورونا»، طالع گشته‌است، و چون زینت آسمان می‌درخشد.

۲ ـ آن که بر سه‌جهان قابل شناختن واقف‌است، ودانشمندی که براسرار تولّد خدایان (درآن سه‌جهان) اطلاع‌دارد؛ وآن که بر نیك‌وبدکارهای آفریدگان ناظراست، او (یعنی: خورشید، خداوند) نیّات آن‌هارا آشکار میسازد.

۳ـ ای «ادیتی»، ای «میترا»، ای «ورونا» ی نیك‌زاد، وای «اریمن»، وای «بهگه»، که حامی قربانی مقدس هستید؛ من‌شمارا ستایش میکنم؛ من جشن خدایانی‌را برپا میدارم که اعمال آن‌ها سستی نمی‌پذیرد، وبخشندگان وعطاکنندگان پاکی‌میباشند.

٤ ـ آنان که بدخواهان‌را منهزم، ونیکان‌را حمایت‌میکنند، وکسی‌رایارای‌مقاومت باآنها نیست، خداوندان‌با نیرو، وبخشندگان منازل نیکو (اند)؛

بی گمان به آن که تو را ستایش میکنند (آنچه را که آرزو دارد) خواهد بخشید ، آن را به ما که ستایندگان توایم ، عطا فرما ؛
تو که مورد پرستش مائی (دعای ما را) نادیده مگیر تا ما که ببرکت اخلاف لایق نایل شده‌ایم، تورا دراین قربانی تجلیل نمائیم .
(ماندالای دوم ـ سرود ۱۱)

۹ ـ ای خدایان قابل پرستش ، من شما را کـه توانااید، و قربانی خویش‌را منظم‌می‌سازید، و نیروی‌شما پاك‌است ، ودرعبادت‌ـ گاه‌معتکف‌اید ، ومغلوب‌چیزی‌نمیشوید ، ورهبران‌دوربین(مراسم) میباشید، باسلام واحترام تعظیم میکنم.

۱۰ ـ باشدآن که جلالش در فزونی است ، مارا هدایت کند تا همهٔ بیدادگری ها نابود (ناپدید) شود ؛ آنها (یعنی: ورونا ، و میترا ، و اگنی) که زیاد نیرومندند، وراستی‌را بجامی‌آورند و به کسانی که همیشه‌آن‌هاراستایش میکنند، وفادارند .

۱۱ ـ باشد که‌آنها (یعنی :) اندرا ، وزمین،وپوشان، وبهگه، وادیتی ، و آن پنج گروه(۱) موجودات منازل‌مارا فزونی بخشند.

باشد که‌آن‌ها به‌ما شادی، وروزی عطا فرمایند ، و به نیکی هدایت کنند،ومدافعان، وحافظان خوب‌ما باشند .

۱۲ ـ باشد که تقدیم کنندهٔ این نذر ، «بهردواج»همان گونه که از لطف شما ، ای خدایان استدعا دارد، هرچه زودتـر به‌یك منزلگاه آسمانی برسد ؛ برپا دارندهٔ این تشریفات (مراسم) بـا ـ همکاران نیکوکارخویش، درآرزوی‌ثروت، مجمع‌خدایان‌را تجلیل مینماید .

۱۳ ـ ای«اگنی»! دشمن‌شریر، وخطاکار، وبدخواه‌ما را دور

---

(۱) یعني : پنج نژاد یا پنج دسته‌از مردم ویا پنج قبیلهٔ‌آریائي .

آنان که همیشه جوان، و نیرومند، و در همه‌جا حاضرند ،
پیشوایان آسمان ، فرزندان «آدیتیا» (هستند) ؛

من به «ادیتی» که در اثر پرستش من، بر سر لطف آمده، پناه
می برم .

٥ ـ ای پدر « آسمـان » ، وای مـادر «زمین» ، و ای برادر
«اگنی » ، و شما ای «واسو» ها ! مارا شادی بخشید ؛ وشما همه‌ای
فرزندان آدیتیا ها ، و تو ای « ادیتی » با خرسندی بـه ما برکت
بخشید .

٦ ـ شما ای خدایان قابل پرستش ، ما را زیر دست راهزن ،
وهمسر او ، وهر که قصد آزار ما را دارد ؛ قرار مدهید؛

چون شما ناظم شخصیّت ، و نیرو ، وسخن ما می باشید .

٧ـ مبادا که‌ما برای گناه دیگران به کیفر برسیم؛ ای‌واسوها!
مارا از انجام دادن کارهائی که شما منع کرده‌اید، بازدارید .

ای خدایان جهانی که بر این جهان حکم فرمـائید ، کاری
کنید که‌آزارهای دشمن‌من به‌خود او بر گردد .

٨ ـ تعظیم سزاوار(خدایان جهانی) تواناست ، من تعظیم‌خود
را به‌آنهاتقدیم میدارم، تعظیم (سزاوار) نگاه‌دارندهٔ زمین،وآسمان
راست ، تعظیم به‌خدایان باد ، تعظیم برهمهٔ آنها حاکم است ، من
با تعظیم خویشتن را از هر گناهی که مرتکب شده باشم ، پاک
می سازم

۹ ـ ای خدایان قابل پرستش ، من شما را کــه توانااید، و قربانی خویش‌را منظم‌می‌سازید، ونیروی‌شما پاك‌است ، ودرعبادت‌ـ گاه‌معتکف‌اید ، ومغلوب‌چیزی‌نمیشوید ، ورهبران‌دوربین(مراسم) میباشید، باسلام واحترام تعظیم میکنم.

۱۰ ـ باشدآن که جلالش در فزونی است ، مارا هدایت کند تا همهٔ بیدادگری ها نابود (ناپدید) شود؛ آنها (یعنی: ورونا ، و میترا ، و اگنی) که زیاد نیرومندند، وراستی‌را بجامی‌آورند و به کسانی که همیشه‌آن‌هاراستایش میکنند، وفادارند.

۱۱ ـ باشد که‌آنها (یعنی :) اندرا ، وزمین،وپوشان، وبهگه، وادیتی ، و آن پنج گروه(۱) موجودات منازل‌مارا فزونی بخشند.

باشد که‌آن‌ها به‌ما شادی، وروزی عطا فرمایند ، و به نیکی هدایت کنند،ومدافعان، وحافظان خوب‌ما باشند.

۱۲ ـ باشد که تقدیم کنندهٔ این نذر ، «بهردواج»همان گونه که از لطف شما ، ای خدایان استدعا دارد، هرچه زودتــر به‌یك منزلگاه آسمانی برسد ؛ برپا دارندهٔ این تشریفات (مراسم) بــا ـ همکاران نیکوکارخویش، درآرزوی‌ثروت، مجمع‌خدایان‌را تجلیل مینماید .

۱۳ ـ ای«اگنی»! دشمن‌شریر، وخطاکار، وبدخواه‌ما را دور

---

(۱) یعنی : پنج نژاد یا پنج دسته‌از مردم ویا پنج قبیلهٔآریائی .

آنان که همیشه جوان، و نیرومند، و در همه‌جا حاضرند ،
پیشوایان آسمان ، فرزندان «آدیتیا» (هستند) :
من به «ادیتی» که در اثر پرستش من، بر سر لطف آمده، پناه
می برم .

٥ ـ ای پدر « آسمـان » ، وای مـادر «زمین» ، و ای برادر «اگنی » ، و شما ای «واسو» ها ! مارا شادی بخشید ؛ وشما همه‌ای فرزندان آدیتیا ها ، و تو ای « ادیتی » با خرسندی بـه ما بر کت بخشید .

٦ ـ شما ای خدایان قابل پرستش ، ما را زیر دست راهزن ،
وهمسر او ، وهر که قصد آزار ما را دارد ؛ قرار مدهید؛
چون شما ناظم شخصیّت ، و نیرو ، وسخن ما می باشید .

٧ـ مبادا که‌ما برای گناه دیگران به کیفر برسیم؛ ای‌واسوها!
مارا از انجام دادن کارهائی که شما منع کرده‌اید، بازدارید .
ای خدایان جهانی که بر این جهان حکم فرمـائید ، کاری
کنید که‌آزارهای دشمن‌من به‌خود او بر گردد .

٨ ـ تعظیم سزاوار(خدایان جهانی) تواناست ، من تعظیم‌خود را به‌آنهاتقدیم میدارم، تعظیم (سزاوار) نگاه‌دارندهٔ زمین،وآسمان راست ، تعظیم به‌خدایان باد ، تعظیم برهمهٔ آنها حاکم است ، من با تعظیم خویشتن را از هر گناهی که مرتکب شده باشم ، پاک
می سازم

۲۹

ستایش: وشودیوها

۱ ـ ای «واجه» ها ، و«ریبهو کشن»ها ، ای خداوندان نیرو؛ باشد که ارابهٔ وسیع ، و قابل تمجید ، و بلا مانع شما ، شما را به اینجا بیاورد؛

ای زیبا زنخان، از آن نذور مُرکبّ از سه‌چیز ، و«سوما»ی فراوان که هنگام قربانی‌های ما برای نشاط شما (ریخته می شود) سیراب شوید .

۲ ـ شما ریبهو کشن‌ها ، ناظران عرش (گنج‌های) گرانبهای بی‌نقص را برای ما که (تقدیمی های قربانی را) جاری می‌سازیم حفظ کنید ؛

شما که مالك نیروايد ، هنگام مراسم (ما) سیراب شوید ، و بافکر(موافق)مارا ثروت بخشید.

۳ ـ تو ای «مگهون» که مُقسّم کم و بیش ثروت‌هستی،وهردو دست تو مملو از گنج است ، و (وعده های) صمیمی گنج بخشی تو مانع از آنها نیست .

ساز، وای حامی نیکوکاران ما را برکت ده .

۱۴ ـ ای سوما ، سنگ های آسیای ما نگران دوستی تو است ؛ «پنی» خونخوار را هلاك کن ،چون براستی او گرگی است.

۱۵ ـ ای خدایان ، شما که جوانمرد ، ومشهورید، با«اندرا» که سَرورِ شما است در راه باما باشید ، تا ما را حمایت کنید، و شادی بخشید.

۱۶ ـ ما با کامیابی بی آن که مواجه با بدی شویم، از این راه گذشته ایم ،

آن راهی که از مخالفت احتراز می شود ، و ثروت بدست می آید . (۱)

(ماندالای ششم ـ سرود ۵۱)

(۱) درمتن اصلی وزن این قطعه با سایر قطعات این سرود فرق دارد وظاهراً قطعهٔ اخیر بمنزلهٔ دعا است.

۸ ـ باشد که ثروت‌قابل ستایش «سویتری» به‌سوی ما آید ،
ثروتی که پاروته(۱) بخشندهٔ آنست ،
باشد که آن حامی‌آسمانی ، همیشه ما را حفظ کند ، و شما
(ای خدایان جهانی) همواره مارا برکت بخشید.

(ماندالای هفتم ـ سرود ۳۷)

---

(۱) پاورته Pārvata : کوه نشین ، کوهستانی ، صاحب کوهستان ها . بنابر
اساطیر هندو پاورته نام همسر شیوا دختر «هیمونت Himavanta» است .

٤ ـ ای اندرا، تو که«ریبهو کشن» هستی، وبه ویژهمشهوری، ومیل بغذا داری،و(آرزوهارا)بر آورده میسازی، بهمنزلگاه پرستندهٔ خود بیا .

ای خداوند اسبان سمند ؛ باشد که ما «واشیست» ها امروز (تقدیمی هارا) به حضور تو آوریم، وبرپا سازندگـان ستایش تـو باشیم .

۵ ـ ای خداوند اسبان سمند (تیزرو) ، توئی بخشندهٔ(ثروت)، فرو فرستاده بهدهندگان (نذور) که با مراسم مقدس آنها توتعظیم یافتهای ؛

آنگاه که تو به ما ثروت میبخشی ، ومارا باحمایت خاص خویش دراماں نگاهمیداری.

٦ ـ ای اندرا ، درآن وقتی که تو ستایش مارا مـیپذیری ، ما پرستندگانرا درمنازل خویش قرار میدهی ؛ اسبتیزرو تو (در اثر)سجدههای رسمی،ثروت، وفرزندان نرینه، ورروزی بهخانههای ما بیاورد .

۷ ایاندرا ، ای نگاه دارندهٔ سه جهان که نیریتی[1] الٰهی به سلطنت او معترف است ، و سالهای بسیاری بر آن میگذرد ، و موجودات فناپذیر بهخانهٔ او راه ندارند ، نزدیك میشود تا نیروی ضعیف شدهٔ خویشرا (تقویت نمـاید) .

---

(۱) نیریتی Nirriti الههٔ مرگ و ویرانی .

(پرستندگان) صمیمی خویش نشان دهند .

۷ - ای اشوین ها که در شما هیچ خلاف حقیقتی نیست، ای «رودرا»ها ، از راه (مستقیم) به سوی قربانگاه بروید که (درآنجا نذر) حاضر میشود تا رهبران (مراسم مقدس) آنرا بنوشند، ودر عوض (بتقدیم کنندهٔ نذر) گاوان، واسبان‌عطا شود.

۸ ـ ای بارندگان ثروت ، چنان (مالی به ما عطا فرمائید) که بدخواه یادشمن ـ خواه نزدیك ، وخواه دور ـ نتواند (آن را از ما) بگیرد .

۹ - ای«اشوین»های مُصمّم، برای‌مااموال ازهرنوع، وثروتی مُولّد (ثروت) بیاورید .

۱۰ ـ باشد که «اندرا» همه خطرات بزرگ، ومقهور کننده را از میان بردارد ؛ چون او مصمّم است ، و حافظ همه‌میباشد.

۱۱ـ هرگاه«اندرا» به‌ما شادی بخشد، بدی‌درعقب‌مانخواهد بود؛(بلکه)خوبی درجلو ما خواهد بود.

۱۲ـ باشد که « اندرا » نگاه دارندهٔ همه، و مغلوب کنندهٔ دشمنان ازهر سوبرای‌ما امنیّت برقرار کند.

۱۳ـ ای‌خداوندان کیهانی ، به اینجا بیائید ، واین دعای‌مرا بشنوید ، ودر روی این چمن‌مقدس بنشینید.

۱٤ ـ این (شربت) تیزطعم خوشگوار، وشادیبخش را «شونه هوتر»ها برای شما (حاضر کرده‌اند) ، آنرا برغبت بنوشید .

۳۰

ستایش: خدایان مختلف

۱ـ ای «وایو»ی صاحب هزار ارابه، واسبان یراق کرده، بیا وشیرهٔ «سوما» بنوش.

۲ـ ای وایو به اسبان یراق کرده نزدیك شو، این (شیرهٔ) درخشان‌مورد قبول تو واقع شده است، چون تو به‌خانهٔ تقدیم کنندهٔ نذور میروی.

۳ ـ ای‌رهبران (مراسم)، ای «اندرا» ، و «وایو» ،خداوندان دستهٔ اسبان ، امروز بیائید واز مخلوط شیر، وشیرهٔ خالص«سوما» بنوشید .

٤ ـ این نذر به شما تقدیم میشود ، ای متیرا ، و ورونا ، ای پرورندگان حقیقت ؛ دعاهای کنونی‌مرا بشنوید.

۵ ـ ای شاهانی که ستم روا نمیدارید ، در این تالار مجلل ، و زرین ستون بنشینید .

٦ ـ باشد که این دو سلطان جهان ، خورندگان کرهٔ صاف شده ، پسران : ادیتی ، و خداوندان سخاوت ، لطف خود را به

ستایش : اندرا (بصورت پرنده)(۱)

۱ـ باتکرار آوای خویش وپیشگوئی آنچه اتفاق خواهدافتاد، («کپینجله») جهت خاصی به صدای خود میدهد ، همان گونه که سُکّاندار، کشتی را هدایت میکند .

ای مرغ نیکبختی ! فرخنده باش ؛ باشد که ازهیچ سو به تو صدمه نرسد .

۲ـ مبادا باشه و عقابی تورا بکشد؛ مبادا تیر صیّادی بتو برسد :

چون درناحیهٔ پدران (نیاگان) آوابرمی آوری ، پیك نیکبختی باش ؛ ای اعلام کنندهٔ خوشبختی ، دراین هنگام با ما سخن بگوی.

۳ـ ای پرنده ای که پیام نیکبختی میدهی ، و خبر خوش اقبالی میرسانی ، از سمت جنوب منازل ما ، آوا برآر ؛

---

(۱) بنابر گریهیه سوتراها Grihya - Sutras این سرود هنگامی که صدای نا مطبوع مرغی شنیده میشود بطورخفی مکرر باید خوانده شود (شاید مقصود هنگام تطیر به بدی است). پرنده‌ای که در اینجا سرود به آن خطاب شده کپینجله Kapinjala است .

۱۵ ـ ای « ماروت » ها که « ایندرا » سرور شما است ، ای خدایانی که «پوشان»به‌شما نیکی میکنند، همه دعای مرا بشنوید .

۱٦ ـ ای « سرسوتی » ، ای بهترین مادران ، ای بهترین رودخانه‌ها، ای بهترین الهه‌ها ، ماما‌نند گذشته شهرتی نداریم،(۱) ای مادر ، مارا تشخص عطا فرما.

۱۷ ـ ای سر سوتی که الهی میباشی، ودر تو همهٔ موجودات جمع شده است، ای الهه، درمیان «شونه‌هوتر» ها شادی کن،ومارا ای الهه، فرزندان، واخلاف عطا فرما.

۱۸ ـ ای سرسوتی ، ای خداوندروزی فراوان،وآب‌فراوان؛ ازاین نذور که «گرتسمد»ها برای قبول تو تقدیم‌میکنند، ودرپیش خدایان گرانبهاست، خرسند شو .

۱۹ـ باشد که‌آن‌دو (آسمان، وزمین) که به‌قربانی نیکبختی می‌بخشند (به‌این قربانگاه) آیند ، چون به‌راستی ما ازهر دوشما وهمچنین از «اگنی» حامل نذورخواهش می کنیم (باینجا بیائید).

۲۰ ـ ای آسمان ، و زمین ، امروز قربانی آسمان آرزوی مارا که وسیلهٔ بدست‌آوردن «سورگ» است، به‌سوی‌خدایان ببرید.

۲۱ ـ باشد که خدایان قابل پرستش که درآن ها بدخواهی نیست ، امروز در نزد شما دوتا بنشینند و شیرهٔ «سوما» بنوشند .

(ماندالای دوم ـ سرود ٤۱)

---

(۱) شونه هوترها Sunahotras از خانوادهٔ گرتسمد Gritsamada از جمله ریشی های دورهٔ ودائی بوده اند .

خطاب به : اندرا (بصورت پرنده کپینجله) (۱)

۱ـ مرغانی که در جستجوی طعمه اند ، به تناسب فصل دوره گردی (ورود) خودرا همچون برپا کنندگان (مراسم‌مقدس)، اعلام میدارند .

او مانند خوانندهٔ «سام» ـ(۲) به دو آهنگ، «گایتری» ، و «تریشتپ» ـ میخواند، وبشنوندگان لذّت‌می‌بخشد .

۲ـ ای‌پرنده ، توچون «ادگاتر» ی که «ساماودا» می‌سراید، سرود میخوانی ؛ توچون « برهماپوتره » هنگام قربانی ها زمزمه میکنی .

مانند اسبی که مادیان نزدیك میشود ، توندای نیکبختی را ازهرسو (به آوای بلند) به ما میرسانی ؛

به‌آوای بلند،کامیابی را ازهرسو به‌ما اعلام فرما .

۳ـ وقتی فریاد بر می‌آوری ، ای پرنده ، نیکبختی را اعلام

---

(۱) نوعی کبك یا دراج .

(۲) منظور روحانی ادگاتر Udgâtar یکی ازرؤسای چهاردسته براهمن است که سرودهای «ساما ودا» را با آهنگ ومراسم خاصی میخواند .

باشد که دزد، وبدخواه برما بر نخیزد؛ ما که برکت اخلاق نیکو یافته ایم؛ باشد که‌ تورا چنان که درخور است در این قربانی ستایش کنیم.

(ماندالای دوم ـ سرود ٤٢)

۳۳

ستایش: واستوشپتی Vāstoshpati (۱)

۱ـ ای نگهبان خانواده ها ، ما را یاد کن؛ مارا بیمار مساز، و به ما مدخل سرور عطا فرما .

آنچه از تومی خواهیم ، بارغبت به ما عطا کن ، وچهارپایان و دو پایان ما را کامرانی بخش .

۲ـ ای حافظ خانواده، ترقّی دهندهٔ ما باش ، ای « اندو » ، ثروت، گاوان، و اسبان ما را افزایش ده .

باشد که ما همواره در دوستی توجوان بمانیم ، همانگونه که پدری ازپسران خود خوشنود است، از ما خوشنود باش .

۳ـ با همراهی گرامی تو که سعادت می‌بخشد ، باشد که ما پیروز شویم ، ای نگهبان منزل شادمانی ، ما را هنگام آرامش ، وکار حفظ فرما !

ای خدایان ، با برکت خود ، ما را نگاهداری نمائید .

(ماندالای هفتم ـ سرود ٥٤)

---

(۱) واستوشپتی Vāstoshpati : خدای حامی ومحافظ خانه .

کن ، هنگامی که خاموش می‌نشینی ، اندیشه های مهربان نسبت
به ما بپروران ؛

چون هنگام پریدن می سرائی ، صدای تو مانند چنگ باشد
تا ما برکت اخلاف نیکو برسیم ، ودر این قربانی تو را بدان گونه
که سزاواری بستائیم .

(ماندالای دوم ـ سرود ۴۳) .

۵ـ ای مادر بخواب وبگذار پدر بخوابد ،
ای سگ وصاحب‌خانه به‌خواب ،
بگذار تاهمهٔ خویشاوندان بخوابند .

۶ـ مردی که نشسته ، و مردی که راه میرود ، وآن که مارا نگاه میکند ،
ما چشم‌خودرا از همهٔ اینها می بندیم ، همانگونه که ما در این خانه را محکم میسازیم .

۷ـ آن گاوی که هزار شاخ دارد ، و از دریا برمی‌خیزد .
بوسیلهٔ آن فرد نیرومند توانا ، ما مردم را آرام میکنیم، و میخوابانیم (۱)

۸ـ زنانی که درحیاط خوابیده اند ، یا دربیرون خفته اند ،
یا در تختخواب ها غنوده اند ،
بانوان‌با عطر مطبوعشان ، اینها، و همه‌را ما آرام‌میسازیم، و میخوابانیم (۲) .

(ماندالای هفتم ـ سرود ۵۵)

---

(۱) ظاهراًمنظور:از« گاو هزارشاخ » خورشید(با اشعهٔ‌آن)است که وقتی غروب میکند، مردم میخوابند ـ ویااینکه منظورآسمان پرستاره می باشد .

(۲) بنابراساطیر هندو، هنگامی که« وسیشته Vasishtha» سه‌روز روزه گرفت و به امید غذا به‌خانهٔ « ورونا Varuna» رفت ، سگ پاسبان به‌خانه او حمله برد و او با خواندن این چهار قطعهٔ اخیر سگ را خواب کرد .
دزدان و کسانی که‌بخانه ها دستبردمیزنند این دعارا میخوانند تا سکنهٔ منزل از خواب بیدار نشوند .

۳۴

ستایش : واستوشپتی VāstoshPati

۱ـ ای واستوشپتی که بیماری ها را معدوم میسازی، و به‌هر صورتی درمی‌آئی ؛ دوست با موهبت ما باش .

۲ـ ای‌پسر «سرما»(۱) وقتی که دندان های‌حنائی رنگ خود را نشان میدهی ،

مانند سرنیزه ها دردهان تو میدرخشد ،

هنگامی که میخواهی گازبگیری : به خواب رو .

۳ـ ای پسر «سرما» ، ازراه‌خود بر گرد ، وبه غارتگر، ودزد پارس کن .

تو به سرایندگان اندرا پارس میکنی ؟

چرا سعی داری که ما را بترسانی ؟ به خواب رو .

٤ـ مواظب گرازباش تا گراز ازتو خبر دار باشد ، آیا تو به سرایندگان «اندرا» پارس میکنی ؟

چرا سعی‌داری که ما را بترسانی ؟ به خواب رو .

---

(۱) سرما Saramā : تازی (سگ خانگی) «اندرا» ومادر دو« سرمیه » Sarameyas سگهای محافظ اندرا .

٤ـ یکی‌ازاین دو،دیگری را تبریك میگوید ؛ چون‌هردواز آمدن باران خوشنوداند .

غورباغهٔ خالدارچون‌خیس میشود ، به‌جست وخیزدرمی‌آید، وباغورباغهٔ سبزبه تبریك گفتن میپردازد .

٥ـ آن گاه که یکی از شما صدای دیگر را تقلید میکند ، همان گونه که شاگردی ازمعلمش ؛

وآن وقت که با صدای بلند گفت و گومیکنید ، وبالای آب ورمی‌جهید ، آن هنگام بدن شما به رشد خود رسیده است .

٦ـ یك‌غورباغه صدای « گاو» دارد ، ودیگری صدای«بز » ؛ یکی خالداراست ، ودیگرسبز:

اگرچه همه یك نام دارند؛ ولی‌دررنگ، وصدا متفاوت‌اند ، ودرنقاط‌مختلف‌خودرا نشان میدهند .

٧ـ همان گونه که «براهمن»ها درگردکاسهٔ لبریزنشسته ودر مراسم سوما«اتی راتره » سخن میگویند ؛

ای غوکان شمانیزدرپیرامون دریاچه گردآمده‌اید و از همهٔ سال امروز را احترام کنید که اولین روزفصل باران است .

٨ـ آن‌ها به‌آوای بلند ، مانند براهمن‌ها که نذر«سوما» را برپا میدارند،ودعاهای سالانه را میخوانند ، فریاد میکنند .

بسان روحانیون سراینده هنگام تقدیم « گهرمه » غوکان عرق ریزان (درسوراخهای خود) پنهان‌اند؛ ولی اکنون برخی از

خطاب به : غورباغه ها

۱ـ غوکان‌همچون «براهمن» ها عهدخودرا نگاه داشته‌اند، و همهٔ سال را پرهیز کرده‌اند ، و ستایش دلخواه « پرجنیه » را به آوای بلند می‌سرایند .

۲ـ وقتی که بر آن‌ها مانند پوست خشکی که در کف‌دریاچه گسترده شده باشد ، رگبار (از) آسمان فرومیریزد ؛

صدای غوکان باهم آهنگی بلند میشود، همچون گاوانی که همراه گوساله‌های خود صدامیکنند (۲) .

۳ـ چون‌فصل باران‌فرا میرسد، و«پرجنیه» باران رامی‌بیند به صدا درمی‌آید، او را تبریك میگوید ، مانند کودکی که با الفاظ بی معنی پدرش را بخواند .

---

(۱) پرجنیه Parjanya : خدای باران . در ریگ و دا سه سرود خطاب به «پرجانیه» است .

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است : چون رگبار از آسمان بررمهٔ غوکان که در دریاچهٔ (خشك) مانند مشك خالی خوابیده‌اند فروبارد صدای‌غوکان‌برمیخیزد، بسان‌بع‌بع گاوان‌هنگامی که‌به گوساله‌های خودمیرسند .

ستایش : دو «اشوین Asvins »

ای «اشوین»های درازدست پرورندهٔ اعمال نیك، بادست های دراز شده، غذای (گوشت) قربانی‌را بپذیرید.

۲ ـ ای اشوین ها که کارهای بزرگ شما فراوان است ، و راهنمای (پرستندگان) می‌باشید ، وصبر، و تحمل به شما عطاشده است ، باجمعیت خاطر، به‌ستایش های ما گوش فرا دهید .

۳ ـ ای اشوین های [۱]دشمن کذب، و عاری از ناراستی ، و پیشرو سنگر قهرمانان، به‌سوی نذر مخلوط که به روی علف‌های مقدس درویده، وپاشیده شده است ، بیائید.

٤ ـ ای «اندرا»ی بافر وشکوه ، اینجا بیا، این نذور مطهر

---

(۱) دراینجا درمتن سانسکریت بجای: «اشوین» نام دیگرآن «ناستیه» Nâsatya بصیغهٔ جمع به‌کار رفته است. واژهٔ «ناستیه» Nâsatya بگفتهٔ برخی از مفسران «ریگ ودا» مشتق از Na + asatya (عاری از ناراستی) است وچون بصورت مفرد استعمال شود نام یکی از آن دو می باشد و نام « اشوین » دیگر بنا بر اساطیر هندو : «اشوین» بزرگترین «دسره Dasra» (صاحب اعجاز ، کنندهٔ کارهای شگفت‌آور، زیبا ، نابودکنندهٔ بدکار وشریر) است، اما چون‌این واژه بصیغهٔ جمع Nâsatyah به‌کار رود اطلاق بر هر دو اشوین میشود .

آنها ظاهر میشوند .

۹ـ این رهبران مراسم شعائر خدایان رانگاه میدارند ، و فصول دوازده ماه رامراعات میکنند .

وچون‌فصل باران از نو فرامیرسد ، آن‌ها که از تف حرارت سوخته‌اند ، (ازپناهگاه خویش) رهائی می یابند .

۱۰ـ باشد که‌غوکان گاوآوا، و بُزآوا، وخالدار، وسبزرنگ هریك منفرداً مارا ثروت بخشند ؛

باشد که‌غوکان درفصل‌باران حاصلخیزصدها گاو به‌ما بخشند، وعمر(مارا) دراز کنند .

(ماندالای هفتم ـ سرود ۱۰۳)

اندیشان، قربانی مارا پذیرفته است.

۱۲ ــ سرسوتی با اعمال خویش رودخانهٔ بزرگی پدیدار میکند
(ودر صورت خویش) همهٔ ادراکات را روشنی می بخشد.

(ماندالای اول ــ سرود ۳)

که از فشار انگشتان (روحانیـون) به دست آمـده ، در اشتیاق تو است .

۵ ـ ای اندرا که قوهٔ فهم تورا می‌شناسند ، ودانایان قدرتو را میدانند، نزدیك شو ، و دعاهای (روحانیانی) که هنگام تقدیم نذورمیخوانند، قبول فرما.

٦ ـ ای اندرا ، با اسبان سمند(کهر) خویش بتاز، وبه‌اینجا بیـا، ودرین نماز ونذر غذای (تقدیمی) ما را بپذیر.

۷ ـ ای خدایان کیهانی[1] که حامیان ونگاهداران بشرید، ای بخشندگان اجر، دراین نذور پرستندهٔ خود حاضرشوید.

۸ ـ باشد که خدایان کیهانی تندرو ، و بارندگان باران ، در این نذر حاضرشوند، همان‌گونه که‌نورآفتاب با استقامت در روزها می‌تابد .

۹ ـ باشد که خدایـان کیـهانی بیزوال عالم و عاری از بدخواهی وصاحبان (ثروت) ، این‌قربانی را قبول کنند .

۱۰ ـ باشد که « سرسوتی » پاك کنندهٔ روزیبخش ، پاداش دهندهٔ عبادات بوسیلهٔ گـوشت های تقدیمی ما بدین مراسم توجه فرماید .

۱۱ ـ سرسوتی الهام‌بخش مشتاقان حقیقت، وآموزندهٔ‌درست

(۱) درمتن سانسکریت واژه ویشودواه Visvedevâh (همهٔ خدایان) بصیغهٔ جمع استعمال شده است .

شده‌ای تا نذر را بنوشی ، و سروری خـود را (بر خدایان دیگر) حفظ فرمائی .

۷ ـ ای «اندرا»ی مورد ستایش ، باشد که‌این شیره‌های نافذ سومـا در (وجود) تو وارد شود و موجب افزایش هوش سرشار تو گردد .

۸ ـ سرود های (سوما) تو را بزرگ ساخته است ، ای «شت کرتو»، سرودهای (رگ‌بید)تورا والا(معظم) ساخته‌است؛ باشد که ستایش‌ما موجب عظمت تو گردد .

۹ ـ باشد که اندرا حافظ بی‌مانع ازین غذاهای (گوشتهای) گوناگون (قربانی) که تمام خواص مردانگی درآنها نهفته است ، لذت برد.

۱۰ ـ ای اندرا که مورد ستایشی ، مگذار که مردم آزاری به‌شخص ما برسانند، تو که نیرومندی، ظلم (تعدی) را دور بدار.

(ماندالای اول ـ سرود ۵)

۳۷

ستایش : اندرا

۱ ـ ای دوستان (همکاران) بشتاب ، برای ستایش گرد آئید ، و بنشینید، وستایش «اندرا» را مکرر بسرائید[۱].

۲ ـ هنگامی که نذر ریخته میشود «اندرا» را که سر کوب کنندهٔ دشمنان زیاد، وخداوند بر کت ، و فراوانی است ، مکرر ستایش نمائید .

۳ ـ باشد که او موجب رسیدن بمقصود خود گردد؛ باشد که او باعث به‌دست آوردن نعمت شود ؛ باشد که او برای تحصیل دانش بهما (کمك کند)؛ باشد که او با روزی (رزق) بسوی‌ما آید.

٤ ـ بسرائیدبرای اندرا که دشمنانش در نبرد منتظر اونشدند تااسبانش به‌ارابه بسته شوند .

۵ ـ این شیره‌های «سوما»ی پاك و مخلوط با ماست برای خرسندی نوشندهٔ نذر ریخته میشود.

٦ ـ ای اندرا، ای کنندهٔ کارهای نیك، تو ناگهان نیرومندتر

---

(۱) این بیت خطاب به‌سایر روحانیونی است که‌در مراسم‌قربانی شرکت وهمکاری دارند .

۵ ـ ما «اندرا» را برای نعمت فراوان (و همچنین) برای مال اندك میخوانیم ، ای اندرا، ای متحدما که صاعقه را علیه دشمنان(ما) بکار میبری .

۶ ـ ای فروبارندهٔ باران ، ای بر آورندهٔ همهٔ آرزوها ،این ابرها را باز فرما ، تو که هرگز به (خواهش) ما بی‌اعتنا نبوده‌ای.

۷ـ هر گونه ستایش اعلی که‌به‌دیگر خدایان تقدیم‌می‌گردد، (متعلّق) به «اندرا»ی رعدآسا نیز هست ، من‌ستایش سزاوار او را نمی‌شناسم .

۸ ـ فروبارندهٔ باران ، سرور توانا ، و آن که همیشه مجیب الدعوات است ، مردم را نیرو می‌بخشد بدان گونه که گاونر رمهٔ گاوان ماده را (حراست) میکند .

۹ ـ اندرا ، آن که برمردم، و بر ثروت‌ها، ونژاد پنج شاخهٔ (جهان) فرمانرواست (۱) .

---

(۱) بعقیدهٔ : «بنفی Benfey »مقصود از «نژاد پنج‌شاخه» یا«پنج مردم ، پنجه جناه Pancha Janāh تمام ساکنان جهان است .

اما بنظر برخی از استادان هندی از عبارت چنین مفهوم میشود که منظور تنها کوچ نشین‌ها یا طوایف پنج قبیلهٔ آریائی هستند و نه مردم بومی سکنهٔ هندوستان . پنج طایفه یا کوچ‌نشین شاید عبارت بوده‌اندازاتحادیهٔ «توروشه‌ها Turvasas»، و«یدوهاYadus»و«انوهاAnus»،و«دزوهیوهاDruhyus و «پوروان Purus» .

بنظر «ساینه» منظور کسانی است که لیاقت سکونت را داشته‌اند وشامل «چهارکاست» و«نیشاده‌ها Nisādas»یاسکنهٔ بومی‌می‌شدند.وبعضی گویندهنگامی که این سرود گفته شده‌هنوز اختلاف‌کاست‌ها وجودنداشته‌است .

ستایش : اندرا

۱ ـ «اندرا» را خوانندگان با ستایش‌های بلند، «اندرا» را گویندگان با تمجیدهای خود، «اندرا» را دسته‌سرایندگان تجلیل میکنند (۱).

۲ ـ اندرا، مخلوط کنندهٔ همه‌اشیاء، به‌راستی با اسبهای(۲) خود که به‌فرمان او یراق میشوند، و دارای زینت‌های گرانبهاست و صاعقه را چون حربهٔ در دست دارد، می‌آید.

۳ ـ اندرا، برای آن که همه چیز رامرئی سازد، خورشیدرا در آسمان برافراشت، و ابرها را از آب پرساخت.

٤ ـ ای اندرای شکست‌ناپذیر، ما را درجنگ‌ها یاری‌فرما، آری در جنگ‌هائی که هزاران غنیمت از آن به دست‌می‌آید؛ با یاری‌های مبهوت‌کننده‌ای فرد با مهابت.

(۱) یعنی: نغمه‌سرایان سوما با سرودهای‌خویش، و خوانندگان «ریچ» Rich (سرودهای ریگ‌ودا) بادعاهای‌خود، وروحانیون «یاجوش Yajush» با متون کتاب، اندرا را ستایش میکنند.

(۲) در متن اصلی واژهٔ: اروت Arvat (اسب، اسب‌کورس) بکار رفته است.

۳۹

ستایش: ویشودواها Visvedevas

۱ ـ باشد که نیروی موهبت‌آمیز از هرسو به‌ما رو آورد ،
نیروی فریب ناپذیر و بی مانع وپیروز .

باشد که خدایان برای خیر ما همیشه با ما باشند ، و همه
روز از ما حفاظت کنند ، وتوجه آنها گسستن نپذیرد .

۲ ـ باشد که لطف موهبت‌آمیز خدایان با ما باشد، ونعمت ،
وفراوانی خدایان‌راستکار برما نازل گردد.

ما با صمیمیّت‌دوستی خدایان راخواسته‌ایم، باشد که‌خدایان
عمر ما را زیاد کنند تا زندگی کنیم .

۳ ـ ما با سرود باستانی خود آنها را والاتـر میخوانیم ،
«بهگه» ، (۱) «دکشه»ی مهربان ، «میترا» ، ادیتی» ،

«اریمن» ، «ورونا» ، «سوما» و«اشوین»ها .

باشد که «سرسوتی» با عنایت برکت (به ما) عطا فرماید .

---

(۱) بهگه Bhaga ؛ یکی از آدیتیاها ، خدای خوشبختی. «یاسکا» او را از زمرهٔ خدایان کرهٔ اعلی میشمارد . در ودا او خدای بخشندهٔ مال و بنیاد ـ گذار زندگی و زناشوئی توصیف شده است .

۹۲

۱۰ ـ ما ایندرا را که همه‌جا درمیان مردم حاضر است، برای
شما میخوانیم ؛
باشد که‌او منحصراً از آن ما باشد، (واز دیگران دور شود).

(ماندالای اول ـ سرود هفتم)

باشد که همهٔ خدایان برای نگاهداری ما به اینجا بیایند .

۸ ـ ای‌خدایان، باشد که‌ما با گوشهای خود آنچه نکواست بشنویم، و باچشمهای خویش آنچه را نکواست بنگریم،ای وجود های مقدس .

با دست، و پا و بدنهای استوار ، باشد که‌ما با تسبیح و تمجید به مدت عمری که خدایان برای ما مقدّر کرده‌اند ، برسیم .

۹ ـ صدخزان درپیش روی ما است [۱] ، ای خدایان در طی این زمان شما بدن‌های ما را خراب ، و فاسد میسازید ؛

در طی این زمان پسران ما به نوبت خود پدر میشوند ، عمر گذران ما را در نیمهٔ راه مگسلید .

۱۰ـ «ادیتی» [۲] آسمان است، ادیتی‌فلك‌است ، ادیتی‌مادر ، و پدر ، و پسر است .

ادیتی همهٔ خدایان است ، ادیتی پنج طبقه(نژاد)مردم است، ادیتی تمام‌آنچه به‌دنیا آمده، و آنچه بعدبه‌دنیا می‌آیداست .

(ماندالای اول ـ سرود ۸۹)

---

(۱) در عبارت : «صدخزان در پیش ما است» ، طول عمر آدمی صدسال در نظر گرفته شده است.

(۲) ادیتی Aditi : بی نهایت ، بی کران ، طبیعت، لایتناهی .

٤ ـ باشد که باد آن داروی مطبوع را به سوی ما بفرستد، زمین که مادر ماست، و آسمان که پدر ماست، آنرا (یعنی: دارو) عطا فرماید، و آن سنگ‌های شادی که شیرهٔ سوما را می‌فشارند .

ای اشوین‌ها که روح ما شایق شماست، این را بشنوید .

٥ ـ او را که با عظمت فرمانروائی میکند، وخداوند همهٔ موجودات ثابت، و جنبنده است، و روان‌را الهام می‌بخشد؛ بیاری بخوانیم .

باشد که «پوشان» فزونی ثروت ما را افزایش دهد،
نگاهدارندهٔ ما، و حافظ خطا ناپذیر خیر ما (باشد) .

٦ ـ آن که در اطراف و اکناف مشغول است، اندرا ما را کامیابی بخشد ؛

ای «پوشان» که خداوند همهٔ ثروت‌ها هستی، ما را کامیاب‌ساز ؛
باشد که «تارکشیه»[1] با چرخ‌های صدمه ندیده، مارا موفق‌سازد:
ای بریهسپتی [2] سعادت ما را تضمین (تامین) فرما .

٧ ـ «ماروت» ها، پسران : «پریشنی» سوار بر اسبان ابلق که با جلال میگذرند و غالباً مراسم مقدس را تماشامیکنند.

دانشمندانی که زبان آنها «اگنی» است، و چون خورشید رخشانند .

---

(١) تارکشیه Tārkshya : معمولا بصورت اسبی توصیف شده است و محتملاً شخصیت خورشید است .

(٢) بریهسپتی BrihasPati : خداوند دعاو نماز .

ستایش(اگنی) نیرومند، وقابل پرستش می‌باشند.

۳ ـ خدایان اگنی زیبارا که درمیان (آبهای) رودخانه‌های جاری (مخفی بود) بمنظور (اقامهٔ) مراسم مقدس پیدا کردند.

تولد اگنی هوشمند، و پاك، و قوی، ومهربان؛ به‌آسمان وزمین شادی بخشیده‌است.

٤ ـ هفت رودخانهٔ بزرگ، آن هنگام که اگنی مبارك، و پاك، و درخشان زاده شد، بر نیروی او افزودند،

همان گونه که مادیان‌ها از کرهٔ نوزاد (مواظبت میکنند)، خدایان بدن اگنی‌را گاه تولد پرورش دادند.

٥ ـ او (اگنی) با اندام فروزان در فلك گسترده شده است، ومراسم‌را باهوشمندی(و نیروهای) پاك کنندهٔ‌مقدس‌برپامی‌سازد، و شعاری از نور دارد، و به‌پرستندگان خود روزی فراوان وکامیابی بزرگ وکاهش‌ناپذیر می‌بخشد.

٦ ـ اگنی درهمه‌جا به (آبهای) نه‌بلعنده، ونه بلع شده باز میگردد، هفت رودخانهٔ جاویدان همیشه جوان که (زادگان) وسیع فلك‌اند، و باآن که پوشیده نیستند، برهنه نیز نمی‌باشند،از یك منبع‌سرچشمه گرفته‌اند، واگنی‌را چون‌جرثومهٔ مشترك‌خودبه دست آورده‌اند.

۷ ـ اشعهٔ اوکه در مشیمهٔ‌آب ها مجتمع شده‌اند، باطراف پراکنده می گردند، ودرهمه اشکال درین جا هستند، تا در سیلان

۴۰

ستایش : اگنی(۱)

۱ ـ مرا نیرو بخش ، ای اگنی ، چون تو مرا حامل «سوما» قرارداده‌ای که آنرا درقربانی تقدیم نمایم .

من به‌خدایانی که حاضرند احترام میکنم، وسنگ‌را (برای فشردن شیرهٔ سوما) برمیدارم.

من آن‌هارا برسر آشتی‌می‌آورم،ای‌اگنی،شخص‌مراحفظ‌فرما.

۲ ـ ای اگنی ، قربانی موفقیت‌آمیزی انجام داده‌ایم ، باشد که ستایش من آن گاه که تورا با هیزم و احترام پرستش میکنم ، موجب‌عظمت تو گردد .

خدایان‌آسمان خواهان‌عبادت پرهیزکارانی‌هستند که‌مشتاق

---

(۱)سرودهای‌ماندالای سوم‌به«ویشوامتر» «Visvamitra»وافرادخانوادهٔ اومنسوب است. خوداو بنابر روایات هندوان‌لااقل گویندهٔ «سوکتا Sukta» ی اول ویازدهم است ـ درتاریخ ادبیات مقدس هندو ویشوامتر جای مهمی دارد . گفته‌اند او در یك خانوادهٔ : «کشتریه Kshatriya » (خانوادهٔ فرمانروایان) تولد یافت اما در اثر پیروی از تقوی و پرهیز کاری در زمرهٔ کاست «براهمن» درآمد . مـاندالای سوم مشتمل است بر۶۲سرود .

میخوابد تا به‌رودخانه‌های خواهر خدمت کند.

۱۲ ــ اگنی شکست ناپذیر، حامی جنگاوران ، برهمه‌پیدا، آن که به نور خورشید میدرخشد ، بوجود آورندهٔ (جــهان) ، جرثومهٔ آبها، سرور پیشوایان، صاحب‌نیرو ؛

اوست که آبهارا برای تقدیم کنندهٔ نذور پیدا کرده(بوجود آورده) است.

۱۳ ــ آن تختهٔ (قرص‌خورشید) مبارك جرثومهٔ خوش اندام ، وچند شکل،آبها و گیاهان را پدیدآورده است .

خدایان با احترام به‌او نزدیك‌شدند، وچون زاده‌شد،(اگنی) قابل ستایش،و نیرومندرا عبادت کردند.

۱٤ ــ خورشید های نیرومند ، مانند برق های درخشنده با اگنی فروزان بزرگ درمنزلگاه غار مانند خود همکاری نمودند ، وآب‌حیات‌را در دریای وسیع بیکران میدوشند.

۱۵ ــ من‌برپا کنندهٔ‌مراسم‌با نذور خویش‌تورا پرستش میکنم ، ودرآرزوی لطف تو ، دوستی تورا می‌طلبم (التماس میکنم) ؛

با دیگر خدایان حمایت خویش‌را به‌آن که ترا می‌ستاید ، عطا کن ؛ با اشعهٔ منظم خود مارا حفظ فرما .

۱٦ ــ باشد کــه با تقرب به تــو ای اگنــی نیکخواه ، و با انجام‌دادن‌اعمال مقدس که سبب ثروت است ،

و با تقدیم نذور با صمیمیت و فراوانی طوایف دشمن (بد ـ

(شیرهٔ) شیرین مؤثر باشند .

مانند گاوان (شیرده) پُرپستان (زمین و آسمان) نیرومند پدر ومادر مناسب اگنی خوش‌اندام‌اند.

۸ - ای فرزند نیرو که همه نگاهدار تواند، با اشعهٔ فروزان وسریع خود میدرخشی ؛

آن هنگام که اگنی نیرومند دراثر ستایش عظمت می‌یابد ، رگبارهای باران شیرین فرو میریزد.

۹ - گاه تولد پستان مادر را می‌شناخت ، و سیلابها و سخن (رعد) از آن برخاست ؛

کسی نبود که اورا پیدا کند ، بامصاحبان مبارك خود (بادها) وبسیاری از (آبهای) فلك درلجه پنهان بود .

۱۰ - او جرثومهٔ پدر (فلك) و بوجود آورندهٔ (جهان) را میپرورد ؛ تنها او بسیاری از (گیاهان) نمو کننده را می‌بلعد ؛

عروسان مصاحب آفتاب ، (آسمان ، و زمین) که به بشر مهربانند - هردو - از خویشاوندان آن بخشندهٔ (برکت) پاك می‌باشند(۱)؛

ای اگنی، همواره آن‌هارا نگاهدار .

۱۱ - اگنی بزرگ در(فلك) وسیع لایتناهی فزونی‌می‌یابد، چون آبها غذای فراوان می‌آورند ، و او به‌آرامی در زادگاه‌آبها

---

(۱) ظاهراً مقصود آسمان وزمین،یا شب وروز است .

مردم) مستقر میشود ، بوسیلهٔ «ویشوامتر»ها برافروخته شده است؛
باشدما (که مشمول) لطف اوئیم ، همواره در مرحمت مبارك
(خدای) قابل پرستش باقی بمانیم .

۲۲ـ ای اگنی نیرومند، (ای کنندهٔ) کارهای نیك،این قربانی
نشاط آور مارا بسوی خدایان ببر .

۲۳ـ ای اگنی ، به‌خوانندهٔ خویش مانند رزق مقدس گله‌ـ
های گاو عطا فرما که ثروت شگفت‌انگیز آن پایدار باشد .

به ما پسری ببخش و اخلاف ما زیاد شود ای اگنی ارادهٔ
مبارك تو دربارهٔ ما چنین باشد(۱) .

(ماندالای سوم ـ سرود اول)

---

(۱) باشد که درنژاد مافرزندان ، وفرزندفرزندان بوجودآید ؛ وباشد
که‌لطف تو پیوسته مشمول ماشود .

خواه) را که‌خدایی ندارند، مغلوب سازی.

۱۷ - ای اگنی، تو خواننـدهٔ ستودهٔ خدایانی، همهٔ مراسم مقدس را می‌شناسی،

و به آرامش و وقار درمیان موجودات فنا پذیر منزل داری؛ وچون ارابه‌رانی خدایان را دنبال می کنی (و خواهش آنان را) انجام میدهی.

۱۸ - موجود جاویدان در منزل گاه فنا پذیران نشسته، و قربانی‌های (آنان‌را) بعمل می آورد:

اگنی دانا بر همهٔ مراسم مقدس است، و چون با کرهٔ صاف تغذیه میشود، حجمش فزونی می‌یابد، ومیدرخشد.

۱۹ - تو که بزرگ ودرهمه جا حاضری، بادوستی و برکت و یاری‌های نیرومند، بسوی ما بیا؛

وثروت‌های بزرگ آسیب‌ناپذیر وخوش نام ومطبوع ومشهور به‌ما عطا فرما.

۲۰ - ای اگنی باستانی، من این نیایش‌های ابدی ونوین‌را به‌تو خطاب میکنم،

این قربانی‌های مقرر ببخشندهٔ نعمت‌ها تقدیم میشود،

آن که در هر تولدی (در میان مردم) مستقر می گردد، و به همهٔ موجودات داناست.

۲۱ - «جات ویداس» زوال ناپذیر که در هر تولد (در میان

شیرهٔ « سوما » حاضر است .

ای نیرومندان در این قربانی ما شادی کنید .

۵ـ چگونه است که او بی مهار وستون با آن که بسوی پائین

مایل است ، فرونمی افتد ؟!

با چه نیروی درونی (ذاتی) حرکت میکند ؟

که او را دیده است ؟

او گنبد آسمان را نگاه میدارد ـ ستون نیکو برافراشته‌ای.

(ماندالای چهارم ـ سرود ۱٤)

۴۱

ستایش : اگنی

۱ـ خدا حتّی ، « اگنی جات ویداس » نگریسته تا بامداد پگاه را که بافرّ وشکوه میدرخشد ، دیدار نماید .

شما که سفرهای دور میکنید ، با ارابهٔ خود به این قربانی ما بیائید ، ای «ناستیه» ها .

۲ـ(خداوند) «سویتری» که جهان آفرینش‌را نورمی بخشد ، درفش خویش را برافراشته است ، وبدینوسیله اشعهٔ آفتاب حضور خودرا آشکار می‌نماید .

«سوریه» فلك ، وآسمان ، وزمین را پر ساخته است .

۳ـ صبحدم سرخ فام ، سوار بر روشنائی پیش تاخته ، و با اشعهٔ شادگون، ونیرومند خودرا نمایان ساخته است .

سپیده دم بر ارابهٔ نیکوی آراستهٔ خویش (یعنی :) الٰهۀ که مردم را با سرود بیدار میکند ، نزدیك میشود .

٤ـ باشد که آن قویترین اسبان ، ارابه شمارا، ای اشوین‌ها در طلوع صبح به اینجا آورند ؛ در اینجا برای رفع عطش شما

۴۳

ستایش : اگنی

۱ـ اگنی با (بوسیله) هیزم مردم بیدار میشود تا سپیده دم را
که مانند گاوی (شیرده) ، می آید ، ملاقات کند .

مانند درختان جوان که شاخه های بلند خویش را برمی افرازند
شعله های او به طرف گنبد افلاك برمی خیزد .

۲ـ (مرد) روحانی بیدار میشود تا خدایان را پرستش کند .
بامدادان «اگنی» رؤف برخاسته است ؛

بر افروخته و نیروی رخشان او آشکار شده ، و آن خدای
بزرگ از ظلمت رهائی یافته است .

۳ـ آن گاه که صف ملازمان خود را بر انگیخته ، اگنی پاك
با شیر خالص تدهین شده است .

پس تقدیمی نیرو بخش مهیا گشته است ، واو ایستاده بازبان
منبسط آنرا مینوشد .

٤ـ ارواح پاکان هم به سوی اگنی متوجه است ، همان گونه
که همهٔ چشم ها به سوی : «سوریه» .

ستایش: «وایو Vayu »، و «اندرا Indra »

۱ـ ای «وایو» (شیرهٔ سومای) درخشان و بهترین گوشت ها
در این مراسم بتو تقدیم میشود.
بیا، وازین شیرهٔ سوما بنوش،
ای خداوند دلخواه (سوار) بر ارابهٔ خود که دو اسب آنرا
میکشند، بیا.

۳ـ ای «اندرا»، وای «وایو»، شما توأمان نیرومند که با
یکدیگر میتازید، وخداوندان قدرت میباشید،
با اسبان خویش‌به یاری ما آئید، تا شیرهٔ سوما را بنوشید.

٤ـ (با) آن اسبان دلخواهی که شما برای پرستندگان خود
دارید، ای قهرمانان، به سوی ما روی‌آورید،
ای «اندرا» و ای «وایو»، این قربانی بشما تقدیم میشود.

(ماندالای چهارم ـ سرود ٤٧)

۹ ـ ای اگنی ، تو باشتاب برهمه میگذری،و بر هر که ظاهر شوی ، از همه زیباتری .

زیبای شگفت‌آور ، قابل ستایش ، درخشان ، مهمان مردم ، و عزیز خلق .

۱۰ ـ برای تو ای جوانترین خدایان ، برای تو ای اگنی ، مردم ازدور، و نزدیك خراج می‌آورند .

دعای اورا که تو را ببهترین وجهی ستایش‌میکند ، بشنو ، اگنی بزرگ‌والای مبارك پناهگاه تواست .

۱۱ ـ امروز ای اگنی ، با جلال بر ارابهٔ زیبای خود سوار شو ، و مقدسین در اطراف تو باشند .

تو که راه‌های هوائی فضای وسیع را میشناسی ، خدایان را به این جشن و نذور ما بیاور .

۱۲ ـ به آن دانشمند قابل ستایش نیرومند قادر ، ما سرود های ستایش و بندگی خود را میسرائیم .

« گویش‌تهره » (۱) بادعا این (سرود) بلند آوای ساطع را بسان نور زرّین که بر آسمان برخیزد به سوی اگنی بالا برده است .

(ماندلای پنجم ـ سروداول)

---

(۱) « گویش‌تهره Gavishthira » : نام‌یکی ازدو «ریشی» سرایندهٔ‌این «سوکتا Sukta» است ، ونام ریشی دیگر «بودهه Budha» میباشد .

آن‌هنگام که هردو سپیده دم رنگا رنگ اورا حمل‌میکنند
درآغاز روز بسان اسب سفید نیرومندی بر می‌جهد .

۵ـ در آغاز روز آن فرد شریف تولّد یافته، وبا رنگی سرخ
درمیان هیزم نیکوچیده قرار گرفته است .

اگنی‌همچون روحانی‌ماهری‌در(مراسم)عبادت نشسته، وهفت
گنج‌پرمایهٔ او(۱) درهرخانه‌ای‌وارد میشود .

۶ ـ اگنی مانند روحانی‌ماهری درآغوش مادرخود که‌محلّ
معطّری می‌باشد ، نشسته است .

بُرنا ، ووفادار، و دانشمند ، و سرور برعدّهٔ بیشمار،در میان
جمعی که از آنها نگاهداری میکند ، بر افروخته است.

۷ ـ این‌سرایندهٔعالی‌هنگام قربانی‌ها(یعنی :)اگنی‌روحانی
را با نیایش تجلیل میکند .

آن که قانون ابدی‌را در دو جهان پراکنده کرده است، او
را با روغن تدهین‌میکنند ـ مانند اسبی نیرومند که هرگز شکست
نمی‌خورد .

۸ ـ آن دوست ستودهٔ خانواده در منزل خود ستایش شده
است ، او را که مهمان‌محترم ماست ، دانشمندان ستوده‌اند ،
آن که نیروی گاو هزار شاخ دارد (۲) ؛
ای اگنی ، قدرت تو ازهمه برتر است .

---

(۱) یعنی : مال‌ودولت و هرنوع ثروتی .

(۲) دراینجاظاهراً منظور از«اگنی» ، «خورشید» است بـا اشعهٔ بیشمارش.

آری آسمان ، و زمین در شهرت و افتخار ازین فرد جوان (اگنی)پیشی نگرفته است .

۵ ـ ای اگنی، با شتاب بسوی ما بیا، و با افتخار ثروت های گران بها بیاور،

پس ما ، واین بزرگان ما ، برای خیر همه، جمع خواهیم‌شد.
درجنگ نزدیك باش تا مارا کامروا سازی .

(ماندالای پنجم ـ سرود ۱٦)

۴۴

ستایش : اگنی

۱ ـ در شعاع نور،نیروی بزرگی نهفته است ، ستایش اگنی را بسرائید، ستایش آن خدارا .

آن که مردم اوراامانند: «میترا» با مدایح خویش‌در بالاترین مقام‌جا داده‌اند .

۲ ـ آن که با جمال بازوان (دست‌های) خود روحانـی هر مرد توانائی است .

اگنی نذر را مستقیم (به‌خدایان) میرساند، ومانند : «بهـگه» نعمت‌ها وبرکت‌های خود را می‌بخشد .

۳ ـ همه (چیز) بسته‌به ستایش و دوستی آن خدای دولتمند شعله‌ور است ،

مردم نیروی بزرگی به‌آن بلند آوا داده‌اند، همانگونه که بردوستی وفادار.

٤ـ پس باشد که اگنی با بخشش فراوان ونیروی پهلوانی ، دوست، اینان باشد .

۴۶

ستایش اندرا ، واگنی

۱ ـ مرد فنا پذیری را که شما دو نفر: اندرا ، و اگنی ـ در جنگ ـ یاری کنید، راه خودرا بسوی ثروتی که به نیرومندی حفظ میشود، باز مینماید؛ همان گونه که «تریته» (۱) راه خودرا از میان نیزار باز میکند .

۲ ـ آن دو غلبه ناپذیر در جنگ راکه سزاوار شهرت در آشوب و غوغا می باشند ، و خداوندان پنج مردم (۲) اند (یعنی : اندرا ، واگنی) ما میخوانیم.

۳ ـ قدرت آن ها شدید است ، و برقی که از اسلحهٔ این دو نیرومند می‌جهد، شکافنده است که باشتاب با ارابه برای خاطر گاوان بسوی کشندهٔ «وریترا» میرود.

٤ ـ ای اندرا ، واگنی، ما هردو شمارا بدینگونه میخوانیم

---

(۱) تریته Trita (تریته آپتیه Trita Aptia نام خدا یایك شخصیت الهی دورهٔ قدیم ودائی است که معمولا با اندرا رابطه دارد .

(۲) ظاهراً منظور پنج قبیله مردم آریائی است .

۴۵

ستایش : اگنی

۱ ـ ای اگنی، نزدیکترین دوست ما باش ، ورهانندهٔ مهربان، و رفیقی رؤف .

۲ ـ ای اگنی والاتبار ، به‌ما نزدیك شو ، و ما را ثروتی که به‌نیکوئی مشهور باشد، عطا فرما .

۳ـ پس ما را بشنو ، و برین خواهش ما گوش فراده ، و ما را از هر مرد گناهکار دورساز.

٤ ـ پس ما بسوی تو، ای رخشان‌تر از همه ، ای خدای مُنیر، می‌آئیم تا برای دوستان خود شادمانی طلب کنیم .

(ماندالای پنجم ـ سرود ۲٤)

۴۷

ستایش : ماروت ها (مروت‌ها Maruts)

۱ـ به «ویشنو»، به آن توانا که ماروت‌ها، ازاوپیروی میکنند سرودهای منظور خود را تقدیم نمائید ، اَو یا مروت(۱) ؛

به آن دستهٔ نیرومند مهاجم که به بازوبند مزین میباشند ، وبا شادی حمله میکنند، وبرای نیرو می‌خروشند .

۲ـ آنها که باتوانائی نمایان اند ، و ازروی رغبت وبه دانش خویش آن (حقیقت)را بیان کرده اند ، اَو یا مروت .

ای ماروت‌ها، این نیروی شما ورای ادراك دانش است ، بواسطهٔ عظمت بخشش آنها چون کوه ها پا برجا هستند .

۳ـ آنها که چون زبور می‌سرایند، ازعرش اعلی شنیده میشوند؛ آن افراد نیرومند درخشان، او یا مروت ؛

درمنزلگاه آن‌ها قویتری نیست که آن‌ها را بیرون کند ، برق

---

(۱) اویا مروت Evayāmarut : درمعنی این کلمه اختلاف فراوانی میان مفسران ریگ وداست . بعضی آنرا نام سرایندهٔ این سرود دانسته اند، وبعضی دیگر بمعنی : ای «ویشنو» ، و ای «ماروت»، وسدیگر آنرا : ای ماروت‌های شتابان معنی کرده اند . وبرخی تصور نموده‌اند که «ماروت شتابان» صفت «ویشنو» است که رئیس «ماروت» ها میباشد .

تا ارابه‌های خودرا بفرستید.

ای خداوندان نعمت زودرس (سریع‌الوصول)، شما که میدانید ودوستداران بزرگ سرود می‌باشید.

۵ ـ اینان که روز به روز فزونی می‌بخشند ، وخدایانی که بامردم حیله وتزویر ندارند، اینان که لایق‌اند ؛

من بیش از همه این دو خدای شریك را برای اسب خود تجلیل مینمایم.

۶ ـ بدین سان نذر نیروبخش به اندرا ، و اگنی تقدیم شده است ، مانند کره که بوسیلهٔ سنگ‌ها صاف شده باشد.

به پادشاهان ما شهرت عطا فرمائید ،

و به آنها که ستایش شمارا می‌سرایند ،ثروت بخشید،

و به‌آنها که شمارا ستایش‌میکنند، روزی بخشید .

(ماندالای پنجم ـ سرود ۸۶)

۸ـ ای ماروت‌ها، چون روحی دوستدار به‌سوی ما آئید، وستایش آنرا که شمارا میخواند ، بشنوید ، اویا مروت ؛

بسان مردان ارابه سوار که با «ویشنو»ی توانا هم فکرند با اعمال شگفت‌آورخود دشمنی را ازما دور دارید .

۹ـ شما ای افرادمقدس ، در(مراسم) قربانی ما بیائید ، وآنرا برکت دهید ، و دیوان را از آن دور نگاهدارید ، صدای ما را بشنوید،او یا مروت ؛

شما که همچون کوه درمیان فضای جوّ ازهمه والاترید ، شما ای دانشمندان، به بدخواه این مرد بی امان باشید .

(ماندالای پنجم ـ سرود ۸۷)

های آن‌ها چون آتش است که رودخانه های خروشان را به‌هیجان درمی‌آورد .

٤ـ آن که باقدم‌های‌قوی ازمنزلگاه وسیع پیش می‌خرامد[۱] « او یا مروت » خانهٔ آنها یکی است ؛

وقتی که او شخصاً اسبان قوی زیبای خود را در اوج لگام میزند، با قهرمانان پیش می‌آید ، وشادی می بخشد .

۵ـ مانند غرّش عظیم شما (ابر) باران ریز برق‌زای نیرومند شتابان همه را به لرزه درآورده است ، او یا مروت ،

با آن شما پیروزمندان درخشان پیش می‌تازید، با لگام‌های قوی ، ویراق زرّین هجوم‌آور و مسلّح .

٦ـ عظمت شما بی کران‌است ، شما ای صاحبان‌نیروی بزرگ؛ باشد که قدرت درخشان شما، پشتیبان ما باشد، اویا مروت ؛

چون شما یاران آشکارهنگام زحمت(سختی) می‌باشید ، بسان آتش‌افروزان ، ما را از شرمساری ، وتوهین نجات بخشید .

۷ـ باشد که « رود را » های جنگاور نیرومند ، او یا مروت ، با رخشندگی زیبا مانندآتش حافظ ما باشند؛

آنها که منزلگاه زمینی ایشان پهن گسترده شده است ، و هیچکس برآنها ظنّ گناه نمیبرد، وگروه آنها دارای کمال شجاعت میباشد .

---

(۱) ظاهراً منظور ویشنو است .

۳ـ گاه او عقیم است ، و گاه فرزندانی می‌آورد ، حتی وقتی که اراده کند شکل خود را تغییر میدهد .

نطفهٔ پدر بر مادرفرو می ریزد، واز آن پدر و فرزند تغذیه میشوند(۱) .

٤ـ از او همهٔ موجودات زنده حیات خودرا می یابند ، وسه آسمان با آب های جاری سه گانه .

سه منبع (مخزن) آب که ذخایر خودرا فرومیریزند، نهرهای شیرین خویش را با زمزمه دراطراف او جاری میسازند(۲).

٥ـ باشد که این سرود من به‌دل پرجنبه خداوند خودرخشان نزدیك شود ، وموجب شادی او گردد .

باشد که ما رگبارهای لذت زا به دست آوریم ، و گیاهانی که خدا آنها را حفظ فرموده با ثمرات نیکو .

٦ـ او«گاو نر همه»(۳) است، وهمه را آبستن میسازد، زندگی همهٔ اشیای ثابت و متحرك به دست اوست .

---

(۱) برخی ازمفسران ریگ ودا برآنند که مراد ازعبارت: «گاه‌او عقیم است» اینست که گاهی از ابر باران نمی‌بارد . ومقصود از«پدر» «آسمان» واز: «مادر»، «زمین» واز «نطفه»، باران است که موجب باروری زمین میشود وچون محصول زمین بصورت‌نذر درآید، دوباره بآسمان برمیگردد، بدین‌جهت‌میگوید کهٔ پدر وپسرازآن تغذیه میشوند .

(۲) گفته اند مراد از «سه مخزن» ابرهای‌مشرق ومغرب وشمال‌است.

(۳) شاید مراد از «گاو نر همه» دراینجا گیاهان باشد .

۴۸

خطاب به :پرجنیه Parjanya

۱ـ سه کلمه‌را بگو (بخوان)، کلماتی که روشنائی بر آن مقدم است که این پستان را می دوشد .

به سرعت آشکار ساز ، گاوی که نعره بر آورده و جرثومهٔ گیاهان، و کودك را به وجود می‌آورد(۱) .

۲ـ ای نموّ بخشنده به گیاهان ، ای خدائی که بر آب‌ها، و همهٔ موجودات متحرك حکومت میکنی ،

پناهگاه سه حافظی برای ما مهیّا ساز ، وروشنائی سه شاخه برای کمك ودوستی ما(۲) .

---

(۱) بنا بر نوشتهٔ بعضی از مفسران ریگ ودا ، منظور از « سه‌کلمه » در این سرود متون « سه‌ودا » (ریگ ودا ، یا جـور ودا ، ساماودا) است ؛ ومقصود از «روشنائی» کلمهٔ مقدس : «اوم OM» است که پیش‌از وداها می‌آید و قبل‌از تلاوت بیدها خوانده میشود. ولی بیشتر احتمال داده شده که‌دراین‌سرود منظور از «سه‌کلمه» صدای«پرجنیه» یعنی : «رعد» است که درآسمان ، وجو، و زمین‌می‌پیچد،ومقصوداز‌عبارت«روشنائی که‌بر آن‌مقدم»است«برق»میباشد،ومنظور از «پستان» ریزش باران مطبوع ازابر ، و مراد از « گاو » «پرجنیه» است ، ومنظوراز « کودك» ، «اگنی» است که بصورت برق ظاهر میگردد .

(۲) ظاهراً: «روشنائی سه شاخه» اشاره‌به‌تقسیمات روز وفصول‌سال‌است .

۶۹

خطاب به : پرجنیه Parjanya[۱]

۱ـ سرود، وستایش : «پرجنیه» ، پسر آسمان را به سرائیم که نعمت باران را می فرستد ؛
باشد که چراگاه ما را سیراب سازد .

۲ـ « پرجنیه» خدائی است که درماده گاوان ، و مادیان ها وگیاهان زمین ؛ ودر زنان جرثومهٔ حیات را تشکیل میدهد .

۳ـ در دهان او نذور پر شیرهٔ لذیذ بریزید .
باشد که همیشه مارا روزی دهد .

(ماندالای هفتم ـ سرود ۱۰۲)

---

(۱) پرجنیه Parjanya : ابر به ویژه ابر بارانـی ، خـدای طوفان ، خدای ابر بارانی ، خدای باران .

باشد که این مراسم ، مرا تا صدمین پائیز نجات بخشد (۱).
ای خدایان ، ما را با برکت بیش از آن نگاهداری فرمائید.
(ماندالای هفتم - سرود ۱۰۱)

۱- در اینجا نیز طول عمر آدمی صدسال در نظر گرفته شده است.

آن «واك» را آوردند ، ودر بسیاری از جاها قرار دادند ، و هفت سراینده (خواننده) آهنگ های وی را به اتفاق به صدا درآوردند .(۱)

٤ ـ یك نفر هرگز «واك» را ندیده، معهذا اورا می‌بینند، یك نفر اورا می‌شنود ، ولی هرگز اورا نشنیده است.

اما به دیگری او خود راباجمال خویش می‌نمایاند ، همان گونه که زن خوش لباسی به اشتیاق خود را به‌شوهر نشان‌میدهد.

٥ ـ یکی‌را کودن می‌نامند ، ودردوستی بلیداست، هرگز او بکارهای‌رادمردی تحریص نمی کنند .

او در خطای باصرهٔ بی فایده سرگردان است ؛ صدائی که او می‌شنود برایش گل، ومیوه‌ای‌ندارد.

٦ ـ آن که دوست گرامی خود را رها ساخته ، و حقیقت دوستی‌را نمیداند، سهمی از«واك» ندارد.

حتی وقتی آنرا (واك) میشنود، بیهوده گوش داده است ، او چیزی ازطریقهٔ اعمال راستی نمیداند.

۷ ـ دوستانی که به‌آن‌ها یکسان گوش ، وچشم بخشیده‌شده

---

(۱) بنا بر گفتهٔ مفسران ریگ‌ودا مراد از عبارت : «دردرون ریشی‌ها یافتند» این است که مردم درطی قربانی درك کرداند که تنها ریشی‌های الهام یافته معنی سخن‌را بمنطور مقاصد مذهبی می‌فهمند. و منظور از جاهای بسیار روحانیون‌هوترها Hotars اند. بنظر «ویلسون» منظور ازهفت خواننده، هفت بحر (وزن) گایتری Gāyatri وغیره میباشد .

۵۰

خطاب به: گیانم Jnānam (دانش) (۱)

۱ ـ وقتی «بریهسپتی» که به همهٔ اشیاء نام بخشید، نخستین و ابتدائی‌ترین تلفظ : «واك» را فرستاد ،

آنچه عالی و بی‌عیب در درون آن‌ها ذخیره شده بود ، بامحبت آشکار گردید. (۲)

۲ ـ هنگامی که مردم آرد را درغربال می‌بیختند، دانایان در روح سخن (زبان) را آفریدند.

دوستان علائم دوستی را می‌بینند، و تشخیص میدهند ؛ سخن آنان علامت مبارك را درخود نگاه میدارد .

۳ـ با قربانی خطسیر «واك» را دنبال کردند، و جای اورادر درون «ریشی»ها یافتند .

---

(۱) گیانم Jnānam (گیان Jnāna) : درلغت سانسکریت بمعنی: «دانش» است ، و دراینجا بنابر عقیدهٔ: «ساینه Sāyana» این‌واژه بمعنی دانش حقایق عالیهٔ مذهب Parama brahma Jnānam می‌باشد که‌بشررا ازفطرت خوداو وطریق‌وصول به‌روح اعلی آگاه میکند.

(۲) واك Vāk : مقصود از «واك»، «صدا»یا«سخن»است، ودراینجامنظور «کلام مقدس» می‌باشد .

یکی مزمور مقدس‌رادر آهنگ: «شکوری» (۱) می‌سراید.

دیگری که «براهمن» است‌داستان (افسانه) وجود رامیگوید، وقواعد قربانی را وضع میکند. (۲)

(ماندالای دهم - سرود ۷۱)

---

(۱) شاك وری Sakvarī: یکی‌ازبحور(درعلم‌عروض) - نام‌نوعی اشعار یا سرود بویژه اشعار مها نامنی «Mahā Nāmni» متعـلق به «شاکـورسامن Sākvara-sāman».

(۲) مرادازعبارت: «نشیداشعار»، تلاوت سوکتاهای Suktas (سرودها) ریگ‌ودا که ازجمله‌وظایف«هوتر»ها میباشد. مقصود از عبارت «مزمورمقدس» گایترا Gāyatra یا سامن Saman است. ومنظور از «سرایندهٔ آنها»، ادگاتر Udgātar یاخوانندههائی‌می‌باشند که یکی ازچهاردسته‌اصلی‌روحانیون‌راتشکیل میدهند. و مرادازعبارت«داستان وجود» دانش بتمام‌کاینات‌است. مقصود از «وضع قواعد» دستوروترتیب‌انجام دادن‌قربانی‌است که وظیفه «ادهورج Adhuvaryu» می باشد.

این سرود مشکل ترین سرودهای ریگ ودا میباشدوازنظر ادبی جنبهٔ شاعرانهٔ آن بسیارقابل توجه است.

در روح خویش دارای سرعت‌های مختلفی هستند.

بعضی چون صبوح‌هائی می‌باشند که به‌دهان ، وشانه‌میرسند،
و دیگران بسان حوض‌های آبی‌اند که درآن تن‌را میشویند.

۸ ـ وقتی «براهمن»های مهربان بایك بارقهٔ فکری که‌ازقلب
برخاسته است، بایکدیگر قربانی میکنند ؛

آن‌ها در راه نیل بمقاصد خود یکی را عقب میگذارند ، و
بعضی که‌به‌صورت«براهمن»آمده‌اند درجای دیگرسر گردانند(۱).

۹ ـ آن مردانی که نه‌عقب میروند ، ونه‌جلو می‌آیند ، ونه
براهمن‌اند ، نه مهیا کنندگان نذور؛

و بطریق گناهکاران به «واك» رسیده‌اند، نخ خویش را مانند
پیره‌دختران درنادانی میریسند.(۲)

۱۰ ـ همهٔ دوستان از آمدن پیروزمندانهٔ دوست خود که در
اجتماع‌غلبه‌یافته‌است، شادی‌میکنند.

اوست که ملامت را از آن‌ها دور میکند ، وآن‌ها را روزی
می‌بخشد،وآماده،ودرخوراعمال پهلوانی است.

۱۱ ـ یکی هم خود را دائماً صرف نشید اشعار میکند ، و

---

(۱) برخی‌ازبیدادانان گفته‌اند مرادازعبارت :« بعضی که بصورت براهمن آمده‌اند» ، کسانی‌هستند که ادعا میکنند «براهمن» اند .

(۲) بعقیدهٔ بعضی از مفسرین مقصود از عبارت : «مردانی که نه عقب میروند،ونه‌بجلومی‌آیند» کسانی‌هستند که‌درمراسم‌وشعائردینی‌شرکت نمیکنند. برخی بجای پیره دختران (دختران ترش شده) ، « زنان ریسنده » ترجمه کرده‌اند .

او از راه دور به اینجا می‌آید، و همهٔ گناهان‌را دورمیسازد.

٤ـ سویتری‌قابل پرستش پرشعاع که قادر است تاریکی رااز جهان(بزداید)برارابهٔ‌خویش که‌درآن نزدیکی‌ایستاده، سواراست .

(ارابهٔ او) با زیورهای گوناگون زرین بسیار مزیّن‌می‌باشد، و یراق های آن طلائی است .

٥ ـ اسبان سفیدپا که بایوغ زرین به ارابهٔ او بسته‌شده‌اند، روشنائی را به‌نوع بشر آشکار میکنند.

همهٔ مردم ، و همهٔ آفریدگان (تمام نواحی)پیوسته درحضور سویتری الٰهی هستند .

٦ ـ سه کرهٔ (عالم) است که دوتا در جوار سویتری است ، و سدیگر مردم را به سرمنزل «یم» (جم) رهبری میکنند .

(روشنان) ابدی به‌سویتری تکیه‌دارند ، همانگونه که ارابه به میخ محور متکی میباشد .

آن که برعظمت‌سویتری واقف است ، آنرا اعلام دارد .

۷ـ «سوپرنه» (شعاع آفتاب) (۲) حیاتبخش راست رو که در اهتزازاست ، سه ناحیه را روشن میکنند ؛

اکنون‌سوریه (آفتاب) کجاست ؟

که میداند که اشعهٔ اودرکدام کره تابیده است ؟

---

(۱) سه آسمان است .

(۲) سوپرنه Su-parna (زیبابال) : نام پرندگان گوشتخواری مانند عقاب و کرکس ولاشخور ، پرندهٔ اساطیری بسان ؛ «گروده Garuda» ، شعاع آفتاب .

۵۱

ستایش: سویتری Savitri (۱)

۱ ـ اول من اگنی را به حمایت خود میخوانم ؛ (بعد) من میترا ، و ورونا را به حمایت خویش میخوانم ؛

من «راتری» (شب) (۲) را که به جهان آرامش می‌بخشد ، میخوانم ؛ من سویتری الٓهی درخشان را برای حفظ خودمیخوانم .

۲ ـ سویتری الٓهی‌سوار برارابهٔ خود در فلك‌تاریك‌در گردش است ، و میرندگان ، و بی‌مرگان را برمی‌انگیزد، وبه‌جهان های (چندگانه) ناظر است .

۳ـ سویتری الٓهی‌درراه نشیب، وفرازدر حرکت (سفر)است، و او که قابل‌پرستش‌است، با دو اسب سفید خود حرکت‌میکند،

---

(۱) سویتری Savitri (Savitar) : زنده کننده، برانگیزنده، زاینده ، پیدا کنندهٔ غذا۔نام‌خدای‌آفتاب . نیروی‌حیاتبخش، خدای‌آفتاب (آفتاب‌پیش‌از طلوع‌سویتری ، وپس‌ازطلوع سوریه خوانده میشود) در ریگ ودا چند سرود خطاب به سویتری است اما معمولا سویتری ، ازسوریه Surya مشخص میباشد.
خدای تمام‌کائنات (بصیغهٔ مؤنث) ـ مادر. قطعهٔ اول این سرود به وزن گایتری، وبقیه ابیات ببحر‌تریشتپTrishtup است . قطعه اول درستایش‌اگنی، و ورونا ، و میترا و راتری Ratri میباشد .

(۲) راتری Rātri : شب .

۵۴

ستایش واچ Vāc (واك Vāk)[۱] (صوت یا سخن مُجسّم)

۱ ـ من با «رودرا»ها، و«واسو»ها، و«آدیتیا»ها به‌سفر میروم،
وبر همهٔ خدایان میگذرم.

من (هردو) «ورونا» ، و «میترا»، و «اندرا»، و«اگنی» ، و دو
«اشوین»را بالا نگاه میدارم.

۲ ـ من « سوما » ی سرشار ، و « تو شتر»را عزیز میدارم، و
نگاهداری میکنم،

من از «پوشان» ، و «بهگه» حمایت مینمایم .

من به آن قربانی کنندهٔ پر حرارت کـه شیرهٔ (سوما) را
می‌ریزد ، ونذررا تقدیم میدارد ، ثروت می‌بخشم.

۳ ـ من شهبانو (ملکه) ، وگردآورندهٔ گنج‌ها میباشم ، من

---

(۱) واچ Vāc (یا واك Vāk) : « سخن مجسم » یا«صوت» ویا «کلمه»
نخستین‌مخلوق ونمایندهٔ روح وفکر واسطه‌ارتباط بین‌خدایان وبشر.

در دو سرود در مـاندالای دهم مورد ستایش واقع شده ، یکی در سرود
۷۱ ، ودیگر دراین سرود .

۸ـ او هشت نقطهٔ افق (۱) وسه عالم موجودات زنده، وهفت رودخانه را روشن ساخته است ؛

باشد که «سویتری» زرّین چشم به اینجا بیاید و تقدیم کنندهٔ نذررا ثروت‌های دلخواه بخشد .

۹ـ سویتری زرّین دست؛ ناظر بر همه، درمیان دو ناحیهٔ آسمان، وزمین درحرکت است ؛

بیماریهارا دورمیسازد، و به خورشید نزدیك میشود، وآسمان را متناوباً باتاریکی، وروشنی میپوشاند .

۱۰ـ باشد که سویتری زرّین دست حیاتبخش راهنمای شادی انگیز دولتمند (درین قربانی) حاضرشود .

هرگاه این خدا را درشب پرستش کنند ، حاضرمیشود ، و «راکشس»(۲) هاو«یاتیدهانه»ها (۳) رادورمیسازد.

۱۱ـ ای سویتری ، راه های توازقدیم مهیّا، واز غبار رفته شده ، ونیکو درفلك قرار گرفته است .

ازآن راه های سهل العبور(بیا) ، وما را امروز حفظ فرما .

ای خداوند ، باما سخن بگو.

(ماندالای اول ـ سرود ۳۵)

---

(۱) منظورچهاجهت اصلی وچهارجهت فرعی است .

(۲) راکشس Rākshasa: دیوشب‌رو، یاشب‌خیز

(۳) یاتیدهانه Yātud - hāna : روح پلید .

وازآنجامن همهٔموجوداترا درزیرسلطهٔ خود دارم، وپیشانی خودرا برآن آسمان بلند میسایم.

۸ ـ من بانفسی قوی چون باد، وطوفان تنفس میکنم، ودر عینحال تمام کائناترا مجموع نگاه میدارم.

فروتر از زمین، و برتر از آسمان ها من در عظمت خویش نیرومند گشتهام.

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۲۵)

ازهمه متفکر ترم ، وازنخستین‌افرادی هستم که درخورپرستش‌اند.

ازاینرو خدایان مرا درنقاط بسیارمستقر داشته‌اند،ومنازل فراوان به من داده‌اند که درآنها وارد شوم واقامت گزینم.

٤ ــ تنها بوسیلهٔ من ، همهٔ (جانداران) ، تمام رزق مقسوم خودرامی‌خورند .

هرکسی‌کلمات ملفوظ را می‌بیند، ونفس‌می کشد ، ومی‌شنود؛ بی‌آنکه بدانند درکنار من زندگی میکنند ، همه ، و هر يك‌حقیقت‌را که من اعلام میدارم ، بشنوید.

٥ ــ من ، و به‌راستی من‌آن کلامی‌را که به‌وجود خدایان، و مردم بطور یکسان خوش‌آیند خواهد بود ، بیان می کنم .

من‌مردمی‌را که دوست دارم فوق‌العاده نیرومند میسازم ،او را به (مقام) دانشمندی، و«ریشی»، و«براهمنی» میرسانم.

٦ ــ من کمان « رودرا » را زه میکنم تا با تیر خود دشمن ایمان‌را بزنم، ونابود سازم .

من جنگ را برای مردم بر می‌انگیزم ، و تنظیم میدهم ، من درآسمان وزمین نفوذ کرده‌ام .

۷ ــ درنقطهٔ‌اعلای جهان من پدررا بوجود آوردم؛ خانهٔ‌من در میان‌آبهای دریای اعظم است (۱).

---

(۱) دراینجا ظاهراً منظور از: «پدر»،آسمان است .

٤ـ نفس (آتمن) خدایان ، جرثومهٔ جهان ، این خدا به ارادهٔ خویش روان است .

غرش او شنیده میشود ، اما شکل او (دیده) نمیشود .

این «وات»[۱] را با تقدیم نذور پرستش کنیم.

(ماندالای دهم ـ سرود ۱٦۸)

---

(۱) وات Vāta : باد ـ خدای باد.

ستایش: وایو Vāyu

۱ ـ نیروی ارابهٔ « وایو » را اعلام نما که چون میگذرد،
همه‌چیزرا درهم می‌شکند.
آوایش رعدآسا است.

چون پیش‌می‌تازد، به‌آسمان میرسد، و(ابرهارا) برافروخته
می‌سازد، و چون به زمین جولان میکند، تودهٔ غباررا برآسمان
برمی‌انگیزد.

۲ ـ تندبادهای باد(وات) در دنبال او برمی‌خیزند، و مانند
زنانی که به‌سوی انجمنی روان باشند، به‌سوی او رو می‌آورند.
به‌اتفاق آن‌ها در همان ارابه، خداوند، پادشاه، همهٔ‌جهان
می‌شتابد.

۳ ـ چون‌راه خود را در میان هوا باشتاب می‌پیماید، هرگز
آرام‌نمی‌پذیرد.
دوست آبها، نخست‌زاد، قانون‌پذیر.
او در کجا تولد یافته است؟
واز کجا برخاسته است؟

٤ـ ای ورونا[۱]، مگر چه خطائی (گنائی) از من سرزد که راضی شدی سراینده ، و دوست خود را از دست بدهی ؟

مرا از این لغزش (گناه) بیاگاهان ، ای سرور می گساران (سوم آشامان) مقدس ، مرا آگاه کن تا از صمیم قلب واحترام از کردهٔ (گناه) خود پوزش بطلبم .

٥ـ از کردار بد نیاگان ، و نیز از نا فرمانی‌هائی که ما خود کردایم، در گذر.

ای پادشاه ، همان گونه که از گناه دزد ، و غارتگر اغنام و احشام درمیگذری ، از لغزش (گناه) «وسیشته» [۲] (سرایندهٔ این سرود) در گذر ، وهمانطور که از گردن گوساله یوغ برمیداری واو را آزاد میسازی ، مرا از گناه سبکبار کن .

٦ ـ ما به خواهش و اراده خود مرتکب گناه نشدیم ، فریب و اغوی، مستی، نادانی ، قمار یاخشم باعث شده است .

لغزس از خردان، وعفو از بزرگان: خواب (رؤیا) اورا از بی‌عدالتی طرد نمیکنند . [۳]

۱ـ ورونا Varuna خدائی با دانش و نیرومند است . او هنگام غروب آفتاب پرستش میشود. قلمرو فرمانروائی وی شامل تمام عالم است .

(۲) وسیشته Vasistha. (۳) «گریفیت» این قطعه را چنین ترجمه کرده است: «ای ورونا، ارادهٔ ما، به‌ما خیانت نکرد ، بلکه فریب واغوی ، بی‌فکری ، شراب و قمار یا خشم . پیران نزدیك است که جوانان را گمراه سازند ؛ حتی خواب بدکاری را دور نمیکند.»

بعضی قسمت اخیر این قطعه را اینطور ترجمه کرده‌اند: «اقویا ، ضعیفان را گمراه سازند» .

۵۴

ستایش وروناVaruna

۱ـ خرد جوهر ذاتی اوست ، بزرگی شایستهٔ ذاتی است ک
آسمان ، و زمین وسیع را ازهم‌جدا ساخت ، و به این هر دو عال
کومك میکند

اوست که سقف آسمان ، و ستارگان را در کمال بلندی بر
افراشت ، و زمین را چون بستری پهن بگسترد .

۲ـ (روی سخن به گویندهٔ سرود است) من نمیدانم کی از
توسعادت خواهم یافت تا مورد عنایت مخصوص « ورونا » واقع شو
(در دل‌او جا بگیرم) ؟

آیا نیاز مرا بی ترشروئی (درندگی) خواهد پذیرفت ؟
من چه موقعی میتوانم اطمینان واحسان اورا جلب کنم ؟

۳ـ ای‌ورونا ، من خودرا درقبال تقصیری که کرده‌ام مخاطب
مینمایم ، ومورد باز خواست قرار میدهم .

من به‌خداوندی که عالم غیب وپوشیده هاست‌نزدیك می‌شوم
دانایان قوم به من اطلاع داده اند که ورونا نسبت به مز
خشمگین است !

۵۵

ستایش : ورونا Varuna

۱ـ ستایش (خود) را به « ورونا »ی توانا ، و دانشمند ترین «ماروت» ها تقدیم دارید .

این « ورونا » با کار های خود مردم را محافظت مینماید همان گونه که (چوپان گله را) .

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند .

۲ـ آن « ورونا» را که درمجاورت رودخانه ها برمیخیزد ، و درمیان آن‌ها هفت خواهر دارد .(۱)

با چنین‌ستایشی، وبا ستایش پدران (خویش) ، و با مدایح

---

(۱) بنظرماکس مولر Max Müler مراد از« هفت خواهر » رود خانهٔ « سند Indus» ، و سرسوتی Sarasvatī و پنج رود خانه پنجاب (« پنج آب» یا «پنج‌روخانه») یعنی‌روخانه‌های ویتستاVitastā» و اسیکنیAsiknī، وپروشنی Parushnī، و ویپاش Vipās، وشوتودری: Sutudrī» است . اما «لسنLassen» و«لودویگLudwig» رودخانهٔ« کوبهاKubhā»رابجای«سرسوتی»جزوهفت رودخانه محسوب داشته‌اند . درریگ ودا چندجا (ازجمله ماندالای‌اول سرود۳۲) اشاره به‌هفت رودخانه شده‌است .

۷ـ من میخواهم بنده وار بتوخدمت کنم، همانطوری که غلام به آقای خود خدمت مینماید .

تو خداوند خردمندی ، ومن (بندهٔ) عاری از خطا .

ای خدا ، ای سرور ، تو به ما آنچه نمیدانستیم آموختی ، ای خردمنددانا، تومردم جاه طلب را به‌سوی ثروت راهنمائی میکنی

۸ـ ستایش فراوان من به درگاه وروتا ، خواجهٔ می گساران (سوم آشامان)!

خوشبختی مارا درزمان صلح وهمچنین هنگام جنگ تأمین کن. مارا درپناه خود محفوظ بدار ، و زندگی مارا از خیر و برکت سرشارفرما. (۱)

(ماندالای هفتم ـ سرود ۸٦)

---

(۱) این قطعه را «گریفیث» چنین ترجمه کرده است :

«ای خداوند،ای و روتا ، باشد که‌این‌ستایش بنزدیك توآید ، ودر روح توقرارگیرد.ای‌خدایان ما راهمیشه با برکت حفظ‌فرمائید ؛ باشد که راحتی‌و کارما قرین خوبی گردد.»

۵ـ او که نگاهدارندهٔ جهان هاست، و نام های نهفته، واسرار اشعهٔ صبحگاهی را میداند :

او دانش ، و دانشمند را بسیار عـزیز میدارد ، همان گـونه که آسمان صور مختلف آن را بوجود می آورد .

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند .

۶ـ آن که همهٔ اعمال تقوی براو متمرکز است ، همانگونه که ناف (درمیان) چرخ همانگونه که سوراخ محور درمرکزچرخ قرار دارد[۱] .

برای ادای احترام به «تریته»[۲] بشتابید ، همان گونه که گاوان برای جمع شدن در «گاوخانه» می‌شتابند .

حتی مثل آنان که اسبان را برای یوغ گذاری ، گردمی آورند.

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند.

۷ـ او این نواحی راچون جامه‌ای میپوشد؛ او همهٔ طوایف خدایان ، وهمهٔ سخنان مردم فنا پذیر را زیر نظردارد.

در قبال منزلگاه ورونا ، همهٔ خدایان از دستور او پیروی میکنند .

---

(۱) این قطعه را گریفیت چنین ترجمه کرده است :
تمام دانش بسوی او برمیگردد همان گونه که محور درمیان چرخ قرار دارد برای تجلیل تریته بشتابید همان گونه که گاوان برای جمع شدن در گاوخانه می‌شتابند حتی مانند آنها که اسبان را یوغ میزنند .

(۲) مقصود از «تریته Trita» ورونا است که در سه جهان منزل دارد .

«نا بها که» (من ستایش میکنم)(۱).

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند .

۳ـ آن که شب ها را در بردارد ، و دارای بشرهٔ نیکو است ، وسریع الحرکه میباشد ؛

آن که با اعمال خود بر دنیا احاطه دارد ؛

تمام کسانی که خواهان (لطف او هستند) ، با کمال مراقبت درمراسم سه گانهٔ روزانه، اورا ستایش می نمایند .

باشد که همهٔ دشمنان ماهلاك شوند(۲).

٤ـ او که بر روی تمام زمین هویداست ، وچهار بخش آسمان (نقاط افق) را برپا داشته است ، و مسا ّح (جهان) است ،

آن جا که منزلگاه باستانی «وروناا» است که ما به آن دسترسی داریم ، مانند نگاهدارندهٔ گلّه ، اوخداوند ماست .

باشد که همهٔ دشمنان ماهلاك شوند .

---

(۱) این قطعه را گریفیت چنین ترجمه کرده است : من اورا باسرودها وتهلیل هائی که پدران ما می سرائیدند ستایش میکنم ، وبامدایح هفتگانه که آن که در سرچشمه رودخانه ها منزل دارد وخواهران هفتگانه اش اورا احاطه نموده اند .

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

برشب احاطه دارد، وصبح راباهنر جادوی خویش برقرار میسازد ، وبر روی همه پدیدار است .

عزیزان او (مقصود شبها است که تبدیل بصبح میگردند) در اطاعت ازقانون او سه سپیده دم را (مقصود صبح و ظهر وغروب است) برای اوکامیاب ساخته اند.

بگذار که همه دشمنان ما بمیرند .

ستایش : اندرا

۱ـ آنها که در اطراف او ایستاده اند ، هنگامی که برای یراق کردن آن اسب گلگون درخشان حرکت مینماید ، روشنی‌ها درآسمان میدرخشد(۱) .

۲ـ آنان (ارابه ران ها) دو اسب دلخواه سرخ رنگ بانشاط خاصه را بطرف ارابه او بسته اند .

۳ـتو که‌نور را بوجود آوردی ، درجائیکه نورنبود ، وشکل نبود ، ای مردمان : جائی که شکل‌نبود ، توبا سپیده دم توأمان به دنیاآمدی .

---

(۱) بعقیدهٔ «ساینه» ، مقصود از : «آنها که در اطراف او ایستاده‌اند» «موجودات زندهٔ سه‌جهان» اند . Loka Traya Vartinah prāninah لوکه تریه‌ورتینه پرالینه » شاید هم منظور «ماروت» ها باشند که پیوسته درملازمت اندرا هستند .

مراد از : اسب گلگون درخشان (بردنم‌اروشم Bradhnam arusham) آفتاب است که «اندرا» غالباً باآن مربوط است .

بیت‌بالارا با توجه‌به‌تفسیر ساینه چنین نیز میتوان تعبیرو ترجمه نمود : ساکنان آفاق (سکنهٔ‌موجود سه جهان) با(اندرا)و(خورشید) نیرومند و(آتش) خاموش ناپذیر و (باد وزان) و روشنائی که درآسمان میدرخشد، انبازند .

۸ـ او اقیانوسی نهفته (بسیار دور دست) است ، او باشتاب برعرش صعود میکند ، همان گونه که (آفتاب) درآسمان .

چون او قربانی رادر نواحی افلاك قراردهد ، با اشعهٔ درخشان خود حیله‌های (اسوراها را) نابود میسازد .

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند .

۹ـ حکم فرمائی که اشعهٔ رخشان دوررس او تمام زمین‌های سه گانه‌را دربر گرفته ، وسه کشوراعلای آسمان را پرساخته است.

جایگاه وروناً پا برجاست ، و او به هفت (رودخانه) چون پادشاهی حکومت میکند .

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند .

۱۰ـ آن که برحسب دستورش « تاریکان »[۱] از جامه‌ای نور پوشانده شده اند ،

آن که منازل قدیم را پیمود .

آن که هردوجهان‌را جدا گانه ستون زد .

وهمان گونه که تولّد نیافته است ، آنرا نگاه میدارد .

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند.

(ماندالای هشتم ـ سرود ٤١)

---

(۱) مقصود شب‌هائی است که «وروناً» آن ها را به‌روز تبدیل میکند.

۱٤۱

یا ازناحیهٔ (عالم) آسمان بالا ، و یا ازفلك پهن درآید ، وما را ثروت بخشد .

(ماندالای اول ـ سرود ٦)

٤ـ بعدازآن‌چنانکه عادت آنهاست، وضع کودکان تولّدنیافته را ازخود دورساختند ، و اسامی قربانی بخود گرفتند .

٥ـ به اتفاق «ماروت» های نقاله که بر نقاط صعب الوصول میگذرند .

توای «اندرا» گاوهای پنهان شده درغارها را پیدا کرده‌ای.

٦ـ این‌ستایشگران (لشکرماروت‌های) نیرومند راکه‌برای آنهـا جشن گرفته میشود ، و از نیروی ثروت بخشی آگاه اند ، ستایش میکنند ، همان گونه که آنها رایزن (مشاور) اندرا را (تجلیل مینمایند).

٧ـ ای ماروت ها ، باشد که شما درملازمت «اندرا» ی دلیر درحال نشاط با جلال ومساوی دیده شوید .

٨ـ این مراسم برای پرستش «اندرا» ی نیرومند ، و دستهٔ (ماروت‌های) مهربان، وآسمان عاری ازملامت‌انجام‌یافته‌است[۱].

٩ـ پس‌ای‌همه‌جاگذرندگان (گروه ماروت ها) ، ازنواحی آسمان یا ازکرهٔ آفتاب به اینجا بیائید[۲] ؛ چون درآن مراسم (روحانی) ستایش کامل شما را می سراید .

١٠ـ ما «اندرا» را میخوانیم که‌خواه ازاین‌ناحیه ارضی‌بیاید

---

(۱) گریفیت ، این عبارت را چنین ترجمه نموده است :
بامیزبانان‌محبوب‌اندرای بی‌عیب‌شتابان بسوی‌آسمان قربانی کننده فریاد برمی‌آورد .

(۲) عبارت : «به اینجا بیائید» یعنی : به کرهٔ زمین بیائید .

۵۸

سرودستایش : وایو

۱ ـ باشد که «وات» نفس شفابخش در قلب ما بدمد ؛تاما را شادی باشد ؛

باشد که عمر ما را دراز کند .

۲ ـ تو «وات» ، هم پدرمائی ، و هم برادر، وهم‌دوست‌ما،

سببی ساز که ما زنده باشیم .

۳ ـ آن مخزن رزق حیات جاودانی که در خانه است ـ

ای «وات» ، از آن به ماعطا فرما .

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۶۸)

۵۷

خطاب به : سوما Soma

۱ـ شیره‌های تصفیه شدهٔ سوما جاری میشوند ، وثروت فکر می‌بخشد[۱].

۲ـ ای اندو (برای ما) افزایندهٔ نعمت های آسمان ، وزمین وخداوند رزق باش .

۳ـ ای سوما ، برای تو باد هالطف آمیزند ، ورودخانه ها در جریان اند ، وعظمت را افزایش میدهند .

٤ـ ای سوما ، روزی نیکو، یاب ، ونیرو ازهرسو به‌جانب تو آید ،و(بخشندهٔ) قدرت درجنگ باش .

۵ـای(سومای) حنائی رنگ ،گاوها برای تو گوساله (کره) می‌آورند،وشیرتمام نشدنی میدهند،آن‌را بربالاترین‌قله‌جای ده[۲] .

٦ـ ای اندو ، ای خداوند موجودات ، ما دوستی با تو را خواهانیم ، ای نیکو سلاح دار .

(ماندالای نهم ـ سرود ۳۱)

---

(۱) این قطعه را گریفیت چنین ترجمه کرده است : قطره‌های سومای نیکوکار که تصفیه شده‌است ، فرومیریزد وثروتی که‌برهمه‌آشکاراست می‌بخشد.

(۲) والاتر از والاترین بلندی‌ها .

۱٤٥

پخته شده است،

من آن (نذری) را که در آتش پخته است، می‌بینم؛
من این نذر خالص تازهٔ خوب پخته را ملاحظه میکنم،
ای دارندهٔ سلاح آذرخش، ای کنندهٔ کارهای فراوان، با لذت
ز دوغ قربانی نیمروز بیاشام.

(ماندالای دهم - سرود ۱۷۹)

ستایش : اندرا (۱)

۱ ـ بر خیز و پاره‌ای از (نذر) «اندرا»را که در خور این فصل است بنگر ؛

اگر (نیاز) پخته باشد، آنرا تقدیم نما ، و اگر ناپخته باشد او را (با ستایش) اقناع کن .

۲ ـ ای اندرا ، با شتاب به‌سوی نذری که پخته‌شده است برس خورشید به‌میان راه خود نزدیك شده است .

دوستان تو با قدیمی‌های خویش در اطراف تو نشسته‌اند.

تو که حافظ خانواده‌ها هستی ، بر رئیس کوچ کنندهٔ این خاندای (نظر فرما) .

۳ ـ من (نذر) را مشاهده میکنم ، مانندزن که درپستان گاو

(۱) «ریشی» قطعه‌اول این سرود را «شیری Shiri» پسر اوشی نر Ushinara گفته‌اند ، و«ریشی»قطعهٔدوم را «پراتردنه Pratardana» پادشاه«کاشی Kashi» دانسته‌اند ، و «ریشی» قطعهٔ سوم را و سومنه Vasumana فرزند روهی‌دشوه Rohidashva خوانده‌اند ..

قطعهٔ اول به‌وزن (بحر) «انوستپ Anshtup» ، و دو قطعهٔ دیگر ببحر «تریشتپ Trishtup» میباشد .

۶۱

ستایش: بریهسپتی Brihaspati

۱ ـ باشد که «بریهسپتی» رافع مشکلات، (همهٔ گناهان را) دور سازد؛

باشد که سلاح مفتری دروغزن‌را دور کند؛

باشد که (دشمن) بی‌آبرو را به زمین زند، و بدخواه را منکوب نماید.

وقربانی کننده را سلامت وسعادت بخشد.

۲ ـ باشد که «نراشنسه»[1] مارا هنگام مراسم: «پریاجه» حفظ فرماید[2]،

باشد که او مانند: «انویاجه» (الوهیت) هنگام نذر، ما را برکت‌دهد.

باشد که بریهسپتی(دشمن) بی‌آبرورا برزمین زند، وبدخواه

---

(۱) نراشنسه (نرسنگهه Narāsansa) : لقب وعنوان: اگنی.

(۲) پریاجه Prayāja : پیش نذر، پیش نیاز یا اولین قسمت نذور که در مراسم قربانی «سوما» تقدیم می‌شود، وقسمت آخر را: «انویاجه Anuyāja» (بعد ازقربانی، پایان قربانی) خوانند.

٦٠

ستایش: اندرا

۱ ـ ای اندرا ، که مردم بسیاری تو را میخوانند ، وتو بر-
دشمنان خویش پیروز میشوی ،

ای که در نیروی خویش برتری‌داری ؛باشد که درین‌هنگام
جود خود را به ما بنمائی،و با دست راست خویش‌خزاین را بیاوری؛

تو که خداوند رودخانه‌های ثروتبخش هستی .

۲ ـ تو که چون شیر تازنده در کوهستانها هراسناکی ؛ از
(جهان) دور دست بیا ، و با اسلحهٔ شدید خویش که آنرا نیکو
بران کرده‌ای ، دشمنان مارا هلاك ساز ،

ای اندرا ، دشمنان ما را بگریزان .

۳ ـ ای اندرا ، تو با قدرت حفظ کننده و نیکو بوجود
آمده‌ای،

تو که به نوع بشر مهربانی ، او را که دوستدار ما نیست ،
دور می‌سازی ،

تو ناحیهٔ وسیعی برای خدایان مهیّا میکنی .

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۸۰)

خطاب به: قربانی کننده Yajamāna (۱)

۱ ـ [زن سخن میگوید :] من تو را در اندیشهٔ خویش می‌بینم که با (مراسم مقدس) در گفت و گوئی.
از ریاضت بوجود آمده‌ای ، و به ریاضت مشهوری؛
درین جهان از کثرت فرزند ، وثروت کامیابی؛
تو که نسل را دوست داری ؛ پس نسل (و فرزندان) بوجود آور .

۲ ـ [یجمانه پاسخ میدهد :] من تورا در فکر خود می‌بینم که (به‌جمال)میدرخشی ، و (نزدیکی شوهر خویش‌را) به بدن‌خود

---

(۱)قطعهٔ اول‌این سوکتا (Sukta = سرود) دربارهٔ قربانی کننده‌است . قطعهٔ دوم مربوط است بـه زن او ، وقطعهٔ سوم راجع است به روحانی هوتری Hotri .

(۲) در این سرود «الوهیت» قربانی کننده ، و همسر او ، و روحـانی هوتر مورد نظر است .

بنا برعقیدهٔ «ساینه» همسر «قربانی کنند Yajamāna» گویندهٔ قطعهٔ اول ، وخود «یجمانه» (قربانی کننده) گویندهٔ قطعهٔ دوم ، و روحانی «هوتر» گویندهٔ قطعهٔ سوم این سرود میباشد .

رامنکوب کند،

وقربانی کننده را سلامت وسعادت بخشد .

۳ـ باشد که « تپورمور دهن » [۱]، « راکشس » های دشمن براهمن ها را از میان بردارد ، و(رئیس) بدخواه آنان را بکشد .

باشد که « بریهسپتی » (دشمن) بی‌آبرو را بر زمین زند ، وبدخواه را منکوب کند ،

وقربانی کننده را سلامت وسعادت بخشد .

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۸۲)

---

(۱) تپورموردهن Tápurmûrdhan (شعله‌ور سر ، براقروخته سر) لقب اگنی یا بریهسپتی .

۶۳

ستایش : ادیتی Aditi [۱]

۱ ـ باشد که «ویشنو» زهدان‌را بسازد ، و«توشتری» اندامها
را بوجود آورد ؛
باشد که پرجاپتی [۲] (دانه)را آبیاری کند ، ودهاتری [۳]
جرثومه را بپرورد .

۲ـ ای «سینی‌والی»،[۴]جرثومه‌را نگاهدار ؛ ای «سرسوتی»
نطفه را نگاهداری فرما ؛

۳ ـ ما جرثومـهٔ تو را که اشوین ها با چوبهای زرّین بهم

---

(۱) ادیتی Aditi : بی کران ، بی‌نهایت ، لایتناهی ، طبیعت ، مادرخدایان .
موضوع این سرود برکت و یا تبرك نطفه است ، و خدایان مختلفی نیز
درآن نام‌برده شده‌اند .
ریشی این سوکتا (سرود) «توشتری» سازندهٔ نطفه‌ها یـا «ویشنو» پسر
پرجاپتی است .

(۲) پرجاپتی Prajāpati : خدای آفرینش یا آفریدگان.

(۳) دهاتری Dhātri : سازنده ، آفریدگار ، مبدع ، بنیادگذار .

(٤) سینی‌والی Sinivālī : آفریدگار (زیبا انگشت ، زیبا دست)
نام الهه‌ای.

در موسم‌معهود خواستاری؛

باشد تو که‌جوانی به‌سوی من آئی ، تو که‌اولاد دوست‌داری؛

پس‌فرزند به‌دنیا آور .

۳ ـ [هوتری سخن میگوید :] من‌بذرا در گیاهان‌میگذارم،

ونطفه‌را به موجودات زنده میدهم؛

من توالد وتناسل‌را در زمین پیدا میکنم ،

من زنان دیگررا باردار می‌سازم.

(ماندالای‌دهم ـ سرود ۱۸۳)

۶۴

ستایش : ادیتی

۱ ـ باشد که حمایت درخشان شکست ناپذیر آن سه گانه (سه‌خدا) : «میترا» ، و «اریمن» ، و «ورونا» (به من داده) شود .

۲ ـ مبادا که دشمن بدخواه آنها بر منزل ها ، وراه‌ها ، و حصارها تسلط یابد .

۳ ـ آن موجوداتی که پسران «ادیتی» اورا نور ابدی (حیات) بخشیده‌اند ؛ باشد که زندگانی کنند .

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۸۵)

۱۵۲

زده‌اند ، میخوانیم :

باشد که تو در ماه دهم آن را به‌دنیا آوری .

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۸۴)

ستایش: سوماپومانه

۱ ـ قطرات عصارهٔ سوما وقتی که روحانیون آنرا می‌فشارند به‌سوی صافی‌های پارچه‌ای جاری میشود، و با نیروی خود نقاط محکم‌را پاره میکند.

۲ـ چون شیرهٔ سوما گرفته میشود، به‌سوی اندرا، ووایو، وورونا، وویشنو، میرود.

۳ـ «سوما»ی خُرد شده راکه عصاره‌ای از آن جاری‌است؛ درمیان سنگ‌های عصاری می‌فشارند، و با عمل آوردن شیرهٔ آن را می‌نوشند.

٤ ـ «سوما»ی شادیبخش‌را باید (برای قربانی) «تریته»، (۱) وبرای آشامیدن اندرا صاف کرد.

آن شیرهٔ سبز رنگ با دیگر اجزاء مخلوط گشته است.

---

(۱) تـریته Trita (سوم، سومین): نام یکی از خدایان دورهٔ ودائی کـه نامش دروداً معمولا همرا» با مـاروت ها، وایو، و اندرا آمـده و مثل توشتری با وریترا وسایرديوان درجنگ وجدال است. او تهیه کنندهٔ سومای بهشتی یا آسمانی است.

ستایش : سوماپومانه Soma Pavamāna

۱ ـ شیرهٔ «سوما»ی ماهر (هوشمند) بسان موج آب ، ومانند گاومیشانی که به سوی جنگل میروند ، پیش می‌تازد.

۲ ـ آن شیره‌های حنائی‌رنگ (قرمزرنگ) درخشان باشتاب باجوئی از آب حیات به سبو ها (کوزه‌ها) میریزد ، و ازین‌عصاره‌ها روزی (رزق) همراه باگلهٔ گاوان سیلان می‌یابد.

۳ ـ نذوری کـه داده میشود به‌سوی : اندرا ، و وایو ، وروناً، وماروت‌ها ، و ویشنو، میرود.

۴ـ روحانیون سه‌متن مقدس رامیخوانند(۱) و گاو(شیرده) به‌صدد درمی‌آید ، و«سوما»ی سبزرنگ زمزمه کنان (به‌اطراف) میرود

۵ ـ سرودهای مقدس متعدد مادران‌قربانی‌ستایش‌می‌فرستند آنها (سومای) فرزند عرش‌را پاك می‌سازند.

۶ ـ از هرسو ای «سوما» چهار اقیانوس ثروت برما فروریز ومارا هزاران آرزو عطا فرما.

(ماندالای نهم ـ سرود۳۳)

---

(۱) بنا بر تفسیر «ساینه» منظور از عبارت : « Trividhâ Stutih » سه نوع ستایش از سه ودا میباشد .

۶۷

ستایش: سوما

۱ـ ای پاك كننده ، از مجرائی که به‌ما روشنائی می‌بخشی ، ثروت فراوان برما فروبار.

۲ ـ ای انـدو ، ای رانندهٔ آب‌ها ، ای مغلوب کنندهٔ همهٔ (دشمنـان ما) ؛ با نیروی خـود مانند حافظ ثروت به سوی ما جریان‌یاب .

۳ـ با تو ای (سومای) دلاور، چون‌قهرمانان ، مادشمنان‌خود را مغلوب می‌سازیم؛

(ثروت‌های) دلخواه به‌ما عطا فرما .

٤ ـ ای انـدو ، ای روزی رسان ، ای بیننده ، به پـرستنده (عبادت کننده) روزی‌فرست؛

آن که رغبت خویش‌را با آشنائی به مراسم و اسلحهٔ مقدس نشان میدهد .

۵ـ ماسومارا که‌الهام بخش ستایش، و مُنزّه ، وشبان مردمان است؛ با ستایش‌های‌خود می‌پوشانیم.

۵ ـ پسران پریشنی[1] درقربانگاه شیرهٔ سوما رامیدوشند، وآن‌زیباترین وحقشناسترین نذر (به‌خدایان است).

٦ ستایش‌های آرام ، وقلبی ما به او نزدیك میشود ، و او با صدای‌خود گاوان شیرده را خوش‌آمد میگوید .

(ماندالای نهم ـ سرود ۳٤)

(۱) گیاه «سوما» بخودی‌خود عناصر رئیسهٔ قربانی‌را تشکیل میدهد .
پریشنی Prisni (خالدار ، لك‌لکی) دراینجا بمعنی : مادر ماروت Maruts ها میباشد .

۶۸

ستایش: سوما

۱ ـ ای «سوما»ی تندرو که به‌خدایان دلبسته‌ای، ورا کشس ها را در پرویزن معدوم میکنی، رزق فراوان به‌ما عطا فرما.

۲ ـ آن هنگام که جوی‌های صدگانهٔ مراسم دوست(سوما)، دوستی «ایندرا» را به دست می آورد؛

سوما، مارا روزی می‌بخشد.

۳ـ ای سوما، ده انگشت تورا مدح میگوید، همان گونه که دختر عاشقش را؛

تو پاك شده‌ای تا(به‌ما ثروت) بخشی.

٤ ـ ای اندو که با طعم شیرین از جانب «ایندرا»، و«ویشنو» روانی، عبادت کنندگانی را که تو را ستایش میکنند، از گناه حفظ فرما.

(ماندالای نهم ـ سرود ٥٦)

۱۵۸

۶ ـ آن که افکار همهٔ مردم متوجه پرستش اوست، خداوند اعمال نیک (خداوند قانون مقدس)، منزه، و صاحب ثروت فراوان.

(ماندالای نهم ـ سرود ۳۵)

۷۰

ستایش: کشن‌ها Kesinah (۱)

۱ ـ (خورشید) رخشان اگنی را (نگاه میدارد)؛ آن ذات درخشان آب را نگاه میدارد؛ آن ذات تابناك (درخشان) آسمان، و زمین را نگاه میدارد؛ آن ذات درخشان دید در تمام (جهان) منتشر (منبسط) است.

این نور ذات درخشان نامیده میشود.

۲ـ مونی‌های (۲) پسران «واترشنه» (لباسهای پوست درخت) زرد

(۱) کشن Kesin: بلند مو، دارای موی بلند وزیبا یا پریشان، دارای سر و نوك (اشعهٔ خورشید یا شعله یا زبانهٔ آتش)، یال (اسب اندرا واگنی).

هر یك از قطعات هفتگانهٔ این سرود منسوب به یکی از هفت مونی Muni (دانا، حکیم مقدس، مرتاض) پسران: «واترشنه Vâtarasna» است بنامهای مذکور در ذیل: Jūti (متحرك یاراننده)، وات جوتی Vatajuti، وریشنکه Vrishnaka، کریکته Karikata، اتشه Etasha، ورشیشرینگه Rishyasharinga نام هفت‌ستاره دب‌اکبر که آنها را مونی‌های آسمانی میخوانند.

(۲) این قطعه را ویلسون چنین ترجمه کرده است:

مونی‌ها (مرتاضان) که با بادکمر بسته‌اند جامهٔ گل‌آلود زرد رنگ می‌پوشند، آنها که جریان سریع باد را می‌پیمایند به‌جائی‌میروند که خدایان رفته‌اند

۶۹

ستایش: سوما

۱ ـ جوی‌های جداگانهٔ تو، مانند رگبارهای آسمان بسوی رزق بی‌کران (برای ما) پیش میرود.

۲ـ سومای سبزفام، با اندیشیدن به همهٔ اعمال مقدسی که منظور خدایان است، به‌سوی (قربانی) می‌تازد، وسلاح خودرا (ضد راکشس‌ها) بحرکت درمی‌آورد.

۳ـ او که مورد مراقبت مقدس است، وروحانیان اورا پاك ساخته‌اند، و چون پادشاهی بیباك است؛ مانند شاهبازی بر روی آن‌ها (گیاهان سوما) نشسته است.

٤ـ ای‌اندو[۱]، هنگامی که تو پاك (تصفیه) شوی‌همهٔ‌خزاینی که در آسمان، و زمین است برای ما بیاور.

(ماندالای نهم ـ سرود ۵۷)

---

(۱) اندو Indu = Soma

ناپذیری آنرا آسیا میکرد (۱) .

(ماندالای دهم - ۱۳۶)

(۱) قطعات ٦ و ٧ این‌سرودچنین نیزترجمه شده است :

درحالی که‌جادهٔ حیوانات‌جنگل ، گندهروه‌ها،وآپسارها را می‌پیماید ؛

او با گیسوان بلند خودآرزو را می‌داند ، و دوست شیرین دل انگیزی است .

(۲) وایو برای او (آب‌ها را) متلاطم ساخته است ، اوسخت‌ترین اشیاء را فروکوفته تا خم شدند ؛

وقتی که او با گیسوان بلند پریشان بـا رودرا آب را از جام نوشیده است .

این سرود ظاهراً نخستین اشاره است به طریقهٔ عملی ریاضت (یوگی) .

چرکین پوشیده‌اند ، و راه بادها را دنبال میکنند ، آن‌هنگام که آن‌ها (نیروی) خدایان را به‌دست آورده‌اند .

۳ ـ ما که از تقدس «مونی»ها به وجد آمده‌ایم ، بر بادها سوار شده‌ایم ، ای مردم فناپذیر (ای میرندگان) ، صور ما را (در آن‌ها) بنگرید .

٤ـ مونی (مرتاض) در میان فلك بپرواز می‌آید ، وهمهٔ اشیاء را نورانی میکند ؛

دوست‌هریك ازخدایان برکارهای نیکو گماشته‌شده‌است(۱).

٥ ـ مرکب باد ، دوست : «وایو» ، مونی که از طرف‌خدایان بر انگیخته شده است به‌هر دو دریای خاوری و باختری گـذر میکند . (۲)

٦ـ(خورشید)رخشان که‌درمعبر:«آپسارا»ها، و«گندهروه»ها، و جانوران‌وحشی میگذرد ، وهمه چیزهای قابل‌دانستن رامیداند، نیکوترین دوست شیرین(من‌است) .

۷ ـ وقتی که (خورشید)رخشان‌با «رودرا» با جام خویش‌آب می‌نوشید ، « وایو » آن را برای او برهم میزد ، و(رعد) کژی‌ـ

---

(۱) این قطعه را ویلسون چنین ترجمه کرده است :

مونی در کار مقدس هـر یك از خدایان شرکت دارد ، و در حالی‌کـه بر اشکال گوناگون مینگرد ،در اطراف وجوانب هوا (جو) در طیران است .

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

مونی اسب وات (باد) راکه دوست «وایو»است درکنارخدایان میتازد ، او در هردو اقیانوس ـ دریای مشرق ودریای جنوب ـ منزل دارد .

می‌افکند، وآب‌ها بوسیلهٔ قربانی روان میگردد.

اندرا که آنها را بحرکت در می‌آورد، این(پیش آمد را) میدانست، و از کنارهٔ خورشید می‌نگریست.

۵ ـ باشد که رئیس گندهروه (ویشواوسو) پیمایندهٔ آب(ها) آنچه راست است، و آنچه ما نمیدانیم، به مااعلام‌دارد، و ستایش‌های ما را بپذیرد.

(ای‌ویشواوسو) قربانیهای ما را حمایت فرما.

۶ـ (اندرا) ابرهارا درناحیهٔ‌رودخانه‌ها کشف کرد، ودروازهٔ (آبها را) که در ابرها جا دارد، باز نمود.

اندرابه‌صورت گندهروه (ویشواوسو) آب‌های حیات‌را اعلام داشت (۱).

او بر قدرت اژدهاها واقف است.

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۳۹)

۷۱

ستایش : سویتری

۱ـ سویتری خورشیدوش ، و زرد موی ، روشنائی جاوید را از خاور پیش فرستاد .

و به امر او « پوشان » دانشمند ، و نگاهدارنده از پی آن روان است ، و بر همهٔ آفریدگان نظارت میکند .

۲ ـ در میان آسمان می‌نشیند ، و نوع بشر را می‌نگرد ، وزمین ، وفلك را از (نور) پُرمی‌سازد ؛

او (همه جهات فضای) بی‌کران را ، و (نقاط میانهٔ) پهناور درخشان را ، و علائم ادنی و میانه واقصی را روشن میکند .

۳ ـ آن اصل ثروت ، و به چنگ آورندهٔ گنج‌ها ، با اعمال خود همهٔ اشکال (مرئی) را روشن می‌سازد .

سویتری مانند خدائی که صفت او راستی است همچون‌اندرا در جنگ در راه (جمع) ثروت پایداری میکند .

٤ـخدای‌خورشید («گندهرووویشواوسو») [1] برسوما نظر

---

(۱) ظاهراً در اینجا منظور از«ویشواوسو «Visvavasu» ، (گندهروهٔ آسمانی) خدای خورشید است .

۷۳

خطاب به : آسمان و زمین

۱ ـ درجشن‌ها من آسمان وزمین توانا و دانا و نیرو بخشنده‌گان قانون را باقربانی‌ها می‌ستایم .

آنها که بوجود آورندهٔ خدایانند ، به اتفاق خدایان بادانشی شگفت آفرین ، گزیده‌ترین نعمت‌ها را می‌بخشند .

۲ ـ باخواندن دعاها من‌دربارهٔ فکر آن‌پدر باموهبت‌و نیروی بزرگ ملازم آن مادر، تعمق مینمایم .

آن والدین بارور جهان زندگی را بوجود آورند ، و برای فرزندان خویش‌جاودانی پهناور را درهمه‌سو.

۳ ـ این فرزندان شما با مهارت‌درکار و نیروئی شگفت‌آور نخست آن دومادربزرگ را حیات بخشیدند.

برای نگاهداشت حقیقت همه چیزها که پابرجاست و همهٔ آنها که‌درحرکت‌اند شمامقام پسر خویش را که عاری ازمکر است،

۷۴
ستایش: ویشودوا Visvedeva

۱ ـ باشد که قربانی ما بـه خدایان خرسندی بخشد ، ای «آدیتیا»ها ، بر سر لطف آئید و حسن نیّت شما به سوی ما متوجه باشد ؛ همان گونه که چشمهٔ فراوانی از رنج برای بیچارگان .

۲ ـ باشد خدایانی که مورد ستایش سرودهای «انگرس» ها هستند ، برای حفاظت ما به اینجا آیند ؛

باشد که « اندرا » با گنج‌های خود ؛ و«ماروت»ها، با بادهای حیاتی (۱) ؛ و «ادیتی» با«آدیتیا»ها بیایند و به ما برکت بخشند .

۳ ـ باشد که اندرا، وورونا ،واگنی، و اریمن، وسویتری، به ما روزی (رزق) بخشند ،

وباشد که میترا ، و وورونا ، و ادیتی ، و دریا ، و زمین ، و آسمان ، آن را (برای‌ما) حفظ فرمایند .

(ماندالای اول ـ سرود ۱۰۷)

---

(۱) همهٔ بادها با هم ، یا «ماروت‌ها» با بادهایشان و طوفان».

ستایش خورشید (سوریه Sûrya)

۱ ـ اشعهٔ او از اوج خدائی را می‌آورند که همهٔ موجودات تولد یافته را میشناسد،

تا همه بتوانند آفتاب را بنگرند .

۲ ـ هنگامی که خورشید عالمتاب نزدیك میشود ، ستارگان چون دزدان می گریزند ،

وشب سیاه به‌دنبال آن‌ها میرود؛

۳ ـ اشعّه وتابش‌او (خورشید) ازدور میدرخشید و بر بسیاری از خانه‌های مردم تافت ، ومثل‌آتش‌سوزان دراوج شعله‌وراست.

٤ ـ تندرو ، و هویدا برهمه ، توئی بوجود آورندهٔ روشنی .

ای خورشید که فضای درخشان را روشن می‌سازی.

۵ ـ تو به سوی جمع خدایان بر میخیزی ، و به طرف نژاد بشر :

حفظ میکنید (۱) .

۴ ـ آنها باکمال مهارت و دانائی تمام آن دورا که در تولد ومسکن با یکدیگر متفق هستند ، پیموده‌اند.

آن دانشمندان درخشان درآسمان ،آری درعمق دریا تاری تنیده‌اند که همیشه نو وتازه است (۲) .

٥ ـ امروز این نیکوترین هدیهٔ سویتری است؛ این فکرما است و اینك خدا ما را ترقی می‌دهد .

آسمان و زمین با عاطفتی مهرآگین ما را ثروت ودولتهائی مختلف وگنجی‌هزارگانه می‌بخشند.

(ماندالای اول ـ سرود ۱٥۲)

---

(۱) منظور از عبارت: «دومادربزرگ» زمین وآسمان است ومقصود از عبارت : « پسرعاری ازمکر» آفتاب میباشد که نشانهٔ راستی شناخته‌شده است.

(۲) ظاهراً مقصود از عبارت : «آن‌دو» زمین وآسمان‌ومنظور ازعبارت: «درعمق دریا» Samudra Antah جوّ هوا یا اقیانوس آسمانی‌است .

به درخت هری‌تاله (۱) منتقل گردد .

۱۳ ـ این «آدیتیا» که با تمام نیرو برخاسته ، رقیب مرا هلاک می‌سازد ؛ چون من تاب مقاومت با دشمنم را ندارم .

(ماندالای اول ـ سرود ۵۰)

---

(۱) هری‌تاله Haritāla : نوعی کبوتر زردفام سبزرنگ، تیغهٔ شمشیر، روز چهارم (یا سوم) بدر درشهر بهادره Bhādra، (رگه‌یاخط‌درآسمان ـ جو ـ زردی زرنیخ، و نیروی تخمی یا نطفه ای) .

درختی بنام هری تاله وجود ندارد و معمولاً زردی زرنیخ ، و هریدروه Haridrava نوعی‌زردی گرد نباتی است .

وبه جانب همه تا بتوانند نور آسمانی تورا مشاهده کنند .

۶ـ با آن نوری (چشمی) که تو ای‌پاك کننده، وحفظ کنندهٔ ازبدی‌ها بدین‌جهان آفرینش مینگری.

۷ـ ای‌خورشید ، چون برفضای آسمان برمیگذری ، روزها وشب‌ها را مشاهده میکنی ،

۸ ـ تمام مادیان‌های سرخ فام که ارابهٔ تورا میکشند،

تورا به‌سوی ما می‌آورند ، ای‌خدای دوربین ، ای «سوریهٔ» (سورج) رخشان مو.

۹ ـ خورشید هفت‌مادیان نورانی‌را که دختران رخشان ارابهٔ او هستند ، یراق‌کرده ، و با اسبانی که خود یراق نموده است ، می‌تازد .

۱۰ ـ از میان تاریکی ما به اوکه بالاترین روشنی است می‌نگریم .

و به سوی خورشید که در میان خدایان بالاترین نور است، پرواز میکنیم.

۱۱ ـ رخشنده از نور رحمت امروز که سربرمیزنی وبه‌اوج آسمان‌صعود مینمائی ، ای خورشید ، بیماری را ازدل‌من ،وزردی را (ازرخ‌من) بزدای .

۱۲ ـ زردی روی من به طوطیان یا به ستارگان کوچك یا

۳ ـ به خاطـر من است که « تو شتر » صاعقـهٔ آهنیـن را ساخت .

خدایان‌درمن نیرو دمیده‌اند ،

نگاه‌من،مانند : «آفتاب»غیرقابل‌تحمل است.

مرا بخاطر آنچه کرده‌ام ، و آنچه خواهم کرد « آریائی » نامند (۱).

٤ ـ این منم که برای پرستند گانم گله‌های بزرگ گاو ، و اسب گرد می‌آورم (درست میکنم)، وچون از عصارهٔ سوما ، و نوای سرودهاسرمست شدم، باپیکانم برای آنان طعمه به‌دست می‌آورم ،

واموال بسیار زیاد برای ایشان جمع میکنم .

۵ ـ هرگز شکست ، و مرگ به من (اندرا) دست نیافته است .

هنگامی که (شما عصارهٔ) سوما را می نوشید ، از من ثروت بخواهید.

ای«پوروان»(۲) ،شمادردوستی بامن ، هرگز زیان نخواهید کرد .

٦ ـ این جفت (نر و ماده) هائی که نفس زنان میخروشیدند،

---

(۱) اندرا خدای ویژهٔ مردم آریائی و حامی این طایفه (نژاد) است .

(۲) ویلسون،واژهٔ «پوروان» یا پوروها Purus راکه‌نام افراد یکی ازقبایل آریائی است به «مردان» یا «آدمیان» تعبیر نموده است.

۷۵

ستایش : اندرا(۱)

۱ ـ این منم که نخستین خداوند ثروتم، من همهٔ گنج ها را پی در پی گشوده (و بتصرف در آورده) ام .
این منم که آفریدگان مرا پدر خود میدانند،
منم که در میان پرستندگان خود تخم (وسیلهٔ) شادی (و تمتّع) پرا کنده ام .

۲ ـ من اندرای مدافع و روحانی و نگهبان آتشم ،
برای «تریته» یار خود پنجه های اژدهارا آفریدم.
این منم که نیروی مردی دیوان را از ایشان ربودم، و گله های گاو «ماتریشون»(۲) و «ددهیاچ» را به ایشان باز گردانیدم.

---

(۱) سرایندهٔ این سرود ریشی بنام: «اندرا ویکنتهه Indra Vaikuntha» است . اما سرود خطاب به خدای اندرا میباشد .

(۲) ماتریشون Mātarisvan : نام دیگر اگنی ، باد (وایو Vayu) یا آورندهٔ اگنی از آسمان است .

در اینجا بنا بر تفسیر «ساینه » ، منظور ماتریشون پسر « ددهیاچ Dadhyach » است . و «ددهیاچ» پسر : « اتهرون Atharvan» (آذربان) میباشد .

۹ ـ «سپیه نامی»(۱) در خوردن و آشامیدن بامن شریك بود، و با من برای غارت گاوها پیمان بسته بود، وچون در گیرودار جنگ پاداش باو دادم، وسلاحی برنده به وی عطا فرمودم، اورا سزاوار مدح وسرود نیز دانستم.

۱۰ ـ نیمهٔ اول (ماه) درون (ظرف) سوما نمایان است، در نیمهٔ دیگر شبان استخوان هایش را نشان میدهد،

کسی که میخواست گاو نر تیز شاخ مرا شکست بدهد، در اعماق بدبختی واندوه باقیمانده است.

۱۱ ـ من تأسیسات خدایان آدیتیا ها، ووسوها، وررودراها را ویران نمیکنم،

من (خداوند) تأسیسات خدایان دیگر را ازمیان برنمیدارم،

آنها برای من یك قدرت فرخنده تشکیل دادند،

من شکست ناپذیرم، هیچکس بر من چیره نمیگردد، وهرگز رام وتسلیم نمیشوم.

(ماندالای دهم ـ سرود ۴۸)

و اندرا ، و صاعقه‌اش را به زد وخورد بر می‌انگیختند ، وآنها را بمبارزه می طلبیدند ، من با زبان خشن (زننده) با یک ضربه شکست دادم.

من دربرابر آن هائی که تسلیم می‌شدند، هرگز تسلیم نشدم ، و نرمش نشان ندادم .

۷ ـ من تنها فرمانروای این (عالم) هستم ،

دویا سه‌رقیب چه‌آسیبی میتوانند به‌من برسانند؟

من عدهٔ بیشماری از آنان‌را مانندخوشه های گندم که باداس درو میکنم، میکوبم ؛

دشمنانی که‌ازحمایت‌اندرامحروم‌شده‌اند، چرادشنام‌میدهند؟

۸ ـ من « اتیت هیگوه » (۱)را به« گنگو»ها(۲) (قومی) که تحت حمایت من (اندرا) بودند ، تحویل دادم،

من فاتحان‌وغلبه‌یافتگان‌بر«وریترا» را هنگامی که با کشتن «پرنیه» (۳)، و« کرنجه» (٤) افتخار به‌دست‌آوردم‌مانند یک‌قربانی به‌طوایف‌دادم.

---

(۱) اتهتگوه Atithigva : نام دیو داس Divodâsa پسر:«اتهتگو «Atithigu .

(۲) گنگوها Gungus نام قبیله یا قومی‌غیر آریائی که مشخصات آنها به‌خوبی روشن نیست .

(۳) پرنیه Parnaya : نام دیوی .

(٤) کرنجه Karanja : نام دیو درختی یا اسورائی که اندرا او را کشت .

۴ - جولاکارگاه بافندگی خودرا - در حالی که کارش ناتمام (نیمه‌تمام) بود- جمع کرد،

پیشه‌وران دست از کار کشیدند،

سویتری بپاخاست، وخودرا بگسترد،

او بطورکامل‌زمان را ازهم جداساخت،

سویتری الهی‌فرارسیده،وکاملاحاضر است.(۱)

---

(۱) گریفیت این قطعه‌را چنین ترجمه‌کرده است:

آنچه‌گسترده شده او دوباره‌می‌بافد ، آن بافندهٔماهر کار خود را نیمه تمام میگذارد ، او از استراحت برخاسته است وفصل ها را از یکدیگر جدا می‌سازد . سویتری‌خدای مقدس‌فکرآشکار شده است.

«ویلسون» بمتابعت از«ساینه» عبارت‌را تغییر داده وآنراچنین تحریف کرده است : او(شب) دنیارا در خود مستور ساخته است همان‌گونه که زنی (جامه) بپوشد (برتن ببافد) .

مرد عاقل‌کاری‌را که میتواند(انجام دهد) ناتمام‌میگذارد وچون‌خورشید مقدس خستگی ناپذیر که فصول را از یکدیگر جدا میسازد دوباره آشکار میگردد ، همه ازخواب‌برمیخیزند» .

« روت Roth » کلمهٔ : «ارمتی Arámatih» (مذکور در متن اصلی سانسکریت) راکه «گریفیت» بصورت صفت و بمعنی : « مقدس فکر »ترجمه نموده است ، بصورت اسم گرفته و آنرا بمعنی روح عبادت و پرستش دانسته واین قطعه را چنین ترجمه نموده است :

«آن‌بافنده (ارمتی Aramati») دوباره‌آنچه رشته (تارهای عبادت و قربانی) به‌سوی خودکشیده است . مرد با ایمان در میان کار خود (بواسطهٔ فرا رسیدن شب) وامانده است ، آن گاه ارمتی Aramati دوباره برمیخیزد (طلوع‌میکند) و فصول را مرتب میسازد . سویتری الهی حاضر است (یعنی: صبح‌می گردد) .

۷۶

ستایش: سویتری

۱ - این سویتری آلهی است که برپا خاسته، و ارابهٔ خود را، برای آنکه پی‌درپی انگیزهٔ تازه‌ای برانگیزد میراند؛ زیرا انگیزه طلبی کار اوست،

اوست که به‌خدایان گنج می‌بخشد، واوست که خوشبختی به خورندهٔ نذور عطا می‌فرماید.

۲- سویتری آلهی باسطالید برخاسته، و دست‌های خود را برای‌شادی همه می‌گشاید.

آب‌هااز او تبعیت میکنند، و بادها نیز در مسیرش‌ازجنبش بازمی‌ایستند.

۳ - آدمی که براسب‌تندرو(سمند) سوار بود،اینك‌ازحرکت بازمی‌ایستد، وازمرکب پیاده‌می‌شود.

او(سویتری) مسافر رهگذررا از رفتن بازمیدارد،

او نیش مارهای موذی‌را می‌بندد،

زیرسلطه وفرمان سویتری رستگاری به‌دست می‌آید.

کوشش‌را بر کار برتری میدهد؛
او مدام در جنبش‌وارتعاش است،
تمام پرندگان ،(همهٔ) جانوران به‌لانه‌هـای خود میروند ،
سویتری به‌تمام موجودات جاندار ، جایگاه مناسبی اختصاص داده
است(۱) .

۹ ـ او (سویتری)راـ که اندرا ،و همچنین ورونا ، و میترا ،
واریمن، و رودرا ، وحتی دیوان و نفوس‌خبیثه تابع امرش هستندـ
مورد نیایش قرارمیدهیم، وباکمال خضوع برای‌سلامت‌ورستگاری
خود ازوی یاری می طلبیم(۲).

۱۰ـاوست که خوشبختی‌ماراتأمین میکند،وخرد وهوش‌ما را
بیدارمی‌سازد ، و به‌ما در اجرای مراسم‌مذهبی‌توفیق‌عطامی‌فرماید.
باشد که الههٔ «نرا شنسه»(آن‌محبوب الهی)به ما کمك کند،
وما موردعنایت ، ومحبت‌سویتری قرار بگیریم، تا نیکی،و خیر ، و

---

(۱) این قطعه چنین نیز ترجمه‌شده‌است :
ورونای همیشه رو ، جای‌خنك ودل‌انگیزوسهل‌الوصول بهمهٔ جنبندگان
می‌بخشد وقتی که چشم های سویتری بسته میشود هرپرنده و چـهارپائی به‌لانهٔ
خود پناه میبرد ؛ وهمهٔ مـوجودات را در جهات مختلف‌پراکنده میسازد .
این قطعه باین‌تقریب ترجمه‌شده است :
من با سلام آمیخته باحترام برای خیر خود سویتری الهی را بدین مکان
میخوانم . اندرا ، وواروناَ ، و میترا ، و اریمن ، و رودرا ودشمنان(خدایان)
ازکارهای او نمیتوانند جلوگیری کنند .

۵ ـ ساکنان خُرد ، و کَـلان به منزل های جداگانه باز می گردند،

آتش بوجود آمد ، و گرمی آن نمایان شد،

هنگامی که سویتری خوردن بیاموخت ، مادر بهرهٔ پسرش را بهتر داد(۱).

۶ ـ جنگ آوری که برای پیروزی درعرصهٔ کارزار بیرون رانده بود، به خانهٔ خود بازمی گردد ؛ زیرا همهٔ موجودات جنبنده میل به‌خانه دارند.

هنگامی که وظیفهٔ سویتری الّهی (متوقّف می‌شود)، کارگر (بافنده) کار نیمه‌تمام خویش‌را رها می کند و بخانه برمیگردد.

۷ ـ توای خدائی (سویتری) که قلمرو زندگانی موجودات دریائی‌را درآب قراردادی؛

حیوانات وحشی به امر تو به‌چراگاه روآوردند ،

وجنگل‌ها بفرمان تو مسکن پرندگان شد .

هیچکس نمی‌تواند از این کارهای سویتری الّهی‌جلوگیری کند .

۸ ـ ورونا بمثابهٔ خدای آب با هوشیاری و مراقبت دایم بنطفهٔ آبگون تا جائی که خواست ، عزیمت کرد، و هنگام خواب نیز ازکار بازنمی‌ایستد؛

---

(۱) ظاهراً منظور از «مادر»،«اوِسش Usas» یا «سپیده» دم است.

۷۷

خطاب به: پروش Purusha

۱ - «پروش» هزارسر ، وهزار چشم ، و هزار پابود .
اوتمام زمین را از همه جوانب‌فرا می گرفت، و درآن سوی پهنای ده انگشت قرار داشت .(۱)

۲ - پروش درحقیقت تمام این (جهان مرئی) است ، وآنچه بود ، وآنچه خواهد بود .
اوخداوند ابدیّت است ، وبه‌سبب حرارت (قربانی) بدانسو نموّ میکند.(۲)

۳ - چنین است بزرگی او ، پروش‌حتی از این هم بزرگتر است .

---

(۱) این قطعه براین تعریب نیز ترجمه‌شده‌است :
پروش که هزار سر دارد وهزار چشم و هزار پا،زمین را در همه جوانب میپوشاند و از آن به‌اندازهٔ ده انگشت فزونی دارد .

(۲) پروش‌درحقیقت تمام‌این (جهان‌مرئی) است ، هرآنچه امروزهست وهرآنچه خواهد بود ، همچنین او خداوند ابدیت است او از (وضع شخصی خود) برای رزق (جهت موجودات زنده)بالاتر میرود .

بر کت ، وثروت به‌سوی‌ما روی‌آورد (۱).

۱۱ ـ ثروت دلخواهی که توای سویتری به ما بخشیده‌ای ؛ باشد که ازآسمان ، وآب، و زمین به‌دست‌آید ، و شادمانی مردمی (نژادی) که تورا ستایش میکنند ، شامل من که پیوسته مدح تو را میخوانم، گردد .

(ماندالای دوم ـ سرود ۳۸)

---

(۱) این قطعه را ویلسون چنین ترجمه کرده است :

«او که مورد پرستش مردم است،وزنان (خدایان را) حفظ می‌فرماید ؛ باشد که مارا وقتی که اورا نیایش میکنیم نگاهداری کند. او که بخشندۀ نعمت است وموضوع تفکر است،ودانای مطلق است باشد که ما محبوب سویتری الهی باشیم‌تادرجمع ثروت‌وبه‌دست آوردن‌مواشی(کامیاب‌شویم)».

که «سادهیه» بودند ، و آنها که «ریشی» بودند قربانی کردند. (۱)

۸ ـ ازآن‌قربانی که درآن نذرجهانی تقدیم‌شد، مخلوط دوغ وکره‌به‌دست‌آمد، وازآن مخلوقات هوائی،وحیوانات اهلی،ووحشی را بیافرید .

۹ ـ ازآن قربانی که در او نذرجهانی تقدیم شد ، «ریچ»ها و آهنگ‌های«سامن»بوجودآمد،وبحور عروض‌پیدا شد،ودستوراعمال قربانی(ججر بید) نیزپدیدآمد.

۱۰ ـ اسبان از آن بوجود آمدند، وآنها که دارای‌دو رشته دندان اند ، و گله های گاو ازآن هستی یافت ، و همچنین بُز ، وگوسفند.

۱۱ ـ وقتی « پروش » را ذبح کردند ، آنرا به چند قطعه تقسیم‌نمودند:

دهان او چیست ؟ بازوانش کدام ؟ ران ها ، و پاهایش‌را چه نامیدند ؟

۱۲ ـ دهان او براهمن بود ،و دو دستش«راجنیه»،وران‌هایش «ویشیه»،و«شودر»از پاهایش‌بوجودآمد(۲).

---

(۱) این قطعه این طور هم ترجمه شده است :

پروش که در آغاز تولد یافت‌چون قربانی‌رابه‌روی علف های برافشانده می‌پاشیدند‌بااو(پروش) خدایان (سادهیه‌ها)ودانشمندان(ریشی‌ها)قربانی کردند.

(۲)این قطعه ناظر به‌تقسیم اجتماع هند وبه‌طبقات‌چهارگانهٔ : براهمن ، کشتریه (راجنیه)، بیش(ویشیه) ، وشودراست .

همهٔموجوداتیك‌چهارم‌اوست، وسه‌چهارم‌دیگراو جاویدانی است‌درآسمان .

٤ـسه‌چهارم‌پروش‌به‌بالاصعود کرد،ویك چهارم‌دیگر که‌درین جهان باقیماند مکرّر در مکرر گسترش‌یافت و به اشکال گوناگون درآمد،و به‌تمام‌آفرینش جاندار، و بی‌جان منتهی‌شد (۱) .

٥ ـ از او «ویراج» به‌وجودآمد ، واز «ویراج» پروش.

او بمحض تولّد آشکار شد ؛ بعد زمین راآفرید ،و سپس‌صور مادی را .(۲)

٦ ـ وقتی خدایان (اعمال) قربانی را با پروش برپاداشتند ، بهار روغن آن ، و تابستان هیزمش ، و پائیز خودنذربود .(۳)

۷ ـ آنها (خدایان) پروش راکه‌پیش از(آفرینش)تولدیافته بود، بصورت‌قربانی‌در روی‌علفزارمقدس ذبح کردند ،وبا اوخدایانی

---

(۱) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

سه چهارم پروش به‌بالا برخاست؛ یك چهارم(دیگرآن)دواینجا(زمین) ماند ؛ سپس درهمه جوانب منبسط شد بطوری که به‌آنچه‌خورنده است‌وآنچه خورنده نیست منتهی شد .

(۲) این قطعه نیز چنین ترجمه شده است :

از او ویراج پیدا شد ، و از ویراج پروش ، و او وقتی بوجود آمد که از پشت تا پیش زمین گسترش یافت .

(۳) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

وقتی که خدایان بصورت تقدیمی با پروش قربانی میکردند بهار روغن آن ، و تابستان‌هیزمش ، وپائیزمایع آن بود .

در ستایش : اندرا ، و ورونا

۱ ـ ای پادشاهان (اندرا ، و ورونا) شما را به‌این قربانی،
و نذر با ستایش دعوت میکنیم.

این (ملعقهٔ) روغن ریز که در دست ماست ، بیدرنگ(نذررا)
به شما که دارای اشکال متعدّد هستید ، تقدیم میدارد .

۲ ـ کشور پهناور شما ، (جهان را با باران) اقناع میکند ،
شما که (گناهکاران را) بـا بندهائی غیر از طناب (رشته) مُقیّد
می‌سازید (۱) ؛

باشدکه غضب ورونا از ما بگذرد (نسبت به‌ما فرونشیند) ،
و باشد که اندرا برای مافضای وسیعی مُهیّا نماید .

۳ـ قربانی را که درمنزلگاه‌ما تقدیم میشود ، باثمر گردانید
و دعاهائی‌را که پرستندگان میخوانند کامیاب سازید(برآورید) ؛

باشد که ثروت‌هائی را که خدایان می‌فرستند به‌ما برسد ، و

---

(۱) ظاهراً منظور رشته‌های معنوی و اخلاقی است ، و نه مادی .

۱۳ ـ از فکر (مغز) او ماه پیدا شد ، و از چشمش خورشید، از دهان او «اندرا» ، و اگنی بوجود آمدند ، و از نفس او باد وزیدن گرفت . (۱)

۱٤ ـ از ناف او فلك ، و از سر او عرش، واز پای او زمین، و از گوش او جوانب و اطراف (عالم) پیـدا شد، و بدینسان جهان (هستی) تکوین یافت.

۱۵ ـ این قربانی را هفت دیوار بود ، و سه بار هفت کُنده برای هیزم آن تهیه شده بود ، (۲)

وقتی که خدایان مراسم قربانی را انجام میدادند ، (دست و پای) پروش را بسته بودند.

۱٦ ـ با این قربانی خدایان او را که در همان حال قربانی شده بود، پرستش کردند.

آنها مراسم وتکالیف اولیّه بود ، آن بزرگان درعرش شریك (او) شدند، جائی که خدایان باستانی ـ یعنی: سادهیه‌ها ـ منزل دارند .

(ماندالای دهم ـ سرود ۹۰)

---

(۱) این قطعه چنین هم بترجمه درآمده است :
از روح او ماه تولد یافت ، و از چشم او آفتاب ؛ از دهانش اندرا ، و اگنی پیدا شدند ، و از نفس او وایو (باد) پدید آمد .

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه گردیده است :
چوب‌های او که آتش را احاطه کردند هفت عدد بود ، و هیزم های او سه بار هفت وقتی خدایان قربان را بگستردند، دست و پای پروش را چون فدیهٔ قربانی بستند.

۷۹

ستایش: اگنی (۱)

۱ ـ اگنی (آتش) رامی‌ستایم که سرپرست والای قربانی است،
الهی و انجام دهندهٔ مراسم است،
نذور را به‌خدایان تقدیم میدارد، و دارندهٔ ثروت وافر است،
۲ ـ اگنی که در خور تعظیم «ریشی»های قدیم، و جدیداست؛

---

(۱) ـ این‌سرود، اولین سرود ماندالای اول ریگ ودا (رگ بید) است.
ودرتقسیم‌سرودهای ریگ‌ودا به‌ده «ماندالا»، این کتاب باین سرودوباین عبارت آغاز میشود:

۱ ـ اگنیم اله پوروهیتم یجنه‌سیه دیوم، ریتویجم هوتارم رتنه‌دهاتمم agnim ile purohitam yajnasya devam hotâram ratnadhātamam .»

(۲) ـ اگنیه پورو بهیر رشیبهیر ایدیو نوتنیر اوتا، سه دوان اهه وکشتی
agnih pūrvebhir rsibhir idyo nūtanair uta , sa devân eha vaksati .»

بیشتر از یک‌چهارم سرود های ریگ ودا در ستایش اگنی (خدای: آتش) است. اگنی واسطهٔ بین زمین وآسمان است. او «ریتویج Ritvij» (قربان کننده در فصول یا زمان معین) وروحانی و سرپرست والای قربانیها وهوتر ـ Hotar است و خدایان را برای شرکت در مراسم قربانی دعوت میکند و واسطهٔ بین خدایان و مردم است و نذور را به‌خدایان میرساند.

شما ـ دوتا (ورونا ،و اندرا) ـ با حمایت دلپذیر خود ما را فـزونی بخشید .

٤ ـ ای اندرا ، و ورونا ، ثروت‌هائی که دلخواه همه است با مسکن و رزق فراوان به ما ببخشید .

«آدیتیا» ی (۱) قهرمان موجودات خالي از حقیقت را جزا میدهد ، و (به مؤمنان) گنج‌های بیشمار می‌بخشد .

٥ ـ باشد که این ستایش‌من که با صمیمیّت تقدیم گشته‌است، به اندرا ، و ورونا برسد، و پسران، و نوادگان را نگاهداری کند.

ما که نعمت فراوان داریم ، غذا به خدایان تقدیم نمائیم ، و شما (ای خدایان) همواره ما را برکت عطا فرمائید .

(ماندالای هفتم ـ سرود ۸٤)

---

(۱) ظاهراً در اینجا منظور از «آدیتیا» همان «ورونا» است .

۱۸۹

۹ ـ ای اگنی ، به آسانی به ما نزدیک باش ، همان گونه که پدر به پسر نزدیک است .

همیشه پیش ما حاضر باش تا بەما نیکی برسد.

(ماندالای اول ـ سرود ۱)

باشد که خدایان را به اینجا بیاورد .

۳ ـ بوسیلهٔ اگنی ، پرستنده نعمتی می‌یابد که روز به روز در افزایش است ، و سرچشمهٔ شهرت ، و زیاد کنندهٔ نوع بشر است .

٤ ـ ای اگنی ، این قربانی بی‌مانع که از هر سو تو نگهبان آنی ؛ بی‌شك به خدایان‌خواهد رسید .

٥ ـ باشد که اگنی تقدیم کنندهٔ نذور ، و به دست آورندهٔ دانش که حق است ،ومشهوراست،و الٓهی است با خدایان به اینجا بیاید .

٦ـ ای اگنی، هر نیکی که بتوانی به تقدیم کنندهٔ (این نذور) برسان که در حقیقت «انگرس» ها[۱] آنرا به‌تو برمیگردانند.

۷ ـ ای‌اگنی ، ما با تواضع آمیخته به احترام ،درفکرخود هرصبح ، و شام به‌تو تقرّب می‌جوئیم .

۸ ـ تو ای رخشنده ، ای‌حافظ قربانی‌ها ، ای آشکار کنندهٔ پا برجای حقیقت ، و ای آن که در منزلگاه خود در افزایشی[۲].

---

(۱) انگرس Angiras در اینجا بعقیدهٔ بعضی از مفسران رگ‌ویید نام اگنی است ،

(۲) گریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

فرمانروای قربانی‌ها ، پاسدار قانون ابدی (ازلی) ، ذات رخشنده، وای آن که در مقام خود در افزایشی .

شود،و ثروت‌شرافتمندانه (به‌دست آورند).

٤ ـ آن که مطالعه میکند‌تا شادی‌بخشی‌سریع اندرا راپیشرفت دهد ، ثروتی نیك یافته به‌دست خواهد آورد .

مفتخر به‌لطف تو ای « مگهون » با برپا ساختن قربانی با سرعت از طریق روحانیون قربانی کننده رزق و نعمت به‌دست می‌آورد .

٥ ـ ای مگهون ، به بزرگی ستوده قدرت خویش را منتشر فرما ، و (مارا) ثروت ببخش .

ای اندرای‌زیبا که‌مانند:«میترا» ، و «وروتا» دانائی‌و بخشندهٔ (نعمتی) ، ما را روزی ده .

(ماندالای دهم ـ سرود ١٤٧)

۸۰

ستایش : اندرا

۱ ـ ای اندرا ، من به‌خشم اول تو ایمان دارم که بوسیلهٔ آن «وریترا»را کُشتی، وعمل دوستانه نسبت به انسان برعهده گرفتی ؛

هنگامی که زمین ، و آسمان ـ هر دو ـ سر تعظیم دربرابر تو فرود آوردند، وفلك از نیروی تو لرزان بود ، ای که سلاح تو صاعقه است .

۲ ـ ای اندرا ، برتر از ملامت که‌با فکری متمایل به‌افتخار بااندیشهٔ‌خویش«وریترا»ی‌حیله‌گررا کُشتی،

عبادت کننده وقتی که در جستجوی گلهٔ (گم شدهٔ) خویش است ، تو را انتخاب میکند ، و در تمام قربانی های توأم با ادعیه (تورا میخواند) .

۳ ـ ای اندرا که زیاد تورا میخوانند ،برین « سوری »ها (۱) مرحمت فرما که به راهنمائی آن ها فرد توانا را موقع قربانی پرستش‌میکنند تاپسر،و نوه (پیدا کنند)،وآرزوهای آنها برآورده

---

(۱) Sûri : آموزگار یا معلم آئین قربانی، دانا .

٤ ـ سنگ‌های مقدس ، اشوین‌ها ، پرستندگان پرهیزکار «نستیه»ها برای (شرکت در) اعمال مقدس خویش فرودآمده‌اند ، (تاشمارا) بنوشیدن(شراب)سوما (تحریص) کنند ؛

باشد که همهٔ دشمنان ماهلاك شوند .

٥ ـ همانند «اتری» باتقوی که شما را ای اشوین‌ها باسرود های خود میخواند ، من (شمارا) ای نستیه ها بنوشیدن سوما (دعوت میکنم) ؛

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند .

٦ ـ همان گونه که مردم دانا ، شما را بـه حمایت خود میخوانند ، من شما را ای نستیه‌ها بنوشیدن سوما دعوت میکنم .

باشد که همهٔ دشمنان ما هلاك شوند .

(ماندالای ششم ـ سرود ٤٢)

۸۱

در ستایش: ورونا ، و اشوین‌ها

۱ ـ مالك همهٔ ثروت‌ها ، ورونای نیرومند، آسمان را بر پا داشته است .

اوچون پادشاهی عالیقدر برین جهان حکومت میکند .

این‌ها است اعمال ورونا .

۲ ـ پس ورونای قادر را تجلیل نمائید ؛

نگاهدارندهٔ آب حیات (امریت) را تکریم کنید .

باشد که او ما را منزلگاهی سه پناهه بخشد ؛

باشد که آسمان و زمین را حفظ نماید تا در مجاورت آنها منزل کنیم .

۳ ـ ای ورونای الٓهی ، به‌این‌اعمال مقدس‌من که در پرستش تو انجام میگیرد ، جان‌بخش .

باشد که ما برین کشتی سلامت سوار شویم تا از میان همهٔ مشکلات بگذریم .

آمدند ازراه‌خود رفتند (۱).

۳- «متالی» با«کویه»ها کامیاب میشوند؛ «یم» با اخلاف «انگرس»؛ «بریهسپتی» با«ریکون»(۲) ها:

تجلیل کنندگان خدایان، خدایان آنها را تجلیل کرده اند؛

بعضی ازستایش،و بعضی از نذور شادی میکنند.

٤ - ای یم، برین علفزار مقدس بنشین، وپدران‌ما و«انگرس» هارا باهم متحد ساز.

اورادی که دانشمندان‌میخوانند، به‌سوی تو آید،

---

(۱) آن جا که نیاکان قدیم ما به آنجا شدند، وکسانی که بعد پا بعرصهٔ‌وجودنهادند به‌راههای جداگانه رفتند.

«Yatra nah pûrva pitarah pareyur enā jajnânāh pathyā anu svāh »

(۲) متالی Matâlî : موجودی الهی. بعضی گفته اند که «متالی»همان «اندرا»است که نام ارابه‌رانش «متالی» میباشد.

کویه Kavya: خیرات‌یانذوری که‌هنگام مراسم تشییع‌جنازه‌یادفن‌اموات برای آمرزش ارواح نیاکان یامردگان میکنند.

کویه‌ها kavyas : نام طبقهٔ از ارواح نیاکان یا مردگان (Manes) که ارواح نژاد قدیمی مقدس بوده‌اند.

ریکون‌ها Rikvans (سرایندگان) نام طبقهٔ‌از ارواح‌یا موجودات الهی که «بریهسپتی» را ستایش‌میکردند.

۸۴

ستایش: یم Yama (جم)

۱ ـ فرمانروای کشور ارواح مردگان، آن که از کنار سلسله کوه‌های نیرومند گذشته است، و مسیر بسیاری ازمسافران‌را زیرنظر دارد؛

پسر «ویوسوت» و گردآورندهٔ مردم،

ای «یم» پادشاه، ما نذوررا برای‌تو تقدیم میکنیم[۱].

۲ ـ راه ما را نخست «یم» برای‌ما پیدا کرد،

این چراگاه‌هرگزازما گرفته نخواهد شد.

جائی که نیاگان سلف ما رفتند، و آن ها که بعد به دنیا

---

(۱) یم Yama : خدای مردگان یا خداوند ارواح مردگان. پسر ویوست Wivasvat (ویوسوان Vivasvān) پادشاه بهشت است که‌اشخاص دینداروخیرپس‌ازمرگ به‌آنجا میروند. «یم»نخستین شخصی‌است که‌به‌بهشت راه یافت. بنابر اساطیرهندو «یم»اولین‌شخصی است که‌مرد و راه‌خانهٔ مرگ‌را به دیگران نشان‌داد (نظیر قصهٔ «هاروت» پسرآدم ابوالبشر).

ودرآنجاتو-دوپادشاه: وروناى‌خداوند- و «یم» راخواهی‌دید که برنذورشادی میکنند.

۸ - به‌پدران، وبه یم ملحق شو باپاداش اعمال نیك‌خویش‌در عرش اعلی.

به‌خانه بر گرد، درحالی که همهٔ‌نواقص‌را دور ساخته‌ایم، وبا تن‌خویش بانیروی تمام ملحق‌شو(۱).

۹ - دورشو، از اینجا برو ، پراکنده‌شو:

پدران‌این‌منزل‌را برای اوآماده کرده‌اند.

یم اینجا را به او بخشیده است تادرآن زندگی کند ، جائی در کنارآب‌ها که روزها ، وشب‌هادرآن مشخص است.(۲)

۱۰ - در راه خود مستقیم به پیش بدو ، و از آن دو سگ چهارچشم قهوه‌ای‌رنگ ابلق که فرزندان «سرما»هستند بگذر ، و سپس به پـدران نیکو کار کـه در محـضر « یم » شادی می کنند ، نزدیك‌شو.

۱۱ - ای پادشاه، این مرده‌را به‌دست آن دو بسپار، آن‌دو که سگ‌های‌محافظ تو میباشند.

---

(۱) این قطعه وبعضی ازقطعات‌دیگر این‌سرود درتشییع‌جنازهٔ مردگان برای‌آمرزش ارواح در گذشتگان خوانده‌می‌شده است.

(۲) بنابر گفتهٔ:«ساینه» این‌قطعه خطاب است‌به : پی‌ساچ ها Pisāchas (دسته‌ای از دیوان) ودیگر ارواح پلید.

ای‌پادشاه ،از این نذر شادی کن[۱] :

۵ ـ ای یم ، با انگرس‌های مقدس، وپسران «ویروپه»اینجا بیا، وشادی کن .

ما«ویوسوت» را که پدر تو است ـ وقتی که دراین مراسم‌در روی‌گاه ها نشسته است، میخوانیم[۲].

۶ـانگرس‌ها پدران‌ما،«نوگوه»ها ،«بهرگو»،و«اتهرون»های سوما دوست.

باشد که ما همواره در لطف و مرحمت این دانشمندان مقدس بپائیم[۳].

۷ ـ برو ، برو ، از آن راه‌های قدیمی که پدران ما رفتند ؛

---

(۱) انگرس‌ها Angirasas : اولین قربانی کنندگان . ریشهٔ‌لغوی‌این کلمه (انگرس Angiras) مبهم است ، وشاید از « اگنی » (آتش) که لفظاً با این‌کلمه شبیه است ماخوذ باشد ـ وظاهراً بهمین جهت کلمهٔ:«انگرس» یکی از القاب اگنی است.در ادب هندو انگرس واخلاف اوتجسم اشیای نورانی‌ونمونهٔ نخستین‌قربانی کنندگان بشمارآمده‌اند.

(۲) ویروپه Virūpa (رنگارنگ ، مختلف الشکل، زشت)نام ریشی ، نام یکی‌از انگرس‌ها :بصیغهٔ جمع : نام‌خانوادهٔ ورو‌پ Virūpa ، نام‌شاخه‌یا دستهٔ‌کوچکی از انگرس‌ها . در اینجا منظوراز«پسران ورو‌په» دسته‌یاشاخه‌ای ازخانوادهٔ انگرس‌ها میباشد.

(۳) انگرس‌ها Angirasas ، و نوگوه‌ها Navagvas ، و بهرگوها Bhrigus سه خانوادهٔروحانی قدیمی بوده‌اند .

۱۹۹

«گایتری» ، و«تریشتپ» ، وتمام بحور مقدس (علم عروض) در
«یم» متمرکز میگردد.

(ماندالای دهم - سرود ۱٤)

ای یم، آن‌دو چهارچشم که گذرندگان‌را مینگرند،ومعبررا حراست مینمایند، برین‌مرده‌سلامت، و نعمت عطافرما.

۱۲ ـ فرستادگان یم قهوه‌ای رنگ،وپهن‌بینی حریص‌به‌جان درمیان‌مردم سرگردان؛

باشد که امروز زندگی فرخـنده به ما باز دهند تا آفتاب را ببینیم .

۱۳ - برای یم شیرهٔ سومارا به فشار ، ونذر را به «یم» تقدیم کن :

قربانی نیکو ساخته بوسیلهٔ اگنی به سوی «یم» میرود .

۱٤ ـ نذر پُر روغن را به پیشگاه یم تقدیم کن ، و قدم پیش گذار که او مارا به‌سوی خدایان رهبری کند؛

باشد که مازندگی درازی داشته‌باشیم .

۱۵ ـ به سوی یم پادشاه (فرشتگان) ایـن نذر شیرین چون عسل‌را تقدیم نما:

این است بـندگـی برای بزرگـان قدیم ، سازندگـان باستانی راه .

۱٦ - یم سه‌قربانی (تری کدروکه)(۱)را به‌دست می‌آورد .

شش‌زمین ، و یك (دنیای متحرك) بزرگ ؛

(۱) تری‌که روکه **Tri-kadruka** : (سه ظرف سوما) در اینجا منظور نخستین روز از سه روز عید ابهی پلوه **Abhi-plava** میباشد .

من به انجام دادن کار هائی دست زده‌ام که تا کنون سابقهٔ وقوع نداشته است .

من با یکی جنگیدم ، و با دیگری ساختم .

۳ ـ (پاسخ خواننده) او نظری به‌جانب مادر خود (اندرا) که مشغول طی طریق بود افکند ، و گفت : من این راه‌را نخواهم پیمود .

اندرا در خانهٔ توشتر شراب سومائی نوشید که یکصد گاو ارزش داشت ، از آن مشروبی که بوسیلهٔ هاون (تخته) فشرده شده وبدست آمده بود .

٤ ـ چرا اورا بصورت منحرف بوجودمی‌آورند؟ چرا اوهزار ماه،وهزار پائیز دررحم‌من باقی‌ماند؟

هیچ آفریده‌ای‌ازآفریدگان که‌پیداشده‌اند،وهیچ‌موجودی‌از موجودات که(ازاین‌پس)بوجودخواهندآمد،به‌بزرگی‌اونخواهدبود.

٥ ـ او (اندرا) از وجود مادرش ننگ دارد ، و چون مادر محرمانه اورا زائید، قهرمانی باارزش بود .

اوهنگام ولادت بپاخاست، وجامه پوشید، و این نوزاد عالم (اندرا)آسمان‌وزمین‌را ازوجودخود پر کرد.

٦ ـ (مادر اندرا) این آب‌های صاف جریان دارند ، وصدائی از حرکت آن‌ها بسان آواز زنانی که‌با یکدیگر فریادمیکشند، برمی‌خیزد ،

اندر ستایش: اندرا، و خدایان دیگر

۱ ـ (یکی از خوانندگان میگوید :) این است راه قدیمی که‌مورد آزمایش قرار گرفته است،وبدان طریق خدایان بوجود آمده‌اند.

از این راه خدایان که به حد رشد رسیدند باید قدم بعرصهٔ وجود نهندتاهنگام‌ولادت به‌مادر آن‌ها آسیبی نرسد.

۲ ـ (پاسخ : اندرا) من ازاین راه خارج نمیشوم، این راه بدی‌است، من‌میخواهم‌بطور اُریب از پهلوی‌مادرم خارج‌شوم.(۱)

---

(۱) این‌مکالمه که میان اندرا ومادرش‌صورت میگیرد مانندبیشتر مکالمه های‌ریگ ودا بدوی وناقص‌است. درمیان گفتگوی‌آن‌دو،خواننده‌ای‌نیزواردشده است ومطالبی رابیان میکند.

شرح ولادت غیر عادی این‌خدا (یعنی : اندرا) در این سرود باز نموده میشودوبه‌اعمال‌خودسرانۀاو که درمواقع‌مختلف‌صورت گرفته‌ـ وپدر کشی یکی‌از آنهاست‌ـ اشاره شده‌است. نسبت‌به‌این‌عمل‌انتسابی‌اندرا اعتراض بعمل‌آمده، اما مادر اندرا، و خود او این اتهام را رد مینمایند ـبا تعبیر و تفصیلی که از این سرود بعمل آمده اصالت آن در نظر برخی از ارباب تحقیق مورد تردید واقع‌شده‌است .

۱۰ ـ (پاسخ خواننده) گوسالهٔ ماده، گاونر بزرگی‌را بوجود آورد که گاوان ماده را برمی‌انگیزد، این ورزاب زورمندی که کسی‌را یارای‌مصاف با او نیست، اندرای گردنکش است که مادرش بی‌آنکه گوسالهٔ خودرا بلیسد، آزاد گذاشت تاراه برود، ومسیرخود را انتخاب کند.

۱۱ ـ آن گاه‌مادرش بجانب‌این گاو نرخم‌شد،و گفت:فرزندم خدایان تورا یاری نکردند.

ای دوست من«ویشنو»، جلوبیا ، وزودتر برو ،آن کیست که مادرخودرا بیوه کرد؟! (۱)

۱۲ ـ کی خواست تو را بکشد ، درحالی که توخواب‌بودی، یادرحال حرکت بودی؟

کیست آن خدائی که نسبت به تو رحمت آورد هنگامی که پدرتو پایت‌را گرفته‌بود،وبه‌زمینت زد .

۱۳ ـ (پاسخ اندرا) درآن (روز) بدبختی‌من روده‌های سگ را پختم .

این قطعه چنین نیز ترجمه‌شده است :
(۱)مادر بفرزندنیرومندخویش‌رونمود و گفت: «این‌خدایان‌تورافراموش کرده اند ، آن گاه اندرا که میخواست وریترا را بکشد چنین گفت : ای دوست من‌ویشنو باگامهای بلند شجاعانه پیش‌تاز» .
اشاره به‌داستان‌پدرکشی اندرا میباشد .

ای اندرا، از این آب‌های روان بپرس کدام کوه‌را میخواهند از میان بردارند، و کدام سدرا بشکنند؟!

۷ ـ این آوا آیا برای ستایش و تقدیس تواست، و یا اینکه برای بدنامی (ننگ و عار) است ؟!

این پسر من بود که با کشتن «وریترا» آب‌رودخانه‌ها بجریان افتاد، و آزاد شد.

۸ ـ قصد من این نبود که تو مورد آزار قرار بگیری، اگر زن جوانی تورا باین ورطهٔ خطرناك افکند، و اگر کوشوا (۱) تورا در سینهٔ خود غرق نمود و فرو برد، این نتیجهٔ عمل من است؛ زیرا آبها نسبت به نوزادان رأفت و شفقت مخصوصی دارند.

درنتیجهٔ عمل من اندرا با کمال نیرو بپاخاست.

۹ ـ اگر «وینسه» (۲) را مجروح کرد، این کار مربوط به‌من نیست، ای بخشنده، من گناهی ندارم، هرچند فکّین تو مجروح شد، و تو زخم برداشتی، اما از آن عفریت نیرومندتر بودی، و سرش را باسلاح جانگزای خود بکوفتی.

---

(۱) کوشوا Kushavā : بنا بر گفتهٔ : ساینه «کوشوا» نام راکشس یاعفریت‌مادهٔ است که اندرا هنگام تولد اورا بلعید، اما بنظر «فن‌روت Von Roth این کلمه (کوشوا) نام رودخانه‌ای است .

(۲) وینسه Vyansa : دیو خشکسالی .

اندرستایش : سوریه Surya

۱ ـ حضور درخشان خدایان ،چشم میترا ، وورونا ، واگنی.
(سوریا)روح همهٔ جنبندگان وغیرجنبندگان‌را برانگیخته.
آفتاب ، جوّ (هوا)، و زمین، وآسمان را پُرساخته است (۱)

است .

۲ ـ مانند (پسر) جوانی که‌دختری‌را دنبال نماید ،خورشید
الٓههٔ درخشان صبح را (دنبال کرده است) .

آن‌جا که مردم پرهیزکار اخلاف خودرا در حضورآن فـرد

---

(۱) این‌قطعه چنین نیز ترجمه شده است :
صورت عجیب خدایان و چشم میترا ، و ورونا ، و اگنی بالارفت،سوریا
روح هرچه‌حرکت‌میکند وهرچه ثابت‌است ، میباشد، (او)زمین‌وآسمان‌وناحیهٔ
بین آن دو را پرمیکنده
عبارت سانسکریت این است :

Citram devānām udagād anikam caksut mitrasya varuna- syāgmeh āpra dyāvāprthivi antariksam sūrya ātmā jagatas tasthusas ca.

ازمیان خدایان‌هیچکس به‌من کمك نکرد.
من‌به‌چشم خود پستی(ننگ) زنم‌را دیدم.
در این هنگام عقاب برایم شراب گوارای (شیرین) سوما آورد (۱).

(ماندالای چهارم - سرود ۱۸)

---

(۱) گریفیت این‌قطعه را اینطور ترجمه کرده‌است :
در اندوه ژرف من روده‌های سگ را میجوشانم ، در میان خدایان یکی را نمی‌یابم که مرا تسلی دهد ، همسرخود را حقیر شمردم ،آن گاه‌عقاب برای من سومای لذیذ آورد .

۵ ـ در دامن سوریه (آفتاب) خورشید این صورت را بخود میگیرد تا ورونا ، ومیترا بتوانند اورا بنگرند .

اسبان کرنکش نیروی اورا جاودانی نگاه میدارند؛ زمانی با درخشش ، وزمانی دیگر بتاریکی .

۶ ـ امروز ای خدایان ، هنگامی که سوریا برمیخیزد، مارا از زحمت و بی‌شرفی نجات بخشید.

باشد که این دعای ما را ورونا ، ومیترا، وادیتی، وسندهو ، و زمین ، وآسمان اجابت فرمایند .

(ماندالای اول ـ سروده ۱۱۵)

متبارك برای ثروت وسرورمنبسط ساخته است (۱)

۳ ـ اسبان کرنگ فام خورشید که برکت می‌بخشند با درخشندگی، و الوان متغیّر برای فریادهای پیروزی ما گرد- می‌آیند،

و درحالی که‌دعاهای مارا برگرفته‌اند، بنقطهٔ‌اعلای‌آسمان بالامیروند، ودریك‌آن، بدور زمین، وآسمان میگردند.

٤ ـ این است خداوند، این است نیروی‌سوریا: او(نور خود را) ازروی‌کارهای ناتمام برمیگیرد.

وقتی که او اسبان خود را از محلشان‌رها میسازد، شب ردای خویش‌را بر همه جامی گسترد (۲).

---

(۱) چون معنی این مصراع درست روشن و معلوم نیست بجای اخلاف ممکن است گاوآهن نیز ترجمه شود زیرا در این فصل از خدایان درخواست میشود که زراعت را برکت دهند.

این‌قطعه چنین ترجمه‌شده است:

سوریا مانند جوانی که دختری را (دنبال میکند) سپیده‌دم درخشنده‌را تعقیب مینماید، جائی که مردان علاقمند به‌خدایان یوغ‌ارابه را ثابت‌میکنند تا ازیك‌خوشبختی، به‌خوشبختی دیگر برسند.

عبارت سانسکریت اینست:

Pra sa mitra marto astu Prayasvān. yas ta āditya siksati vratena. na hanyate na jiyate tvoto nainam amho asnoty antito na dūrāt.

(۲) منظوراز مصراع‌اول این قطعه اینست که وقتی‌آفتاب‌غروب میکند، کشاورزان (کارگران و ارباب حرف‌دیگر) کارهای خودرا ناتمام میگذارند.

۳ ـ این سرود مانند قدرت به‌سوی ویشنو بالا رود ، آن گاو بزرگ گام که در کوه‌ها سکنی دارد .
آن که تنها با گامهای سه گانهٔ خود این منزلگاه طویل و وسیع را پیموده است .

٤ ـ آن که سه‌مقام او باشیرینی وسرور جاودانی آکنده‌است ،
آن که بحقیقت جهان سه گانه یعنی : زمین ، و آسمان ، و همهٔ موجودات زنده‌را نگاه میدارد .

٥ ـ باشد که من بدان منزلگاه مطبوع که مردم مؤمن به خدایان در آنجا شاد مانند ، برسم ؛
زیرا در نزدیکی آن‌بلندگام چشمهٔ انگبین در بالاترین قدمگاه ویشنو میجوشد .

٦ ـ ما باشادمانی به منزلگاه او ـ جائی که گاوان ظریف هستند ـ میرویم ،
زیرا منزلگاه عالی آن گاو بلندگام به نیرومندی بس ما میدرخشد .

(ماندالای اول ـ سرود ١٥٤)

ستایش: ویشنو Vishnu

۱ ـ من اعمال نیرومند «ویشنو» را اعلام خواهم داشت، آن که نواحی زمین را بپیمود،

آن که بالاترین محل تجمّع (خدایان) را نگاهداشت، و در گامهای بلند خویش سه نوبت پای خودرا فرود آورد (۱).

۲ ـ ویشنو بجهت نیرویش ستوده میشود؛ (او) مانند جانوری سهمناك که در کمین شکار است در کوهها زندگی میکند و باطراف میگردد.

در فواصل سه قدم وسیعش همهٔ موجودات زنده سکنی دارند (۲).

---

(۱) ظاهراً منظور سه نوبت روز یعنی: هنگام طلوع آفتاب، وظهر، وغروب است.

(۲) عبارت اصل سانسکریت چنین است:

«پره تد ویشنوستهوتویریه مریگونهبهیمه کو کرو گریشتهه یسیوروشو تریشو ویکرو منشوه ادهی کریشینتی بهوورانیویشوا

Pra tad visnuh stavate viryena mrgo na bhimah kucaro giristhāh yasyorusu trisu vikramanesv adhiksiyanti bhuvanāni visvā».

۶ ـ کسی که برای خود نظم اخلاقی بخواهد، بادها شیرین‌اند . برای اورودخانه‌ها به‌شیرینی جریان دارند ؛
حتی باشد که گیاهان برای ما شیرین باشد .
۷ ـ باشد که شب شیرین باشد ، و سپیده دم هم ؛
باشد که ناحیهٔ زمین (جو) شیرین باشد ؛
باشد که آسمان پدرما بر ما شیرین باشد .
۸ ـ باشد که آن‌درخت بلند برای ما پُرازشیرینی باشد ؛
باشد که آفتاب‌نیز پرازشیرینی‌باشد،و گاوان‌ماده برماشیرین باشند .

۹ ـ ای میترا ، برما لطف فرما ، وشما «ورونا» ،و«اریمن»، و «اندرا» ، و «بریهسپتی» ، برما مهربان باشید.
و همچنین تو ای «ویشنو»ی‌قوی گام .

(ماندالای اول ـ سرود ۹۰)

۸۶

در ستایش: وشو دیوها Visvadevas

۱ـ باشد که ورونا ـ باهدایت مستقیم میترا ـ مارا رهبری کند، آن که میداند،

و«اریمن» باموافقت سایر خدایان .

۲ ـ زیرا آنها دهندگان ثروت اند ، وقدرت آنها را نمی‌فریبد ،

همیشه قوانین مقدس را حفظ نمائید .

۳ ـ باشد که آنها ما را پناه دهند ، خدایان جاوید به مردم فناپذیر ،

دشمنان‌ما را برانند .

٤ ـ باشد که آنها راه‌ما رابه‌سوی شادمانی نشان‌دهند، اندرا وماروت‌ها ، وپوشان ، وبهگه ـ خدایانی که قابل پرستش‌اند .

۵ ـ آری پوشان ، و ویشنو ، شما که در راه خویش‌روانید ، سرودهای‌ما را باگاوان ثروتمند سازید ؛

وما را باکامیابی تمام برکت دهید .

ما که جز اندرا دیگری را خدمت نمیکنیم.

۶ ـ ای نابود کنندهٔ دشمنان ،کاری بکن که دشمنان ما، ما را سعادتمند بدانند، ومردم (بهما تبریك بگویند)؛ باشد که ما پیوسته در سایهٔ برکت اندرا ساکن باشیم (۱).

۷ـ شیره‌ای‌را که (درهرسه‌مراسم) حاضراست، ولطف‌قربانی می‌باشد، و بشررا نشاط می‌بخشد، وعمل‌راکامل میسازد، ومطلوب (اندرا) است؛ به اندرا تقدیم نمائیم؛ آن که بتقدیم کننده، ثروت می‌بخشد.

۸ ـ ای«شت کرتو» (۲)، چون‌توازین (شیرهٔ سوما) بنوشی، کشندهٔ «وریتره» ها (۳) میشوی؛

---

(۱) این قطعه را گریفیت چنین ترجمه کرده است:
آیا ای خدای اعمال شگفت‌آور همهٔ مردم حقیقی ما، ما را مبارك میخوانند؛ باشد که ما هنوز مورد توجه اندرا باقی بمانیم.

(۲) شت کرتو Satakratu : لقب : «اندرا» خدای‌صدمراسم‌یاصدقربانی. «ساینه Sāyana» در توضیح خود در این باره مینویسد: منظور ازکلمهٔ«صد» بسیاری از از اعمال یا مراسم مذهبی است (Bahukarmayukta) که بهم بستگی‌دارد.

(۳) وریتره‌ها Vritras : دشمنان یا دیوان بیدادگری و ویرانی اند وخشکسالی که درجو مانع ریزش باران میشوند واز باریدن ابرها جلوگیری میکنند. این دشمنان (دیوان خشکسالی و تنگی) بنامهای مختلف خوانده میشوند ورتیره Vritra ، اهی Ahi ، شوشنه Sushna ،نموچی Namuchi پیپرو Pipru ، شمبره Sambara ، اورنه Urana وغیره. اندرا باحربهٔ خود با آنها جنگ میکند ومانع خشکسالی میشود.

۸۷

اندر ستایش : اندرا

۱ ـ همه‌روز ما نیکی کننده‌را به حمایت خویش میخوانیم[1] همان گونه که دوشندهٔ گاو شیرده نیکو (زیبا) ، برای دوشیدن شیر او .

۲ ـ ای نوشندهٔ شیرهٔ «سوما» در مراسم (روزانهٔ) ما حاضر شو ، و از نذر ما بنوش[2] ؛ چون خرسندی (تو که) بخشندهٔ نعمتی به‌راستی موجب اعطای گله (رمه) است .

۳ـ ما تورا درمیان درست اندیشان که درقرب‌جوار تواند ، می‌شناسیم ، به سوی ما بیا ، وازما مگذر .

٤ـ ای پرستنده ، به‌سوی اندرای داناوصدمه ناپذیر که بهترین (برکت) به دوستان تو می‌بخشد ، روی آور .

۵ـ آیا کسانی که مارا استهزا می کنند میگویند به جای دیگر بروید ؟

---

(۱) یعنی : «اندرا» نیکوکاران را به‌حمایت خویش میخواند .

(۲) منظور خدای « اندرا » است که صاحب سوما و رئیس نوشندگان «سوما» است .

۸۸

ستایش : اپام نپات Apām-napāt (۱)

۱ ـ در اشتیاق غنائم من سخنان خود را بیان‌میکنم : باشد که فرزند طوفان‌ها سرودهای مرا بامرحمت بپذیرد .

آیا پسرشتابندهٔ آب‌ها ، آن‌ها را زیبانخواهند ساخت،چون اوست که باید از آن‌ها لذت برد ؟

۲ ـ سرود نیکو ساخته‌ای را که‌ازدل برمی‌آید ، به‌اوخطاب کنیم ، آیا آنرا نخواهدفهمید ؟

فرزند (پسر) مهربان آب‌ها بعظمت خداوند همه‌چیز را بوجود آورده است .

---

(۱) اپام نپات Apām-napāt یا(نوادهٔ آب‌ها)اپام‌نپتری Apām-naptri یااپام گربهه Apām-garbha یا اپونپتری Apo-naptri یکی‌ازنام هایاالقاب «اگنی» (آتش) است .

این خدا صورتی از آتش است که درآب متولدشده و در آب زندگی میکند. گفته شده که‌اوجوانی(کودکی) استمورد علاقهٔ دختران نارپستان که دراطرافش‌می‌ایستند واز اونگاهداری‌میکنند .

به مردجنگنده در این نبرد کمك کن .

۹ ـ ای «شت کرتو» ی نیرومند ، در جنگ ، ما غذای قربانی به‌تو تقدیم میداریم تا (اندرا) ما را ثروت بخشی .

۱۰ ـ بنام اندرا که حامی ثروت‌است و نیرومنداست‌و کنندهٔ اعمال نیك‌است و دوست تقدیم کنندهٔ نذر است ، بسرائید .

(ماندالای اول ـ سرود ٤)

اورا نخست به دنیا آورده‌اند . (۱)

۶ ـ اسب در اینجا تولّد یافت ؛ نور آفتاب ازآن او بود .

پادشاهان ما را ازحملهٔ ستمگران حفظ فرما .

او در منزلی خراب ناپذیر در قلعهٔ دور و ناساخته مسکن دارد ، و ارواح پلید به او نمیرسند(۲) .

۷ـ او گاوهای شیرده در منزل دارد و آب حیات خدایان را فراوان می‌سازد ، و گوشت‌های نیکو میخورد ،

پسرآب‌ها که از آب‌ها نیرو میگیرد برای پرستندهٔ خود میدرخشد تا گنج‌ها را بدو ببخشد .

---

(۱) گریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :
سه بانو برای او غذا می‌آورند ـ الهه‌های خدائی که هیچکس نمیتواند به اوصدمه برساند ـ در میان‌آب‌ها اوفشرده شده و شیرآنان راکه‌برای‌اولین دفعه مادر شده‌اند مینوشد .
عبارت متن سانسکریت اینست .

Bhaga eva bhagavān astu bevās tena vayan bhagavantah syām. tam tvā bhaga sarva ij johaviti śa no bhaga puraetā bhaveha.

ظاهراً مقصودازسه‌بانو ، «ایلا Ilā» ، و«سرسوتی Sarasvatī» و«بهارتی Bhāratī» است که تجسم مقدس‌دعا و پرستش میباشند .

(۲) معلوم نیست که‌دراینجا منظور خورشید است یا برق . بهرحال‌معنی آن مشکوك بنظر میرسد . بعقیدهٔ لودویگ Ludwig منظور تولد اسب‌طبیعی از نژاد اسب آسمانی است .

۳ ـ بعضی سیل‌ها باهم‌یکی میشوند ، وسیل‌های‌دیگر به‌آنها می‌پیوندد .

رودخانه‌های خروشان‌انبار (وادی) مشترکی‌را پرمیسازند ، سیل‌های درخشان ازهرسوزادهٔ رخشنده و باشکوه آب‌هارااحاطه کرده‌اند .

٤ ـ دختران‌جوان بی‌تبسّم (یعنی : آب‌ها) در پیرامون‌این جوان می‌ایستند ، و او را روشن‌و درخشان می‌سازند .

او با شعلهٔ شفّاف خود نورمی‌بخشد وبی هیزم درآب باجامهٔ آغشته به‌روغن‌می‌تابد (۱).

۵ـ به‌آن‌خدای ثابت، سه‌بانوی‌آسمانی غذامی‌دهند ، گویا او به‌سوی مادرش درآب‌ها کشیده میشود ،

او شیرینی آسمانی (بهشتی) ازدست آن‌هائی می‌خورد که

---

(۱) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :
آب‌های افسردگی ناپذیر ودختران جوان آراسته درخدمت آن جوان (پسرآبها) هستند، اوبا اشعهٔ درخشان‌خویش باجمال‌وزیبائی‌درآب‌های آغشته به روغن (کرهٔ پخته) بی‌هیزم می‌تابد .
متن اصل سانسکریت اینست :
دبهگه پرنتر بهگه ستیه رادهوبهه گمام‌دهیم اد اوا د د ن نه.بهگه پره نه جنیه گوبهیراشویر بهگه پره تربهیر نرونته سیامه

Bhaga pranetar bhaga satyarādho bhagemām dhiyam ud avā dadan nah. bhaga pra no janaya gobhir asvair bhaga pra nrbhir nrvantah syāma .

قربانی و احترام و نذر پرستش میکنیم (۱).

من موجب درخشش پشت اورا فراهم میسازم و به او هیمه میدهم.

من او را غذا میدهم و باسرودهای خود تجلیل مینمایم (۲) ـ

۱۳ ـ گاو نر نطفهٔ حیات خویش را در میان آنها نهاده است،

اوچون کودکی شیر آنها را مینوشد ، و آن‌ها اورا میبوسند ،

او ـ فرزند آب‌ها ـ بارنگ پریدگی ناپذیر دراینجا دربدن دیگری وارد شده است .

۱٤ ـ هنگامی که او در اینجا به عالیترین وضعی منزل دارد و با اشعهٔ فناناپذیر میدرخشد ؛

آب‌ها روغن می‌آورند تا فرزند خود را غذا بخشند ، آن نوجوانان در اطراف او می‌چرخند .

۱۵ ـ اگنی، من به مردم پناه می‌بخشم، و به شاهزادگان مهیّا ساختن (شعائر قربانی) .

آنچه مورد لطف خدایان است مبارك است ؛ باشد که ما با قهرمانان در محفل بلند سخن گوئیم (۳) .

(ماندالای دوم ـ سرود ۳۵)

---

(۱) ظاهراً منظور ازعبارت: «از نزدیکترین دوست عدهٔ زیادی» آنست که چون او از همهٔ خدایان از حیث مکان پائین‌تر میباشد ، بمردم نزدیکتر است .

(۲) منظور اینست که چون هیمه وهیزم درآتش بیندازند موجب شعله‌ور شدن آتش میشود و بهتر وبیشتر زبانه میکشد .

(۳) مقصود آنست که اگنی دراثر سرودهای من، مردم ما را حفاظت میکند، و ثروتمندان مارا موفق میسازد که قربانی‌های نیکو تقدیم دارند.

۸ ـ او که در آب‌ها با اُلوهیّت خالص خود به پهناوری میدرخشد و مطیع قانون وجاویدان است ؛

جهان‌های دیگر بحقیقت شاخه‌های اوست ، و گیاهان، و آنچه از آنها میروید همه از او برخاسته است .

۹ ـ فرزند آب‌ها بپاخاسته و با جامه‌ای از نور به میان ابرهای پُرپیچ‌وخم بالارفته است ؛

و جلال عالی‌خویش‌را درمیان آن نوجوانان زرّین‌فام که‌در اطرافش درحرکت‌اند، آشکار میسازد (۱).

۱۰ ـ او زرّین شکل است ، و چون به او بنگری چون طلا است ، رنگش زرّین است ، پسرآبها است .

وقتی که تازه در زادگاه زرین خود نشسته است، آنها که طلای خویش را تقدیم میدارند ، برایش غذا می‌آورند .

۱۱ ـ این نام زیبای او ، و این جنبهٔ دل‌آرای پسر آب‌ها در پنهانی درافزایش است ،

آن که دختران جوان باهم(برای او) در اینجا (آتش) می‌افروزند ، غذایش روغن‌مقدس زرّین فام است .

۱۲ ـ او را که از نزدیکترین دوست عدهٔ زیادی است ما با

---

(۱) ظاهراً منظور ازعبارت: «نوجوانان زرین‌فام» رودخانه‌هایاآب‌های جوی (هوائی) اقیانوس است .

۶ ـ وقتی جات ویداس به‌حرکت درمی‌آید ، وچون اگنی در زمین منتشر میشود ، غبار سیاه از قدم‌های او برمیخیزد .

۷ ـ اگنی که گیاهان را طعمهٔ خویش میسازد ، و آن‌ها را می‌بلعد ، هرگزسیر نمیشود؛ بلکه باز(بربوته‌های) جوان‌می‌افتد.

۸ ـ (درختان را) بازبان خویش (شعله‌ها) خم مینماید ، وبا جلال میدرخشد ، اگنی درجنگل‌ها تابان است .

۹ ـ ای‌اگنی،مقام تو درآب‌ها است، تو به گیاهان می‌چسبی و جرثومهٔ آن‌ها میشوی ، ودوباره تولّد می‌یابی .

۱۰ ـ درخشش تو ، ای اگنی ، وقتی که روغن (نذر) تقدیم میشود ، در حال اشتعال از دهانهٔ ملعقه تابان است ،

۱۱ ـ ای اگنی ، ای بخشندهٔ (آرزوها) ، ای خورندهٔ گاو ، ای خورندهٔ مغز استخوان که در پشت‌تو نذور ریخته میشود و تورا پرستش‌می‌کنیم (۱) ،

۱۲ ـ ای‌اگنی ، ای احضارکنندهٔ (خوانندهٔ) خدایان ، ای انجام دهندهٔ مراسم مقدس ، ما با نذور وهیزم از توالتماس داریم .

۱۳ ـ ای‌اگنی مقدّس که نذور به تو تقدیم میشود ،ماهمان گونه که «بهرگو» ، و «مانو» ها ، و «انگرس» ها تو را پرستش میکردند ، تورا عبادت میکنیم .

۱۴ـ ای اگنی ، تو را اگنی‌برافروخته است ،چون‌دانشمند

(۱) درمتن‌سانسکریت عبارت Soma prishthāya بکار برده شده که‌بمعنی:

۸۹

در ستایش: اگنی (آتش)

۱ ـ اینان که ستایش را تکرار میکنند، مدح اگنی دانای آفریننده را بیان مینمایند، آن‌قربانی کننده (پرستنده)ای که وقفه درکارش نیست.

۲ ـ ای اگنی، ای«جات‌ویداس» (ای اگنی جات ویداس)، برای تو ای تقدیم کنندهٔ نذور کریم، ای ناظر بر همه چیز، من صمیمانه ستایش تو را تکرار میکنم.

۳ ـ شعله‌های سر کش‌تو، ای اگنی، جنگل‌را نابودمیکند، همان گونه که حیوانات وحشی با دندان‌های خود (گیاهان‌را) از میان برمیدارند.

٤ ـ آتش‌های دودزای معدوم کننده، سوار برباد، درهمه جوانب فلك پراکنده میشوند،

۵ ـ این آتش‌ها که‌هریك جداگانه برافروخته شده است، مانند علامات سپیده‌دم بنظر می‌آیند.

---

(۱) ریشی این‌سرود وروبه Virupa از اخلاف انگرس‌است.

۲۳ـ ای اگنی ، ما تورا میخوانیم،تو که«جات ویداس»هستی و (ستایش مارا) میشنوی ، و دشمنان ما را از میان برمیداری .

۲٤ ـ اگنی پادشاه مردم ،شگفت انگیز ، سرور اعمال‌مقدس، من اورا ستایش میکنم ؛ باشد که‌مرا بشنود .

۲۵ ـ مامانند اسبیِ آن (اگنی‌را) که‌نیرویش درهمه‌جا حاضر است ، تقویت مینمائیم ؛ آن که شریف ، وقوی ، وخیّر است .

۲٦ ـ ای اگنی ، با درخشش بتاب ، بدخواهان را هلاك‌ساز، و دشمنان ما را (دور کن) ، و درهمه‌جا «راکشس» ها را از میان بردار .

۲۷ ـ ای‌سرور «انگرس» ها(اگنی) که (تورا) مردم مانند: «مانو»ها برمی‌افروزند، سخنان مرا بشنو .

۲۸ ـ ما باستایش تورا میپرستیم ، ای‌اگنی که‌درآسمان ، و آب‌ها تولّد یافتی ، ودراثر نیرو پدیدارگشته‌ای .

۲۹ ـ همهٔ خلایق ، و ساکنان (زمین) یکایك غذا (قربانی) برای تناول ، ولذت‌تو تقدیم میدارند .

۳۰ ـ ای اگنی ، باشد که ما بوسیلهٔ تو که در قربانی‌مهارت داریم ، و در تمام ایّام خودمردم را می‌بینیم ، از (همهٔ) مشکلات بگذریم .

۳۱ـ ما با (سرودهای) شادیبخش ، وفرح‌انگیز اگنی‌مسرور کننده‌را که پیش‌بسیاری گرامی‌است ، و با درخشش‌پاك کننده‌ای

دانشمندی را ،و مقدسی مقدسی را ، و دوستی دوستی را .

۱۵ ای اگنی ، بتقدیم کنندهٔپاکدامن (نذر) ثروت بی‌پایان، و روزی ، و فرزندان نرینه عطافرما ،

۱۶ ـ اگنی ، ای برادر که به‌نیرو نمایان گشته‌ای، وخداوند اسبان سرخ میباشی،و(انجام دهندهٔ)مراسم پاك هستی ، ازین‌ستایش ما خرسند باش .

۱۷ ـ ستایش‌های من به‌سوی‌تو می‌شتابند ، ای‌اگنی ،همان گونه که گاوان به گاوخانهٔ(آغل) خویش میروند تاگوساله‌های تشنهٔ خود را شیر دهند .

۱۸ ـ به تو ای اگنی که‌سرور انگرس‌ها هستی ، همهٔ مردم فردفرد برای نیل به‌آرزوهای خویش رومی‌آورند .

۱۹ ـ دانایان ، خردمندان ، وهوشیاران با قربانی اگنی را خشنود می‌سازند تا به روزی خود برسند .

۲۰ ـ ای‌اگنی ، ای‌نیرومند ، ای حامل (نذور) ، ای‌احضار کنندهٔ خدایان ، (پرستندگان) که‌قربانی را در منازل خود مهیّا ساخته‌اند ، تورا پرستش‌میکنند .

۲۱ ـ توخداوندی ،توهمهٔ مردم را درهمه‌جا یك‌سان‌می‌بینی پس‌ما در جنگ‌ها تو را میخوانیم .

۲۲ ـ آن‌اگنی را که چون روغن‌به‌دو تقدیم شود باروشنائی می‌تابد ، و دعاهای مارا میشنود ، عبادت نمائیم .

در ستایش : سوما Soma

۱ ـ (عصارهٔ) سوما را تصفیه کنید، شیرین‌ترین مشروب، سُکر آورترین شراب سرشار را با فشردن (گیاه‌سوما) به‌دست آورید ، برای اینکه اندرا بنوشد .

۲ ـ اندرا (خداوند) کشندهٔ دشمنان (دیوان) ، حفیظ‌وحافظ دوستان (اقوام‌بشر) در مقرّ خود (درعرش علیّین) قرار گرفته است و ظرف پولادین در دست دارد تا از نایچه، ولولهٔ آن شراب سومارا بنوشد .

۳ ـ ای‌خدا ، فضای حیاتی مارا وسیعتر گردان ،بخشندگی بیشتری بمانشان ده .

ای‌قاتل اهریمنان (ای‌وریترا کُش)، بزرگان‌مارا ازحمایت، و یاری‌خود بهره‌مند، و برخوردار فرما .

٤ ـ ای سوما جاری شو، و ازشیرهٔ خود مهمانی خدایان را رونق بخش ، و وسیلهٔ دسترسی بافتخارات نظامی ، و تحصیل غنایم و مالی‌را که درجنگ ازدشمنان بدست می‌آید ، فراهم ساز .

در قربانی قرار دارد ، میخوانیم .

۳۲ ـ ای اگنی ، در آن هنگام که تو چون خورشید طالع میدرخشی، وقدرت خویش را بوسیلهٔ اشعهٔ خودمینمایانی، ظلمت‌را معدوم میسازی .

۳۳ ـ ای اگنی نیرومند ، ما آن ثروت دلخواه که‌دربخشش تو است ، وهرگز زوال نمی‌پذیرد ، از تو التماس داریم .

(ماندالای هشتم ـ سرود ٤۳)

۹۱
ستایش : اگنی

۱ ـ تو شعلهٔ بزرگ سنن و مراسمی ، بی‌تو موجودات ابدی فرح وانبساط ندارند.

بیا با ارابهٔ خودباسایر خدایان و همراه آنان،واینجا بنشین.

ای اگنی،تواوّلین پیشوای مذهبی ما هستی .

۲ـ توآن (خدای) سریع و چالاکی که بشربه اونذورتقدیم میکند،و به‌درگاهش بطورمدام التجا میجوید ، وواسطهٔمیان آدمیان وسایر خدایان است .

ای اگنی ، برآن که تو با خدایان (دیگر) بر روی چمن مقدس اومی‌نشینی روزگار را مبارك ساز(۱).

۳ ـ ای‌اگنی، برای‌مردی(موجودفناپذیری) که توراستایش میکند،سه‌بار در روز (۲)ثروت بوسیلهٔ تو ابراز میشود .

---

(۱) گریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :
« مردم پیوسته بوسیلهٔ نذور ازتو استدعا دارند ، ای تیز رو که وظیفهٔ سفیر را انجام می‌دهی آن که برروی چمن مقدس او تو با خدایان می‌نشینی ! ای اگنی روزگار را براو فرخنده فرما ».

(۲) منظور ازسه‌بار در روز : صبح ، وظهر ، شب یاسه مجمرآتش‌است.

۵ ـ ای اندو[۱]، بواسطهٔ کسب این نعمت‌هاست که‌ماروز به‌روز به‌جانب تو رومی‌آوریم، ای شراب آسمانی (ای‌شراب‌طهور)ادعیهٔ ما را بپذیر .

۶ ـ دختر خورشید (سوریه) [۲] شیرهٔپاك ، وروشن‌تو را در پرویزنی که تور آن غربال ازپشم تابیده بافته‌شده‌است ، توراصاف کرده ، پالش میدهد .

۷ـده‌دوشیزه[۳] ازتو در روز بزم ، ورزم استفاده میکنند ،
خواهران [٤] درروزپیکارقطعی ازاو یاری می‌طلبند.

۸ ـ دختران باکره(وعفیف) [۵] شیرهٔ تورا میگیرند،وآواز خوشی از آن برمی‌خیزد .

این شراب مقدس در حکم زره سه‌لائی و سطبراست .

۹ ـ گاوان شیرده (که شیر آنها با سوما آمیخته میشود) با تو گوساله‌های خود را مسح میکنند (تدهین میکنند) .

۱۰ ـ اندرای سرمست‌شراب‌سوما ، همهٔو ریتراها را کشت‌و درنتیجهٔ سرمستی و سُکری که ازعصارهٔ سوماحاصل‌میشوددلاوران از بزرگواری‌وبخشندگی‌او(اندرا)حداکثر استفاده‌را مینمایند .

(ماندالای نهم ـ سرود اول)

---

(۱) منظور «سوما» است .

(۲) ظاهراًمرادازدخترسوریه،شرادهه Srädha است .

(۳) مراد انگشتان خدام دین است .

(٤) منظور همکاران وهمدینان است .

(۵) منظورخدمتگزاران‌دین‌اند.

ستایش: وایو Vayu

۱ ـ ای «وایو»ی نیك منظر ، نزدیك شو ، این «سوما» برای تو مهیّا شده است،

از آن بنوش، دعوت‌ما را بشنو (بپذیر).

۲ ـ ای وایو،ستایشگران تو که شیرهٔ سوما را ریخته‌اند،و موسم (مناسب) را می‌شناسند ، تو را با ستایش های مقدس تمجید میکنند .

۳ ـ ای وایو ، سخنان موافق تو به‌پرستش کنندگان(تقدیم کنندگان نذور) ، و به‌بسیاری (دیگر) که تو را بنوشیدن شیرهٔ «سوما» میخوانند، میرسد .

٤ ـ ای وایو ، وای اندرا ، این نذور برای شما ریخته شده است، باغذا (خوراك) برای‌ما به اینجا بیائید ؛

به درستی قطره های شیرهٔ سوما در انتظار هر دوی شما است .

۵ ـ ای اندرا ، وای وایو که در مراسم قربانی حاضرید، و به

برای خدایان اینجا قربانی کن ، همان گونه که « مانو » قربانی کرد .

ای اگنی ، تو واسطهٔ میان ما وخدایانی، تو ما را از بدگوئی بداندیشان درپناه خود قرار میدهی .

٤ ـ ای اگنی به آئین ومناسك مذهبی پادشاهی کن، ای اگنی در تمام (مراسم اهدای) نذور که تدارك دیده میشود برما حکومت کن .

خدایان تورا باین سمت شناخته و قبول کرده‌اند، تو واسطهٔ رسانیدن قربانی‌ها هستی که‌ما برای خدایان میکنیم .

٥ ـ ای اگنی ، خدایان را در مراسم اهدای نذور فراخوان تا در اینجا آنها با اندرا ـ خدای بزرگتر ـ خشنود شوند.

این قربانی ما را به‌خدایان درآسمان برسان ،
ما را همیشه در پناه خیروبرکت خودقرار ده .

(ماندالای هفتم ـ سرود۱۱)

ستایش : اگنی

۱ ـ ای اگنی، ای باران (رحمت) تو که خداوندی، تو که با همهٔ آفریدگان می‌آمیزی ، تو که از جای پای «ایلا» شعله‌ور گشتی؛مارا به ثروت برسان (۱) .

۲ ـ باهم ملاقات کنید، و باهم صحبت بدارید، وافکار شمابا یکدیگر موافق باشد،

همان‌گونه که خدایان باستانی با یکدیگر سهم خود را از قربانی قبول‌می کردند.

۳ ـ نماز (دعای) همه (جمیع ستایش کنندگان) یکی باد ، حاصل همه یکی باد ، مقصود همه همگانی باد ،آرزوی همه متفقق باد .

من یك دعای همگانی برای شما تکرار می کنم، من یك‌نذر همگانی به‌شما تقدیم مینمایم.

---

(۱) این قطعه‌را گریفیت چنین ترجمه کرده است :

«تو ای اگنی نیرومند که آنچه گرانبهاست‌برای‌دوستان، گردمی‌آوری، آن‌هنگام که در محل نذور برافروخته‌ای ، برای ما تمام گنج‌هارا بیاور» .

این نذر واقف اید ـ هر دو ـ به شتاب به اینجا بیائید.

۶ - ای اندرا ، وای وایو ، به مراسم این قربانی بیائید ، چون بدین طریق مردم به سرعت به کمال این مراسم خواهند رسید .

۷ - من «میترا»ی پاك نیرو ، و «ورونا»ی دشمن خوار را میخوانم که (بایکدیگر) آب را به زمین عطا نمودند .

۸ ـ ای میترا ، و ای ورونا ، ای افزایندهٔ آب‌ها ، وای مُقسّم آب ها ، شما این مراسم کامل را به (اجر) حقیقی آن متصل می‌سازید .

۹ ـ ای میترا ، و ورونای دانا ، قربانی ما را قرین سعادت فرمائید ، و نیروی ما را فزونی بخشید.

شما برای خیر بسیاری مردم زائیده شده‌اید، و شما ملجاء جمعیّت میباشید.

(ماندالای اول ـ سرود دوم)

۹۴

ستایش : اندرا

ای اندرا، ثروتی بیاور که لذت‌بخش است، ثروت‌پیروزمندی که همیشه غالب است،

ای بالاتراز همه، یارما باش.

۲ ـ تا بوسیلهٔ او(اندرا)مادشمن‌را در جنگ‌تن‌به‌تن (جنگ دست به‌دست) عقب برانیم،

و توما را با ارابه یاری نمائی.

۳ ـ به‌یاری تو ای اندرای صاعقه اسلحه، ما نیزه را برمی افراشیم (بلند می کنیم)،

و همهٔ دشمنان را در جنگ مغلوب می‌سازیم.

٤ ـ با تو ای اندرا، وبه اتفاق قهرمانان زوبین‌انداز؛

باشد که ما دشمنان خود را در میدان جنگ بشکنیم (مغلوب کنیم).

۵ ـ اندرا قادر است، اندرا برتر است، عظمت او راست، رعدآسا است،

٤ ـ (ای ستایش کنندگان) قصدشما همگانی باد،
(خواهش) دلهای شما یکی باد،
افکار شما یکی باد، تا آن که اتحاد کامل در میان شما
باشد.

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۹۱)

ستایش: اندرا، و ورونا

۱ - فعالیت های سریع مشهور قدیم شما نیاز بمحرّکی از طرف خدمتگزار باوفای شما نداشت.

ای اندرا - و رونا، کجاست اکنون آن فرّ و شکوهی که بوسیلهٔ آن از دوستداران خود حمایت می کردند؟ (۱)

۲ - این مرد (۲) بسیار دقیق که در جستجوی ثروت است، لاینقطع شمارا بیاری میخواند.

ای «اندرا» - «ورونا»، با «ماروت» ها، و آسمان، وزمین دعاهای مرا بشنوید.

۳ - ای اندرا - ورونا، این گنجها ازآن ما باشد، ثروت ازآن ما باشد، ماروت‌ها،

---

(۱) این سرود مشتمل است برشش سه بیتی (تریچه Trichas).
خدایانی که در این سرود مورد ستایش واقع شده‌اندجدا جدا عبارتند از:
۱ - اندرا- ورونا ۲ - بریهسپتی ۳ - پوشان ٤ - سویترى (سویتر Svitar) ٥ - سوما ٦ - میترا- ورونا.

(۲) مقصود از عبارت: «این مرد» ستایش کننده یا پرستش کننده است.

قدرت خودرا به‌پهنای آسمان بسط میدهد.

۶ - به آنها کمك مینماید که پسر پیدا کنند تا چون قهرمانان به جنگ آیند(۱)،

یا سرایندگان افکار مقدّس زیباشوند.

۷ - شکم او با نوشیدن لاجرعهٔ سوما مانند اقیانوس آماس می کند،

همچون رودخانهٔ پهناوری ازطاق آسمان.

۸ - بدین گونه‌نیز او درعلوّخویش بزرگ، نیرومند،ودارای رمه‌های گاو(است)،

وماننند شاخهٔ رسیده‌ای برای پرستندگان خودمیباشد.

۹ - چون به‌حقیقت نیروهای توانای تو ای اندرا، یاوری‌های نجات دهنده،

وفوری برای پرستنده‌ای چون‌من میباشد.

۱۰ - و(با)همین گونه هدایای زیبای او،حمد وستایش اندرا سروده شود تا او شیرهٔ سوما را بیاشامد.

(ماندالای اول - سرود ۸)

---

(۱) یعنی: اندرا به پرستندگان خود یا قوم آریائی کمك میکند تا فرزندان نرینه پیدا کنند.

۹ ـ باشد آن که همهٔ زندگان را می‌بیند ، آن ها را با یك نظر بنگرد؛

باشد که او (پوشان) یاور ما شود.

۱۰ ـ ما در بارهٔ درخشندگی قابل پرستش سویتری رخشان زندگی بخش تفکّر می کنیم:

باشد که او افکار ما را روشن(تهییج) نماید (۱) .

---

(۱) این «قطعه» یا «آیه» مقدس‌ترین آیات ریگ ودا بلکه قطعات و آیات همهٔ وداهاست و بهمین جهت قسمتی از دعاهای روزانهٔ روحانیون هندو میباشد .

نخستین بار سر ویلیام جونز ترجمهٔ تحریف شده‌ای ازاین آیه‌را انتشار داد .

این ترجمه بامتن اصلی سانسکریت چندان انطباقی ندارد .

این آیه‌را گایتری Gayatri خوانند .

گایتری بمعنی اعم نام یکی از اوزان یا بحور (درعلم عروض) معروف وقدیم سانسکریت دارای ۲٤ مقطع (مقطع ۲٤ = ۸ × ۳)است که بسیاری ازسرودهای ریگ‌ودا باین بحر ترکیب وتنظیم شده است .

گایتری بمعنی اخص نام مقدس‌ترین آیهٔ ریگ‌ودا میباشد و وظیفهٔ هر براهمن است که در نمازهای صبح وشام آنرا ازبر بخواند .

این آیه خطاب به‌آفتاب یا سویتر (خالق)است وباین‌جهت «ساویتری» نیز خوانده می‌شود.

متن سانسکریت این آیه‌این است:

«تت سویتور و رینم بهرگو دیوسیه دهی مهی دهیو یونه پر چودیات

Tat savitur varrenyam bhargo devasya dhimahi dhiyo yo nah pracodayāt.»

ترجمهٔ دیگری ازاین آیت :

« زمین، وآسمان ، وبهشت ؛ به‌این‌ها تفکر کنیم،وبنوراعلی ، و نیروی خورشیدرخشان بخشندهٔ راد تا او عقل ما را راهنمائی کند» . ☛

با تمام دستهٔ قهرمانان:

باشد که «وروتری»[1]ها با پناه خویش مارا یاری کنند، و «بهارتی»، و «هوترا» با بامدادان.

٤ ـ از نذور ما خشنود باشید، توای محبوب همهٔ خدایان، ای «بریهسپتی»:

بر آن که برای تو تقدیمی آورد، ثروت بخش.

٥ ـ در قربانی‌ها باسرودهای خود «بریهسپتی» پاک‌راپرستش کنید.

من برای نیروئی دعا می‌کنم که کسی نتواند برآن (نیرو) خم وارد آورد.

٦ ـ نرگاو انسان که کسی نمیتواند اورا فریب دهد، وبه‌هر شکلی که میخواهد درمی‌آید،

بریهسپتی اعلی علیّین.

۷ ـ ای‌پوشان درخشندهٔ آلهی، این سرود نوین ثنای تورا، ما برای تومی‌سرائیم.

۸ ـ این سرود ما را با مرحمت بپذیر، و بر فکر (خـیال) جدّی لطف برما،

حتی مانند داماد برعروس،

---

(۱) وروتری‌ها : varūtris الهه‌های نگهبان.

۱٤ ـ باشد که «سوما» بما ، و رمه‌های‌ما روزی (رزق)سالم بخشد ـ به‌دوپایان وچهار پایان.

۱۵ ـ باشد که سوما نیروی حیات ما را تقویت کند ، و دشمنان‌مارا مغلوب‌سازد، ودر انجمن ما بنشیند.

۱٦ ـ باشد که « میترا » و «وروُنا» ـ آن زوج دانا چراگاه مارا باروغن‌سقایت نمایند-با انگبین نواحی‌جوّ.

۱۷ ـ شما که فرمانتان در همه جا رواست ، و چون‌ستایش شوید شادمان می گردید ، با نیروی همایون خویش حکومت کنید ،

باقوانین پاك جاودانی.

۱۸ ـ ای ممدوحین سرود «جمداگنی»، درجای قانون مقدس بنشینید:

سوما بنوشید ، شما ای تقویت کنندگان قانون[۱].

(ماندالای سوم ـ سرود٦۲)

---

(۱) بنظر «سانیه» دراینجا «جمد اگنی Jamadagni » یکی ازالقاب: «ویشوامتر Visvāmitra» و بمعنی افروزندهٔ آتش است ولی بعضی ازمفسرین عقیده دارند که جمدگنی نام : « ریشی Rishi » میباشد که گویندهٔ این سرود است .

ماندالای سوم‌مشتمل بر٦۲ سرود میباشد،و این‌سرودآخرین سرود این ماندالا است .

۱۱ ـ با معرفت استوار از خدای سویتر ، سهم خودرا از موفقیت مسئلت داریم .

۱۲ ـ مردمان سراینده‌ٔ خدای سویتر (سویتری) رابا سرود، و مراسم مقدس پرستش میکنند ، و افکار آنها مُشوّق آنان است .

۱۳ ـ «سوما»ی پیروز بخش پیش میرود، و بمحل اجتماع خدایان میرسد، تا او را برجایگاه قانون بنشاند .

◆ آیهٔ گایتری باین تقریب‌نیز ترجمه شده است:

«ما بنور مطبوع سویتری الهی که درمراسم پاکدامنی مامؤر است ، تفکر میکنیم ».

در «بشن پران (ویشنو پورانه «Vishnu Purāna»)ـ یکی‌از هیجده پران‌ـ این‌آیه چنین ترجمه شده است:

«ما بنور اعلای خورشید الهی تفکرمی کنیم ، تا او افکار ما را روشن سازد، ».

این آیه‌را گریفیث چنین ترجمه کرده است :

«باشد که ما بجلال‌والای‌خدای سویتر نائل‌آئیم ، تا باشد که اودعاهای مارا برانگیزد» .

ترجمهٔ پنجمین آیهٔ گایتری برین‌تقریب است:

«باشد که درخشش با شکوه‌این خالق و این‌خدا که اعمال ما راقرین سعادت‌می‌سازد، به‌ما برسد» .

هندوها این آیت را جوهر کاینات می‌پندارند ودر تقدس آن بحدی غلو میکنند که نویسندگان متعصب‌هندو حتی از استنساخ آن خودداری میکنند .

آیه‌مذکورشخصیت وتجسم‌یافته‌است وبصورت‌الههٔ«ساویتری»درآمده که همسربرهماومادر چهار ودا(چهاربید)،و همچنین مادرسه‌طبقه (سه‌کاست)اول هندو است .

اندر ستایش: وشودیوها(۱)

۱ ـ این روحانی مهربان پیر خاکستری رنگ ، برادر وسطی ـ ازسه برادر ـ او برق است .

برادر سوم اوست که روغن بر پشتش می افشانند .

من‌دراینجا رئیس‌را با هفت فرزند نرینه‌اش مینگرم (۲) .

۲ ـ آن اسب تیز تك که هفت را به ارابهٔ یك چرخ بسته است؛آن تنهااسب‌تیز تك که هفت نام دارد ، آن (ارابه)رامیکشد .

---

(۱) این سرود یکی ازسرودهای کلان ریگ‌ودا و ازجمله سوکتاهای معروف این کتاب میباشد . در این سرود ضمن اشاره به‌خدایان‌مختلف‌وستایش آنها ، درآیهٔ ٤٦ بنوعی یکتاپرستی اشاره شده است .

(۲) منظور از روحانی ، « آدیتیا Āditya » (یعنی :خورشید است). ومقصود ازبرادرسوم برق‌است که‌صورتی دیگر ازاگنی(آتش) میباشد .و برادر سوم: « اگنی گرهپتیه Agni gārhapatya = آتش مقدس‌غربی» است که در هر خانهٔ نگاهداری میشود و آنرا باکرهٔ تصفیه شده تغذیه مینمایند.

ویلسون این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

« من خدای مردم را با سه‌پسرش دیده‌ام ؛ و این (خدای) شادیبخش و خیرکه مورد خطاب ماست یك برادر وسطی دارد که درهمه‌جا حاضر است و یك برادر سوم که از روغن (نذر) پرورش می یابد » .

۹۶
درستایش: اگنی

۱ ـ با عمیق ترین احترام به جوانترین (خدایان) که چون درمنزلگاه خویش برافروزد ـ میدرخشد ـ نزدیك‌شویم،

آن که درمیان زمین ، وآسمان شگفت‌وار شعله‌ور است ، و چون‌با خلوص‌خوانده شود به‌همه‌جا می‌آید(۱).

۲ ـ اگنی که عظمت‌او برهمهٔ بدی‌ها غلبه‌دارد ، ودر حجرهٔ (قربانی) مانند: «جات‌ویداس» موردستایش است؛

باشد که وقتی اورا باندور روان(سیّال) تجلیل‌مینمائیم، مارا از گناه ، وسرزنش حفظ فرماید.

۳ ـ ای‌اگنی ، تو «ورونا» هستی ، تو «میترا»ئی . «وشیست» ها تورا بیشتر ستایش میکنند ؛

باشد که ثروتی که در تو (نهان) است ، سخاوتمندانه توزیع شود، ومارا همیشه برکت‌دهید .

(ماندالای‌هفتم ـ سرود ۱۲)

---

(۱) منظور ازجوانترین خدایان، اگنی (خدای: آتش) است.

نفس وخون از زمین است،ولی روح از کجاست؟
کی پیش دانایان رفته است که این را بپرسد؟ ![1]

۵ ـ با فهم نارسا و عقل ناقص من این چیزها را میپرسم که حتی برخدایان نیز پوشیده است.

آن هفت ریسمان چیست که دانشمندان گسترده اند تا خورشیدرا احاطه نماید ، وهمه چیز درآن قراردارد؟!

٦ ـ من نادان از دانشمندانی که (حقیقت را) میدانند سؤال میکنم تا دانش را (به دست آورم) [2].

آن فرد یگانه کیست که این شش کره را بصورت تولّد نیافته نگاه داشته است ؟

۷ ـ آن که (این حقیقت را)میداند اظهار نماید . این مقام محکم بنیان این مرغ زیبا از سر او گاوان شیر میدوشند ،ولباس اورا پوشیده باپاهای خود آب را نوشیده اند[3] .

---

(۱) گریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :
«وقتی که اوبوجود آمد کی اورادیدوچه کسی مشاهده کرد که این موجود بی استخوان موجودات استخوانداررا حمل میکند ؟ »
خون زمین ،وحیات، وروح او کجاست ؟ کی میتواند بهمردی که میداند نزدیك شود و از او بپرسد؟!» .

(۲) یعنی : من مانند کسی که نمیداند از دانشمندانی که میدانند سؤال میکنم تا دانش را به دست آورم .

(۳)ظاهراً منظور از« مقام مرغ زیبا» ، منزل خورشید (آفتاب) است. ومقصود ازسر او گاوان شیر میدوشند اشعۀ آفتاب میباشد که عوامل فرستادن باران اند ودوباره آنرا جذب میکنند .

آن چرخ را سه‌ناف است که سالم وفساد ناپذیرمیباشد ،و در روی آنها تمام این عوالم موجودات قرار گرفته‌اند .(۱)

۳ ـ آن هفت که بر ارابهٔ هفت چرخ سوارند و آنها را به پیش‌میبرند ،

هفت‌خواهر باهم‌سرودهای ستایش‌را میخوانند که در آنهانام هفت گاو ذخیره گشته است(۲).

٤ ـ کی‌فرد نخستین‌را هنگام تولدش دیده است ؟
آن بی‌جسمی که اجسام را بوجودمی‌آورد کیست؟

---

(۱) مقصود از کلمهٔ هفت ، هفت‌روحانی‌است، ومقصود ازارابهٔ یك‌چرخ، خورشید است ، ومقصود از هفت ناف،شاید شعاع آفتاب باشد،و منظور از سه ناف گویا سه فصل یعنی:فصل گرما ، وباران وسرماست .

ویلسون این قطعه‌را چنین ترجمه کرده است :

« آنها هفت (اسب) را به‌ارابهٔ یك چرخ می‌بندند ؛ یك اسب که نام او هفت استآنرا میکشد ؛ آن چرخ سه‌محوری هرگز خراب نمیشود وهیچگاه از جای خود باز نمیگردد،و درآن تمام این نواحی جهان منزل دارند».

(۲) مقصوداز کلمهٔ هفت دراین«پاداPada»شایدهفت‌شعاع آفتاب یاهفت تقسیم سال که عبارتست‌از:انقلاب ، فصل ، ماه ، پانزده روز ، روز،شب،وساعت . هفت چرخ ارابــه و هفت اسب نیز شایــد اشعهٔ آفتاب باشند . مقصود از هفت خواهر ، هفت رودخانهٔ آسمانی است که نشانهٔ حاصلخیزی است واسم گاوهارا دارد .

ویلسون این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

«آن هفتی که برین ارابهٔ‌هفت چرخ ریاست میکنند هفت‌اسبی(هستند) که‌آنرا میکشند .هفت‌خواهرباهم برآن سوارند،وهفت شکل تلفظ درآن‌قرار گرفته‌اند».

۱۰ - آن فرد یگانه (خورشید) که سه‌پدر وسه‌مـادر دارد ،
در اوج بایستاد،وهیچ‌چیز اورا خسته‌نمیکند،
(خدایان) در اوج آسمان راجع به او به‌زبانی که شامل همه
است - (ولی) به‌همه نمیرسد - مشورت میکنند (۱) .

۱۱ - چرخ دوازده پرهٔ (خورشید) حقیقی در دور آسمان‌در
گردش است،وهرگز خراب نمیشود .
هفتصد وبیست فرزندجفت به‌جفت‌اگنی در آن‌ساکن‌اند(۲).

۱۲ - آن پدرپنج‌پای دوازده شکل را«پروشین» خوانده‌اند
وقتی که در آن نیمکـرهٔ آسمان است ، و دیگران او را«ارپیتا»
میخوانند وقتی که در این (قسمت آسمان) است ، و با ارابهٔ هفت
چرخ خودکه‌هریك (هرچرخ) شش‌پره‌دارد میدرخشد(۳).

۱۳ - تمام موجودات‌درین‌چرخ گردندهٔ پنج پره ساکن‌اند،

---

(۱) گریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :
در زیر بار سه پدر وسه مادر او استوار ایستاده است ، آنهاهرگزاورا
خسته نمی‌سازند . در قلهٔ آسمان آنها با یکدیگر سخن میگویند باکمال
دانائی وبدون هیچ فشار و اجبار .
در توجیه مفهوم این قطعه گفته‌اند : منظور از سه مادر و سه پدر :
سه زمین وسه آسمان است .

(۲) ظاهراً منظور ۳۶۰ روز و ۳۶۰ شب‌دریك‌سال میباشد .

(۳) بنـا بر عقیدهٔ ساینه منظور از عبارت « پنج پا » ، پنج فصل
سال است که فصل مرطوب (بارانی) وفصل سرما یك فصل بشمار رفته‌است ،
ومنظور از عبارت : « دوازده شکل » دوازده ماه سال است .

۸ ـ مادر (زمین) پدر (آفتاب) را جهت مراسم مقدس برای خاطر آب پرستش میکند ، اما او که (خواهش مادر) را در فکر خود از پیش میدانسته است و به سبب خواهش فرزندان او (مادر) از شبنم آبستنی پرشده ودر انتظار فراوانی کلمات (تبریك) را ادا میکند (۱).

۹ ـ مادر به مالبند ارابه گاو نعمت بسته است ، در طبقات مرطوب ابر فرزند قرار گرفته است .

آن گاه گوساله به‌صدا درآمد ، و به‌مادر نگریست ، گاوی که‌درسه جهت به‌همه اشکال درمی‌آید (۲).

---

(۱) گریفیت این قطعه‌را چنین ترجمه کرده است :

«مادر به‌آن‌بزرگوار سهم اورا از نظم می‌بخشد ؛ نخست با تدبیر آن مادر با او در روح ازدواج میکند . آن بانوی آزرمگین که از شبنم باروری آکنده گشته است،مردم با پرستش‌به‌ستایش او رومی‌آورند . »

بنا بر گفتهٔ مفسران مقصود از مادر زمین،و ازبزرگوار،آسمان‌است که زمین سهم بزرگ خودرا در باروری جهان‌به‌آسمان میدهد. ومقصود از شبنم باروری باران سودمند است .

(۲) مقصود از مادر زمین و از فرزند خورشید جهان وازگوساله‌بصدا درمی‌آید ابر رعد خیز وخروشان‌است . ومقصود از سه جهت : زمین،آسمان، وجو-میان‌آن دو- میباشد .

این‌آیه را ویلسون چنین ترجمه کرده است :

«مادر(آسمان) در (حمل) بار آورندهٔ امسال (زمین) شریك‌شد . نطفهٔ (آب) در (رحم) ابرها باقی ماند . گوساله برآن بغرید وگاو همه شکل را در سه ترکیب بدید .»

آن که فرزند دانشمندی است این‌را میفهمد، و آن که تمیز میدهد پدرپدر است.

۱۷ - در زیرعالم بالا،و دربالای این عالم پائین گاو برخاسته و گوسالهٔ خود را دربردارد ،

از کدام سو ، و بکجا رفته‌است؟ کجا گوسالهٔ خودرا زائیده است ؟ در میان این رمه‌نیست .(۱)

۱۸ - آن که حافظ ایـن (جهـان) را می‌شناسد، مانند کهتری است که مصاحب مهتر است یا مهتری که مصاحب کهتر میباشد،او دانشمند است‌ولی چه کسی‌دراین‌جهان میتواندبیان کند که کی‌فکر الٓهی‌در سموّخود بوجودآمده است(۲) ؟

۱۹ - آنچه را که (دانشمندان) نزولی خوانده‌انـد ، آن‌را صعودی نیز خوانده اند، وآنچه را که صعودی نامیده‌اند نزولی‌هم نامیده‌اند .

---

(۱) ویلسون این قطعه را چنین ترجمه‌کرده است :

«گاو گوساله‌خود را با دو دست در زیر (شکم‌خود) نگاه داشته ، و سپس بادو پای خود ببالا رفته است .

کجا رفته‌است ؟ در نیمهٔ راه بکه‌برگشته است ؟ کجا بچه زائیده‌است؟ در میان گله‌نیست .»

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

آن که پدراین گوساله‌در زیر عالم‌بالا و بالای عالم زیرین‌اورا می‌بینند وخویش را دانشمند نشان داده ،باشدکه اعلام دارد روح خدا مانند ازکجا برخاسته است .

آن محور سنگین بار هرگز گرم نمیشود ، و هرگز سائیده نمیگردد .

۱٤ـ این چرخ زوال ناپذیر هموار چنبر مکرر در گردش است، ده گانگان(۱) درسطح بالای این (چرخ) متحد گشته(جهان) را حمل مینمایند .

جرم خورشید که آب در آن است به پیش میرود، وهمهٔ موجودات درآن قرار دارند .

۱۵ ـ از همهٔ آنها که باهم تولّد یافته‌اند، دانشمندان هفتمین را نوزاد یگانه خوانده‌اند ، چون شش تای دیگر توأم‌اند ، و در حرکت میباشند وازخدایان بوجود آمده‌اند(۲).

خصایص مطبوع آن‌هاجداجدا درمنزل خاص آنان قراردارد، و دارای اشکال مختلف‌اند ، و (برای) آن یکی که ثابت است ، در حرکت میباشند .

۱٦ ـ این‌هارا زنان پاکدامن نامیده‌اند ؛ نرها آن که چشم دارد می‌نگرد ، شخص کور از دیدن عاجز است(۳) ،

(۱) بعضی از مفسران ریگ ودا مقصود از عبارت : « ده گانگان» را باحتمال ده ناحیهٔ فضاء ویا آلت حس یا پنج نگاهبان جهان و یا پنج طبقهٔ مردم و یا چیز دیگر دانسته‌اند .

(۲) منظورازآنها که باهم تولدیافته اند ، ظاهراً سال،وماه ، یاشش‌فصل (هرفصل دوماه ازسال) میباشد .

(۳) در اینجا یك موضوع دستور زبان است که اشعهٔ خورشید که از نظر دستور زبان مذکر است در اینجا زن(ماده) نامیده‌شده‌است .

داد(هرچند در دانش) کامل نیستم.

۲۲ ـ در درختی که (اشعهٔ) آرام رو ، و رزق بخشندگان (محصول) شیرین وارد میشوند، و دوباره روشنی را به همه می بخشند ؛

این میوه‌را شیرین مینامند ، اما آن که حافظ (جهان) را نشناسد، از آن برخوردار نخواهد بود.

۲۳ ـ کسانی که منزلگاه اگنی را در روی زمین بشناسند ، منزلگاه وایو ـ که از افلاك ساخته شده است ـ و مقام خورشید را ـ که در آسمان است ـ جاودانی به دست می‌آورند .

۲٤ ـ او دعا را به وزن (بحر) «گایتری» می‌سازد ، و با دعا « سوما » را میسازد ؛ و به وزن « تریشتپ » سرود های دو یا چهار مصراعی‌را (میسازد) .

وبا بیت (مثلث) سرودهای دو یا چهار مصراعی را میسازد ، و ازمقطع‌ها هفت وزن‌را میسازد.

۲۵ ـ با قطعاتی دربحر:«جگتی»[1] او باران را در آسمان ثابت‌کرد ، و برخورشید در «رتهنتره»[2] (سامن) نظارت نمود.

---

(۱) جگتی Jagatī : یکی از بحرهای علم عروض مرکب از ۱۲ × ٤ مقطع .

(۲) رتهنتره Rathantara : نام یکی‌ازمهمترین وبزرگترین‌سرودهای سام بید .

و آن(مداراتی) که تو سوما و اندرا ساخته‌ای درمیان‌جهان‌ها مانند(گاوانی) هستند که به ارابهٔ بسته شده‌اند.

۲۰ - دوپرنده‌درمصاحبت‌هم و دوست یکدیگر ،دریك‌درخت پناه گرفته‌اند.

یکی از آنها انجیر شیرین را میخورد ، و دیگری از غذا خودداری دارد وفقط نگاه‌میکند.(۱)

۲۱ - جائی که اشعهٔ نرم رو ، و واقف (بر وظایف خویش) قسمت ابدی‌آب‌حیات‌را تقطیر مینمایند،

در آنجا خداوند و حافظ پا برجای موجودات مرا رخصت

---

(۱) در اوپانیشاد«مندك»(مندکیهMondakya) درتوضیح جنبهٔ فلسفی این‌مطلب چنین‌بیان‌شده است :

دو پرندهٔ خوب‌اند و هر دو همنشین وبیکدیگر یار و در یك درخت میباشند . یکی از آن دو ، میوهٔ آن درخت را شیرین دانسته میخورد ، و دیگری هیچ نمیخورد ومی‌بیند.

(مراد از این دوپرنده‌ای که یکی میخورد ودیگر نمیخورد و می‌بیند اینست :

آن که میخورد : «جیوآتما»است،وآن که نمیخورد ومی‌بیند «پرم‌آتما» است . و مراد از درخت بدن ، و مراد از میوهٔ آن درخت که شیرین دانسته میخورد نتیجهٔ اعمال است) .

و آن پرنده‌ای که میوهٔ آن درخت میخورد بسبب نادانی از حقیقت خود واقف‌نیست واز همین جهت در فکر وآزار است ، وقتی که بر حقیقت پرنده‌ای که نمیخورد ومی‌بیند مطلع شود ، او هم (از خوردن باز ماند و) مثل او شود (یعنی : از قید عمل فارغ‌و) بی‌فکر و بی‌اندوه میگردد .

۳۰ ـ حیات ذی‌نفس با شوق (در انجام وظایف خویش)پای برجا درمیان منزلگاههای خودآرام میگیرد.

حیات بدن فناپذیر که بوسیلهٔ قالب فانی شناخته میشود به کمك نذور جاودانه باقی میماند.

۳۱ ـ من حافظ خستگی ناپذیر جهان‌را دیده‌ام،خورشید که در فراز ونشیب راههای مختلف درحرکت است .

ودارای روشنی مجتمع ومنتشر میباشد ، درمیان‌آن نواحی درگردش‌است .

۳۲ ـ آن که (این اشیاءرا) ساخته است آن را نمیفهمد ؛ آن که آنرا دیده‌است‌نیز بر اوپنهان است ،

او در حالی که در رحم مادر خـود قرار دارد ، مـوضوع چندین تولد است وبربدی وارد شده است .

۳۳ ـ آسمان پدر و بوجود آورندهٔ من است ؛ ناف (زمین) خویشاوند من است ، زمین وسیع مادر من است .

مشیمهٔ (همه آفرینش) درمیان دو ملعقهٔ (ملاقه) برافراشته قرار دارد ، و پدر نطفهٔ (باروری) دختـر را در آن فرو ریخته است .

۳٤ ـ من از تو (ای‌آموزگار مراسم) میپرسم کـه انتهای زمین کجاست؟

من از تو میپرسم که ناف‌جهان کجاست؟

وزن گایتری‌را دارای سه قسمت دانسته‌اند، وبدین جهت در نیرو،وشکوه از(بقیهٔ بحور) افزونتر است .

۲۶ ـ من گاو (شیرده)را که‌به‌آسانی‌میتوان دوشید، میخوانم تا دوشنده‌شیر او را بدوشد .

باشد که سویتری این نذر مایع عالی ما را بپذیرد ، و گرمی او افزایش یابد، و بدین منظور است که من بجدّ او را میخوانم .

۲۷ ـ او (آن گاو) بعبع کنان می‌آید ، و ثروتش فراوان است،و در اندیشهٔ (فکر) خویش گوسالهٔ خودرا میخواهد .

باشد که این گاو شیر خود را به « اشوین » ها ببخشد ؛ باشد که او برای سودبزرگ‌ما کامیاب گردد.

۲۸ ـ این گاو برای گوسالهٔ خود که‌چشمانش چشمك‌میزند، صدا میکند ، و بعبع کنان پیش میرود تا پیشانی اورا بلیسد.

با نگرانی فریاد میکشد ، و رطوبت گوشه‌های دهـان اورا (گوساله) می‌بیند،و اورا باشیر خود غذا میدهد.

۲۹ ـ گوساله نیز صدا میکند ، و گاو صدا های بی‌معنی بیرون می‌آورد، و چون گوساله به دور او میگردد ، گاو بطرف «گاوخانهٔ» خودمیرود،

ودراثر غریزه‌های خویش مانند فرد بشری رفتار میکند، و درخشندگی طبیعت خودرا آشکار میسازد.

اما (مردمانی که آن ها را می بینند) باتفاق یکدیگر (درین جهان با یکدیگر) همه جا میروند ، (ودر جهان های دیگر باهم) همه‌جا میروند ، یکی‌را شناخته ودیگری‌را نشناخته‌اند .

۳۹ ـ همهٔ خدایان درجای خود برین‌عرش اعلای فناناپذیر (متن) «ودا» قرار گرفته‌اند ،

آن که‌این‌راندانند، ودا(بید)به‌چه‌کار اوخواهدآمد؟اماآن‌ها که این‌را میدانند،کامل‌اند.

۴۰ ـ ای گاو باشد که شیر تو در اثر علوفهٔ فراوان زیاد شود تا ما نیز (در فراوانی) غنی گردیم .

در همهٔ فصول علف بخور (وبه‌میل خود بگرد) و آب پاك بنوش .

۴۱ ـ صدای ابرها برخاسته است ، و آب ها را ساختند ، و یك پا ودوپا وچهار پا و هشت پا و نه پا و بی نهایت در عرش اعلی بودند .

۴۲ ـ ازآن ابرها باران فراوان فروریختند که موجب‌حیات (مردم) اقطاع اربعهٔ جهان گردید .

از آن رطوبت (به دانه ها) منتشر میشود و جهان بدان زنده است .

۴۳ ـ من در نزدیك (خود) دود(سوخت) تاپاله‌های گاو را

من از تو میپرسم که نیروی باروری مرکب باران ریز چیست ؟
من از تو میپرسم که آسمان اعلای سخن (مقدس) چه‌میباشد؟

۳۵ـ این قربانگاه انتهای زمین است، این قربانی ناف جهان است.
این شیرهٔ سوما نیروی باروری مرکب باران ریز است ،
این براهمن آسمان اعلای سخن مقدس است .

۳۶ـ هفت (نگاهدارندهٔ) جرثومهٔ (باران) برای نصف سال (عنصر) باروری جهان بموجب فرمان در وظایف مختلف «ویشنو» قرار دارد.
بوسیلهٔ هوش خویش در افکار اطراف خود نافذاند چون آنها هشیار وساطع میباشند (۱).

۳۷ ـ من در واقع چه هستم؟ خودم به‌خوبی نمیدانم؛ اسرارآمیز و مقید در فکر خویش سرگردانم .
وقتی که نخست زاد (ادراکات) حقیقت به من میرسد ، بیدرنگ قسمتی از (معنی) آن کلمهٔ (مقدس) به‌دست من خواهد آمد (۲).

۳۸ ـ جاویدان خویشاوند فنا پذیر در اثر (میل به) لذت به‌سوی (منطقهٔ) اعلی، یا اسفل میرود ،

---

(۱) بنظر : «لودویک Ludwig» این آیت سراسر نامفهوم است . بگفتهٔ ساینه منظور از هفت، هفت شعاع آفتاب است واز ویشنو، خورشید است. این بند باین تقریب نیز ترجمه شده است: «هفت بذر نا رسیده هنوز جرثومهٔ بارور آسمان است. آنها به امر «ویشنو» حافظ وظایف خویش اند، واندیشهٔ آنها از همه‌سو حاضر و بر ما احاطه دارند» .

(۲) قسمت اخیر این ماده چنین نیز ترجمه شده است : « وقتی که نخست زادقانون مقدس به‌من نزدیك شد، آن گاه من از این سخن طرفی به‌دست آوردم».

«اگنی» و «یم» ، و «ماتریشون» سخن میگویند(۱).

۴۷ - پرندگان (دانه‌های یاران با اشعهٔ خورشید) آرام‌رو - آبهارا با ابر تیره پوشیده‌اند و به سوی آسمان بالا میروند ودوباره از منزلگاه باران فرود می‌آیند و فوری زمین از آب مرطوب میشود .

۴۸ - دایره‌های چرخ دوازده تا است ، و چرخ یکی است ، و محور سه تا ، ولی که این‌را میداند ؟

در میان آن سیصد و شصت پره (جمع) شده‌اند،ودر آن حال متحرّك،وغیرمتحرك میباشند .

۴۹ - ای سرسوتی ، آن سینهٔ خواب آلود کـه منشاءِ لذت هاست و تو با آن همهٔ خوبی‌ها را می‌بخشی که گنج نعمت است، و مقسّم ثروت،و بخشندهٔ خوشی (خوشبختی)؛در این فصل آن سینه‌را برای ارتزاق‌ما بگشای(۲) .

---

(۱) گریفیت این بند را بدین‌صورت ترجمه کرده‌است: «پستـان‌تو که هرگزخشك نمیشود چشمهٔ لذت است که‌باآن‌همهٔ اشیای‌برگزیده‌راغذامیدهی ای‌ثروت‌بخش ، ای گنج‌یاب ، ای‌بخشندهٔ آزاد ، آن‌سرسوئی را بیاور تاباشد که ما از(پستان) آن‌بنوشیم» .

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

نام او (یا خورشید) را اندرا ، میترا ، ورونا واگنی خوانده‌اند و او گروتمت خوش بال آسمانی است. روحانیان دانشمند وقتی از اگنی ، و یم - و ،ماتریشون سخن میگویندیکی را بچندین نام میخوانند .

مشاهده نمودم ، واز آن وسیله(معلول) منتشرپی بعلت (آتش) بردم
روحانیون گاو سوما را آماده ساختند چون این اولین وظیفهٔ
آن‌ها بود (۱).

٤٤ ـ آن سه تا با گیسوان زیبای خود در فصول مخصوص
به خویش بر زمین مینگرند (۲).
یکی از آنها وقتی که سال به آخر میرسد(زمین را)دور میکند ،
ویکی با اعمال خویش برجهان ناظر است ،
وسومی مسیرش دیده میشود، ولی شکلش نه .

٤٥ ـ سخن را چهار درجهٔ مشخّص است :«براهمن»ها که دانا
هستند آن‌ها را میدانند .
سه درجهٔ آن درنهان است ، وهیچ معنی بر آن مترتب نیست ؛
مردم به درجهٔ چهارم سخن میگویند.

٤٦ ـ او را اندرا ، و میترا ، و ورونا ، و اگنـی ، و حتی
«گروتمان»ـ پرندهٔ تیزبال آسمانی ـ میخوانند.
یک واقعیّت مفردرا دانایان به‌چند نام میخوانند :وقتی که‌از

(۱) این آیه را گریفیت این طور ترجمه کرده‌است : «ازدورمن‌دودسوخت را که باپیچ‌وتاب‌دربالای آنچه‌درزیرواقع‌است‌برمی‌خاست‌مشاهده نمودم .مردان نیرومند آن‌نرگاو ابلق‌را پوشاندند؛ اینها ازرسوم‌ایام گذشته‌بود» . منظور از دودسوخت دودی‌است که از سوختن‌تبالهٔ‌گاو برخیزد ومقصوداز مردان نیرومند خدایان‌وقهرمانانند. «نرگاوابلق» سوما است .بعضی از مفسران‌احتمال داده‌اند رویهم‌رفته این‌آیت دروصف جمع شدن ابرهای بارانی‌باشد .

(۲) مقصود آتش ، وآفتاب ، وباد است .

۹۸

اندر ستایش: اگنی

۱ ـ آتش بزرگ در آغاز سپیده دم برخاسته،و از تاریکی با رخشندگی بیرون تاخته است.

اگنی فروزان‌تن بمحض تولّد همهٔ منزلگاه‌ها را با نورتابندهٔ خود پُر می‌سازد.

۲ ـ ای اگنی! چون تو تولّد یافتی جُرثومهٔ آسمان،وزمین شدی، در گیاهان جا گرفتی، رنگارنگ شدی، کودکانه شدی، سیاهی شب‌را پراکنده کردی،و باغرش بلند ازسرچشمه‌های مادری بیرون آمدی.

۳ ـ ویشنوی والا که باکمال دانشمندی ظاهر میباشد،مقام اعلای خویش را خود حفظ میکند.

وقتی که شیر شیرینی را به دهان او تقدیم نموده‌اند، همه هم‌آهنگ ستایش او را میسرایند (۱).

---

(۱) این قطعه را ویلسون باین تقریب ترجمه کرده است:

آن که چون پیدا شود وسیع و داناست، و توکه در همه‌جا حاضری از (من) دفاع کن. سومین (ظهور) اوهنگامی که ستایندگانش بادهان‌خویش آب اورا میطلبند و برای یك منظور برانگیخته شده اند، اورا درین جهان می‌سرایند.

٢٥٦

٥٠ ـ خدایان قربانی میکنند چون این اولین وظیفهٔ آنان است .

آن افراد توانا در عرش گرد می‌آیند ـ جائی که خدایانی که باید خشم آنها فرو نشانده شود(بوسیلهٔ مـراسم مقدس) منزل دارند .

٥١ ـ آب یکنواخت درفراز و نشیب گردش ایام در جریان است .

ابرها به‌زمین شادی‌می‌بخشند ، و آتش‌ها آسمان را مسرور میسازند .

٥٢ ـ من برای حفظ وحمایت خود (خورشید)آسمانی نیکو بال تیزرو بافر و شکوه را میخوانم.

آن که جرثومهٔ آب هاست ، و نشان دهندهٔ گیاهان است ، و غمخوار دریاچه هاست ، و برکه (غدیر) هارا دوباره با باران پُر میکند.

(ماندالای اول ـ سرود ١٦٤)

ستایش را در اینجا چون «پروهیتا» به خدایان تقدیم نما [۱] .

۷ ـ تو ای اگنی همان گونه که پسری پدر و مادر خود را (نگاه میدارد) زمین و آسمان را همواره نگاه میداری .

ای جوانترین (خدایان) به حضور آن‌ها که مشتاق‌تواند ، بیا ،

ای فرزند نیرو ، خدایان را بدین‌جا بیار .

(ماندالای دهم ـ سرود ۱)

---

(۱) گریفیت این بندرا چنین ترجمه کرده است :

« بدین گونه در مرکزی ترین مقام زمین ایستاده است ، و جامه های مزین دربر دارد .

و درآن هنگام که مردم نذور را می‌ریزند ، با رنگ قرمز تولد یافته است .

ای پادشاه ، بصورت رئیس روحانیان خدایان را بدین‌جا بیاور» .

٤ ـ مادران که از آن‌جا غذا برداشته‌اند ، برای دیدار تو می‌آیند ؛ و برای تو غذا می‌آورند (۱) .

ای آن که غذا را فزونی می‌بخشی ، اینان در شکل تغییر یافتهٔ خود باز تورا دیدارمینمایند(۲).

تو روحانی خوانده شدهٔ خانه‌ها و مردمی .

۵ ـ ای روحانی مراسم مقدس با ارابهٔ رخشان ، ای رایت نورانی هریك از اعمال پرستش ،

ای آن که با هریك از خدایان در قدرت و جلال شریکی،

حتی اگنی مهمان مردم ، من تو را میخوانم (۳) .

٦ ـ ملبس به لباسهای فاخر ، اگنی‌در ناف زمین‌منزل‌دارد، ای‌اگنی شاهوار که‌میدرخشی،و درجای‌پای«ایلا»(٤)تولدیافته‌ای،

---

(۱) ظاهراً منظور از کلمهٔ : « مادران » نباتات است که حیات را غذا می‌بخشند .

(۲) منظور از «شکل تغییر یافته» ، چوب خشك است که اگنی بصورت آتش‌آن‌را طعمهٔ خویش میسازد .

(۳) این آیت بدین‌گونه نیز ترجمه شده است :

« (ما) اگنی را برای کامیابی (میستائیم) ؛ توکه احضار کنندهٔ خدایانی ، توکه رنگارنگ و رسانندهٔ قربانی ها (به‌خدایان) هستی،توکه پرچم تابان هر نذری ، ودر نیرو از هر خدای دیگری افزونی ، توکه مهمان مردمانی».

(٤) ایلا Ila : الهه دعا یا نماز .

٤ ـ تو بی آن که بدانی به کجا میروی بر این مرکب سوار شدی ، و آنرا به‌حرکت درآوردی؛ . یك آهنگ [۱] از عقب تو را مشایعت میکند؛ تو بر این کشتی سوار شدی ، و به‌جانب ساحل دیگر که دیار نیستی است ، و آرامگاه نیاکان است رهسپار کشتی ، و باینجا رسیدی .

٥ ـ کی تو را بوجود آورد ؟

کی این ارابه را به اینجا هدایت کرد ؟

آیا کسی هست که به‌ما بگوید امروز تو در این سفر چه زاد وتوشه‌ای همراه آوردی ؟ ! [۲]

٦ ـ در این هنگام قسمت بالاتر و بلندتر ارابه [۳] به جلو

---

(۱) یعنی : آهنگ سوگواری و ماتم .

گریفیت این آیه را چنین ترجمه کرده است .

«ارابه‌ای که تو آنرا روان ساخته‌ای که از دانشمندان دور شود، ای کودك (آهنگ) « سامن » از نزدیك در دنبال آن روان است وباهم در کشتی قرار داده شده‌اند» .

(۲) منظور همان « تابوت » است .

(۳) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

« وقتی که تقدیمی تشییع درجای خود قرارگرفت بلافاصله (بیدرنگ) نقطهٔ شعله هویدا گشت ، ژرفائی درجلو گسترش یافت، ومعبری درعقب باز گشت».

ظاهراً مقصود از «معبر» راهی است که خاکسترهارا ازآن راه میبرند.]

(۳) این بند چنین نیز ترجمه شده است :

«پدر این کودك که بود ؟ کی این ارابه را روان ساخت ؟ کی امروز به‌ما اعلام خواهد کرد که تقدیمی تشییع (جنازه) چگونه ساخته شده است ؟»

خطاب به : یم Yama

۱ ـ بر فراز درختی که دارای شاخ و برگ زیباست «یم» (پادشاه مردگان) در حضور سایر خدایان به‌می‌گساری (نوشیدن شراب سوما) مشغول بود ، آن‌جا پدر من داوطلب شد که به‌نیاگان خود ملحق شود (۱) .

۲ ـ دیدن این منظره برای من اندوهگین وغم‌انگیز بود ، و خوشحال نشدم وقتی او را در این راه دشوار و زشت دیدم ؛ چه من آرزو داشتم از تجدید دیدارش بهره‌مند شوم .

۳ ـ ارابهٔ تازه وارد ، ای پسرمن،این‌ارابهٔ تو چرخ ندارد ، تو آنرا نمی‌بینی ؛ تو آن (ارابه)را درفکرخود مُجسّم‌ساخته ای،و بمنزلهٔ (طلایه و)پیش قراول (مردگان) است که به هرسو ، رو می‌آورد . (۲)

---

(۱) گریفیت این بندرا باین تقریب ترجمه کرده است :
« درآن درختها که با برگ‌های نیکو پوشیده شده است ، جائی که یم با خدایان مینوشدآن‌پدر‌ـسرورخانواده ـنیاگان مارا موردمهرقرار میدهد».

(۲) ای کودك تو برآن ارابهٔ تازه وارد بی‌چرخ سواری هرچندتوآنرا نمی‌بینی ، تو آن (ارابه)را در فکر خودت مجسم ساخته‌ای که دارای یك محور است.ولی به هرسو می‌چرخد ».

(در این‌جا خطاب‌به تابوت پسر جوانی که درگذشته است،خدای‌مرگ (یم) میگوید :)

۱۰۰

ستایش : اندرا ، سوریا ، و اتری

(۱) Atri . Surya . Indra

۱ ـ بیا به نزد آنچه سنگ ها فشرده‌اند ، سومارا بنوش ، ای خداوند سوما ،

ای اندرا ، ای بهترین کشندهٔ وریترا ، ای نیرومند ، با نیرومندان (۲) .

۲ ـ سنگ (عصاری سوما) نیرومند است ، وعصاره نیرومند است ،واین‌سومای‌فشرده شده نیرومند است.

ای اندرا ، ای کشندهٔ وریترا ، ای نیرومند ،بانیرومندان.

۳ ـ ای نیرومند من تورا به نیرومندی میخوانم ، ای رعد سلاح، با یاران مختلف ،

---

(۱) ابیات این سرود یکنواخت نیست و به دوقسمت منقسم میشود : قسمت اول مشتمل بر چهار آیت اول خطاب به اندرا میباشد وموضوع قسمت دوم کسوف آفتاب است بوسیلهٔ : « Svarbhânu » یا « اتری Atri » .

(۲) منظور از نیرومندان ماروت‌ها Meruts (بادها) هستند .

پیشرفت، وقسمت دیگر آن پائین آمد،و راهی برای خروج (میت) باز شد .

۷ـ این جاست عرش برین مقرّ «یم»، جایگاه خدایان که کودکان درگذشته به آنجا واردمیشوند ،

این نی خدایان است که مینوازندو آوازهای روحانی ازهرسو شنیده میشود ،و باین محیط زیبائی خاص میدهد (۱) .

(ماندالای دهم - سرود ۱۳۵)

---

(۱) این آیه را باین تقریب نیز ترجمه کرده‌اند :
این جاست مکانی که « یم » درآن‌جا زندگانی میکند ، و آنرا خانهٔ خدایان می‌نامند .
این جا خنیاگران برای او در نی میدمند .
دراینجا اورا با سرودها تجلیل میکنند .

ای میترا ، توئی که فرستندهٔ نعمت‌های حقیقی میباشی ؛ تو ، و«سوربهانو» ـ هردو ـ مرا یاری کنید .

۸ـ برهمن اتری چون باستایش وپرستش درخدمت خدایان سنگ‌های سوما فشاررا مرتب میکند .

در آسمان چشم سوریا را برقرار می‌سازد ، وسبب میشود که جادوی «سوربهانو» برطرف گردد .

۹ ـ اتری ها خورشید را باز می‌یابند که سوربهانو او را ـ از نژاد اسورا ـ با تاریکی خویش سوراخ کرده بود .

جز او کسی چنین قدرتی ندارد .

(ماندالای پنجم ـ سرود ۴۰)

ای اندرا ، ای بهتـرین کشنده وریترای نیرومند ، با نیرومندان .

٤ ـ ای شتابنده ، ای خروشنده ، ای کوبندهٔ زورمندان ، ای پادشاه ، ای قادر ، ای کشندهٔ وریترا ، ای نوشندهٔ سوما ،

باشد که او با اسب کُرنگ یراق شدهٔ خویش به‌اینجا آید؛ باشد که اندرا را این نذر نیمروز مسرور سازد .

٥ ـ ای سوریا ، آن گاه که « سوربهانو » [۱] ـ از نژاد اسورا ـ تورا با تاریکی سوراخ کرد.

همهٔ آفریدگان حیرت‌زده مینگریستند، چون نمیدانستند او در کجا ایستاده است .

٦ ـ ای اندرا در چه‌وقت تو جادوی « سوربهانو » را که در زیر آسمان گسترده‌است فرومیکوبی با چارمین‌دعای (نماز) مقدس خویش .

« اتری » ، «سوریا» را که درتاریکی پنهان شده وازکار فرو مانده بود، پیدا کرد.

٧ ـ مگذار که ستمگر با چنین خوفی مرا با خشم ببلعد ، چون من از آن‌توام ، ای اتری .

(۱) بنا براساطیرهندو سوربهانو Svarbhânu : اسورا یا دیوی است که موجب خسوف و کسوف ماه وخورشیدمیگردد . بعدها این دیو بنام Rāhu خوانده شده‌است . درریگ ودا جز دراین سرود باین‌نام برنمیخوریم .

کیست که مارا به «ادیتی» توانا بازرساند تا باشد که من پدر ومادر خویش را ببینم .

۲ ـ اگنی آگهی (خداوند) درمیان جاویدانیان اول است، ـ به نام مبارك او بیندیشیم .

او مارا به «ادیتی» مقدس باز خواهد رسانید ؛ تا باشد که من پدرومادر خویش را ببینیم.

۳ ـ به‌سوی تو، ای سویتر ، ای خداوند چیزهای گران بها که پیوسته مارا مدد می فرمائی ، مابرای سهم خویش می‌آئیم .

٤ ـ ثروت که ستوده بود ولی به زودی مورد ملامت قرار گرفت، بی‌هیچ تنفّری در دست توقرار دارد.

٥ ـ در سایهٔ حمایت تو باشد که ما حتی به‌اوج جریانی که «بهگه» (۱) برای‌ما قرارداده است برسیم .

٦ ـ این مرغانی که در هوا در پروازند ، هرگز به منزلگاه عالی،وتوانائی، وروح‌تونخواهند رسید؛

ونه‌این آب‌ها که همیشه‌درجریان‌اند، ونه کوه‌ها که‌غضب باد را فرو می‌نشانند .

۷ ـ وروناً پادشاه نیروی‌مقدس، تنهٔ‌درخت‌را درناحیهٔ‌بی پایه برافراشته نگاه‌میدارد.

---

(۱) بهگه Bhaga : بخشندهٔ ثروت یا بخت و تقدیر .

۱۰۱

درستایش: ورونا وخدایان دیگر (۱)

۱ ـ اکنون او کیست ؟

کدام خدا از میان جاودانیان است که بنام مبارك او

بیندیشیم ؟

---

(۱) این سرود خطاب به: ورونا ، پرجاپتی ، اگنی ، سویتر ، وبهگه است واولین سرود ازآن دسته سرودهائی‌است که به « شونه شبه Sunahsepa» پسر: « اجیگرته Agigarta» نسبت داده شده‌است ، وحکایت آن بشرحی‌است که در «ایتریه براهمانا Aitareya Brāhmana » نوشته شده وبقرارزیرمیباشد:

پادشاهی به نام : « هریشچند Harischanda » از « ورونا » مسئلت نمود تا به او پسری عطا فرماید و نذر کرد که نخست زادهٔ خویش را در راه آن قربانی کند . این دعا اجابت یافت وپسری‌آورد که اورا «روهیتا Rohita» نام نهادند اما پادشاه قربانی اورا بتأخیر انداخت تا « روهیتا » بزرگ شد و وقتی پدرش به او اعلام داشت که باید قربان شود ، روهیتا تسلیم نشد وچندین سال دور از خانه در جنگل میزیست . هریشچند با کمال دلتنگی با دانشمندی به نام : « اجیگرته » ملاقات نمود و این موضوع‌را درمیان‌نهاد و او شاه را تشویق کرد که پسر دوم خود یعنی: « شونه شبه » را به جای « روهیتا » ـ پسر اول ـ برای ورونا قربانی کند . وقتی شونه شبه را برای قربانی‌حاضر کرده بودند به‌نصیحت‌وراهنمائی:« ویشوامترVisvāmitra» ـیکی ازروحانیان مأمور قربانی او ـ به خدایان ملتجی‌شد وآزاد گردید .

با این نذرخویش از تو تمنی‌دارد،ای‌وروئا دراینجا بمان وخشمناك مباش ؛

زندگی مارا ازما مگیر ، ای‌حاکم برهمه .

۱۲ ـ شب، وروز همه به‌من‌همین یك‌چیزرامیگویند، وافکار قلب‌من نیز همان‌را تکرار مینماید .

باشد که « شونه شبهٔ » به زنجیر کشیده او را پرستش کند ومارا نجات‌بخشد (۱).

۱۳ ـ « شونه شبهٔ » اسیر که به سه پایه بسته شده است از « آدیتیا » چنین التماس مینماید که واروناى توانا او را آزاد سازد .

آن که هیچ وقت فریب نمیخورد بندهائی که اورا بسته‌است بگشاید .

۱٤ ـ با تعظیم ونذر وقربانی ، ای وروئا ، ما غضب تورا فرو مینشانیم .

ای اسورا (۲) ی دانا ، تو ای پادشاه ملك پهناور ، بندهای گناهان‌را که‌ما مرتکب‌شده‌ایم، ازما بگشا .

۱۵ ـ ای وروئا ، بندهائی که مرا بسته است بگشا، بندهای

---

(۱) یعنی : واروناى توانا .

(۲) اسورا Asura : در زند ، اهورا : موجود الهی . درادبیات هندو بعدها این نام به‌دیوان اطلاق شده است .

اشعهٔ او که ریشه‌های آن در بالاست به سوی پائین روان است .

باشد که به‌سوی ما فرود (اشعه) آید و پنهان گردد.

۸ ـ شاه ورونا جادهٔ پهنـاوری ساخته تا خورشید از آن بگذرد .

جائی که راهی نساخته بود قدم خود را گذاشته و از دور بر آن‌چه‌روح را رنجه میداد اخطار نمود[۱] .

۹ ـ صد بوی خوش از آن تو است ، ای پادشاه ، بلکه هزار ؛

باشد که الطاف تو برما نیز ژرف وپهناور باشد .

ویرانی‌خویش‌را ازما دور ساز ـ بسیار دور.

وگناهانی که ما مرتکب شده‌ایم ، ازما برگیر.

۱۰ ـ وقتی که‌روزپایان‌می‌پذیرد، وصور فلکی‌درآسمان‌اعلی بالای‌سرما میدرخشد ؛

قوانین مقدس ورونا بقوت خویش‌باقی میماند، وماه باشکوه خود ازمیان شب درحرکت است.

۱۱ ـ من با این دعای پرستش از تو خواهانم : پرستندهٔ تو

---

(۱) یعنی : اعلام خطر کرد .

۱۰۲

ستایش: وشودیوها Visvedevas

۱ ـ باشد که ما با اندرا ، وخدایان (دیگر) کیهانی همهٔ این عالمهارا مالك شویم .

۲ ـ باشد که «اندرا» با «ادیتی» ها قربانی‌ما، و بدن‌های ما، فرزندان‌مارا کامل نماید .

۳ ـ باشد که اندرا با ادیتی‌ها که « ماروت » ها درملازمت ُانند، حامی بدن‌های‌ما باشند.

٤ ـ وقتی که خدایان بعد از کشتن « اسورا» ها (به‌خانه) ر گشتند،آن خدایان حافظ الوهیّت خود بودند .

٥ ـ با نیروی توانای خویش خورشیدرا بدینجا آوردند ، و الوهیت نیرومند خود باطراف خویشتن نگریستند(۱).

(ماندالای دهم ـ سرود ۱٥۷)

---

(۱) قسمت آخر این قطعه را « ویلسون » از قول : « ساینه » اینطور ترجمه کرده است : « آن گاه مردم باران شدید را در اطراف خود مشاهده نمودند».

بالا ، وبندهای میان ، و بنه‌های پائین را بگشا تا در قانون‌مقدس تو ما بیگناه شویم و در ملك ادیتی در آئیم .
ای «آدیتیا» (۱).

(ماندالای اول ـ سرود ۲٤)

(۱) آدیتیا Âditya : دراینجا مراد همان ورونا یکی‌ازپسران«ادیتی» میباشد .

باشد که او ما را از میان دشمنان بگذراند .

۵ ـ اگنی نورانی که در دورترین ناحیهٔ جو، به دنیا آمد ؛

باشد که او ما را از دشمنان بگذراند.

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۸۷)

۱۰۳

ستایش : اگنی

۱ ـ من سرود خویش‌را به‌سوی اگنی میفرستم، به‌سوی او که گاو همهٔ مردم است؛

باشد که او مارا ازدشمنان بگذراند(۱).

۲ ـ او که از مساحت دور از میان نواحی بایر به روشنی میدرخشد؛

باشد که‌اومارا ازمیان دشمنان بگذراند.

۳ ـ آن گاونر که با شعله‌های درخشان برافروختهٔ خویش، دیوان(راکشس‌ها)را کاملاً میسوزاند؛

باشد که او مارا از میان دشمنان بگذراند.

٤ ـ آن که به همهٔ موجودات مینگرد، وبا نظرخویش بر همهٔ آنها واقف است؛

---

(۱) این قطعه‌باین‌تقریب‌نیز ترجمه شده‌است :

« برای اگنی نیکوکار بشر (دوست) سرود بسرای؛ باشد که او صدای مارا دور از (دسترس) آن‌ها که از ما نفرت دارند، بشنود ».

۲۷۵

حی که هنوز در ماست ، و با بارووری ،

فته است :

تو مشغول باشیم .

(ماندالای دهم ـ سرود ۵۷)

۱۰۴

خطاب به: سوما پومانه (وهما

۱ ـ ای اندرا مگذار که ما از این راه
فشار دهندهٔ سوما ، مگذار که بدخواهی در
۲ ـ باشد که ما آن ریسمان را که برا
رشته شده است ، و کامل ساخته شده به‌دست

را کامل میسازد.

۳ـ ما باسوما روح اسلاف خ

باسرود مقدس پدران[1].

٤ ـ روح تو دوباره برای دا

تا تو بتوانی مدت‌ها خورشید را بنگر

ه ـ ای پدران، باشد که س

بر گردانند تا ما با آن‌ها که زنده

---

(۱) ظاهراً مقصود از «روح» در

سوگواری او بر گذار میشود . و مقصو

خدائی درآمده‌اند . ومقصود ازپدران رو

اینجا زندگی کنی .

۶ - روح تو بەسوی اشعهٔ نور که میدرخشد وجریان دارند رفته است ،ماسبب‌میشویم که‌به‌تو باز گردد، وتو زنده باشی‌ودر اینجا زندگی کنی .

۷ - روح تو که‌بسیار دور فته وبه‌آبها و گیاهان رسیده‌است، ما سبب میشویم که به تو باز گردد ، و تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۸ - روح تو که بسیار دور رفته وخورشید وسپیده دم‌رادیده است، ما سبب میشویم که به‌تو باز گردد، و توزنده باشی ودر اینجا زندگی کنی .

۹ - روح تو که بسیار دور رفته ، وبه قلل کوه بلند رسیده است، ماسبب میشویم که به تو باز گردد وتو زنده باشی ودر اینجا زندگی کنی .

۱۰ - روح تو که بەسوی آن (همه) که حیات و جنبش دارد رفته است ، ماسبب میشویم که به تو باز گردد وتو زنده باشی ودر اینجا زندگی کنی .

۱۱ - روح تو که به‌کشورهای بسیار دور بیرون از دانش‌ما رفته است، ما سبب میشویم که به‌تو باز گردد، وتو زنده باشی ودر اینجا زندگی کنی .

خطاب به : مانس Manas (روح) (۱)

۱ - روح تو که به‌سوی «یم» و (به سوی پسر) «وی‌وسون» رفته است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد، و تو زنده باشی ودراینجا زندگی کنی .

۲ - روح تو که بسیار دور گشته است ، وبه زمین وآسمان رفته ، ما سبب‌میشویم که به تو باز گردد ، وتو زنده باشی ودراینجا زندگی کنی .

۳ - روح تو که بسیار دور رفته است و به چهار گوشهٔ زمین رسیده ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد و تو زنده باشی ودر اینجا زندگی کنی .

٤ - روح‌تو که به‌چهار ناحیهٔ‌جهان رفته است، ماسبب‌میشویم که تو زنده باشی ودر اینجا زندگی کنی .

۵ - روح تو که بسیار دور رفته و به دریای متلاطم رسیده است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد ، وتو زنده باشی و در

(۱) این سرود خطاب به‌روح شخصی است که درحال احتضارمیباشد .

۱۰۶

خطاب به : اندرا

۱ - آنکه بمحض تولّد، با نیرو وتوانائی خدای بزرگ روح اعلی‌شد ؛ حافظ خدایان گردید .

آن‌که دو جهان دربرابر نفس او از عظمت شجاعتش بلرزه درآمد، ای مردم او اندر است (۱) .

۲ - آن که زمین لرزان را محکم وثابت ساخت ، وآن که کوههای پرهیجان راآرایش بخشید ،

آن که این جوّ پهناور میانین‌را به پیمود ، وآسمان را نگاه داشت ، ای مردم او اندر است .

۳ - آن که اژدهارا بکشت وهفت رودخانه راآزاد ساخت، وگاوان‌را ازغار بالا بیرون‌آورد،

---

(۱) این قطعه را Macdonell چنین ترجمه کرده است :

« آن که بصورت خدای اصلی وپراز روح تولد یافت ، و در دانائی بحد زیادی ازسایر خدایان پیش افتاد و درقبال جلال و قدرت مردانگی او ، هردو جهان بلرزه درآمد ، ای مردم ، او اندراست ».

۱۲ ـ روح تو که به سوی آن چه هست ، و آنچه باید باشد رفته‌است،ما سبب‌میشویم که‌به‌تو باز گردد، وتو زنده باشی‌ودراینجا زندگی کنی .

(ماللاای دهم ـ سرود ۵۸)

۷ ـ آن که اسبان و همهٔ ارابه‌ها، ودهات و رمه‌های گاو در تحت‌سلطهٔ‌عالی‌اوست،

آن که به‌خورشید وصبحگاهان وجود بخشید، آن که‌آب‌ها را رهبری‌میکند، ای‌مردم او اندر است[۱].

۸ـ آن که دو لشکر در صف مصاف که دشمن یکدیگرند و یکی قوی‌تر ودیگری‌ضعیف‌تر است، به‌سوی اوفریاد برمی‌آورند، آن که‌دوشخص‌برروی یك ارابه‌هریك‌برای‌خویش اورا میخوانند، ای‌مردم او اندر است [۲].

۹ ـ آن که بی یاری او مردم ما هرگز پیروز نمی شوند، آن که درجنگ همه اورا بیاری خویش میخوانند،

آن که تمام این جهان درنظر او جز ماسورهٔ نخی (گلولهٔ نخی) بیش نیست ، آن که اشیای ساکن را بحرکت درمی‌آورد ، ای‌مردم او اندر است.

۱۰ ـ آن که بسیاری از گناهکاران شریررا قبل ازآن‌که به خطر واقف شوند باسلاح خویش هلاك میسازد ، وآن کس‌را که بجسارت او رامتغیر مینمایدهرگزنمی‌بخشد ،آن که«داسیو» [۳]را

(۱) منظور از رهبری آب‌ها ، بارانهای فصلی است .

(۲) منظورازعبارت‌هردولشکر ازاو استمداد میکنند ومنظورازعبارت: آن که دونفر در روی یك ارابه هریك برای خویش اورا می‌خوانند، پهلوان و ارابه ران اوست .

(۳) داسیو Dasyu : دیو ـ غیر آریائی .

آن که آتش‌را از میان دوسنگ پدید آورد ،وغنیمت برنده از نبرد جنگجویان‌میباشد، ای مردم اواندراست(۱).

٤ ـ آن که این جهان‌را بلرزه درمی‌آورد ، و آن که طایفهٔ دیوان پست فطرت‌را براند، آن که مانند قمار کننده‌ای مرده‌های خود را جمع مینماید ، ثروت دشمنان را بربود ، ای مردم ، او اندراست .

٥ ـ آن وحشتناکی که میپرسند او کجاست ، یا آن که میگویند که او نیست ، او مانند مرغان اموال‌دشمنان‌رامی‌رباید، بر او واثق باشید (اعتقاد داشته باشید) ، چون او ای مردم‌اندرا است (۲) .

٦ ـ او که بیچارگان وافتادگان وروحانی، و کمك روحانی که ستایش اورا میسراید، بکار وامیدارد،

آن نیك‌صورت (آن زیبارو) که برفشارنده وحاضر کنندهٔ سوما لطف می‌فرماید، ای‌مردم او اندر است.

---

(۱) مقصود از آتش میان دوسنگ ، ظاهراً برق میان زمین و آسمان است .

(۲) این‌قطعه را«مکدونلMacdonell »به‌این‌تقریب ترجمه کرده‌است: «راجع به‌آن قهارمیپرسند «او کیست » ؟ فی‌الحقیقه دربارهٔاومیگویند: او وجود ندارد . ثروت رؤساء را مانند گرو قماربازان اوکم میکند . به او ایمان بیاورید،چون او ای مردم اندراست» .

تهیه نموده و میریزد ، نیرو میبخشی ؛ باشد که ما دوستان تو ای اندرا همیشه با صدای بلند در این مجمع با قهرمانان خویش سخن گوئیم(۱) .

(ماندالای دوم ـ سرود ۱۲)

(۱) منظور ازقهرمانان ظاهراً فرزندان شجاع آنها است .

میکشد، ای‌مردم او اندر است .

۱۱ ـ آن که درچهلمین پائیز «شمبره» را که درمیان کوهستان زندگی میکرد پیدا نمود ، و اژدها را که قدرت خویش را آشکار می‌ساخت ، ودیوی که در آن بود بکشت ، ای مردم او اندرااست .

۱۲ ـ آن که با هفت مهار (زمام) آن گاونر ، آن قادر ، هفت سیلاب بزرگ‌را آزاد ساخت‌تا به‌میل‌خویش روان گردند ، آن که چون آسمان میگذشت و به رعد مسلّط بود «روهینه» را پاره پاره ساخت، ای‌مردم او اندر است(۱).

۱۳ ـ حتی آسمان وزمین در برابر او خم‌میشوند (سر تعظیم فرود می‌آورند) ودرمقابل نفس او کوهها بلرزه درمی‌آیند، آن که به‌سوما آشام مشهور است، سلاح او رعد میباشد،وصاعقه‌را دردسته دارد ، ای مردم او اندر است .

۱٤ ـ آن که‌زیر نظر سوما و تهیه کنندهٔ آن، وقربانی کنند وسرود خوان (سراینده) از سر مرحمت یاری مینماید، آن که در نماز تجلیل میشود ، و سومارا برای او میریزند ، واین تقدیمی ما برای بزرگداشت اوست ، ای مردم او اندر است .

۱٥ ـ براستی تو ، قوی و حقّی و بر آن مردی که نذر را

---

(۱) هفت زمام را هفت شعاع درخشان نیز گفته اند که منظور هفت اندرا باشد . روهینه Rauhina : نام دیوخشکسالی .

۲ ـ او بمیل آزاد خود مرا بوجود نیاورد ، او با نیرو ، و دلاوری پیروز گردید.

ویلسون این بندرا چنین بترجمه درآورده است :

« هنوز درحال جرثومه بودم که از تولد این خدایان و ترتیب آنسان واقف شدم . صد تن آهنین مرا مقید ساخته بود ولی بصورت شهباز من باشتاب بهپیش تاختم ».

«Roth رت » تحت تأثیر تصور خود عبارت آخر « پادا» ی چهارم « nir Adîyam » را تحریف نموده و آنرا « nir adiyat » دانسته است .

« کولیکوسکی Koulikovski »این آیت را چنین ترجمه کرده است :

(سوما سخن میگوید :) « هنگامی که در شکم (مادرم) بودم ، همهٔ نسلهای این خدایان را شناخته ام . صد شهر (کوچك) فولادین مرا حمایت میکرد ؛ اما من (بسان) شهباز با چالاکی پریدم » ،

بنظر گرسمن Grassmann دراین آیت شهباز الهی چنین سخن میگوید :

« وقتی که هنوز دربچه دان بودم ، همهٔ این نژادهای الهی را شناختهام صد قلعهٔ آهنین مرا نگاه میداشتند ، اما من(عقاب) بسرعت با بال (خود)پرواز کردم ».

ظاهراً معنی آیت اینکه گوینده (سوما یا اندرا ـ اگنی) میگوید : وقتی درشکم مادرم بودم تمام تولدهای پی درپی را (ازنظر اصل تناسخ)شناختم پیش از تولد فعلی صد دژ آهنین مرا احاطه کرده بودند ؛(یعنی: چون درزندان تن اسیربودم ازمعرفت روح بازمانده بودم) تاآن که بسان شهبازی از زندان تن همچون مرغی که ازقفس پرواز نماید پریدم وآزاد شدم و در نتیجه بحقیقت روح اعلی (روح خدایان ناشی از روح اعلی است) واقف گردیدم .

بنظر لودویک Ludwig دراین آیه « سوما » سخن میگوید وآنرا بدین تقریب ترجمه کرده است : « وقتی که هنوز من در زهدان بودم بتولدهای همهٔ این خدایان واقف شدم . صد قلعهٔ روئین مرا محبوس میداشت ، آنگاه باسرعت بصورت شهبازی پرواز کردم » .

۱۰۷

خطاب به شهباز (پر برهم درصورت شهباز)

۱ ـ من وقتی که در رحم (مادر) بودم ، همهٔ نسل‌های این خدایان‌را بترتیب می‌دیدم .

صد دژ آهنین مرا محبوس میداشت، امّا من (از هر یك آنها) چون شبهازی باسرعت زیاد پرواز کردم[1] .

---

(۱) متن سانسکریت این آیت چنین است :

« garbhe nu Sanu anv esam avedam , aham devānām Janimāni Visvā, Satam mā pura āyasir araksanu, adha Syeno Javasā nir adîyam» .

پرفسور«لانگلوا Langlois » قطعهٔ بالارا باین تقریب‌ترجمه کرده‌است :

اندر را ملقب به «شینه Syena » .

اندرا میگوید : « هنوز من به دنیا نیامده بودم ، اما با دقت تولد پی درپی همهٔ خدایان را دنبال میکردم . صد شهر آهنین مرا نگاهداشته بودند ومن بصورت شهبازی با سرعت زیاد ازآن خارج شدم» .

گریفیت این قطعه را باین تقریب ترجمه کرده است :

« من وقتی که دررحم بودم همه نسلهای این خدایان را بترتیب‌ملاحظه کردم . صد قلعهٔ آهنین مرا محبوس میداشت ، ولی من‌چون شهبازی با سرعت زیاد پرواز نمودم ». ←

٤ ـ شهباز راست‌پرواز سوما را از بالای آسمان پهناور ببرد، همانگونه که (اشوین‌ها) «بهوجیو» را از کشور «اندرا» و از میان پرندگان که درین منازعه زخم برداشته بود پری بیفتاد (۱)؛

۵ ـ و اکنون «مگهون» صراحی سفیدپر از شیروپراز مشروب درخشان را بپذیرد؛

بهترین نوشابهٔ شیرین که روحانیان تقدیم میداشته‌اند؛ (۲)

(۱) گریفیت این آیه را باین تقریب ترجمه کرده است: «شهباز او را از نقطهٔ اعلای آسمان حمل نمود، همان گونه که ارابهٔ دوست اندرا «بهوجیو» را حمل میکرد؛

آن گاه یك پر از آن مرغ درحالی که با شتاب به سفرخویش ادامه میداد پائین افتاد.

متن سانسکریت چنین است:

«Rjipyá îm indrāvato ná bhujyum Syeno Jabhāra Brhato ádhi Snoh,

antáh patat patatry ásya parnám ádha yāmani pràsitasya tàd reh.»

(۲) ویلسون این آیه را باین تقریب ترجمه کرده است:

«اینك باشد که مگهون این غذای خالص مقوی (قربانی) را در ساغری سفید رنگ که شیروماست درآن مخلوط شده وروحانیون تقدیم داشته‌اند بپذیرد؛ قسمت بالای آن (نوشابهٔ) شیرین که برای نوشیدن نشاط‌آوراست؛ باشد که آن قهرمان قبول کند وبرای نشاط (خویش) بیاشامد». ←

آن فرد شجاع مستقیماً دیوان‌را پشت سر گذاشت وچون از بادها میگذشت هرلحظه قوی‌تر می گردید (۱).

۳ ـ وقتی که با فریاد های بلند آوا ، شهباز با شتاب فرود می‌آمد،آن‌فردشجاع‌را بوجودآورد . آن گاه کریشانوی تیرانداز که وحشیانه در فکر خویش بغضب آمده بود ، او را هدف گرفت و زه را کشید تا اورا بزند (۲).

---

(۱) این قطعه را هریك از مترجمان ریگ بید با اختلاف زیاد ترجمه کرده‌اند . عبارت متن سانسکریت اینست :

« Na ghā sá mām ápa josam Jabhārābhīm āsa tváksasā vîryéna, Īrmā púramdhir ajahād árātîr utá vātān atarac sūsuvānah ».

بنا بر گفتهٔ Bergaigne دراین آیت «سوما» همچنان برسخن‌خودادامه میدهد .

(۲) متن سانسکریت این آیت چنین است :

Áva yác syenó asvanīd adha dyor vi yád yádi vāta ūhuh puramdhim,

Srjád yád asmā áva ha ksipáj jyām krsānur ástā mánasā bhuranyán.

مترجمان ریگ‌بید در ترجمهٔاین آیت وفهم‌آن اختلاف دارند .

ویلسون این‌آیت را چنین ترجمه کرده است :

« وقتی که شهباز از آسمان فرودآمد وفریاد میکشید (حافظان سوما) مشاهده نمودند که او سومارا (برده است) ، آن گاه کریشانوی تیر انداز اورا با سرعت خیال تعقیب نمود و کمان خویش را زه کرد و تیری بسوی او پرتاب کرد ». کریشانو Krisanu : حافظ سومای آسمانی .

خطاب به گراوانه Grāvānas

۱ ـ ای‌سنگ‌ها، باشد که خداوند سویتر شمارا بر طبق قانون به‌حرکت درآورد.

به‌نیرو چرخشت بسته شوید.

۲ ـ ای‌سنگ‌ها، بدبختی‌را ازما دورسازید، بدخواهی‌را از ما برانید، و گاوان‌را داروی‌ما قراردهید(۱).

۳ ـ سنگ‌های روئین (بالایی) که به نرگاو نیروی گاوی

---

(۱) متن سانسکریت چنین‌است :

pra Vo grāvānah Savitā devāh Suvatu dharmana, dhūrsu yujyadhvam Sunuta·

(۲) متن سانسکریت اینست :

« Grāvāno apa dusumān apa sedhata durmatim, Usrāh Kartana bhesajam. »

منظور از : «گاوان» روشنی‌صبح است که چون نزدیك شود دزدان و دیوان میگریزند .

باشد که آن قهرمـان آن را بگیـرد و با نشاط خـویش بیاشامد .

(ماندالای چهارم ـ سرود ۲۷)

← متن سانسکریت چنین است :

« ádha Svetám Kalasam gobhir aktam āpipyānam maghavā Sukram andhah, adhVaryubhih prayatam madhvo ágram indro mádaya práti dhat pibadhyai sūro madāya práti dhat pibadhyai ».

مگهون Maghavan : خداوند بخشش ، اندرا ، درهمه جا حاضر .

۱۰۹

ستایش: میترا، و وارونا

۱ ـ چون آفتاب سر برزند، من باسرود شما را میخوانم، ای میترا و وارونا که فکر شما مقدس است،

قدرت الهی، وزبردست جاویدان شما (میترا ـ وارونا) با مرحمت به هر که شما بخواهید میرسد (۱).

۲ ـ چون آن‌ها خدایان مهربان آسوراها هستند ـ هردوی شما زمین‌های مارا بسیار ثمر بخش نمائید (۲).

ای وارونا، وای میترا، باشد که ما ازشما (این لطف را) بدست آوریم که هرجا آسمان وزمین وروز است مارا برکت دهید.

۳ ـ بند نهندهٔ گناهکاران چندین کمند دارند؛ مرگ پذیران گناهکار به سختی میتوانند از آنها برهند.

---

(۱) ظاهراً منظور از قدرت (نیروی) الهی Asuryám دراینجا قدرت مشترك میترا و وارونا است.

(۲) مقصود ازخدایان مهربان آسوراها، خدایان اعظم یاحاکم برهمهٔ موجودات الهی میباشند.

میبخشند باغرور بر آن‌ها که در زیرند، می‌نگرند(۱).

۴ ـ ای سنگ‌ها، باشد که خداوند سویتر شما را برطبق قانون برای آن که قربانی میکند، وشیره‌را می‌ریریزد به‌حرکت درآورد (۲).

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۷۵)

---

(۱) بنابر نظر بعضی از مفسران «ریگ بید» مقصود از: «نر گاو» سوما است.

متن سانسکریت اینست:

Grāvāna Uparesvā mahîyante Sajosasah, vrsne dadhato vrsnyam.

(۲) منظورسنگ‌آسیاهائی‌است که برای‌خرد کردن گیاه سوما و گرفتن شیرهٔ آن مورد استفاده قرار میگرفته است.

بنظر گرسمن و رت Roth گراون Grāvan سنگ آسیائی‌است که برای خرد کردن گیاه سوما ویا گرفتن‌شیرهٔ‌آن بکارمیرفته است. بعضی احتمالا این واژه را مشتق از «گیره gira» (Jira) (سریع، جاری، روان) که با اضافهٔ پس‌وند «ون Van» بصورت: «giravan یا Jirāvan ویا grāvan» درآمده است، دانسته‌اند.

متن سانسکریت اینست:

grāvāna savitā nu vo devah suvatu dharmanā, yajamānāya sunvaté.

۱۱۰

خطاب به : ماروت‌ها

۱ ـ آمدن شما شگفت انگیز باشد ، با یاری‌های عجیب ، ای بخشایندگان ،

ای «ماروت» ها که با اشعهٔ مار مانند میدرخشید (۱) .

۲ ـ ای « ماروت » های بخشاینده ، تیر شتابندهٔ شما از ما دور باد ؛

سنگ‌هائی که پرتاب میکنید از ما دور باد.

۳ ـ ای بخشندگان سخاوتمند ، ای ماروت ها ، مردم « ترینشکنده» را لمس ننمائید؛

ما را برخیزانید تا بتوانیم زندگانی کنیم (۲).

(ماندالای اول ـ سرود ۱۷۲)

---

(۱) منظور از اشعهٔ مارمانند برقی‌است که بعد از طوفان بوجود می‌آید ومیدرخشد .

(۲) ترینشکنده Trinaskanda : ظاهراً اسم طایفه یا رئیس قبیلهٔ میباشد . درجای دیگراز ریگ ودا باین‌نام‌بر نمی‌خوریم . ویلسون به پیروی‌از «ساینه» ، «پادای» آخر این بند را چنین ترجمه کرده است :

«مردم مرا که ازعلف ناچیزترند حفظ فرما» .

ای‌وارونا ، ای‌میترا؛ باشد که طریق نظم‌شما ماراچون قایقی که‌از آب میگذرد، اززحمت‌ها بگذراند .

٤ ـ ای وارونا، و ای میترا ، بیائید واز نذور ما بچشید ، و مرتع‌مارا روزی(رزق) شیرین وفراوانی بخشید.

آب‌آسمانی نیکوی مصفای‌خویش‌را بفراوانی بر مردم فرو بارید.

٥ ـ ای وارونا ، وای میترا ، این‌سرود مانند شیرهٔ سومای درخشان‌برای : «وایو» به‌شما تقدیم می گردد.

سرودستایش مارا مورد لطف قراردهید ، اندیشه وروان‌را بیدار سازید ، و پیوسته ما را ای خدایان بسا برکات خود حفظ فرمائید .

(ماندالای هفتم ـ سرود٦٥)

۳ ـ آن گرامی، درقلهٔ پشمین مانند میدرخشد ، درمیان ما شاهزاده‌ای است ازهمه اشراف (نجباء) شریفتر .

چون‌تورا صاف‌میکنند، غرش‌نما و به پیش بشتاب ومارا بیش ازهمیشه با برکت‌خویش‌حفظ فرما .

٤ ـ بگذار تاستایش‌خدایان‌را بسرائیم‌ـ به‌آواربلندبسرائیم‌ـ وسومارا برای ثروت‌های نیرومند به‌سوی‌تو فرستیم .

بگذار تاآن شیرین طعم از صافی بگذرد ، وآن (سومای) مقدس‌ما در مشربه (پارچ) بماند.

٥ ـ تادوستی‌خدایان‌را به‌دست‌آورد ، «ایندو» درهراز جوی روان است که‌آنهارا شادسازد.

آن که‌برسم‌آئین‌باستان‌ازطرف‌مردم‌ستایش‌شده‌و برای‌سعادت مانزدیك‌آمده است‌به‌سوی «اندرا» .

٦ ـ ای زرّین‌فام ، چون خود را صاف سازی ، روان شو که سراینده‌را غنی‌سازی‌وشیرهٔ‌تو به‌سوی‌اندرارود تاموجب‌نگاهداری او باشد .

برای فراوانی‌به‌همراه خدایان نزدیك‌آی ومارا بیش‌ازبیش بابرکت‌های‌خود حفظ فرما.

۷ ـ خدا نسل‌های خدایان‌را اعلام میدارد ، همان گونه که «اوشان» حکمت عالی‌را بیان‌میکند.

ستایش : عصارهٔ سوما Soma pavamāna [۱]

۱ ـ خداوند شیره‌را که دراثرشوق واحساسات آنی این مرد صاف شده است، به خدایان میرساند .

او (سوما) روان وسراینـده به سوی صافی درجریان است (میرود) مانندروحانی که باگاوان بطرف نشستنگاه مُدرّج(پله‌پله) رود[۲] .

۲ ـ درلباسی زیبا که لایق پوشیدن درجنگ است ، چـون دانشمندی‌نیرومند درحال‌خواندن ادعیه‌به‌سوی پارچ(مشربه)هائی که‌پاك کرده‌اند روان شو .

در جشن (بزم) خدایان همه‌جا دیده‌میشوی وپاسداری .

---

(۱) درمیان ۱۰۲۸ سرود ریگ‌بید این سرود کلانتـرین آنهاست . و گفته‌اند ریشی‌های مختلف گویندهٔ مجموع ابیات این سرود هستند .

(۲) منظور ازعبارت : «باگاوان بطرف نشتنگاه مدرج رود» محل‌هائی است که برای قربانی‌تهیه وآماده میکردند وقربانی‌هارا درآنجا میگذاردند . در اینجا صدای جریان شیرهٔ سوما بسرود خوانی روحانیونی که متون مقدس را میخوانند تشبیه شده است .

او بدخواهی‌هارا آرام میسازد، ودیوان‌را میکشد، پادشاه پُر نیرو که‌مارا راحتی می‌بخشد.

۱۱ ـ آن گاه در جوئی جاری میگردد که از سنگ‌های چرخشت تراوش کرده، باشیرینی درآمیخته، و از پرویزن پشمین میگذرد.

ایندو درعشق‌اندرا شادی‌میکند، خداوندی که برای‌حظّ آن خدا سرورمی‌بخشد(۱).

۱۲ ـ چون صاف میشود گنج‌ها را اوفرو میریزد، خدائی که شیرهٔ‌خویش‌را (چون‌شبنم) به‌دیگر خدایان می‌بارد.

ایندو به تناسب فصول لباس گوناگون می پوشد، برآن پشم (پرویزن) برافراشته ده‌انگشت‌سریع‌درکارند(۲).

۱۳ ـ نر گاوسرخ خروشان‌به‌سوی‌ماده گاوان پیش‌میرود، و آسمان‌وزمین‌را به‌نعره وغرش‌درمی‌آورد.

صدای اوچون نعرهٔ اندرا درجنگ، شنیده میشود تادانسته شود که او بدین سو درشتاب است.

۱٤ ـ آمیخته باشیر، ومملوّ مزه‌های شیرین از آن گیاه پُر آب‌تو بیرون می‌آیی،

وچون تراصاف میکنند خروشان جاری میشوی، توای سوما،

(۲) ایندو Indu (قطره) نام دیگر سوما.

(۱) یعنی روی پرویزن یاصافی ده انگشت‌کار میکنند.

باخویشاوندی درخشان آن گراز تقدیس کننده و حاکم بر همه جا سرودخوان باین جاها پیش می آید.(۱)

۸ ـ غاز (قو) ها، «وری شکنه»ها از نزدیکی ما روح بی آرام خویش را به منزلگاه ما آورده اند.

ای دوستان به «پومانه» برای ستایش گرد آئید، و در نغمات مقاومت ناپذیر آن ها همصدا شوید(۲).

۹ ـ او حرکت سریع آن بلند گام را دنبال مینماید، گاوان چنان که بودند برای آن که به میل خود تفریح کنند، به صدا درمی آیند؛

او باشاخ های تیز خویش فراوانی می بخشد، سیمین فام در شب، و زرّین فام در روز میدرخشد.(۳)

۱۰ ـ ایندوی نیرومند که به شیر آغشته شده به سوی اندرا روان است، سومای نیروبخش که اورا شاد سازد.

---

(۱) منظور ازخداوند در اینجا «سوما» است که پدرخدایان شناخته شده است. صدای جریان «سوما» به تلاوت سرودی که «اوشان» دانشمند معروف و شاعرمقدس دورهٔ ودائی میخوانده است تشبیه شده است. مقصود از «گراز» سومای تندروخروشان میباشد، ویاشاید منظور آن باشد که صدای ریزش قطرات شیرهٔ سوما مانند صدای پای گراز وحشی است.

(۲) منظورازغازها سرودخوانانی اند که ازاخلاف ورشگنه Vrishagana دانشمند عصر ودائی میباشند.

(۳) دراین بند «سوما» به «ماه» تشبیه شده است وبرای آن دوشاخ تصور کرده اند.

بلندیهاو ازفراز آن قلهٔ پشمین جاری‌شو(۱).

درهزارجوی خوشبوی شکست‌ناپذیر برای‌تحصیل قدرتی که برقهرمانان پیروزی می‌یابد جاری‌شو.

۲۰ ـ بی‌ارابه، و بی‌زمامی که آنهارا رهبری کندمانند اسبان یوغ بر گرفته که بمسابقه میروند،

این‌قطرات درخشان شیرهٔسوماپیش می‌تازند، شمااي‌خدایان پیش آئید تاآن‌هارا بنوشید.

۲۱ ـ پس‌برای این‌جشن خدایان‌ما، ای‌ایندو باران‌آسمان را دراین ظرف‌ها بریز ؛

باشد که‌سوما مارا ثروتی که مشتاق و درطلب‌آنیم، وقدرت‌و قهرمانان‌بسیار عطا فرماید.

۲۲ ـ آن گاه که‌سخن‌مهر آمیز روح‌اورا بموجب‌قانون اعلی علیّین خداوند همهٔ رزق ها قرار داده است ، درآن هنگام گاوان نعره کشان به سوی ایندو آمدند ، آن خـداوندمختار محبوب‌در مشربه .

۲۳ ـ آن دانشمند آسمانی آزادهٔ نعمت بخش چـون جاری میشود، شیرهٔ خالص‌را برای‌آن حقیقت شعارمی‌پیماید.

آن‌پادشاه که منبع‌ونگاهدارندهٔ قدرت است‌بوسیلهٔ ده زمام

(۱) مراد از قلـهٔ پشمین ، پرویزنی است که پارچهٔ آن از پشم تهیه شده است .

درآن هنگام برای اندرا روان شو.

۱۵ - پس با شادی‌روح‌بخش‌روان شو، وتیرهای مرگبار بسوی آن که مانع جریان‌آب‌ها میشودپرتاب کن.

به‌سوی‌ما باآن‌رنگ درخشان خویش روان‌شو، ای‌سوما در اشتیاق گاوان جاری‌شو(۱).

۱۶ - ای‌ایندو، ازماخرسند باش، وچون‌در مجرای سهل و نیک‌خود روانی‌فضای وسیع وراحتی‌ها برای‌ما بفرست؛

وبرطبق‌معمول باگرز(چماق یا عصا) بدبختی‌هارا پراکنده ساز، وبروبه روی صافی.

۱۷ - باران‌آسمانی تندریز فرح بخش‌سلامت‌زا وفراوانی‌ده برما ببار.

ای‌ایندو روان شو، و این بادها راکه خویشاوندان زیرین تواند بفرست، وآن‌ها را چون‌طره‌های موی نابسته آزاد ساز.

۱۸ - ای‌سوما، چون‌صاف میشوی رفتار شایسته وناشایسته‌را که بیکدیگرپیچیده وگره خورده‌اند جدا کن.

مانند اسب‌قرمز رنگ (کهر) لجام‌گسیخته شیهه بکش، ای خداوند، ای خانه‌خدا چون‌جوانی بیا.

۱۹ - برای‌خدمت‌خدایان، برای شادی، ای‌ایندو، از روی

---

(۱) مراد از : مانع جریان‌آب شدن در اینجا «وریترا Vritra» دیو خشکسالی است.

خروشی (شیهه‌میزنی) واز (سرعت) خیال سریعتری ، مانند شیری مهیب .

ازراههائی که بدینجا منتهی‌میشود، واز راست‌ترین آنها،ای ایندو ، وقتی که‌صاف میشوی سرور رابه سوی‌ما بفرست.

۲۹ ـ ازسر چشمهٔ خدایان صدها بلکه هزاران جوی جاری میشود که دانشمندان‌مهیّا ساخته‌وآنهارا صاف مینمایند.

اسباب پیروزی‌را از آسمان‌برای‌ما بیاور ، ای ایندو تو که پیشآهنگ ثروت‌های فراوانی.

۳۰ ـ جویبارهای‌روز چنان که باید از آسمان فرو میریزد ، پادشاه دانا بادوست‌خود به‌نامهربانی رفتار نمیکند.

مانندفرزندی که‌خواسته‌های‌پدررا دنبال‌میکند،این‌خانواده راسلامت وسعادت‌بخش[1].

۳۱ ـ اینك‌جویبارهای تو با همه‌شیرینی‌جاری میشوند،چون صاف‌شوی ازپرویزن میگذری.

نژادگاو ای «پومانه» ، از[دولت] بخشش‌های تو است .

چون تو بوجودآئی‌سوریارا درخشان میسازی.

۳۲ ـ چون‌با روشنی وغرش‌ازراه نظم‌میگذرد، مانندصورتی از زندگی‌جاویدمیدرخشی.

---

(۱) بگفتهٔ بعضی از مفسران منظور ازجویبارهای روز ، نذور سوماست که روزانه‌تقدیم میشود .

(مهار)روشن راهنمائی میشود (۱).

۲۴ ـ آن که مردمان را مینگرد واز پرویزن صاف گشته است ، پادشاه والای‌خدایان‌وفناپذیران است.

ازایّام‌قدیم‌او گنجور ثروت‌هاست، او(ایندو) نظم‌نیکوو مرتّب راعزیزمیدارد.

۲۵ ـ مانند‌اسبی به‌سوی پیروزی وافتخار به‌مجلس اندرا، ووایو بشتاب.

مارا روزی فراوان ـ هزار برابر ـ عطافرما، ای سوما چون تراصاف‌میکنند یابندهٔ ثروت‌ها باش.

۲۶ ـ سوماهای خدا پسند که ما آن‌هارا می فشاریم چون جاری‌میشوند، برای‌ما خانه باشجاعان‌شریف می‌آورند.

بانعمت‌های فراوان ماننددروحانیـونی که لطف (خدایان)را تحصیل‌مینمایند پرستندگان‌آسمان بهترین تمجیدکنندگان.

۲۷ ـ پس ای خداوند، برای‌خدمت خدایان جـاری‌شو، ای نوشابهٔ خدایان ، ای‌سوما برای‌فراوانی‌روزی جاری‌شو .

چون‌ما به جنگ نیرومندان میرویم با صاف شدن خـویش آسمان وزمین‌را برقرار فرما .

۲۸ ـ توکه مردان نیرومندترا یوغ بسته‌اند، مانند‌اسب می

---

(۱) منظور ازشیرهٔ خالص برای حقیقت شعار ، سومابرای اندرا است . مراد ازده زمام یا ده مهار ده انگشت است که شیره را می‌فشارد .

باغرشی نیرومند، به‌سوی اندرا بگذر، صدارا بلندساز و فراوانی بوجود آور.

۳۷ ـ سوما سرایندهٔ سرودهای حقیقی (راستی)، وهمیشه پاسدار وقتی اورا صاف میکنند درملعقه (ملاقه)ها قرار گرفته است

اورا «ادهورج»(۱) های بهم پیوسته و مشتاق پیروی میکنند رهبران قربانی ودارندهٔ دستهای ورزیدهٔ «ماهر».

۳۸ ـ بدان گونه که درنزدیك خورشید، اوصاف شده است مانند آفریدگار زمین و آسمان را بتمامی پرنموده، و آنهارا آشکار ساخته است.

او که بوسیلهٔ یاری ارجمندش مردم همه خواسته‌های خویش را به‌دست می‌آورند، جایزه‌های گرانمایه‌ای به‌پیروزمند خواهد بخشید.

۳۹ـ سومای نیرو بخش وفزاینده، وفراوانی‌ده چون صاف شده رابادرخشش خویش یاری فرمود.

(درخششی که) باآن اسلاف قدیم ما که ردّپاهارا میدانستند روشنی یافته ورمهٔ گاورا از کوهستان ربودند.

۴۰ـ درطاق اعلای فلك، اقیانوس به‌آوای بلندمی غُرد، پادشاه همهٔ موجودات، خالق همهٔ آفریدگان،

---

(۱) ادهورج (ادهوریو adhvaryu) : روحانی که تشریفات قربانی «ادهورا Adhvara» را انجام میدهد.

چون روان میشوی مانند نوشابهٔ فرح بخش اندرایی، وصدای خودرا باسرود دانشمندان توأم میسازی.

۳۳ ـ چون جوی های خود را در جشن خدایان و خدمت آنان جاری میسازی، تو ای سوما بسان عقاب آسمانی بنظر می آئی.

ای ایندو، در صُراحی (مشربه) سوما فرود آی، و باغرش بشعاع سوریا نزدیک شو.

۳٤ ـ آن اسب راسه آوا (شیهه) است، او از فکر دعا و از قانون نظم سخن می گوید:

گاوها برای پرستش به سوی آن خداوند گاو می آیند؛ سرودها با اشتیاق زیاد به سوی سوما می شتابند.

۳۵ ـ گاوان به سوی سوما می آیند، گاوان شیرده با اشتیاق باسرودهای خود پرستش کنان به جانب دانشمندان سوما (می آورند).

(شیرهٔ) سومای فشرده صاف و مخلوط شده است، سرودها، و آواهای «تریشتپ» ما در سوما بیکدیگر می پیوندند.(۱)

۳٦ ـ ای سوما، چون ما تورا درظرف ها می ریزیم، صاف شو، و برای نیکبختی ما روان شو.

---

(۱) تریشتپ Trishtup (تریشتب Tri-shtubh) : یکی از اوزان عروض دارای چهار بار یازده ۱۱ X ٤ مقطع.

ازاقیانوس برما ببار .

۴۵ ـ سومای نیرومندچون فشرده شود مانند اسبی تیز تك روان‌میگردد ـ بسان سیلی که‌در سراشیب‌جاری باشد.

چون‌صاف‌شد درخانهٔ‌چوبین خودقرار گرفت؛ «ایندو» باشیر، وبا آب‌ها روان گشت.

۴۶ ـ این‌سومای نیرومند، ودانا برای کسانی که شوق آمدن اورا دارند، دراینجا به‌سوی‌کاسه‌ها روان می گردد ای اندرا،

آن‌ارابه‌سوار، وخورشیدسان‌وبراستی توانا، مانند اشتیاق مردم‌پرهیزکارریخته شده‌است.

۴۷ ـ آن که‌بقدرت‌حیاتی باستانی‌صاف گردیده‌برتمام‌اشکال وصور دخترخویش نافذ است،

چون‌پناهگاه‌سه گانهٔ خودرادرآب‌ها می‌یابد مانندروحانی سراینده به‌سوی‌محافل می‌شتابد(۱).

۴۸ ـ اینك ای ارابه سوار به جانب ماروان شو، ای خداوند سوما، چون‌صاف شوی‌دراین پشقاب‌ها جاری‌شو،

شیرین‌ترین آب‌ها، و پُراز شیروعسل، ومقدس، خداوندمانند سویتر راست اندیشه است.

---

(۱) ظاهراً مقصود ازعبارت «تمام اشکال وصور دختر خویش نافذ است» آنست که تصور می‌شده سوما قدرت غذائی خودرا به علف وبوته ونیم درخت‌ها می‌بخشد ، زیرا این سه شکل اززمین که دختر اوست، میروید.

ای سوما، بر پرویزن پشمینهٔ برافراشته جاری شو، قطرهٔ چکیده نیرویش افزایش یافته است(۱).

۴۱ ـ سومای گوساله چون فرزند آب‌ها خدایان‌را انتخاب کرد، وآن عمل بزرگ‌را بجای آورد.

او (پومانه)، اندرارا نیرو بخشید؛ واو(ایندو) به«سوریا»روشنی داد(۲).

۴۲ ـ «وایو»را برای زیادتی وفراوانی شادساز، و«وارونا»، و «میترا»را که تراصاف میکنند، مسرورنما (۳).

خدایان‌را سروربخش، وجمع «ماروت»هارا خوشحال فرما، آسمان‌وزمین‌را به‌شادی‌وادار، ای خداوند، ای‌سوما.

۴۳ ـ ای کشندهٔ دادگر شریران، روان‌شو،ودشمنان‌وبیماری های‌مارا بیرون‌ران،

شیرخویش را با شیری که گاوان میدهند ممزوج کن، ما دوستان توئیم، وتودوست «اندرا»ئی.

۴۴ ـ چشمه‌ای ازشیرو عسل برای‌ما جاری‌ساز، ومنبعی از گنج‌ها، ومارا پسری‌قهرمان وثروتی شادی‌بخش بفرست.

چون‌ترا صاف‌میکنند برای اندرا شیرین‌باش، وباران ثروت

---

(۱) ظاهراً منظور از : اقیانوس ، سوما میباشد.

(۲) پومانه Pavamāna : عصارهٔ سوما . ایندو Indu : قطره ، سوما .

(۳) وایو Vāyu : خدای باد .

ما به‌سوی آن گذرگاه مشهور روان شو.

باشد که آن دشمن کوب شصت هزار گنج بـرای پیروزی ما فرو فرستد، همان گونه که درخت میوهٔ رسیده را می‌تکاند(۱).

٥٤ - برای آن دو پیروزی کـه در جنگ در کنار آن دریاچهٔ آبی و«پریشنه» به‌دست آمد، ما با اشتیاق نیایش‌میکنیم.

او دشمنان‌ما را خواب کرد، و هلاك ساخت و آن دیـوانگان نامهربان را دور نمود(۲)؛

٥٥ - تو از سه‌صافی گسترده میگذری، ودرحالی که تراصاف میکنند از میان آنها می‌شتابی (بسرعت روانی).

توئی بخشندهٔ هدایای «بهگه»، و«مگهون» برای برزگان آزاده، ای ایندو(۳).

---

(۱) ظاهراً مقصود از گذرگاه مشهور نقطهٔ بوده‌است که در آن‌جا جنگی واقع شده وتصور نموده‌اند که بازهم در آن نقطـه نبردی آغاز خواهد شد واز سوما کمك میخواهند.

(۲) بعقیدهٔ «لودویگ»، «پریشنه Prisana» نام محلی‌است، ولی «ساینه» دریاچهٔ آبی یا دریاچهٔ زرد را به‌جنگ سواره، و«پریشنه» را به‌جنگ تن‌به‌تن تعبیر کرده است.

(۳) ظاهراً مقصود ازسه صافی، آتش وباد وآفتاب است که اضافه‌برصافی مصنوعی پشمین میباشد.

بهگه Bhaga : خدای بخشنده - خداوند محترم (به‌خدایان به‌ویژه به «سویتر» إطلاق میشود). نام یکی از آدت ها کـه بخشندهٔ ثروت و سرپرست عشق وعروسی است. خدای زفاف. (یاسکا yaska او را از خدایـان طبقهٔ اول شناخته است).

مگهون Maghavan : نجیب، بنیاد گزار یا بانی‌قربانی-خدای‌نیکوکاری- لقب اندرا.

۴۹ ـ برای‌جشن‌او درمیان‌سرود و آواز به‌سوی«وایو» جاری شو، وچون صاف شوی به‌سوی واروناو میترا روان کرد ،

به‌سوی آن قهرمان ارابه سوار سرورانگیز، به‌سوی اندرای نیرومند که‌رعدرا چون‌سلاحی دردست دارد جاری‌شو.

۵۰ـجامه‌هائی که‌مارا به برازندگی بپوشاند، برمافروریز ، و گاوان شیرده‌پاك و پُرشیر بفرست.

ای‌سوما، برو ، ومارا اسبان ارابه کش که بتوانند گنج‌های درخشان‌زرین برای‌ماآورندبفرست .

۵۱ ـ جوئی از ثروت‌های آسمانی به سوی ما روان ساز ، و چون صاف شوی آنچه زمین شامل بر آن است ، به سوی ما بفرست ،

تا بوسیلهٔ آن ما بطربقهٔ «جمداگنی» مالکیت‌ودانشمندی‌به دست‌آوریم.(۱)

۵۲ ـ اینك که‌صاف میشوی، ثروت‌به‌ما فرو فرست، به‌سوی دریاچهٔ زرد(۲) روان‌شو ، ای ایندو .

دراینجا نیز آن سرخ‌فام بادپای دانشمند به آن که باشتاب می‌آید ، پسری عطا خواهد کرد .

۵۳ ـ ای که سزاوار افتخاری، اینك که صاف میشوی برای

---

(۱) جمداگنی Jamadāgni : نام‌ریشی‌مشهوردورهٔ باستانی.

(۲) معنی واژه : Mänschatvé درست معلوم نیست .

۱۱۴

درستایش : سپیده دم Usas

۱ ـ صبح درخشان آن هنگام که آتش (مقدس) برمی‌افروزد،
وخورشید سر برمیزند، انوارخویش‌را منتشر میسازد.

خداوند سویتر ماوا به‌کار می‌فرستد، هرچهارپا ، وهردوپا باید
فعّال باشد (۱) .

۲ ـ بی‌آنکه نظم و ترتیب آسمانی را برهم زند ، هرچند
نسل‌های بشررا کم میسازد،

آخرین صبح‌های بی‌نهایت که گذشته‌اند ، و اولین آنها که

---

(۱) ظاهراً منظور از «آتش»، آتش قربانی‌است که صبح‌ها آنرا روشن‌مینمودند.
متن سانسکریت این آیت چنین است :

Usa Usantî Samadhāné agna Udyant Surya Urviyā Jyotir asret

devo no atra Svita nvartham prāsavid dvipart pra Catuspad Ityat.

بعضی از مفسران رگ‌بید گفته‌اند کلمهٔ : «Urviya» بمنزلهٔ قیدی است
که معنی «دور» از آن مستفاد میشود و مشتق ازکلمهٔ «Uru» (وسیع، گسترده ،
پهن) میباشد .

۵۶ ـ این سومای دانشمند، همه دان مانند پادشاه کائنات در راه خود روان می گردد ،

وقطرات رادرمحفل های مامیراند:

«ایندو» تماماً ازصافی پشمین میگذرد.

۵۷ ـ تجاوز ناپذیران بزرگ «ایندو»را میبوسند(مینوشند)، ومانند دانشمندان مشتاق درجای او(ایندو) می سرایند (۱).

مردان دانا اورا باده انگشت جَلْدْ بیرون می آورند، وبا گوهر آب ها شکل اورا می آرایند .

۵۸ ـ ای سوما، باشد که ما باتو بصورت «پومانه» باهم غنائم جنگی خویش را توده نمائیم،

ای «ورونا» وای «میترا» ، وای «ادیتی» ، وای «سیندهو» ، و ای زمین ، و ای آسمان این نعمت (برکت) را برای ما حفظ فرمائید (۲).

(ماندالای نهم . سرود ۹۷)

---

(۱) منظور ازتجاوزناپذیران ، خدایان میباشد .

(۲) سیندهو (سندهه Sindhu) : نام رودخانهٔ سند Indus و حوزهٔ آن رودخانه . رئیس رودخانه‌ها .

این واژه که بطور مطلق بمعنی رودخانه وجریان آب است ، نام وارونا خدای دریاها وآب‌ها ونام پادشاهان گندهروه‌هاهم میباشد .

بیشتر وبیشتر او منبسط میشود ودامن پدر ومادر خویش را کاملاً پر مینماید.(۱)

۶ ـ بتحقیق چون‌در اطراف منبسط میشود ، خویش‌وبیگانه را از رؤیت‌خود بازمیدارد ،

ومغرور ازشکل بی‌عیب خود به‌روشنی میتابد ، واز وضیع و شریف رو نمی‌تابد.(۲)

۷ ـ مانند کسی که برادر ندارد در جستجوی مردم است ،

---

(۱) عبارت سانسکریت چنین است :

Pūrve árdhe rájaso aptyasya gavām Janitry akrta prá Ketum, Vy u prathate Vitaram Varîya Obhā prnántî pitror Upasthā

ظاهراً منظور ازناحیهٔ آب‌آلود ، آسمان مه‌آلـود ومقصود ازگاوهـا ، اشعهٔ نورمیباشد .

(۲) عبارت متن سانسکریت ایـن آیت چنین است :

Evéd esā purutámā drsé Kam na Jāmim na pári vrnakti Jāmim, arepasa tanvā sasadānā

nārbhād isate ná mahó Vibhātî

گلدنر،و Kaegi پادای چهـارم را باین تقریب ترجمه کـرده‌اند : «اونورخودرا نه در بالا ونه در پائین دور ورها نمیکند»، اما«لودویگ» آنرا چنین ترجمه کرده‌است: «درتافتن او(نورخویش‌را) از ضعیف وقوی دریغ نمیدارد» .

می‌آیند، سپیده‌دم به‌روشنی میدرخشد[۱]،

۳ ـ در ناحیهٔ خاور ، دختر آسمان بـا جامه هائی از نـور هویدا میشود .

براستی او از طریق نظم (جهانی) میگذرد ، و از این کار وانمی‌ماند ، چون‌نواحی‌آسمان‌را نیکومی شناسد.

٤ ـ از نزدیك دیده میشود مانند سینهٔ آن فـرد نورانی ، و مانند سرود سرایندهٔ جدیدی اشیای شیرین را آشکار میسازد[۲].

اومی‌آید وچون مگسی خفتگان‌را بیدار میکند ، واز همه بانوانی که برمیگردند راستکارتر وپا برجاتر است.

۵ ـ درنیمهٔ شرقی ناحیهٔ آب آلود مادر گاوها نشانهٔخودرا نموده است .

---

(۱) منظوراز‌عبارت : «نسل‌های‌بشررا کم میکند manusya yugāni » ، آنست که گذشت عمر مقـدر بشر را معین میسازد .
متن سانسکریت این بند چنین است :

aminatî daivyāni Vratāni praminatî manusya yugāni îyusinam Upamá Sasvadinām aryatînām prathamosa Vy adyaut .

(۲) پادای اول و دوم این بند چنین نیز ترجمه شده است : «الههٔ صبحدم مانندسینهٔ (یك‌فرد)نورانی ظاهرشده؛ وبسان نُدهَس همهٔ اشیای‌مطبوع را روشن ساخته است » .

ندهس nodhas: نام یکی‌ازریشی‌های دورهٔ ودائی‌است .

پرستش میکنند، بتاب،

بر این سراینده (که عمرش در گذر است)،

۱۱ ـ این دوشیزهٔ جوان ازشرق بر ما تافته، جفت گاوان سرخ درخشان خودرا یراق کرده است،

او به پیش خواهد تابید، وروشنی بدینجا خواهد شتافت، واگنی درهرخانه حاضر خواهد بود(۱).

۱۲ ـ بسان مرغان که از آشیانهٔ خود میپرند ، مردم نیز با ذخایر رزق هنگام طلوع تو برخواهندخاست ،

آری بر آن مرگ پذیران آزاده که درخانهٔ خود می‌مانند ، ای الههٔ صبح تو خوبی فراوان می‌آوری(۲).

(۱) عبارت سانسکریت اینست :

aveyam asvaid yuvatih purástād yunkté gàvām arunānām ánîkam, Vi nūnám Uchād ásati prá Ketur grham grham Upa tisthāte agnih.

گلدنر و گرسمن واژهٔ «anîka» را به « دسته » یا « گروه » تعبیر نموده‌اند .

(۲) عبارت سانسکریت در این آیت اینست :

Ut te Vayas Cid Vasatér apaptan náras Ca yé pitubhāJo vyustau, amā sate Vahasi b'hūri Vāmam uso devi dasuse martyāya.

گلدنر Gelner ، و Kaegi و گرسمن Grasmann پادای اول ودوم را چنین ترجمه کرده‌اند :

« وقتی تو میدرخشی ، پرندگان ازلانهٔ خـود میپرند ، وآدمیان روزی خویش را جست وجو میکنند» .

وبر ارابهٔ خـود سوار میگردد که گوئی در فکر جمع ثروت میباشد .

صبحدم چون بانوئی مهربان برای شوهر خود متبسّم ، و با لباسی نیکو ازجمال خویش پرده برمیدارد .(۱)

۸ ـ آن خواهرجایش را به خواهر ارشد خود میسپارد ، وچون اورا مینگرد، دورمیشود.

او جمال خودرا زینت‌میدهد ، وبا اشعهٔ خورشید میدرخشد، چون گروه زنانی که به‌مجلس جشن رومی‌آورند. (۲)

۹ ـ به دنبال همهٔ این خواهران که اینك ناپدید شده‌اند ، هرروز دیگری می‌آید؛

پس باشد که چون زمان گذشته و روز های شادی بخش صبحگاهان جدید باثروت برما بتابند .

۱۰ ـ ای ثروتمند، وای بخشندهٔ راد، برخیز و بگذارتاخسیسان درخواب خود خفته بمانند .

ای ثروتمند ، ای صبح شادمان ، به فراوانی به آنها که ترا

---

(۱) عبارت‌سانسکریت‌چنین‌است:

abhrātevá punsa eti prarîcî gartārug iva Sanáye dhanānām, Jāyéva pátya usati Suvāsā Usa hasréva ni rinite apsah.

(۲) ظاهراً مقصود ازخواهر ارشد ، روزاست ، وشب جای خود را به‌روزمیدهد.

ستایش : وشو دیوها Vivsedevas

۱ ـ باشد که سی‌وسه خدا در روی چمن مقدس بنشینند ؛
باشد که (تقدیمی) ما را بپذیرند و ما را هر دو(نوع ثروت)
عطا فرمایند (۱).

(۱) از مجموع ۱۰۲۸ سرود ریگ ودا فقط درسرودهای ۳۴و۴۵و ۱۳۹ ماندالای اول و سرود ٦ ماندالای سوم وسرودهای ۲۸ و ۳۰ و۳۵و۳۹ ، ماندالای هشتم‌وسرود ۹۲ ماندالای‌نهم و سرود ۹ « والکیلیه Vālakhilya» به ۳۳ خدا ویا سه یازده خدا اشاره شده است .

بعقیدهٔ یاسکا Yaska این خدایان محدود به سه‌دسته میشوند.
۱ ـ خدایانی که‌منزلگاه آنهادرزمین‌است«پریتهیوی‌استهان Prithivisthāna»
۲ ـ خدایانی که مقام آنها درجواست : « مدهیه استهان Madhyasthāna»
یا فضای میان زمین و آسمان «انتریکشا استهان Antarikshasthāna»
۳ ـ خدایانی که درآسمان جادارند «دیوس‌استهان dyusthāna» . اگنی، سوما ، بریهسپتی‌و رودخانه‌ها‌ازخدایان‌دستهٔ اول، و اندرا وآپام‌نپات ،و رودرا، وایوـوات، پرجنیه ، آپه Āpah وماتریشون Matarisvan از خدایان دستهٔ دوم . و دیوس Dyuus ، و وارونا ، و میترا، و سوریه ،و سویتری ، وپوشان، و ویشنو ، و آدیتیاها ، و اوشس (صبحدم) و دواشوین اززمرهٔ خدایان دستهٔ سوم‌اند .

در اوپانیشاد قدیمی : « برهدارنیکه » در بارهٔ عدهٔ خدایان چنین آمده است: «ویدگدهه . Vidagdha» پسر «شاکل Sâkala» از «جاگنوالکیا ـ YaJnavalKyā» پرسید چندخدا وجود دارد ؟

۱۳ ـ شمارا که درخورستایش اید، من با نیایش خود تمجید
مینمایم، شما ثروت ما را افزونی بخشیده اید .
ای صبحگاهان که مارا دوست میدارید، ای خدایان؛
باشد که ما از لطف شما ثروتی یابیم که صدها بلکه هزاران
از آن سخن گویند .
(ماندالای اول ـ سرود ۱۲٤)

خطاب به: وشو دیوها

۱ ـ یکی (سومای) قهوه‌ای رنگ، و رهبر مطلق شب‌ها، و همیشه جوان (خویشتن‌را) با زیورهای زرین می‌آراید.

۲ ـ یکی (اگنی) هوشمند نورانی در میان خدایان در جای خود (قربانگاه) نشسته است.

۳ ـ یکی (توشتری) که‌درمیان‌خدایان‌نشسته‌و کسی نمیتواند او را بجنباند، تبر آهنین خود را در دست گرفته است

٤ ـ یکی (اندرا) صاعقه را دردست گرفته و با آن وریترا‌ها را هلاك می‌سازد.

٥ ـ یکی (رودرا)ی درخشان، و وحشتناك (و در عین حال) بخشندهٔ داروهای‌شفابخش تیغ بُرّان‌خود را در دست‌دارد[1].

٦ ـ یکی(پوشان) مانند راهزنی راه‌ها را زیرنظردارد،و از

---

(۱) رودرا Rudra : خداوندفنا کننده.

۲ ـ باشد که وورونا ، و میترا ، آریمن ، واگنی‌ها با بانوان خود تقدیم کنندگان(نذر) را جلال بخشند و خطابهٔ قربانی به‌آنها خطاب شود .

۳ ـ حامیاما باشند ، وقتی که باملا زمان خویش از مغرب، وشمال ، و جنوب ، ومشرق می‌آیند .

٤ ـ آنچه خدایان میخواهند ، به‌ناچار شدنی است،هیچکس مقاومت با آن‌نتواند کرد؛ وهیچ‌وجود فانی‌تقدیمی (به‌آنهارا)منع نتواند نمود .

۵ ـ نیزه‌های آن هفت (دستهٔماروت‌ها) هفت است ، وزینت آنها هفت ، و هفت افتخار عالی پوشیده‌اند .

(ماندالای هشتم ـ سرود ۲۸)

← ـ گفت : سیصدوسه ، وسه‌هزاروسه . باز پرسید چند خدا هست ؟
ـ گفت : سی‌وسه .
باز پرسید ازاین سه ضروری‌تر چنداست ؟ گفت : دو .
بازپرسید.ازاین‌دو کدام ضروری‌تر است؟ گفت : یك‌ونیم .
بازپرسید که ازین ضروری‌تر که به غیر او چاره نباشد؟ گفت : یکی .
بعد دوباره‌پرسید: پس‌آن سیصدوسه و سه‌هزاروسه کدام‌اند ؟ جاگنوالکیا پاسخ داد:آنها مظاهر نیروی خداوندی هستند وگرنه فقط سی‌وسه خدا هست وآنها عبارتند از: هشت واسو Vasu ، یازده رودرا Rudra ، دوازده‌آدیتیا Aditya که مجموعاً سی‌ویك میشوند واندرا Indra ، و پرجاپتی Pra JaPati بترتیب سی‌ودومین و سی‌وسومین آنها میشوند . ودربارهٔ هریك ازاینها تعبیراتی شده است . بنگرید به کتاب ترجمهٔ فارسی « اوپانیشاد Upanishad » (سرّ اکبر) بتصحیح دکتر تاراچند وجلالی نائینی (نویسندهٔ این‌سطور) چاپ تهران ـ سال ۱۳٤۰ هجری‌شمسی صفحهٔ ۵٦ـ۵۷ .

۱۱۵

خطاب به: وشودیوها

۱ ـ در میان شما خدایان ، یکی نیست که کودك یا جوان باشد ،

براستی همهٔ شما وجودکامل(بزرگ) هستید.

۲ ـ نابود کنندهٔ دشمنان،خدایانی که «مانو»شمارامیپرستد. شما سی‌وسه‌تن‌هستید ، و بهمین گونه در سرود خوانده شده‌اید.(۱)

۳ ـ ما را نگاهداری کنید ، و از ما حمایت فرمائید، ومارا (به‌خوبی) دلالت نمائید ، ما را از راه‌های پدرانمان « مانو » دور مسازید ؛ و نه از راههائی که از آنها دورتر است.

٤ ـ خدایانی که در این‌جا حاضرید ، واین قربانی کامل به شما تقدیم میشود، سروروخوشبختی‌مشهور، و گله‌های گاو واسبان به ما عطا فرمائید .

(ماندالای هشتم ـ سرود ۳۰)

---

(۱) بنگرید صفحهٔ ۳۱۵ این کتاب را .

گنج‌های نهفته آگاه است .

۷ ـ یکی (ویشنو) باقدم‌های بلندهرسه جهان‌را که‌خدایان درآن‌ها شادی میکنند ، پیموده است (۱)

۸ ـ دو(اشوین) با (اسبان) تیزرو بایك(عروس‌سوریا) مانند مسافران کشورهای خارج درحرکت اند .

۹ ـ آن‌دو که در جمال وجلال سلطنت یکسان اند (میترا ، و ورونا) ، و با نذور روغن‌صاف شده پرستش شده‌اند ، در مقام خود درعرش‌جا گرفته‌اند .

۱۰ ـ بعضی (اتری‌ها) که‌چون‌عبادت‌شوند ، «سامن» بزرگ را بیاد می‌آورند ، و با آن خورشید را روشن‌می‌سازند(۲).

(ماندالای هشتم ـ سرود ۲۹)

---

(۱) ویشنو Vishnu .

(۲) گروهی از مفسران ریگ بید منظور ازکلمهٔ« بعضی» را در اینجا انگراس‌ها دانسته‌اند .

۶ ـ آن‌ها که پیوسته با هم‌اند ؛ باشد که گوشت (قربانی) مناسب به‌دست آورند ؛ باشد که بتوانند قربانی تقدیم کنند؛ مبادا که‌هرگز بی رزق (که خدایان میدهند) بمانند .

۷ ـ آن‌ها(وعدهٔخودرا) به خدایان نمی‌شکنند ، وازستایش شما ، خود داری نمی‌نمایند ؛ بلکه غذای فراوان (در قربانی) تقدیم میدارند .

۸ ـ برکت فرزندان جوان و بالغ به‌آنها عطا گردیده،وهر دو بازیورهای گران آراسته‌شده؛همه زندگانی خود را(به شادی) میگذرانند .

۹ ـ قربانی‌های قابل قبول تقدیم میکنند ، و ثروت دلخواه خویش را به‌دست می‌آورند ، و (نذور) اقناع کننده (به‌خدایان) تقدیم میدارند تا ابدیت به دست آورند واز اتحادشخصی‌لذت‌برند، وآن‌ها (زن‌وشوهر) خدایان‌را عبادت‌نمایند.

۱۰ ـ ما آن شادمانی‌را که کوه‌ها ، و رودخانه‌ها و ویشنو (می‌بخشند) و با (خدایان) پیوسته است،آرزومندیم .

۱۱ ـ باشد که پوشان‌قابل‌پرستش‌وخداوند نعمت‌ونیك‌خواه‌ترین سرور همه،بامیمنت بیاید .

باشد که راه پهناوری به‌سوی سعادت‌ما بازشود .

۱۲ ـ همهٔ کسانی که فکر (با ایمان) دارند ، از (ستایش ـ کنندگان)خستگی ناپذیر آن خدای‌قاهر(پوشان)میباشند ،براستی

۱۱۶

در ستایش : خدایان مختلف

۱ ـ آن که ندوز را (به‌خدایان) تقدیم‌میکند ، به‌آنها تقدیم میکند ، او نذرهای مایع را فرومیریزد ، (و نان مقدس را) تقدیم میدارد .

او از تکرار ستایش واقعی اندرا لذت میبرد.

۲ ـ اندرا آن کس را که به او نان (مقدس) تقدیم میکند و سومای آمیخته باشیره پیشکش مینماید ، از گناه‌حفظ می‌فرماید.

۳ ـ ارابهٔ‌درخشانی که‌خدایان‌فرستاده‌اند، به‌سوی‌او‌می‌آید، و با آن‌همهٔ دشمنی‌ها را از میان برمیدارد ، وکامیاب‌میشود .

٤ ـ درخانهٔ اونعمت ابدی توأم با کثرت اولاد(موجوداست) وگاوان شیرده را شب و روز میدوشند .

٥ ـ خدایان ممکن‌است زن وشوهری باشند که با یك فکر نذرها را تقدیم کنند ، وآن‌ها را پاك‌سازند ، و با سومای آمیخته باشیر (خشم شما را فرونشانند) .

۳۲۳

ورمه‌های اسبان تندرو .

برپا دارندهٔ قربانی که‌میخواهد نظر خدایان‌را بخود معطوف دارد، کسانی‌را که‌قربانی نمیکنند مغلوب‌میسازد .

(ماندالای هشتم ـ سرود ۳۱)

(او) بیگناه(ترین) «آدیتیا»ها است .

۱۳ چون «میترا» و «اریمن» ، و «ورونا» حامیان ما هستند ؛ باشد که به‌آسانی از راههای قربانی بگذرند .

۱٤ ـ من باستایش اگنی الهی پیشروشما(خدایان) راپرستش میکنم (بخاطر) ثروت پرستندگان (او را عزیز میدارند ، آن که) چون دوستی حامی بخشایشگر قربانی است.

۱۵ ـ ارابهٔ پرستندهٔ با ایمان به‌سرعت (تسلط می‌یابد) همان گونه که‌قهرمان در انواع جنگ‌ها ؛ برپادارندهٔقربانی که‌میخواهد نظرخدایان را بخود معطوف دارد ، کسانی را که قربانی نمیکنند مغلوب می‌سازد .

۱٦ ـ مؤمن به‌خدایان ، وریزندهٔ نذور برای آنان تو ای پرستنده هلاك نخواهی‌شد ؛ برپا دارندهٔ قربانی که میخواهد نظر خدایان را بخود معطوف‌دارد ، کسانی‌را که قربانی نمیکنندمغلوب میسازد .

۱۷ ـ هیچکس مانع اعمال او نخواهد بود ، او را هرگز (از مقامش) بیرون‌نخواهند راند ، اوهرگز (ازخانوادهٔخود) جدانخواهد شد ؛ برپادارندهٔ قربانی که میخواهد نظر خدایان را بخودمعطوف دارد ، کسانی را که قربانی نمیکنند مغلوب میسازد .

۱۸ ـ او در این نشأهٔحیات فرزندان برومندخواهد داشت ،

اعتماد مردم فـروتن برای امن و سلامت بدو است ، او که بشرف تولد یافته منزلگاههای فراخی برای آن‌ها (مردم فروتن) ساخته است .

۵ ـ امروز من این نامرا ای«شیپی ویشته» ستایش می‌نمایم، من که‌در (فهم) قوانین‌ماهرم ، نام‌تورا ای‌شرافتمند .

آری‌من بیچارهٔ ضعیف ترا ای‌نیرومند که در کشوری ورای این‌ناحیه‌مقام‌داری ستایش‌میکنم.

۶ـ چه سرزنشی برتو بـود ای‌بشن هنگامی که گفتی : منم شیپی ویشته ؟

این‌صورت‌را ازما پنهان مساز ، وآنرا مخفی‌مکـن چون تو شکل‌دیگری دربرد بخود گرفتی. (۱)

۷ ـ ای ویشنو ، لب‌های من به سوی تو فریاد « وشت » برمی آورد ! باشد که این تقـدیمی من ترا ای « شیپی ویشته » خوش‌آید .

باشد که این سرود های مدیح من تو را تجـلیل نماید ، ای ای‌خدایان‌همیشه‌مارا بابرکت خود حفظ فرمائید .

(ماندالای هفتم ـ سرود ۱۰۰)

---

(۱) معنی این بند روشن نیست . بعضی‌آنرا چنین تفسیر کرده‌اند که بشن درجنگ با « وسیشته Vasishtha »شکل‌مصنوعی‌بخود گرفته بود وبه‌این جهت ریشی که‌اوراشناخت‌لقب:«شیپی‌ویشته» که‌بمعنی پوشیده‌ازنور است‌به‌اوداد .شاید بتوان‌ریشهٔ‌اعتقادهندوان‌رابه‌مظاهرمختلف‌ویشنودراین‌سرود جستجو کرد.

ستایش: ویشنو

۱ ـ مردم‌سودجوئی که هدیهٔ خویش‌را به‌سوی بشن بلند گام می‌آورد، هرگز توبه نمیکند،
آن که‌اورا باتمام‌جان خویش پرستش مینماید، برای خود نیکخواه بزرگی به‌دست‌آورده است.

۲ ـ تو ای‌بشن که درطریق خویش مستقر میباشی، به‌مردم حُسن‌نیّت وسرودی جاوید عطافرمودی، تا مارا به‌سوی راحتی‌های فراوان وثروتی‌عالی بااسبان‌زیاد رهبری‌فرمائی.

۳ ـ این‌خدا باتمام‌عظمت خود این زمین درخشان را باصد شکوه‌سه‌مرتبه‌به‌قدم خویش پیمود.

ویشنو ازهمه‌برترباد، وقویترازهمه‌نیرومندان،چون‌نام‌او که برای‌همیشه زنده‌است پرافتخارمیباشد.(۱)

٤ ـ بشن باقدم‌نیرومندخویش براین‌زمین گام‌نهاد،وحاضربود که‌آن‌را برای‌منزلگاه‌به «مانو» ببخشد.

---

(۱) مقصود از زمین بنظر یکی از مفسرین ریگ بید، زمین و فلك و عرش است.

٤ - من آب‌های رطوبت خیز را به‌جریان انداختم، و آسمان را به‌قوّت درجایگاه نظم برقرارساخته‌ام .

من‌پسر «ادیتی» ، وحافظ قانون، بموجب‌قانون‌جهان‌رادر سه پیمایش گسترده‌ام (۱).

۵ - قهرمانان بااسب‌های نجیب جنگجو ، و جنگ‌آزمایان برگزیده درنبرد مرا میخوانند.

من‌اندرای‌مگهون جنگ‌را برمی‌افروزم ، وخاک‌را برمی - انگیزم، من‌خداوند نیروی برترم .

٦ - همهٔ این‌ها را من کرده‌ام ، و قدرت مغلوب کنندهٔ خدایان هرگز مانع من نمیگردد ، و کسی با من روبرو نمیشود .

وقتی ستایش ها و شیرهٔ سوما مرا به‌نشاط می‌آورد ، وهردو ناحیهٔ نامحدود به‌هراس می‌افتند.(۲)

۷ - همهٔ موجودات این‌کارهای تورا میشناسند، تو این‌را به ورونا میگوئی، توای بخشندهٔ بزرگ .

توئی که بکشتن «وریترا»ها مشهوری. توئی که سیلاب‌های فروبسته‌را روان‌ساختی . (۳)

---

(۱) درچهاربند اول این سرود ورونا سخن میگوید . منظوراز « پسر ادیتی » واورنا میباشد .

(۲) گوینده دراین دوآیت (۵ و ٦) اندرا است .

(۳) در این بند خود شاعر گوینده است .

۱۱۸

اندرا ، و ورونا

۱ ـ منم آن پادشاه فرمانده که پادشاهی از آن من است ، و من که بر همه حیات فرمان میرانم ، همه جاوید ها از آن من اند .

خدایان از ورونا فرمانبرداری و پیروی خواهند نمود.

من پادشاه بالاترین پوشش مردمم.

۲ ـ منم پادشاه ورونا که همه قدرت های عالی موجود آسمانی به من اعطا شده است .

خدایان از ورونا فرمانبرواری و پیروی خواهند کرد.

من پادشاه بالاترین پوشش مردمم.

۳ ـ منم ورونا ، منم اندرا ، این دو ناحیهٔ ژرف نیکو ساخته در عظمت خویش ، و این دو نیمهٔ جهان از آن من است ،

حتی مانند توشتری همهٔ موجودات را که بریکدیگر متصل و ملحق گردیده اند ، میشناسم .

خطاب به : ورونا Varuna

۱ ـ سرود عالی وموّقر بسرائید در حقشناسی از ورونای شکوه‌مند وفرمانروای همه،

آن که‌زمین‌را چون‌پوستی درپیشگاه سوریه بگسترده است مانند کسی که قربانی‌را ذبح میکند .

۲ ـ آن که هوا را به نوك درختان رسانیده ، و گاوان را شیر بخشیده ، و اسبان‌را سرعت قوی عطافرموده است،

عقل‌رادردل‌ها نهاده، وآتش‌را درآب‌ها،وسوریه‌را درآسمان، وسومارا در کوهستان .(۱)

۳ ـ ورونا آن صندوق بـزرگ را که به سوی پائین گشوده است، از میان آسمان ، و زمین ، وجو میانین‌عبور میدهد،

و باآن فرمانروای کیهانی زمین را سیراب میسازد، همان گونه که رگبار باران بر جو می‌بارد.

---

(۱) عبارت : « نوك درختان » ، Váneshu را ساینه Vrikshagreshu درابرها تفسیر نموده است .

۸ ـ پدران‌ما این‌ها بودند، هفت‌ریشی (دانشمند)در آن‌وقت
که پدر «دورگهه»دربند(اسیر) بود ،آن‌ها (ریشی‌ها) برای آن زن
بوسیلهٔ قربانی«ترسه‌دسیو»را به‌دست‌آوردند که چون نیمه خدائی
مانند اندرا ، مغلوب‌کنندهٔ دشمنان بود.(۱)

۹ ـ همسر«پروکوتسه» با بندگی نذور را به شما تقدیم‌داشت،
ای‌اندر ـ وارونا ،
پس آن‌گاه شما «ترسه دسیو» شاه‌را به‌او عطا فرمودید ـ آن
نیمه خدائی‌که دشمن‌را هلاك‌ساخت .

۱۰ ـ باشدکه اموال زیادولذت از ثروت، وخدایان درنذور،
وگاوها در چراگاه ،
وگاو شیرده‌که ازشیردادن خودداری ننماید، ای اندرا ـ
وارونا روزانه به‌ما اعطافرمائید .(۲)

(ماندالای چهارم ـ سرود۴۲)

---

(۱) معنی این‌آیت‌تاحدی مبهم است وظاهراً بنابرگفتهٔ‌بعضی‌ازمفسران
رگ‌ بید از اینقرار میباشد که چون « پوروکوتسه Purukutsa » پسر
« دورگهه Durgaha » به‌اسارت افتاد زن او ازآن هفت‌دانشمند (هفت‌ریشی)
استدعای فرزندکردو آنها با مساعدت اندرا و وارونا پسری به نام ترسه دسیو
Trasadasyu برای او بوجود آورند .

(۲) منظور از گاو شیرده ، ثروت است .

سرود بالا مکالمهٔ است میان وارونا واندرا وخود شاعر (ریشی) .

یا نسبت به‌برادر و یادوست یا رفیق یا همسایه‌ای که با ما است یا بیگانگان خطائی مرتکب شده‌ایم، ای ورونا ، این تقصیر را از ما بردار.

۸ - اگر ما چون قماربازان در بازی تقلب کنیم یا تقلب کرده‌ایم یا ندانسته یا دانسته گناه نموده‌ایم ،

همهٔ این گناهان را مانند غل و زنجیر ازما دور ساز ، وای ورونا مارا مورد مهر شخص خویش قرار بده.

(ماندالای پنجم - سروده ۸۵)

۴ ـ آن گاه که ورونا در آرزوی شیر است، آسمان، وزمین و خاك را تا بنیاد آن تر میسازد،

آن گاه کوه هارا راست میسازد و آن ها را با ابر باران میپوشاند، درهنگامی که قهرمانان به‌قدرت خویش آن‌هارامتزلزل ساخته‌اند. (۱)

۵ ـ من‌این‌عمل توانای سحرآمیز و رونای شکـوه‌مند ، و خداوندجـاویدرا اعلام‌خواهم نمود، (۲)

آن که درفلك ایستاده وزمین‌را باخورشید چون پیمانه‌ای پیموده است،

۶ ـ هیچ کس بتحقیق موجب‌ویا مانع این‌عمل سحرآمیز و توانای آن‌خداوند داناتر ازهمه نگشته است.

چنان که رودخانه‌های زُلال (صاف) با تمام طغیـان های خود یك دریا نیز که آب هـای خود را در آن میـریزند ، پر نمیسازد .

۷ ـ اگر ما درباره‌ٔ آن که مارا دوست دارد گناهی کرده و

---

(۱) مقصود ازعبارت : «درآرزوی‌شیراست» ،شایداین است کـه برای تذر شیر میخواهد یا آن که منظور ازشیر باران حاصلخیزی است که از ابرها می بارد . و مـراد از قهرمانان ماروت هاست که پای بست کوهها را بلرزه درآورده‌اند . ظاهراً دراینجا منظور از «زمین» الههٔ زمین یازمین مجسم‌نیست بلکه منظور خدای جومیانه یافلك است .

(۲) سحرآمیز = Mäyäm

آن که درنواحی‌دور ونزدیك وسفلی اشیائی راکه موجود است، مهیّا ساخت .

۵ ـ آن که‌پیش ازاین زمین‌وآسمان وجود داشت ؛ پیش ازآن که «اسورا» ها وخدایان بوجودآیند ،

جُرثومهٔ نخستین که به‌آب‌ها داده شد ، وهمهٔخـدایان باهم دیده شدند چه بود ؟

۶ ـ آب‌ها جرثومهٔ نخستین‌را گرفتند که درآن تمام‌خدایان باهم گردآمدند ،

آن‌برروی‌ناف تولدّ نیافتهٔ خود قرارگرفت،آن‌یگانه‌ای که همه‌چیزهای موجود درآن قراردارند.

۷ ـ کسی که این‌موجود راآفریده است شمانخواهید یافت، چیز دیـگری‌درمیان شما برخاسته است.

پوشیده شده‌در ابرهای نمناك بالبانی‌لرزان ، سرود خوانان باعدم‌رضایت سرگردانند . (۱)

(ماندالای دهم ـ سرود ۸۲)

---

(۱) منظور از عبارت : «چیز دیگری» ، بنظر بعض مفسرین موجود متفاوتی است که باشما افراد دارای احساسات ووجدان های فردی وغیره فرق دارد .

بعض‌دیگرعبارت‌را چنین تفسیر کرده‌اند : شماکه درفکر لذاید دنیوی واخروی‌هستید تحت تأثیردانش دروغین‌ونادانی واقع گشته‌اید وازدانش‌حقیقت محروم‌اید . »ولی برای مطابقت دادن این تفسیرها بیکدیگر هیچگونه امارهو نشانه‌ای درمیان نیست .

ستایش: ویشواکرمن Visvakarman

۱ ـ پدر چشم، داناروان، هر دو جهان را غرق در فربهی بیافرید.

سپس هنگامی که انتهای‌شرقی استوار گردید، آسمان و زمین گسترش یافت.

۲ ـ ویشواکرمن درفکر، ونیروقوی‌است، سازنده ودهنده و والاترین حضرت.

تقدیمی‌های آن ها با شیرهٔ(۱) فراوان شادی میکنند، وقتی که‌آن‌هاآن‌یگانه‌را ارزش‌بگذارند، آن ذات یگانه بالاتر ازهفت ریشی.

۳ ـ پدری که ما را به وجود آورد، آن که چون تمشیت دهنده‌ای همهٔ نژاد ها، و همهٔچیزهای موجودرا می‌شناسد.

حتی‌تنها او، نام‌گذارانندهٔ خدایان، سایر موجودات برای کسب‌اطلاع‌در جستجوی اویند.

٤ ـ گنج‌هارا در راه او فدیه‌میدهند ـ، ریشی‌های‌باستانی در گروه‌های‌متعدد، سرودمیخوانند،

---

(۱) منظور عصارهٔ سوماست.

گنج برای ما بیار.

٤ ـ چون توئی منیو، باقدرتی متجاوز وشکننده ودشمن کش و موجود بخویش .

ای پیروزمند، ای غالب که همه مردمان از تو سهمی دارند ، نیروئی زبردست درجنگ به ما عطا فرما.

ه ـ ای خدای دانا، من به ارادهٔ تو ، ای توانا، بی آن که سهمی دریافت دارم، رفته‌ام .

ای منیو، من که ارزشم در پیش تو ، مردضعیفی است، من خود به‌سوی تو آمده‌ام تامرا نیرو بخشی.

٦ ـ به‌اینجا بیا ، من همه از آن توام چون تو پیش آئی بسوی من رو کن، ای پیروزمند، ای حافظ همه .

به‌سوی من آی، ای منیو؛ ای که رعد را چون سلاحی به‌دست داری، در فکر دوست خود باش وداسیوهارا هلاك ساز.

۷ ـ نزدیك شو، ودر دست راست من مقام ساز تاما جمعی از دشمنان را بهلاك رسانیم.

بهترین شیر وعسل را برای نگاهداری تو تقدیم مینمایم؛ باشد که مااولین کسانی باشیم که به‌آرامی از آن بنوشیم.

(ماندالای دهم ـ سرود ۸۳)

خطاب : به منیو Manyu (۱)

۱ ــ آن که تورا تجلیل کرده است ، ای منیو، ای صاعقهٔ نیست کننده ، برای خویش نیروئی غلبه کننده تهیّه نموده است.

«آریه» و «داسه»را ما بایاری توای پیروزمند باغلبه‌وغلبهٔ سریع، مغلوب خواهیم ساخت.

۲ ــ منیو ، اندرا بود ، آری‌آن خدا منیو بود ، منیو ، «هوتر» ، ورونا، و «جات ویداس» بود .

اقوام نوع بشر منیو را پرستش میکنند و بروفق جلادت (حرارت)خود، ای‌منیو مارا حفظ فرما.

۳ ـ ای‌منیو ، ای نیرومندتر ازنیرومندان، این‌جا بیا ، و باجلادت‌خویش مانندمتحدی دشمنان‌مارا بران.(۲)

ای کشندهٔ دشمنان ، و وریترا ، و داسیو ،همه گونه ثروت‌و

---

(۱) منیو (منوج Manyu) : تجسم غضب و شهوت ، غضب .

(۲) درمتن اصلی واژهٔ : « تپسا Tapasā » بکار رفته که بمعنی جلادت یا گرمی وحرارت است .

تو این دو جهان‌را از یکدیگر جدا ساخته‌ای ، وزمین‌را با گل‌میخ هائی(چند)درپیرامون آن استوار نموده‌ای.

٤ ـ ما محلّی فراخ‌برای قربانی‌با بوجودآوردن سوریا ، و سپیده‌دم، و اگنی مهیّا کرده‌ایم.

ای‌قهرمانان، شما درنبردهای خود حتی‌جادوئی وپستی‌های داسه گاوپوزه‌را مغلوب‌ساخته‌اید.(۱)

٥ ـ توای اند را ، وتوای بشن ،کوشك‌های نود و نه دیـوارهٔ «شمبره»را ویران ساخته‌اید.

شما دوشخص‌هزارقهرمان غلبه‌ناپذیر (بی‌امان) ورچین‌شاهی راصد مرتبه فرو کوفته‌اید .(۲)

٦ ـ این است‌سرودشیوای‌ستایش‌خداوندان‌قوی گام‌نیرومند والامقام .

ای بشن، من ترا باسرودهای روحانی(رسمی) می‌سرایم ، ای اندرا، درلشکرگاه (اردوگاه) های ما رزق‌فرو ریز.

۷ ـ ای ویشنو ، لب های من به سوی تو فریاد «وشت» (۳) بر می‌آورد ! باشد که این تقدیمی من ترا ای « شیپی ویشته» (٤)

---

(۱) گاو پوزه‌یا « وری شه شیپره Vrishasipra» نام داسه Dāsa(وحشی) .

(۲) ورچین Varchin : دیوی که اندرا ، او و پسران و پیروانش را کشت . وحشی . غیرآریائی .

(۳) وشت Vashat لفظی است که هنگام تقدیم نذوربرزبان می‌آورند.

(٤) شیپی ویشته Sipivishta (پوشیده ازنور) لقب بشن.

۱۲۲

در ستایش: (ویشنو Vishnu)

۱ ـ مردم نتوانند بجلال تو که ازهر حدّی گذشته است، نزدیک‌شوند، وتنها (آن جلال) به‌اندازهٔ اندام (من) تو است.

ما ای‌ویشنو، هردوناحیهٔ‌زمین‌تورا میشناسیم، وتوای خداوند اعلی‌علیین‌را نیزمیدانی.(۱)

۲ ـ ای‌خداوند بشن، هیچکس که تولّد یافته، یا تولّدیابد، بحدّ اعلای‌عظمت تو نتواند رسید.

گنبدپهناوزبلندآسمان‌راتونگاهداشته‌ای،ومنارهٔ مشرق‌زمین را تو محکم برافراشته‌ای.

۳ ـ غذای شیرین تو فراوان باد، و گاو های شیرده تو باچراگاههای حاصلخیز، برآن باش که مردم را خدمت کنی ای ویشنو.

---

(۱) ظاهراً منظور از دو ناحیهٔ زمین، زمین و فلك است که دو ناحیهٔ فرو دین میباشند ودرحد ادراك ماست، وناحیهٔ سوم ازآن بشن است که ـ بنابر اساطیر هند و ـ باگام سوم خود بدان رسیده است.

یم Yama ویمی Yamī [1]

۱ ـ آرزو دارم که از دوست خویش ، دوستی مهرآمیز به

---

(۱) « یم Yama » ، و « یمی Yamī » پسر و دختر « ویـوسوان Vivasvān » اند که ریشی‌ها می‌باشند و در عین حال خدایان این سرودند که درواقع مکالمه بین آن هاست .

بعقیدهٔ « فن رت Von Roth » ، « یم » و « یمی » بطوری که ازنام آنها پیداست خواهر و برادر توأمی (دوقلو) میباشند که زوج اول نوع بشراند و نوع بشر ازآنها پیدا شده‌است .

نظر « یهود » که خلق « حوا » را از پسارهٔ تن « آدم » میدانند شبیه به این فکر هندوان است که آن ها را توأم میدانند . دراین سرود این عقیده از زبان « یمی » بیان شده بدین شرح که میگوید : «حتی در رحم نیز ما را خالق زن و شوهر آفرید » . و وقتی « یمی » از « یم » تقاضای ازدواج کرد « یم » بعذر گناه‌بودن ازدواج خواهر و برادرآن تقاضی را رد نمود .

پروفسور « میلر Müller » معتقداست که «یمی» شب ، و «یم»روزاست. « میلر» درجای دیگر میگوید که حتی‌در یك‌جا ازودا نیز اشاره بدان نشده‌است که «یم» و« یمی»«آدم»و«حوا»ی‌هندیان‌باشند. اگر«یم» اولین‌بشرمخلوق‌می‌بودحتماً سرایندگان سرود هـای ودا این موضوع رامسکوت نمیگذاردند ، معهذا در اتهرواودا Atharva - Veda (سرود ۱۳ و ۳ و ۱۸) آمده است که « یم » پسر « ویوسوت Vivasvat » جمع کنندهٔ مردم اولین‌بشری‌بود که مردونخستین کسی بود که به دنیای آسمانی رفت .

خوش آید؛

باشد که این سرودهای مدیح من ترا تجلیل نماید.

ای خدایان همیشه ما را با برکت خود حفظ فرمائید(۱).

(ماندالای هفتم ــ سرود ۹۹)

---

(۱) واژهٔ «ویشنو» از فعل: « ویش Vish بمعنی نفوذ و تسلط و مستولی بودن است . در رگ‌بید ویشنو از خدایان طراز اول نیست، بلکه مظهر نیروی آفتاب است که در سه گام ازهفت ناحیهٔ جهان میگذرد وکلیهٔ اشیاء وموجودات رااز گرد نورخود احاطه میکند . بعضی ازمفسران ریگ‌ودا این سه گام رامظاهر سه گانهٔ نور که آتش و برق وخورشید باشد تعبیر کرده‌اند . بعضی دیگر آنرا سه وضع خورشید یعنی موقع طلوع وهنگام ظهر و وقت غروب دانسته‌اند . در بعضی از سرودهای ریگ‌بید نام ویشنو با وارونا، ماروت‌ها ، اریمن ، رودرا، وایو، و آدیتیاها آمده است . ویشنو امروز نیز پرستش میشود. این خدا بنابرعقیدهٔ هندوان در اعصار مختلف بصورت مظاهر مختلف Avatara آشکار میگردد .

گند هرب[1] درطوفان‌ها باوی آب‌ها ، این است‌رابطهٔ‌ما،
این‌است بالاترین خویشاوندی ما . [2]

۵ ـ حتی دررحم خداوندتو شتری زندگی بخش ، و سازندهٔ
همهٔ اشکال ، وآفریننده، مارا همسر یکدیگر ساخته است.

هیچکس ازقوانین مقدس او تخطّی نمیکند ؛آسمان‌وزمـین
معترف‌است که ما از آن اوئیم. [3]

٦ ـ کی آن‌روز نخست‌را که از آن سخن میگوئی‌میداند؟
که اورا دیده است؟
که‌میتواندآن‌را اعلام نماید ؟
بزرگ است قوانین «ورونا» ، و «میترا».

چه لاطائلاتی به مردم خواهـی گفت تا آن ها را اغوی
کنی؟ ! [4]

۷ ـ عشق «یم» برمن که «یمی» هستم مسلط است تا بتوانم‌در
کنار اوبریك بستر بیارامم .

من‌چون‌زنی‌خودرا تسلیم‌شوهرم‌می‌نمایم،مانندچرخ‌های‌ارابه

---

(۱) گندهرب (گندهروه Gandharva) : مطربان بهشتی‌یاآسمانی.
(۲) یم سخن میگوید .
(۳) یمی سخن میگوید .
(٤) یم سخن میگوید .

دست آورم؛ باشد که دانشمند از میان اقیانوس پهنـاور هوا بیاید.

زمین وایّام آینده‌را به‌خاطر داشته، پسری به‌دست‌آورد که خلف‌پدرش باشد. (۱)

۲ ـ دوست تو، آن گونه دوستی را کـه بموجب آن، آنکه خویشاوند نزدیك است بیگانه‌میداند، نمی‌پسندد.

پسران «اسورا»ی نیرومند، قهرمان حـَمـَلـَهٔ آسمان‌ها، اطراف خودرا می‌بینند. (۲)

۳ ـ جاویدها با اشتیاق این را از تو میخواهـند: فرزندان تنها موجودفانی.

پس بگذار روح من و تو بیکدیگر بپیوندد، وچون‌شوهری مهربان‌همسرمن شو. (۳)

٤ ـ آیا باید کاری کنیم که هرگز نکرده‌ایم؟

ما که از تقوی سخن میگوئیم، آیا اکنون از پلیدی سخن گوئیم؟

---

(۱) دراین آیت «یمی» سخن میگوید. منظور «یمی» اینست که‌از «یم» پسری پیدا کند؛ زیرا بی‌آن زمین بی سکنهٔ بشری خواهد ماند.

(۲) آیت دوم جواب «یم» است به «یمی» ومنظور ازبیگانه زنی‌از خانوادهٔ دیگر است که بتواند زوجهٔ قانونی باشد.

(۳) دراین‌آیت «یمی» سخن میگوید.

برادری برجاست ؟

آیا وقتی‌ویرانی می‌آید بازهم او خواهر است؟

عشق‌من، مرا بگفتن‌این‌سخنان ناگزیر میسازد، نزدیك‌آی، ومرا تنگ درآغوش گیر. (۱)

۱۲ ـ من دست خـود را به دور تن تو حلقـه نخواهم کرد ، و وقتی کسی بخواهر خـویش نزدیـك شود ، آن را گناه میخوانند .

من (اهل آن نیستم) ، حظ خویش‌را برای دیگری آماده ساز ، برادر تو آن را از تو نمیخواهد، ای زیبا . (۲)

۱۳ ـ دریغا ای«یم»تو براستی‌ضعیف هستی،ما درتو اثـری از دل وروح نمی‌یابیم .

همان‌گونه که (گیاه) پیچاك به‌درخت می‌پیچدوبالا میرود ، دیگری‌چون کمربندی به کمر توخواهد چسبید.(۳)

۱٤ ـ کس‌دیگری‌رادرآغوش گیر ای «یمی»،بگذارتادیگری مانند پیچاك که بردرخت می‌پیچد ترا درآغوش گیرد.

دل‌اورا به‌دست‌آور، وبگذار که اوعشق تو را تحصیل نماید ،

---

(۱) تمایل یمی به یم دراینجا ظاهرمیشود ودرجواب یم میگوید

(۲) در این آیت یم جواب میدهد .

(۳) دراین‌بند یمی پاسخ میدهد .

بشتابید تا بیکدیگر برسیم.(۱)

۸ - نگهبانان خدایان که پیرامون ما درحرکت‌اند، هرگز آرام نمیگیرند، وچشم‌خودرا نمی‌بندند.

مرا(واگذار)ای لاابالی (بی‌بندوبار) وبه سوی‌دیگر بشتاب، وچون چرخ ارابه سرعت بگیر تا بدو برسی.(۲)

۹ - باشد که‌چشم«سوریا» باشب وروزبراو ببخشد، ونورآن درپیش‌پای او(یم)بتابد.

درآسمان‌و زمین‌آن جفت‌خویشاوند بهم می‌پیوندد. عمل نابرادرانهٔ«یم» به گردن«یمی» باشد.(۳)

۱۰ - براستی‌ایّامی‌متوالی‌خواهدآمد که‌برادران‌وخواهران کارهائی‌نه‌درخور خویشاوندی انجام‌دهند.

امّا من(اهل‌آن‌نیم) ای‌زیبا، - شوهردیگری بجوی وبازوی خودرا بالش‌همسر خویش‌ساز.(۴)

۱۱ - آیا وقتی‌که هیچ سروری برای زن باقی نماند بازهم

---

(۱) در این آیت یمی سخن میگوید.

(۲) یم درجواب یمی میگوید.

(۳) یمی دراین‌آیت درپاسخ «یم» سخن میگوید. منظورازاین‌بیت‌آن است که اگر در این کار گناهی باشد نتیجهٔ آن گردن‌گیر «یمی» میشود و مجازات آن‌که کوتاهی عمر است گریبانگیر «یم» نباشد. مقصود از جفت خویشاوند، شب وروز است.

(۴) دراین‌بندیم در پاسخ حرف یمی میگوید.

۱۲۵

گفت‌وگومیان : « پوروراوسه Purū-Ravas و « اوروشی Urvasī (۱)

۱ ـ هلا ای همسر من ، ای بانـوی سخت دل ، بایست تا با یکدیگر مُحاجه کنیم .

---

(۱) این سرود مکالمهٔ است بین « پورو راوسه » و «اوروشی » ، این دو جداگانه ریشی هائی هستند که قطعات مختلفرا دراین سرودبیان میکنند. این مکالمه که دربعضی از قسمت هـا بکلی نامفهوم میباشد شامل نکات اولیهٔ داستانی است کـه در « شت پت براهمن » Satapatha-Brāhmana » بیان شده ، و بعداً نیز در « مهابهارت Mahābharata » ، و « پورانا Puranas » هـا نقل گردیده است . ایـن حکایت اساس نمایشنامهٔ « ویکرا موروشی Vikramorvasî » یا قهرمان وپری زاد میباشد.بموجباین‌داستان «اوروشی» کـه یکی‌از « اپ چهرا (اپسارا Ap - sarā) ها یا « پریان آسمان » است به زمین تبعید شد و موافقت نمود که با « پوروراوسه » شاه زندگـی کند مشروط براینکه‌آن پادشاه از دوقوچ مورد علاقهٔ او نگاهداری کند و بعلاوه هرگزآن پادشاه را برهنه نبیند . مدت چهارسال « اوروشی » با «پوروراوسه» بسر برد و آن گاه « گندهرب ها Gandharvas » (« مطربان آسمانی ») مصمم شدند که او را به‌آسمان برگردانند . بدین منظور یکی از قوچ ها را شبانگاه‌می‌دزدند.پوروراوسه ازرختخواب خویش‌بیرون می‌جهد و گندهرب ها شعاعی ازنور سحرآمیز براومی‌تابند ، و «اوروشی» شوهرخودرابرهنه‌می‌بیندو یکی‌ازشرایط ادامهٔ همسری‌آنها شکسته میشود وآن پری زاد ناپدیدمیگردد. « پوروراوسه » بعدهااورا می‌بیند وبی‌ثمر تمنای بازگشت اورامیکند . بساری دل سخت او کمی نرم میشود وپسری ازآنها بوجود می‌آید .

واوباتو پیوند مقدسی بوجودآورد. (۱)

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۰)

(۱) تفسیر ساینه از این سرود مشکل درچند مورد با ترجمه اختلاف دارد . دربارهٔ این سرود عدهٔ از ارباب فن مثل ویلسون ، وپاندیت‌های زمان‌او، و دکتر موئر Muir و دکتر اهنی Ehni وغیر آنها سخن گفته‌اند .

یم و یمی که‌در بعضی از ادبیات مقدس هندو برادر وخواهرویاپدرومادر اولین بشر خوانده شده‌اند ، همان ییم (جم) Yima و Yimāka مذکور در اساطیر ایرانی است .

او خانه‌ای که لذت خویش را در آن یافته بود ، جستجو میکرد ، و شب و روز آغوش خداوندگار (شوهر) خود را می‌پذیرفت.

۵ ـ روزی سه بار همسر خود را در آغوش میگرفتی ، هر چند که او نوازش های مشتاقانهٔ تو را به سردی می‌پذیرفت .

ای پورورواوسه ، من به‌امیال تو تسلیم گشتم چون تو پادشاه بودی، ای قهرمان تن من .

۶ ـ دختران : سوجورنی ، شرنی ، سومن آپی ، چرنیو ، گرنت‌هینی ، و هردچکشوس .

اینان مانند گاوان قرمز ، آن‌افراد نورانی‌را پیش‌راندند، و چون گاوان شیرده به‌صدا درآمدند. (۱)

۷ ـ چون تولد یافت، بانوان گرد او نشستند ورودخانه‌ها با قهرمانی ، ورادی او را غذا دادند؛

وسپس ای «پورورواوسه» خدایان قدرت تورا درجنگ افزون

---

(۱) سوجورنی Sujurni ، شرنی Sreni ، سومن‌آپی Sumne – Âpi ، چرنیو Charanyu ، گرنت هینی Granthini ، و هردچکشوس Harde – chakshus نامهای‌شش‌اپ چهرامیباشد . این قطعه بنابرقول « ساینه » اززبان « پورو راوسه » است که دراینجا نام پریانی‌را که‌هنگام پریدن « اوروشی » همراه او بوده‌اند ذکرمیکند وآنهارا به‌گاوهای قرمز شبیه می‌نماید . شاید منظور درخشیدن برق است که باصدای غرش رعد توأم میباشد .

افکارچون افکارما که‌درایّام گذشته نا گفته‌مانده، هیچ آرامشی برای‌ما نیاورده‌اند(۱).

۲ ـ من‌اکنون با این گفتارتو چه‌توانم کرد ؟ من‌مانند صبح اول‌از پیش‌تو رفته‌ام .

ای پورورواوسه ، به‌منزل خویش باز گرد ، به دست‌آوردن من بسان (بستن) بادمشکل است(۲) .

۳ـ بسان تیری که‌برای افتخاراز ترکش‌رها گردد، یااسب تیزتکی که برای سبقت ازهزاران گاو بحرکت‌آید،

آن نور بدرخشید ، همان گونه کـه آن بُزدلان طرح آنرا ریخته‌بودند ، آن مطربان‌چون گوسفندی که دچار زحمت باشد،صدا میکردند(۳) .

٤ ـ او شوهر خـود را زندگـی و ثروت بخشید ، از آن منزلگـاه نزدیك ، آن گاه کـه عاشقش از او خواسته بود . (٤)

---

(۱) دراین‌بند «پورورواوسه» هنگام‌ملاقات«اوروشی»بعدازناپدیدشدن او سخن‌میگوید .

(۲) اوروشی جواب میدهد .

(۳) پورورواوسه‌سخن میگوید و اوروشی‌رابیاداوضاعی که‌موجب نا پدید شدن اوبوده است ، می‌اندازد .

(٤) دربندهای چهارم وپنجم « اوروشی » سخن میگوید . شایدمنظور از زندگی وثروت ، اولاد واخلاف باشد .

باشد که اکنون پهلوان جوان نیرومندی از طوفان بوجود آید؛ باشد که عمر «اوروشی» تا ابد باقی بماند. (۱)

۱۱ ـ تولّد تو، مرا شیر گاوان زمینی نوشانید، این نیرو را تو ای «پوروراوسه» به من بخشیده‌ای.

من میدانستم، و تو را در آن روز خبر کردم، تو سخن مرا نشنیدی، اکنون چه میگوئی که هیچ چیز برای تو فایده ندارد (۲).

۱۲ ـ چون آن پسر بوجود آید، در جستجوی پدر خویش خواهد بود، و مانند سوگواران وقتی که او را شناخت خواهد گریست.

کیست که زن وشوهر موافق را از یکدیگر جدا سازد در آن هنگام که آتش درنزد پدرومادر همسر تو شعله است؟ (۳)

۱۳ ـ من اورا که اشك میریزد، تسلّی خواهم داد؛ برای مهربانی

(۱) پوروراوسی سخن میگوید. مقصود ازطوفان، «اوروشی» است که ازنواحی آب خیز آسمان می‌آید.

(۲) اوروشی سخن میگوید. قسمت اول این قطعه‌را به پیروی «ساینه» ویلسون، و گرسمن Grassmann و گلدنر Geldner باین تقریب ترجمه کرده‌اند: «توبه دنیا آمده‌یی تازمین‌را محافظت کنی».

(۳) پوروراوسه سخن میگوید. مقصود ازعبارت: وقتی که اوراشناخت خواهد گریست، آن است که چون ازحکایت او (پدر) خبردار شود خواهد گریست. ومقصود ازعبارت تاوقتی که آتش شعله ور است اینست که تاهنگامی که پدر ومادرشوهر زنده‌اند وبااین همسری موافق میباشند.

ساختنندتا «دسیو»هارا ازمیان برداری (۱) .

۸ ـ چون‌من مرگ پذیرهم‌آغوشی این دختران آسمانی‌را
که‌جامهٔ‌خویش‌را کنده ، وچون مار برهنه بودند طلبیدند،

با ترس از من بگریختند ، مانند اسبانی که ارابه به‌آنها
اصابت کرده‌باشد(۲).

۹ ـ وقتی‌مردی که این موجودات جاویدرا دوست دارد ، و
این‌پریان به‌او اجازهٔ صحبت میدهند ،

مانند قُو زیبائی‌اندام‌خویش‌را براو می‌نمایند، وبسان‌اسبان
بازیگوش اورا می‌مکندو گاز میگیرند (۳) .

۱۰ ـ آن که‌مانندبرق فروجهنده به‌روشنائی‌میدرخشید،مرا
هدایائی نیکو ازآب‌ها بیاورد ؛

---

(۱) اورروشی سخن میگوید ، و « پورورواوسه » را یادآور میشود که چگونه بانوان آسمانی که موقع ولادت اوحضور داشتند ، اورا موردلطف قرار دادند ورودخانه‌ها برایش دایگی کردند وخدایان اورا نیرو بخشیدند . تفسیر دیگری‌ازقسمت‌اول این قطعه آنست که « اورروشی » پسری را که بعداً برای « پورورواوسه » بدنیا خواهدآورد ، پیش‌بینی میکند .

(۲) دراین قطعه پورورواوسه ازآزرم پریانی که درقطعهٔ ششم نام برده و مصاحبت آن ها را برای تسلی خود خواسته‌است ، شکایت میکند . ظاهراً مقصودازعبارت مرگ پذیر ، آن است که چون‌اوخدا نبوده این وضع پیش آمده است .

(۳) اورروشی دراین‌بندجواب میدهد ومیگوید که پریان با مردم فقط ناز و کرشمه دارند .

همان‌محکوم شده‌ام (۱).

۱۷ ـ من که بهترین عشق او (هستم)، اوروشی را میخوانم که مرا دیدار نماید، آن که هوا را پر ساخته و این ناحیه‌را تمام پیموده است.

اجازه فرما تا این هدیه که با پاکدامنی فرستاده شده به‌تو نزدیک گردد، به‌سوی‌من باز گرد، دل‌من دراضطراب است.(۲)

۱۸ ـ خدایان این گونه با توسخن میگویند، ای فرزند ایلا، چون مرگ تورا درچنگال خود گیرد.

پسران‌تو با نذورخویش خدایان‌را خدمت‌خواهند کرد، وتو در«سورگ» شاد خواهی‌بود (۳).

(ماندالای دهم ـ سرود ۹۵)

---

(۱) یکی‌از شرایط همسری پورورواوسه، و اوروشی‌آن بوده است که اوروشی روزانه فقط مقدار بسیار کمی روغن Ghrita بخورد.

(۲) دراین قطعه پورورواوسه صحبت میکند.

(۳) بین بند ۱۷ و ۱۸ ظاهراً افتادگی‌هست که ادامهٔ ترتیب را بهم میزند. درآیت ۱۸ «اوروشی»، پورورواوسه را دلداری داده است و به او وعده میدهد که بعداز مرگ او، پسرانش برای خدایان قربانی کنند واوبرکت‌یافته وارد بهشت Svarga شود. فرزند «ایلا Aila» یافرزند ایلا Ila دختر مانو بوده اسم پورورواوسه است. بنظر لودویگ Ludwig ترتیب بندهای‌این سرود بایدتاحدی پس وپیش شود باین ترتیب: ۱ و ۲ و ۳ و ٤ و ۵ و ۱۶ و ٦ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱٤ و ۱۵ و ۱۰ و ۱۷ و ۱۸ .

که‌اورا مبارك‌میسازد گریه و ناله نخواهد کرد.

آن چه از آن تو است‌در میان‌ما من برای توخواهم فرستاد، ای‌دیوانه ، به خانهٔ خود باز گرد ، تو دیگر مرا به‌دست‌نخواهی آورد (۱) .

۱٤ ـ عاشق‌تو امروزبرای همیشه خواهد گریخت، و بی آن که‌باز گرددبه دورترین نقطه خواهد رفت ،

آن گاه بگذار تاخوابگاه‌او درآغوش‌هـلاك باشد و گرگان درندهٔخونخوار اوراطعمهٔخودسازند.(۲)

۱۵ ـ نه‌ای پورورواوسه نمیر، واز میان‌مرو ، ومگذار گرگان بدخواه‌ترا فروبلعند.

بازنان‌هیچگونه‌دوستی‌پایداری‌نیست، دل‌های کفتاران‌مانند دلهای‌زنان است. (۳)

۱٦ ـ زمانی که‌با صورتی مبدّل من درمیان مردم‌میزیستم ، و درچهارپائیزشب‌هارا درمیان‌آنان بسرمیبردم ،

من‌شبانه‌روز تنهایك قطره کره می‌چشیدم وایـنك‌حتی برای

---

(۱) اوروشی جواب میدهد . مرادازعبارت‌آنچه ازآن‌تواست درمیان‌ما، ظاهراً فرزند مشترك است .

(۲) دراین‌آیت پورورواوسه اورا بخودکشی تهدید میکند .

(۳) اوروشی در بندهای ۱۵ و ۱٦ سخن میگوید.

در آن‌جا که دوست‌من «وری شاکپی» ازمخزن پرستندگان (مؤمنین) خویش‌را سیراب کرده است.

اندرا برهمه سرور است.

۲ ـ تو ای اندرا، بابی اطلاعی برآن چه «وری شاکپی» بدنهاد کرده است میگذری، و حال آن که درجای دیگر محلّی برای آشامیدن‌شیرهٔ (شراب) سوما نمی‌یابی.

اندرا برهمه‌سرور است.(۱)

۳ ـ چه کرده است که تو را رنج رسانیده است این حیوان حنائی‌رنگ وری‌شاکپی‌نام که توچنین براو خشمگینی؟

مخزن‌پررزق (پرتوشهٔ)مؤمنین چیست؟

اندرا برهمه‌سرور است. (۲)

٤ ـ زود باشدسگ‌تازی که گرازان‌را شکار میکند، او را گرفته وگوشش را گاز گیرد،

ای اندرا، آن«وری‌شاکپی» که تواورا چون‌دوستی حمایت میکنی.

اندرا برهمه سرور است. (۳)

---

(۱) در این آیت اندرانی، اندرا شوهر خود را برای بی‌حالی ملامت میکند.

(۲) اندرا سخن میگوید.

(۳) دراین‌آیت ودوپاسه بند بعد اندرانی سخن میگوید.

۱۲۶

اندرا ، و اندرانی (۱)

Indānī — Indra

۱ ـ مردم از ریختن شیرهٔ (سوما) خودداری نموده‌اند، و اندرا را خدا نمیشمارند.

---

(۱) دراین سرود خدا ، اندراست . بگفتهٔ ویلسون ریشی بندهای ۱ و ۸ و ۱۱ و ۱۲ و ۱٤ تا ۲۲ اندراست وریشی بندهای ۲ و ٦ و ۹ و ۱۰ و ۱۵ـ ۱۸ اندرانی میباشد، وریشی آیت ۳ و ۷ و ۱۳ وری شاکپی Vrishākapi . بحر دراین سرود پنکتی Pankti پنج پادائی Pada است . بنظر « ساینه Sayana » بند اول از زبان اندراست . ویلسون ازنظر ساینه تبعیت کرده‌است، ولی دیگران آنرا اززبان اندرانی میدانند . وری شاکپی که دراین سرود نامبرده شده خود کلمه بمعنی نساس قوی یا نساس (میمون) نر است وظاهراً موجودی بین دیو و فرشته بوده‌است . ساینه اورا پسر اندرا دانسته و ویلسون نیزهمین نظر را تأیید کرده‌است . بعضی هم اورا آفتاب هنگام غروب دانسته‌اند که ابخره را بخود جذب میکند و تبدیل به باران مینماید . بنابر گفتهٔ برگین Bergaine او قربانی کنندهٔ افسانه‌ای است . دراین سرود گفته میشود که وری شاکپی لذوزات وتقدیمی‌هائی را که به اندرا تقدیم شده تصاحب کرده وآنهارا بخویشتن اختصاص داده است .

۸ ـ ای بانو که تورا دستان ، و بازوان زیبا ، وچین و شکن زلف پریشان و سُرین های فربه است،

چرا ای همسر قهرمان ، تو نسبت به «وری شاکپی» ما خشمگینی؟

اندرا برهمه‌سرور است . (۱)

۹ ـ این مخلوق موذی ، مرا بدان چشم مینگرد که از عشق قهرمان خود محروم مانده‌ام ، و حال آن که من پسرانی قهرمان دارم؛ من دوست «ماروت» ها ، و ملکهٔ اندرا.

اندرا برهمه‌سرور است . (۲)

۱۰ ـ از ایّام قدیم مادر بانو به جشن ها، وقربانی های همگانی میرود.

مادر قهرمانان ، ملکهٔ اندرا ، و آمر بر مراسم را تجلیل می نمایند.

اندرا برهمه‌سرور است .

۱۱ ـ من سخن اندرانی را شنیدم، آن که درمیان این بانوان خوش اقبال ترین خوانده شده است؛

زیرا هرگز همسر او در ایّام آینده درگردش روزگار نخواهد مُرد .

---

(۱) اندرا سخن میگوید .

(۲) دراین آیت و بند بعدی اندرانی سخن میگوید .

۵ ـ بوزینه اشیای‌زیبارا ضایع‌ساخته است ـ چیزهائی که با مهارت‌ساخته‌شده وموجب‌شادی من بود.

من سراورا خردخواهم کرد : سهم گناهکاران بدبختی‌است.

اندرا برهمه‌سرور است. (۱)

۶ ـ هیچ‌بانوئی‌بیش ازمن زیبائی ندارد، ونه‌ثروتی بیشتراز لذایذ عشق.

هیچ کس با گرمی بیشتری جمال خویش را درآغـوش‌سرور (شوهر)خود تقدیم نمی‌نماید.

اندرا برهمه سرور است .

۷ ـ مادری که‌محبّت او به‌زودی به‌دست می‌آید، ،من‌میگویم که‌براستی‌چه خواهد بود؟

ای مادر ، سینهٔ من ، و سرِ من ، و هـر دو سُرین من می لرزد .

اندرا برهمه‌سرور است. (۲)

---

(۱) منظور از اشیای زیبا بنظر ساینه ، نذور است کـه پرستندگان اندرائی تهیه کرده‌اند ، ولی بیشتر ممکن است که « وری شا کپی » به شخص اندرائی صدمهٔ واردآورده‌باشد .

(۲) ساینه این‌بندرا اززبان « وری شا کپی » میداند وبسیار نـامفهوم است . امابنظر لودویک این قطعه از زبان اندرائی است که خشم خویش را نسبت به بی‌حیائی و بی‌آزرمی وری شا کپی اظهار میدارد .

۱۵ ـ مانند گاوی باشاخ های تیز و غُرّان در میان گله ، این آشی که او برای تو میریزد به‌دل‌تو شیرین است .

اندرا برهمه سرور است.

۱۶ ـ مردی که عنّین‌است ، نسلی بوجودنمی‌آورد، بلکه‌آن که‌دارای‌قوّت است.

اندرا برهمه سرور است .

۱۷ ـ آن که‌دارای‌قوّت است، نسلی‌بوجود نمی‌آورد، بلکه آن که‌عنّین است .

اندرا برهمه سرور است.

۱۸ ـ ای‌اندرا ، این «وری شاکپی» حیوان وحشی کشته یافته ، با ظرفدان ، و دیگی نو ساخته ، وکارد ، و ارابهٔ پُر از چوب .

اندرا برهمه‌سرور است.(۱)

۱۹ ـ «داسه» و«آریا» راازیکدیگر تشخیص‌داده برهمه‌نظر کرده‌میروم.

---

(۱) دراین بند اندرائی سخن میگوید . منظور ازعبارت«حیوان‌وحشی» ظاهراًخروحشی«پرسونتم Parasvantam»است‌ودر واقع منظورش‌تحقیرقربانی میباشد .

کلمهٔ که ظرفدان ترجمه شده ممکن است به تختهٔ قصابی (سلاخی) هم ترجمه شود .

اندرا بر همه سرور است. (۱)

۱۲ – ای اندرانی ، من هرگز بدون دوستم « وری شاکپی » شاد نبوده‌ام.

آن که تقدیمی خوش‌آیند او چون با آب صاف شود، به سوی خدایان میرود.

اندرا برهمه سرور است.

۱۳– ای « وری شاکپایی » دولتمند که باپسران وهمسران پسران خودمبارك گشته‌ای .

اندرا گاوهای تورا خواهدخورد ، نذرعزیزتورا که بسیارمؤثراست .

اندرا برهمه‌سروراست . (۲)

۱٤ – پانزده‌عدد، پس برای من بیست‌عدد گاو آماده ساخته‌اند ومن فربه ترین آنهارا می‌بلعم ،

آنهاشکم‌مرا باغذا پر میسازند .

اندرا برهمه سروراست . (۳)

---

(۱) دراین بند و آیت بعدی اندراسخن میگوید .

(۲) این آیت ظاهراً اززبان«وری شاکپی»خطاب به‌زنش«وری شاکپایی Vrishākāpâyî » است که سپیده دم یاشفق میباشد .

(۳) دراین آیت اندرا صحبت میکند . ویلسون قسمت اول این بندرا چنین ترجمه کرده است : « پرستندگان برای من پانزده [و] بیست گاو »...

بنظر بعضی از مفسران ریگ بید منظور پانزده نفر قربانی کننده است که باوری شاکپی و زنش و فرزندانش بیست نفر میشوند . بنظربعضی دیگر مقصود اینست که پانزده به‌اضافهٔ ۲۰ گاوتهیه میکنند .

بکجارفت آن حیوان که مردم‌را رنج‌میرساند؟

اندرا برهمه سروراست(۱)

۲۳ ـ دختر مانو پرشو در یك زادن بیست فرزند بوجود آورد.

براستی سهم او شادی بود، هر چند بارش موجب غم او شد.(۲)

اندرا برهمه سرور است.

(ماندالای دهم ـ سرود ۸۶)

---

(۱) این قطعه و آیت بعدی ظاهراً اززبان اندرانی است.

(۲) معنی این قطعه مبهم است و هیچگونه ارتباط مشهودی با سایر بندهای این سرود ندارد.

دختر « مانو Manu » بوجود آورندهٔ نوع بشر است. دربارهٔ: « پرشو Prasu » اطلاع مهمی در دست نیست. این کلمه بمعنی: « دنده » میباشد. قسمت اعظم از این سرود قابل تفسیر نیست. بنظر« برگین Bergaigne » منظور از وری شاکپی دوست اندرا، « سوما » ومنظور از « اندرانی » همسر اندرا، نمازاست. واین افسانهٔ عجیب‌این فکررا مجسم میسازد که‌اغلب‌گفته‌اند اندرا، سومارا بدون نماز، و نماز را بی‌سوما دوست نمیدارد. گلدنر معنی دیگری کرده است. ویلسون بندبالارا باین تقریب ترجمه‌کرده‌است:

« دخترمانو بنام پرشو دریك نوبت بیست فرزند زائید، شایدخوشبختی، ای‌خدنگ‌اندرا، اورا نشانه ساز که چنین شکم زائوئی دارد.

اندرا برهمه سروراست ».

من بر عاقلان(با لطف) مینگرم، وشیرهٔ سومای پرستندهٔساده دل‌را مینوشم .

اندرا برهمه‌سروراست.(۱)

۲۰ ـ بیابان هموار ، و سراشیب های تند ، فرسنگ ها گسترده‌اند ،

نزدیکترین خانه ها برو، ای « وری شا کپی » ، بمنزل خودبرو .

اندرا برهمه‌سروراست.(۲)

۲۱ ـ ای«وری شا کپی»، برگرد ، ما باهم شادمانی خواهیم آورد .

تو به سوی خانهٔ خود برو تا از راهی که به‌خواب منتهی میگردد .

اندرا برهمه سرور است.

۲۲ ـ وقتی‌شما اندرا ، و وری‌شا کپی به‌سوی‌خانهٔ خودسفر کردید،آن‌حیوان موذی کجاست؟

---

(۱) منظور پرستندهٔ ساده دل ، پرستندهٔ است که نذر خودرا باصمیمیت روح و ایمان تقدیم میدارد . این بند و دو بند بعد اززبان اندراست .

(۲) ظاهراً وری شا کپی درفکر است که از اندرانی خشمگین بگریزد وبه بیابان های دوردست فرارنماید . اندرا اورا ازاین فکر بازمیداردووعده میدهد که اورابا اندرانی آشتی دهد .

بودند ، و « سویتر » ، و «اوشینیه» بیکدیگر پیوسته‌اند.

«سوما» که با «او کتهه»ها میدرخشید به« انوشتپ» پیوست،
« بریهتی » صدای (آوای) «بریهسپتی» رامددمیکرد (۱).

۵ - «ویراج» به «وروتا» ، و«میترا» چسبیده بود، در اینجا
« ترشتپ»سهم‌روز به‌روز اندرا بود ،

«جگتی» به‌همه‌خدایان باهم‌واردگشت، و بـادانستن آن‌مردم
بمقام‌ریشی‌ارتقاء یافتند . (۲)

---

(۱) گایتری Gāyatri (موزون) یکی از بحر های عـروض در زبان سانسکریت دارای ۲۴ مقطع (مقطع ۲۴ = ۸×۳) . سویتر Savitar یـا سویتری Savitri (برانگیزنده) خدای آفتاب . « اوشینیه Ushinih » یکی‌از اوزان شعر در ادب سانسکریت دارای بیست و هشت مقطع . او کتهه Uktha (سرود ستایش) . انوشتپ Anu-shtup یکی‌از اوزان شعر درادب‌سانسکریت مشتمل بر ۳۲ مقطع (مقطع ۳۲ = ۸ × ٤). بریهتی Brihati یکی از اوزان یابحور عروضی دارای ۳۶ (۸ + ۱۲ + ۸ + ۸) مقطع . بریهسپتی Brihaspati : (خدای گویائی) Brahmanaspati خدای دعا و نماز .

(۲) ویراج Vi-rāj : وجود الهی . صورت کل عالم . بنابریکی از روایات هندو اولین مرحلهٔ خلقت بوسیلهٔ « برهما Brahma » که جوهرخودرا میان مذکر و مؤنث تقسیم کرد ، پیموده شد . برهما جوهـر خویش را میان نر و ماده‌منقسم ساخت وازمؤنث نیروی مذکر یعنی : « ویراج » بوجود آورد.آن گاه‌ویراج ، مانوی‌اول را پیدا کرد وسپس‌ده پرجایت آفریده‌شدند .

در روایت دیگر نصف مذکر برهما ، مانو ؛ ونصف مؤنث او ، شتروپا خوانده شده‌است ودیگر ذکری‌از ویراج نیست .

ویراج بصورت خالق دوم گاه با « پرجاپتی »وگاهی با «برهما» ، و ـــ

۱۲۷

آفرینش (۱)

۱ ـ قربانی‌را ازهرسوباریسمانی با(بوسیله) صدویك‌روحانی مقدس کشیده‌اند .

این پدران بافنده اینجا آمده اند ، در کنـار تار (چله) نشسته اند وفریاد میکنند ، ازجلو ببافید، از عقب ببافید.

۲ ـ بشرآن‌راگسترش‌میدهد، بشرآنرا بازمیکند، حتی‌آنرا تا طاق‌آسمان‌بافته‌است.

این‌میخ‌ها به‌جایگاه‌پرستش کوبیده‌شده‌اند، آنهاسرودهـای سومارا مکوّك بافندگی‌خود قرارداده‌اند.

۳ ـ قاعده‌ونظم ونمونه‌چه بود؟ چهارچوب وردفتین چه‌بود ؟ سرودوآوازوانشاء چه‌بود وقتی که خداوهمه‌موجودات الهی‌عبادت می‌شدند؟

٤ ـ « گایتری » با « اگنی » بسیار با یکـدیگر نزدیك

(۱) این سرود درردیف سرودهائی است که درآفرینش جهان سروده شده است .

عروسی سوریا Surya[1]

۱ ـ حقیقت پای بستی است که زمین بر آن قرار دارد ؛
و«سوریا» آسمان‌هارا نگاهداشته است .
« آدیتیا » ها برقانون مستقرند ، و «سوما» جای خودرا در
آسمان نگاه میدارد .[2]
۲ ـ «آدیتیا» ها به «سوما» نیرومندند ، و زمین بـه «سوما»
قوی است .
و چنین است که « سوما » در میـان صور فلکی جـای

---

(۱) موضوع اصلی‌این‌سرود مرکب که ازحیث زمان ظاهراً بربسیاری‌از سرود هـای ریگ ودا مؤخر است ، تشریفات عروسی بطور عموم میباشد ، و بالاخص عروسی سوریا دخترآفتاب که نام دیگری ازسپیده دم است ودر واقع عروس مطلق میباشد ، در این سرود ذکرشده‌است . این سرودیکی‌از سرودهای کلان ریگ ودا بشمار میرود .

(۲) حقیقت یا واقعیت که « ستیم Satyam » خوانده میشود گاهـی با کلمهٔ « ریتام Ritam » که قانون وناموس جهان است نیزمترادف میباشد .

۶ ـ بدینگونه بـا دانستن آن مردم بمقام ریشی ارتقاء یافتند وقتی کـه قربانی قدیم برخاست ، پـدران مارا بوجود آورد .

من گمان میکنم که باچشم‌عقل آنان‌را که این‌قربانی‌پرستش بجا آوردند، می‌بینم .

۷ ـ آنان که درمراسم و آهنگ‌ها وسرودها و قواعد مهارت داشتند، ریشی‌های‌هفتگانهٔ الهی‌بودند.

آن دانشمندان با نگریستن طریق قدماء ، مانند ارابه‌بانان زمام‌هارا به‌دست‌گرفتند .(۱)

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۳۰)

ـــه « اگنی » و «پروش » و بعد ها با « ویشنو » ،و « کریشنا » یکی‌شناخته شده‌است ولی در رگ بید (سرود ۱۶۴ـ ماندالای اول) مذکوراست که‌ویراج از پروش و پروش از ویراج پیداشد .

بنابر قانون مانو ، موجود اعلی ابتدا آب را بوجـود آورد و در آن جرثومهٔ قرار داد . این جرثومه بصورت تخم زرین و درخشانی بود که‌همچون ستاره هزاران شعاع ازآن برمی‌خاست و میدرخشید و درآن تخم موجود اعلی خود بخود برهما را که نیا و آفریدگار کائنات است بوجود آورد .

(۱) منظوراز هفت ریشی‌ظاهراً دراینجا انگراس ها نیستند ، بلکـه « بهردواج Bhardvāja » ، و « کشیپه Kasyapa » ، وگوتم Gotama ، و اتری Atri ، و وسیشت Vasishtha ، و ویشوامتر Visvāmitra ، و جمدگنی Jamadagni میباشد .

وایو خداوند حافظ سوماست ، قمر آنست کـه سال ها را صورت می‌بخشد. (۱)

٦ ـ «ریبهی» دوست عزیز عروسی بود، و«نار اسنسی» عروس را به‌خانه راهنمائی نمود ،

لباس سوریا زیبا بود ، او بجائی آمد که « گـاتها » آنرا زینت‌داده بود. (۲)

۷ ـ اندیشه بالش بستر او بود ، وبینش مرهم‌چشمش ؛

وقتی که سوریا به‌سوی خداوند (شوهر) خویش‌رفت، زمین و آسمان گنج او بود. (۳)

۸ ـ سرودها تخته های ارابه ؛ وزن‌شعر « کوریره»، پوشش ارابه بود ؛

دو « اشوین » همراهان عروس ، و اگنـی رهبر دسته بود .

---

(۱) ظاهراً مقصوداز آنها ،خدایان ، ومنظور از تو ، ماه‌است که غذای خدایان دراوست ووقتی که درایام تنزل قمر خدایان ازآن می‌نوشند ، مجدداً ماه شروع بترقی مینماید .

(۲) در پنج بند اول خدا ، سوماست . عروسی سوریا موضوع بند های ۱۷ ـ ٦ میباشد . « ریبهی Raibhî » و « ناراشنسی Nārāsansī » ، و «گاتها Gāthā » اشعار مراسم اند که بصورت مدیحه میباشد ودرحکم سرودهای ودائی نیستند .

(۳) کلمهٔ : «کوشه Kosah» که « گنج » ترجمه‌شده ،ممکن‌است‌بمعنی صندوق جهاز عروس هم باشد .

دارد .(۱)

۳ ـ وقتی که گیاه (سوما) را میکوبند، شخص خیال میکند که شیرهٔ«سوما»را آشامیده است ؛

آن‌را که براهمن‌ها بحقیقت « سوما » میشناسند ، هیچکس نچشیده است . (۲)

٤ ـ سوما که وسیلهٔ قواعد پناه دهنده مستقر است ، و سرود های : «بریهتی» اورا حفظ مینمایند ،

تو ایستاده ای و به سنگ ها گوش میدهی از کسانی که در زمین سکنی دارندهیچکس تورا نمی‌چشد .(۳)

۵ ـ هنگامی که آن ها نوشیدن تو را آغاز میکنند ، ای خداوند تو از نو فربه‌میشوی.

---

(۱) منظور ازسوما ، قدرت خدای سوماست که نفوذآن برکلیه‌آفرینش تسلط دارد ، وآنرا بحرکت می‌آورد وازاو نگاهداری مینماید . درقسمت دوم این‌آیت ، « سوما » بمعنی ماه (قمر) است و منظور ازصورفلکی ، منازل قمر نکشترهاNakshatras میباشد .

(۲) ظاهراً درقسمت های اخیراین بند «سوما» بمعنی ماه (قمر)میباشد که تنها غذای خدایان است .

(۳) منظورازسرودهای « بریهتی Brihatî » سرودهائی میباشد که به بحر « بریهتی » سروده شده‌است . معنی کلمهٔ « Bārhataih » مذکور در متن سانکریت کاملاً معلوم نیست . بنابرگفتهٔ « ساینه » « بارهته ها Bārhatas » هفت محافظ سوما هستند بنام هـای : سوان Svāna ، و بهراج Bhrāja ، انگهاری Anghāri ، و غیره . بعضی‌ها این‌کلمه را مربوط به بحر بریهتی دانسته‌اند .

در ایّام « مگها » گاوها ذبح شدند ودر «ارجونی» عروس‌را دست به‌دست‌دادند .(۱)

۱٤ ـ وقتی شما ای اشوین ها با ارابهٔ سه‌چرخ خود برای خواستگاری و عروسی سوریا آمدید ،

همهٔ خدایان با پیشنهاد شما موافقت کردند ، «پوشان»چون پسر شمارا بسان پدران انتخاب نمود .

۱۵ ـ ای‌دو خداونددرخشش،وقتی شما به‌مجلس‌خواستگاری سوریا آمدید ، یك‌چرخ ارابهٔ شما کجا بود ؟

درکجا بانتظام امر خداوند خود ایستاده بودید؟

۱٦ ـ ای سوریا ، برهمنان در فصل‌های خود دوچرخ‌تورا می شناسند .

چرخ دیگر که پنهان است ، تنها کسانی‌آنرا می‌شناسند که درحقائق عالیه‌مهارت دارند. (۲)

---

(۱) مگها Maghā و ارجونی Arjuni از منازل قمرند . پوشان Pushan : خدای آفتاب .

(۲) مقصود ازدو چرخ ظاهراً زمین وآسمان ، وچرخ سوم عالم نامرئی اسرارآمیز ورای آنهاست .

تمام آیات یا ابیات این سروددریك « بحر » سروده نشده‌است. بندهای ۱٤ و ۱۹ تا ۲۱ و ۲۳ و ۲٤ و ۲٦ و ۳٦ و۳۷ و ٤٤ ببحر تریشتپ‌وآیات ۱۸ و ۲۷ بوزن جگتی وبند ۳٤ به بحر اوروب ریهتی Urobrihati وبقیه به بحر انوشتب میباشد .

۹ ـ سوما از دختر خواستگاری‌می کرد، واشوین ها ساق ـ دوش داماد بودند.

درآن هنگام سویتری خدای آفتاب سوریای‌متمایل خودرا به‌شوهر میداد.

۱۰ ـ روح او (عروس) ارابهٔ عروسی بود، و پوشش آن آسمان:

اسبانی که اورا میکشیدند، درخشان بودند، در آن هنگام که‌سوریا به‌خانهٔ شوهر خود نزدیك می‌شد.

۱۱ ـ اسبان‌تو با استقامت، واشعار مقدس، وسرود سام آنها (اسبان)را درجای خود نگاه میداشت،

چرخ های ارابهٔ تو همه‌گوش(۱) بودند، ومعبر تو درآسمان لرزان بود.

۱۲ ـ چون می رفتی چرخهای تو پاك بودند، و باد محوری بود که آن‌هارا بیکدیگر متصل میساخت،

سوریا که به سوی شوهر خود میرفت بر ارابهٔ روح مانند سوار بود.

۱۳ ـ موکب عروسی سوریا که سویتر به‌راه انداخته بود، پیش میرفت،

---

(۱) درمتن کلمهٔ « شروت رم Srotram (یك گوش) بکاررفته است‌ولی ساینه معنی میکنند: « شروتر Srotre (دو گوش).

۲۱ ـ ازاین جا برخیز ، این دخترشوهر دارد ، من«ویشوا-وسو»را باسرودهاوبندگی می‌سرایم.

درخانهٔ پدر او «زیبای‌دیگر بجوی، وحصّهٔخودرا که ازقدیم برای‌تو گذاشته شده است ، بیاب.(۱)

۲۲ ـ ازاین‌جا برخیـز ای «ویشوا وسو» با احترام ما تورا میپرستیم .

دختر دلخواه دیگـر بجوی ، و عروس را برای شوهـرش واگذار .

۲۳ ـ راهی که دوستان‌ما به‌سوی عروس می‌پیمایند ، راست و مستقیم ، وبی‌خار باشد.

«اریمن» و «بهگه» مارا رهبری کنند، ای‌خدایان، اتحادزن وشوهر کامل باشد .

۲٤ ـ اینك تورا از کمند «وروتا» آزاد میسازم ، کمـندی که«سویتری» متبارك تورا بدان بسته بود .

درجایگاه قانون به‌جهان اعمال پاکی (پاکدامنی) من تورا

---

(۱) ویشواوسو Visvāvasu : یکی از گندهرب ها Gandharvas است که حافظ دختران بکر میباشد . دراین‌جا به‌او خطـاب میشود که چون عروس دیگر محتاج به محافظت او نیست ، اورا ترك نماید و حمایت خود را شامـل دختران دم بخت که هنوزشوهر پیدا نکرده‌اند ، بنماید .

۱۷ ـ به‌سوریا ، وخدایان ، و میترا و وارونا که آن شیء موجودرا بدرستی میدانند، این ستایش‌را تقدیم میدارم .

۱۸ ـ اگر این دو توأمان به‌نیروی خودحرکت متوالی را دربر دارند، مانند کودکان بازی کننده دور قربانی میچرخند ،

یکی از این دو همه اشیای موجود را می‌نگرد ، و دیگری فصل‌هارا مقرّرمیدارد، ودوباره تولد می‌یابد. (۱)

۱۹ ـ او از نورتولّد می‌یابد، وتا ابد نو به‌نو میشود، به‌نشانهٔ روزها اوپیشاپیش صبح میرود .

چون می‌آید سهم خدایان را دستور میدهد . ماه(قمر) ایّام وجود ما را طولانی میکند .

۲۰ ـ براین (ارابهٔ) چندشکل زرّین‌فام زرین چرخ که از «کینشیکه» ، و «شالملی» ساخته شده وسهل الحرکه میباشد ، ای سوریا سوار شو ،

وبه سوی‌جهان زندگی جاوید برو، وبرای شوهرخود یك سفر عروسانهٔ شادمانی . (۲)

---

(۱) ازاین بند به بعدکه ارتباط‌آن بابقیهٔ سرودکم است سوریا آفتاب وسوما ماه (قمر) است .

(۲) بندهای ۲۰ تا ۳۳ شامل مجموعهٔ از اوراد است که عروس باید هنگامی‌که به ارابه‌سوارمیشودوبه‌خانهٔ شوهر میرود ودرموقع ورودبخانهٔ‌شوهر ونیز در صبح روز بعد بخواند . کینشیکه Kinsika : چوب درخت مخصوصی است ، شالملی Salmali : درخت پنبه میباشد .

سوریه Surya به هرعروسی خطاب میشود ، زیراعروس مطلق اوست .

۲۸ ـ رنگ او آبی و قرمز است ، دیوی که به‌سختی چسبیده بود، رانده شده است، خویشاوندان این‌عروس کامـروا باشند. این شوهر باپیوندهای‌محکم‌بسته شده است.

۲۹ ـ جامهٔ پشمین‌را دور ساز ، وبه روحانیون براهمن گنج بخش .

آن ماده دیو دور شده است ، وچون همسری در خدمت شوهرش میباشد . (۱)

۳۰ ـ تن او(داماد) وقتی از آن دیو پلید میدرخشدنامطبوع است ، درآن هنگام که شوهر دست و پای خود را با لباس زنش میپوشاند .

۳۱ ـ بیماری‌هارا ازمردمی که موکب درخشان عروس‌اند ، ای خدایان دور سازید ،

وآن‌هارا بمحلّی که ازآن جاآمده‌اند ، باز گردانید.

۳۲ ـ دست راهزنانی که در سر راه کمین کرده‌اند ، ازاین جفت همسر دورباد.

بطرق نیکو ازاین خطر برهند ، و دشمنان دور گردند .

۳۳ ـ علامات نیك بختی بر عروس است ، بیائید واوراتماشا کنید ،

---

(۱) یعنی: ماده دیو ، یاجادوگر ، یا روح پلید به وجودآورندهٔ خود برگشته است .

صدمه نادیده به‌همسرت تسلیم‌مینمایم.(۱)

۲۵ ـ ازاین‌جا، ولی نه‌ازآنجا ،من‌تورا آزاد می‌فرستم، آن آن‌جا تورا به‌نرمی‌مقیّد میسازم ،(۲)

ای اندرای نعمت‌بخش، باشد که او(این دختر) درمیان بخت وفرزندان خویش بابرکت زندگی کند .

۲۶ ـ بگذار تا«پوشان» دست تورا بگیرد ، وتورا راهنمائی کند؛ باشد که دواشوین درارابهٔ خود تورا ببرند .

به‌خانهٔ شوهرخود برو، ویار اوباش، وچون بانوئی برجمع کسان خویش سخن گوی .

۲۷ ـ شاد زی ، وبا فرزندان خود دراینـجا کامیاب باش ، آژیر باش تا برخانوادهٔ خویش درمنزل خود حکومت کنی ،

تن خود را با این مرد که شوهر تواست ، بنزدیکی متحد ساز تا شما در ایّام کهولت با جمعیّت خویش سخن گوئید.(۳)

---

(۱) کمند « ورونا » عبارت از کمربندی است که عروس بعدازاستحمام و شانه زدن و لباس پوشیدن بـرای تشریفات عروسی به کمر می‌بندد . بنظر : « لان من Lanman » مقصود ازاین کمند بستگی دختر به‌پدر تاقبل ازعروسی میباشد . منظور ازعبارت «جایگاه قانون» محل قربانی یا قربانگاه است .
بندهای ۲۴ تا ۲۶ و ۳۲ و ۳۳ را درموقعی که عروس میخواهد خانهٔ پدررا ترك کند ، میخوانند .

(۲) منظور ازاین‌جا ، خـانهٔ پدر ، وازآن‌جا ، خانهٔ شوهراست .

(۳) این آیت به عروس وداماد موقع ورود به خانهٔ دامادخطاب میشود.

۳۷ ـ ای پوشان ، اورا با بالاترین موهبت‌ها بفرست، آن که باید درهمه لذایذ وخوشی‌ها شریك من باشد.

آن که باید دستهای مهربان خویش‌را بگـردن‌من افکند و عشق وآغوش‌مرا بپذیرد .

۳۸ ـ برای‌تو با موکب عروس ابتدا سوریا را به خانه‌اش همراهی کردند ،

ای اگنی درعوض تو به‌شوهر ، زنی فرزندداد عطافرما.

۳۹ ـ اگنی دوباره عروس را شکوه وعمر دراز عطا فرموده است .

آن که شوهر اوست نیز دیـر پاید و صد خزان زندگی کند. (۱)

٤۰ ـ سوما نخست اورا به دست آورد ، وسپس گند هرب شوهر او بود .

اگنی‌همسر سوم تو است ، و اینك شخصی که از زن زائیده شده، شوهر چهارم تو است . (۲)

---

(۱) معلوم میشود حد اعلای عمر در هندوستان درعصر ودائی صد سال بوده‌است ، وازاینرو درخواست شده که صدسال شوهر زندگی کند .

(۲) چون سوریا که عروس مطلق است ابتدا با سوما ازدواج کرده ، پس هردختر جوانی پیش‌از همه به سوما تعلق دارد وسپس به گندهرب که‌حافظ بکریت است و بعد به اگنی کـه آتش مقدس میباشد ، و شوهر واقعی شوهر چهارم است .

برای او کامرانی آرزو کنید ، و به خـانه های خود برگردید(۱).

۳٤ ـ این بدطعم است ، این تلخ است ، و چون به‌نیش‌های تیروزهرآلودشده‌لایق بکاربردن نیست.

براهمن کـه سوریا را میـداند ، مستحق لباس عروس است . (۲)

۳۵ ـ حاشیهٔ (لباس) وپارچه‌ای که سراو(عروس) را پوشانده وآن‌لباس‌سه‌چارك،

رنگ‌هائی که سوریا پوشیده است بنگر ، براهمن این‌هارا پاك خواهد ساخت . (۳)

۳٦ ـ من دست تورا برای نیك‌بختی در دست خود میگیرم ؛ باشد که توبامن (شوهرت) به‌پیری برسیم.

خدایان ، «اریمن» ، «سویتری» ، «پورندهی» تورا داده‌اندتا بانوی‌خانهٔ من‌باشی. (٤)

---

(۱) ظاهراً درسرراه‌عروس به‌خانهٔ داماد ، این‌آیت راخطاب‌به‌تماشائیان میخوانند .

(۲) لفظ «این» دراول آیت اشاره بلباس عروس است ومنظور از سوریا دراین قطعه سرود سوریا میباشد .

(۳) ویلسون جملهٔ اخیررا چنین ترجمه کرده است : « براهمن آن ها (لباسها) را برمیدارد .

(٤) این خطاب داماد به عروس است . پورندهی:Purandhî مجسم .

۴۶ ـ بر پدرشوهرت وبرمادر شوهرت مسلّط باش.
وبرخواهر و برادران شوهرت فرمانروائی کن .

۴۷ ـ باشد که خدایان جهانی ، وباشد که آب‌ها دلهای‌ما را متحد سازد ،
باشد که «ماتریشون» و «دهاتر» ، و«دشتری» مارا بیکدیگر به‌پیوندند . (۱)

(ماندالای دهم ـ سرود ۸۵)

---

(۱) بند ۴۷ را داماد به خودش وبه عروس خطاب میکند . ماتریشون Mātarisvan : باد یا آتش (اگنی) و یا آورندهٔ اگنی از آسمان .
دهاتر Dhatar : خالق ، آفریدگار ، سازنده .
دشتری Deshtri : دشتری که بمعنی آموزگار است یك خدای زن است که درجای دیگر از ریگ ودا ذکر نشده‌است . این سرود ریشهٔ شعائرومراسم وتشریفات مذهبی هندو درامرزناشوئی میباشد ودربراهماناها اعمال وآداب‌آن توضیح وتفسیرشده است .

٤۱ ـ سوما به گندهرب، و گند هرب بـه اگنی داد، و اگنی اینزنمرا با نعمت وپسران بهمن بخشید.

٤۲ ـ ازهم جدا مشوید، دراینجا زندگی کنـید، و بحدّ اعلای زندگی بشری برسید.

با پسران ونوادگان وخوشی وبازی ودر منزل خویش شادمان باشید. (۱)

٤۳ ـ باشد که « پرجاپتی » مارا فرزنـدان بخشد ، باشد که «اریمن»مارا تا گاهپیری زینت دهد،

نحوست با تو بهخانهٔ شوهرت وارد نگردد ، برای دوپایان وچهارپایان ما برکت بیاور.

٤٤ ـ نهچشمزخم، ونه کشندهٔ شوهرت ، برای رمه نیکی بیاور، ای رخشنده، ای مهربان دل،

ای دوست دارندهٔ خدایان ، ای فرح انگیز ، ای قهرمانزا، برای چهارپایان ودوپایان ما برکت بیاور.

٤٥ ـ ای اندرای عطابخش، این عروس را باپسران وخوشبختی برکت ده.

اورا ده پسر ببخش که شوهرش مرد یازدهم آنها باشد.

---

(۱) قطعات ٤۲ تا ٤۷ موقعی که عروس و داماد به خانهٔ داماد برگشتهاند خوانده میشود وقربانی تقدیم میشود وبه عروس و داماد اینقطعات ار خطاب مینمایند ، وسپس عروس برکت داده میشود.

شما که اسم اورا میدانید، آنرا بر زبان رانده اید؛ باشد که ما ای ویشنوی قادر از لطف تو بهره مند گردیم.

٤ ـ سلطان وروبا ، واشوین‌های دوگانه در انتظار ارادهٔ اویند که جمع «ماروت»ها را رهبری نمایند.

«ویشنو» دارای نیروی عالی وقدرتی است که روزرا یافته وبا دوست خود گاوخانه را میگشاید.

٥ ـ حتی آن فرد آسمانی که برای همراهی آمد، ویشنو به اندرا خدائی به‌خدائی‌تر که سازندهٔ صاحب تخت درسه‌جهان مردم آرین‌را کمك میکند و بپرستنده سهمش را از قانون مقدّس می‌بخشد.

(ماندالای اول ـ سرود ١٥٦)

۱۲۹

خطاب به: ویشنو Vishnu

۱ ـ ای «میترا» مانند که نور تو به همـه رسیده، و آوازه‌ات (شهرت تو) گسترش یافته است، ودر راه‌عادی خود روانی، واز روغن مدد میگیری، یاور ما باش.

پس، ای «ویشنو» که حتی دانایان باید سرود ستایش تورا بسرایند، و آنکه نذورات را داده است، مـراسم رسمی را به تو تقدیم دارد.

۲ ـ آن که هدایا برای آن فرد قدیم ابدی یعنی: ویشنوی فرمان دهنده وهمسر اوتقدیم میدارد،

و آنکه ازتولّد عالی آن فرد اعلی سخن میگـوید، در جلال بحقیقت از همگنان خویش درخواهد گذشت.

۳ ـ ای سرایندگان، شما او را خـرسند ساخته‌اید، و میدانید که او حتی از هنگام تولّد جرثومهٔ نخستین نظم بوده است.

ستایش: میترا - ورونا

۱ ـ سه کرهٔ نور ای ورونا ، وسه آسمان ، وسه فلك را در بر دارید، ای میترا .

با فزونی نیروی ما شکوه فرمانروائی را نگـاه میداریم ، و قانونی را که تا ابدوام دارد ، محافظت میکنیم .

۲ ـ شما ورونا گاوانی دارید که رزق می بخشند ؛

ای میترا ، طوفان (سیل)شما آب‌های شیرین می‌بارد.

آن‌سه‌مرکب در شکوه ودرخشش ایستاده وسه کاسهٔ جهان را بارطوبت ناب پر میسازند. (۱)

۳ ـ درسپیده دم من الههٔ«ادیتی»رامیخوانم، ودر نیمروز و هنگام‌فرو رفتن آفتاب.

---

(۱) مقصود از سه مرکب « اگنی » بصورت آتش زمینی در زمین ، و « وایو Vāyu » بصورت باد در فلك ، و « سوریا Surya » بصورت آفتـاب در آسمان است . ومقصود از رطوبت ناب . باران حاصل بخش میباشد .

۱۳۰

ستایش میترا، و ورونا

۱ ـ با سرود های الهام شده ، به ورونا و میترای خویش بسرائید .

آن‌خدایان قادر قانون اعلی هستند.

۲ ـ چشمه‌های پر فراوانی‌پادشاهان فرمانروا ورونا ومیترا خدایان توأم که درمیان‌خدایان مفتخرند .

۳ ـ ما را با ثروت ، ثروت‌های عظیم زمینی و آسمانی یاری فرمائید.

سلطهٔ شما درمیان خدایان گسترده شده است .

٤ ـ با حفظ قانون بوسیلهٔ قانون باتوجه‌کامل آن‌ها بقدرت نیرومند خود نائل شده‌اند.

آن دوخدای مبرّا ازفریب درترقی‌اند .

۵ ـ باآسمان‌های باران‌ریز، وسیل‌های‌روان، آن‌خداوندان نیروی نعمت بخش ، به‌جایگاه عالی رسیده‌اند.

(ماندالای پنجم ـ سرود ٦۸)

۱۳۲

درستایش: میترا و ورونا

۱ ـ ای ورونا ، و میترا ، لطف شمادر طول وعرض گسترده است .

باید که من‌حسن نیّت‌مهربان شمارا به‌دست‌آورم .

۲ ـ از نیکی شما خدایان باشد که‌ما روزی فراوان برای نگاهداری‌خود به دست‌آوریم .

ای «رودرا»ها باشد که ماچنین باشیم. (۱)

۳ ـ ای«رودرا»ها ، مارا با پاسداران خودمحافظت فرمائید، ومارا نجات دهید شما که درنجات‌بخشی ماهرید.

باشد که ماخودمان «دسیو»هارا مطیع‌سازیم.

٤ ـ وگرنه‌ما ای‌نیرومندان عجیب، هرگز ازجشن رسمی دیگران بهره‌نخواهیم یافت.

نه ما ، ونه فرزندان‌ما ، ونه اخلاف‌ما .

(ماندالای پنجم ـ سرود۷۰)

---

(۱) دراینجا منظور از «رودراها Rudras» ، ورونا ومیترامیباشد .

ای میترا ـ ورونا ، من برای سلامت و ثروت وداشتن فرزندان
درایّام راحت وزحمت نیایش میکنم.

٤ ـ شما که این ناحیه (و) کرهٔ درخشش را برافراشته‌اید ، و
کشور زمین را نگاه میدارید ،

ای «ادیتی»های آلهی ، ای خدایان جاویدان، ای ورونا و
میترا ، هرگز به‌قوانین جاودانی خود صدمه نرسانید.

(ماندالای پنجم ـ سرود ٦٩)

درستایش: میترا ـ ورونا

۱ ـ این سرودها را به ورونا ومیترا تقدیم میداریم ، همان گونه که «اتری» (تقدیم) کرد . دراین‌سبزه‌زار مقـدس‌بنشینید، و ازشیرهٔ سوما بنوشید .(۱)

۲ ـ به دستور وقانون‌شما درصلح پایداربسر میبرید، مردم‌را برمی‌انگیزید .

بر این سبزه زار مقـدس بنشینید و از شیرهٔ سوما بنوشید.

۳ ـ باشد که ورونا ومیترا برای یاری ما این قربانی را بپذیرند .

بر سبزه‌زار مقدس بنشینید واز این شیرهٔ سوما بنوشید.

(ماندالای پنجم ـ سرود ۷۲)

---

(۱) یعنی: بطریق « اتری Atri » .

۱۳۳

درستایش : میترا ـ ورونا

۱ ـ ای ورونا ، ومیترا که دشمن‌را میکشید، با نیرو به‌این قربانی نیک‌ما بیائید .

۲ ـ زیرا شما ، ورونا ومیترا که دانشمند وفرمانروای بر همه‌هستید، سرودهای‌مارا پُر سازید . چون شما بر آن‌قادرید.(۱)

۳ ـ به‌سوی این‌عصیر که ما فشرده‌ایم ، بیائید.

ای ورونا و میترا ، بیائید ، و از این سومای پرستندگان بنوشید .

(ماندالای پنجم ـ سرود ۷۱)

---

(۱) منظور از « عبارت سرودهای ما را پر سازید » اینستکه درنتیجهٔ سرود های ما فراوانی بوجود آید .

٤ـ آری ای آسمان و زمین مقدس ، دانشمندان باستان که سخنان آنها همیشه برحق است، نیروی آنرا داشته‌اند که شما را بیابند؛
ومردم را درجنگی که قهرمانان پیروزمیگردند ، شجاعت بخشند . ای زمین ترابخوبی شناخته ، وترا احترام مینمائیم .

۵ ـ چه راهی به سوی خدایان میرود ؟
که حقیقت آنرا میداند ؟
و کی آنرا اعلام خواهد کرد ؟
تنها منازل سفلای آنان دیده شده‌است ، ولی آنها در نواحی دور و نهانی میباشند (۱).

٦ ـ دانشمندسیراب شده که نوع بشررا مینگرد، و برآنها نظر کرده است، درمقرّنظم شادی‌میکند .
آنها خانه‌ای مانند آشیانهٔ مـرغان ساخته اند ، و هرچند از هم جدا شده‌انـد ، بـا همان اراده خود را بـاهم خواهند یافت .(۲)

---

(۱) منظور ازمنازل سفلی ظاهراً صورفلکی است .

(۲) ظاهراً مراد ازدانشمند فرد بصیر وعالم است ، ومنظور از «آنها» زمین وآسمان است ، وسیراب شده یعنی ازآب های بالای فلك وباران سیراب شده‌است . ومقصود ازعبارت :«درمقرنظم»جائی که نظم ابدی کیهان برای آنها مقرر داشته‌است میباشد، ومراد ازقسمت اخیراین‌بندآنست که‌آنها مثل‌آشیانهٔ مرغان بایکدیگر فاصله دارند ولی یکدیگررا می‌بینند .

۱۳۵

خطاب به : وشودیوها Visvedevas

۱ ـ به آن قابل پرستش قادر ، این سرود نیرو بخش وبلا انقطاع را آنها که برای شوری جمع‌شده‌اند ، تقدیم‌داشته‌اند .
باشد که «اگنی» با شکوه سادهٔخویش ما را بشنود .
ای‌ذات (فرد) جاوید با درخشش آسمانی‌مارا بشنو (۱).

۲ ـ به‌آسمان‌وزمین قادر من به‌صدای‌بلند میسرایم، آرزوی من بمیل وشناختن هردوپیش‌میرود ؛ و در شورای بلندآوازولطف آمیز آنها خدایان با زندهٔ فانی شادی مینمایند (۲).

۳ ـ ای آسمان‌وزمین ، باشد که قانون بزرگ شما وفادار باشد و شمابه‌سود بزرگ ما رهبران ما باشید .
به زمین‌وآسمان‌من این بندگی‌خود را با غذا تقدیم‌میدارم، ای اگنی من‌برای ثروت دعامیکنم .

---

(۱) ظاهراً منظور ازشوری مجالس قربانی است که برای پرستش‌تشکیل میشده ، ومنظور از اگنی هم‌آتش زمینی است که برای قربانی درست‌میکنند وهم‌آتش‌خانگی که برای‌قربانی برمی‌افروزندوهم‌آتش‌آسمانی بصورت‌خورشید.
(۲) ظاهراً منظور از شناختن هردو، تشخیص عظمت آسمان و زمین است ، و منظور از زندهٔ فانی ، مردم پرستنده میباشد .

درآنجا که خـدایان برحسب عـادت در آن معبر فراخ ممتد ایستاده‌اند، ستایش میسرایم. (۱)

۱۰ ـ من این‌ستایش‌را به‌شما ای‌آسمان‌وزمین اظهار میدارم آن مهـربان دلی کـه زبانش اگنی است،

ای پادشاهان فرمـانروای جـوان، ای ورونا و میترا، وای «آدیتیا»های دانای شکوه‌مند.

۱۱ ـ سویتری شیرین زبان زرّین‌دست، سه نوبت از آسمان می‌آید تاخداوند مجمع ما باشد.

این‌سرود ستایش‌را به‌سوی خدایان بر، وای سویتری امن‌و سلامت کامل وجامع برای‌ما بفرست. (۲)

۱۲ ـ کارگران مـاهر چیره‌دست‌ومساعد مقدس، باشد کـه خـدای «تو شتری» این چیزها را بـرای مساعـدت به ما عطا فرماید.

شما «ریبهو» ها که به «پوشان» پیوسته‌اید، لـذت خودرا برگیرید، شمـا تشریفات را بـا منظم ساختن سنگ ها آمـاده

(۱) منظور از قسمت آخر این سرود اینست که ماچون با پدر خـود «دیوس Dyaus» یا آسمان بستگی داریم خدایان بوجوداو (آسمان) شهادت میدهند.

(۲) ظاهراً منظور از سه نوبت، قربانی روزانه در هر صبح و ظهر و عصر است.

۷ ـ شریکانی که‌هرچند با فاصله‌های زیاد ازیکدیگـر جدا هستند ، هردو در مکان محکمی ایستاده‌اند ، وهمیشه ناظرند و همواره جوانند،وچون دو خواهر یکدیگررا به نـام های متحد می‌خوانند. (۱)

۸ ـ همه موجودات زنده را ازیکـدیگر جدا ساخته وجدا نگاه میدارند،وهر چند خدایان قـادررا حمل مینمایند ، لغزش و نوسان ندارند .

بر هر ثابت وبرهر جنبنده و نیز برآنچه راه میرود و بـر هرآنچه میپرد ، و بر تمام این آفرینش رنگـارنگ فقط یکی فرمانروائی‌میکند.(۲)

۹ ـ من‌از دیرباز دربارهٔآن قدیم تفکر میکنم، خویشاوندی ما با اسلاف‌پدر نیرومند ما ،

---

(۱) منظور ازنامهای متحد ظاهراً کلماتی است که به هردواطلاق‌میشود مانند «اروی Urvî » ، دو فرد وسیع یا « دیاواپریتهیوی Dyāvāprithivî ، زمین ـ آسمان ، وغیره .

(۲) قسمت‌اخیراین‌بند چنین نیز ترجمه شده‌است : « یك فردکلی‌خداوند همه اشیای ثابت ومتحرك است وآنچه راه میرود وآنچه میپرد و این‌آفرینش بسیار شکل » ودرتفسیرآن گفته‌اند مقصود ازفردکلی که دراین سرودذکرشده، آن جوهر سرمدی است که دنیا ازآن پیدا شده‌است . واین همان « اجا Aja » یافرد تولد نیافته است که درسرود ۱٦٤ ماندالای اول بدان اشاره شده است. و این فرضیه‌اساس عرفان بعدی و فلسفه‌اوپانیشادی‌شده که‌علت ومعلول را یکی دانسته‌اند .

کشندهٔ وریترا ، گله های گـاوان را جمع نموده بـرای مـا بیاور .

۱۶ ـ «ناستیه» ها پدران من‌اند که بخویشاوندان مهربانند، خویشاوندی «اشوین»ها عنوان افتخارآمیز است.

چون شمائید که ما را گنج های ثروت می بخشید ، شمـا داده های خود را بـدون فریب سخاوتمندان حفظ می کنید.(۱)

۱۷ ـ ای دانایان ، این برای شمـا عنوان بـزرگ و پر شکوهی است کـه همهٔ شما موجودات آلهی ، در اندرا منزل دارید .

ای دوست کـه با « ریبهو» هـای عزیـزت بسیار خـوانده شده‌اید ، سرود مارا برای‌ما سودمندساز.(۲)

۱۸ ـ «اریمن» ، «ادیتی» درخور ستایش‌است، قوانین «وروئا» هرگز شکسته نمیشود .

ای بلای بی فرزندی ازما دورشو ، و بگذار تاطریق‌ما مملوّ ازگاوان وفرزندان‌باشد .

---

(۱) منظور ازعبارت بدون فریب سخاوتمندان آنست که مردمی آزاده مانندما هرگزشمارا فریب نخواهد داد.

(۲) منظور ازعبارت : « در اندرامنزل دارید » آنست که فی‌الواقع‌همهٔ آنها جزء آن مبداء الهی کیهانی‌اند چنانکه تمام صفات فردی درخدای‌مطلق فانی میگردد .

ساخته‌اید . (۱)

۱۳ ـ ماروت های نیزه‌دار ، جوانان چابك آسمان ، پسران نظم ،

مقدسان ، و« سرسوتی » سوار برارابه های تیزرو ، مارا بشنوید ؛ شما ای توانایان ، مارا ثروت و فرزندان نجیب عطا فرمائید .

۱٤ ـ ستایش‌ها و سرودها که سرایندگان درراه «بهگه» میسرایند، به‌سوی«ویشنو»ی شگفت‌انگیز میرود.

سرورقدم‌های توانا که مادران او ـ بانوان‌جوان‌بسیار ـ ،هرگز اورا به‌بی‌اعتنائی نمینگرند . (۲)

۱۵ ـ اندرا که به نیروهای قهرمانی خویش بر همه حکم فرماست ، زمین‌وآسمان‌را باجلال خود پُرساخته است .

ای خداوند لشگر های شجاع ، ای قلعه شکن ، ای

---

(۱) ظاهراً منظور از این چیزها ، اشیائی است که برای آن‌ها دعا میکنند .

(۲) منظور ازعبارت : راه بهگه،راه خوشبختی ونعمت است .
مقصود ازسرور قدم های توانا ویشنو میباشد .
ومنظور ازمادران‌نواحی‌مختلف‌فضاست‌که همه اشیاء رابوجود می‌آورد.
وبااین تفصیل قسمت‌آخر این‌بندبدین‌گونه ترجمه شده است که از فرمان او نواحی متعدد درهم آمیختهٔ فضا که بوجود آورندهٔ همهٔ اشیاء هستند سرپیچی نمی‌نمایند » .

خطاب به: سونیه Svanaya

۱ ـ صبح زود آمده و گنجش را می‌بخشد، عاقل اورا پذیرفته واز وی‌پذیرائی مینماید.

وازآنجازندگی‌وفرزندان خودرا افزایش‌داده‌وباپسرانی‌دلیر وثروتی فراوان می‌آید. (۱)

۲ ـ او درطلا ، وگاوان ، واسبان‌توانگرخواهدبود . اندرا اوراقدرت حیات بزرگ می‌بخشد ،

آنکه چون تـو می آئـی ، ترا درگنـج خـویش متوقف می سازد ، مـانند شکاری کـه در دام افتد ، ای زودآینده .(۲)

۳ ـ با اشتیاق‌من با ارابهٔ‌پر از ثروت امروزصبح به‌سوی‌آن

---

(۱) این سرود مکالمه‌است میان یك روحانی فقیر هندوی دوره گرد یا (ککشی‌وان Kakshivān) سرگردان و شاهزادهٔ عاقل ومتقی بنام: « سونیه Svanaya » .

گنج‌یعنی‌ثروتی که‌پس‌ازقربانی‌به‌دست می‌آید.عاقل‌اشاره‌به‌شاهزاده‌است. در بند اول ککشی وان سخن میگوید .

(۲) در این بند سوینه سخن میگوید .

۱۹ ـ باشد که فرستادۀخدایان (اگنی) که باطراف فرستاده میشود، مارا بی گناه اعلام دارد.

برای سلامت کامل‌ما ، باشد که زمین و آسمان، وآفتاب، وآب‌ها ، مارا بشنوند وفلك پهناور وصور فلکی .

۲۰ ـ ای کوه ها که قطرات باران‌را تقطیر نموده وپا برجا ایستاده ازرطوبت فرح بخش شادمانی می‌نمائید،

باشد که«ادیتی»، و«آدیتیا»ها ، مارا بشنوند، وماروت‌ها ما را پناهی‌موهبت‌آمیز بخشند.

۲۱ ـ راه‌ما همیشه‌هموارباشد ، وپررزق‌با شربتی گوارا ، ای‌خدایان علف‌هارا سیراب‌سازید.

ای اگنی، باشد که در دوستی توسعادت‌من درامان باشد. باشد که‌من بسر منزل ثروتهای پر رزق‌برسم. (۱)

۲۲ ـ از این تقدیمی محظوظ شو ، نیروی خویش را بر ما بتاب ، برای خوبی‌ما همه گونه افتخاررا درهم‌آمیز .

ای اگنی ، همۀ این دشمنان‌را در جنگ مغلوب کن، وهمه روزمارا ازلطف مهرآمیز خودروشن ساز.

(ماندالای سوم ـ سرود ٥٤)

---

(۱) منظورازشربت گوارا ، باران فرح بخش میباشد .

۷ـ آزادگان‌را مگذار که درگناه وغم‌فرورند ، وخداوندان پاکدامن وپرستش‌کاررا هرگزهلاك مسازا

وهر مردی حافظ آنها باشد ، وعـذاب‌را بر خسیسان‌فرود آور . (۱)

(ماندالای اول ـسرود ۱۲۵)

(۱) ظاهراً در بند های ٦ و ۷ ککشی وان مستمند سخن میگویدودعا به بخشندگان ونفرین به لئیمان وخسیسان میکند .

پسر قربانی پاکدامن آمدم.

اورا شیرهٔ ساقهٔ شادیبخش بنوشان، باسرودهای شادی خداوند قهرمانان را کامیاب ساز. (۱)

٤ ــ جوی های سلامت بخش مانند گاوان شیرده جاری شوید تا به کسی که او را عبادت کرده، واورا عبادت خواهد کرد سود رسانید.

به سوی او که به آزادگی میبخشد، واز همه‌سو جوی‌های فراوانی را پر می‌سازد جاری شوید، واورا مشهور سازید.

٥ ــ بر کنارهٔ بالای آسمان باشکوه می‌ایستد، آری به‌سوی خدایان میرود، آن بخشندهٔ گشاده‌دست.

جوی‌ها (نهرها)، وآب‌ها بافراوانی برای او جاری‌میشوند، برای اواین پاداش همواره فراوانی می‌آورد.

٦ ــ تمام این جلال‌ها برای کسانی است که پاداش های گرانمایه‌میدهند.

برای آنها که پاداش‌های گرانمایه میدهند خورشیدها در آسمان میدرخشند.

بخشندگان پاداش‌های گرانمایه جاویدمیشوند؛ بخشندگان اجر زندگی‌خودرا دراز می‌سازند.

---

(۱) دراین آیت ککشی‌وان سخن میگوید.منظوراز شیرهٔ ساقهٔ شادیبخش، عصارهٔ سوماست.

درزیر پای اوچه بود ؟ (۱)

چگونه بود ؟

درآن هنگام که «ویشوا کرمن» همه را میدید، وزمین را بوجود می آورد ، با نیروی عظیمی آسمان ها را آشکار ساخت .

۳ـ آن که در تمام اطراف خویش دارای چشم است، ودرهرسو یك دهانی دارد ، ودست های اودرهمه جوانب است .

او که خدای یگانه است ، وزمین وآسمان را بوجود آورد ، وآنها را بادست های بال مانند خود بیکدیگر می پیوندد .

٤ـ چه درختی بود ، وبراستی چه چوبی بوجود آورد که از آن زمین وآسمان راساختند ؟

شما ای مردان متفکر در روح خویش تجسس کنید که او وقتی همهٔ اشیاء را مستقر میساخت ، بر (روی) چه ایستاده بـود ؟

۵ ـ طبیعت قربانی کننده وبالاترین وپائین ترین تو، واندرون تودراینجا ، ای ویشوا کرمن ،

دوستان خودرادرقربانی تعلیم بده ای مبارك ، وتـو نیزباجلال

---

(۱) جملهٔ بالارا « کی اورا حمل کرد ؟» نیزمیتوان ترجمه کرد .

۱۳۷

خطاب به : ویشوا کرمن Visvakarman

۱ـ آنکه بصورت روحانی «هوتر» نشست دانشمند (ریشی) پدرماهمه موجودات راتقدیم نمود .

اودرحالی که درآرزوی خویش تملك (مالکیت) بزرگی را جستجو میکرد ، بصورت فرداول درمیان مردم درروی زمین ظاهر شد (۱) .

۲ـ جائی که برآن مقام کرد کجا بود ؟

هوتر Hotar (هوتری Hotri) قربان کننده ، روحانی مأمور قربانی‌های سوختنی که به‌آتش تقدیم میشود . این روحانی که بوسیلهٔ اونیاز به‌آتش‌تقدیم میگرددهنگام قربان سرودهای رگك بید را میخواند .

منظور ازعبارت : « تمام اشیای موجود » اینست که تمام‌آنها درتقدیمی وشوکرمن داخل بودند . عبارت درآرزوی خویش یعنی درخواهش یا میل به آفرینش . کلمهٔ : « پرتهه مچهد Prathamachhad » که بفرداول ترجمه‌شده معنیش بسیارمبهم است . بنظرساینه‌تعبیر یامفهوم‌آن‌اولین‌ظاهرشونده است‌ولی «لودویگ» عقیده دارد بمعنی پرستش کننده‌میباشد.ویلسون این‌کلمه را بمعنی «اولین‌بار که دنیارابه اگنی سپردند» میداند .

۱۳۸

خطاب به: شب

۱ـ الههٔ شب باهمه چشمان خود به پیش مینگرد، وبنقاط زیادی نزدیك میگردد.

اوهمهٔ جلال خویش‌را برخود پوشیده‌است،

۲ـ آن الههٔ جاویدان خلاء راپرنموده‌وبالا وپائین راممملو ساخته‌است،

اوباروشنی خودبرتاریکی غلبه میکند.

۳ـ آن الهه چون می‌آید خواهرخود سپیده دم رابه‌جای خویش می‌نهد،

وخود درتاریکی ناپدید میگردد.

٤ـ پس‌امشب برمالطف فرما، ای توئی که راههای ترا مـا دیدن کرده‌ایم،

مانند مرغان برآشیانهٔ خویش بردرخت.

۵ـ روستایان در جستجوی خانه های خویش‌انـد، و تمام روندگان وپرندگان حتی‌شهبازها که مایل‌بشکارند.

بپرستش مابیا (۱).

۶ـ ای ویشواکرمن، خودرا که باندورجلال یافته‌ای بیاور زمین‌وآسمان عبادت کنند.

بگذارمردم دیگری که دراطراف ماهستند احمقانه زندگی کنند، ولی‌ماراسروری داراوآزاده عطا فرما (۲).

۷ـ امروزخداوند سخن، ویشواکرمن تیزفهم‌را بخوانیم که مارادرکارمان یاری فرماید.

باشد که‌اوبه مهربانی صدای مارابشنود، آنکه‌همه رابرای یاری شادی می‌بخشد، وآنکه‌کارهایش راست‌است (۳).

(ماندالای دهم ـ سرود ۸۱)

---

(۱) قسمت اول این بند چنین نیزترجمه شده‌است:

«صورت قربانی سان تو بالاترین و پائین ترین باجلال به‌سوی‌عبادت مابیا و باشادمانی خویشتن را قربان کن».

بنظر: مهیدهره Mahidhara» تفسیر این بند آنست که بشر بصورت خویش صلاحیت عبادت خالق را ندارد و آفریدگار باید خودش خودش را پرستش کند.

(۲) تعبیر قسمت اول این قطعه آنست که خودرا برای عبادت بیاور یا خودرا برای‌آسمان وزمین قربان کن.

(۳) منظور ازعبارت: کارمان،کارقربانی است، ولی بعضی، آنرا به‌نبرد تعبیر کرده‌اند.

خطاب به: اشوین ها Asvins (۱)

۱ ـ ای خدایان که دانش سرمدی به‌شما داده‌شده است ، با ارابهٔ‌خود باشتاب بیائید ،ای مقدسین .

باقدرت نیرومند خویش بیائیـد ، ای«ناستیه» ها ، به‌اینجا بیائید واین نذر سوّم‌را بنوشید (۲) .

۲ ـ موجودات الهی‌حق شعار،آن سی‌وسه دیدند که شما به پیش‌راستکار ابدی‌نزدیك‌میشوید،

---

(۱) این سرود یکی یازده سرودی است که مجموع آنها « بالکیلا » (والکیلا Vālakhilya) خوانده شده‌است و معمولاً درترتیب متن‌به‌ده‌ماندالا یازده سرود والکیلا را بین ماندالای هشتم و ماندالای نهم ریگ ودا قـرار میدهند (بعضی تعداد آنهـارا از ٦ تا ۸ سرود نیز گفته‌اند) ویاآن‌که بعد از سرود ٤۸ ماندالای‌هشتم‌قرارداده‌میشوند . بعضی از ناشران ریگ‌بیدسرودهای بالکیلا را جداگانه نیزچاپ‌نموده وآنرا متمم ریگ‌بید شمرده‌اند .
بالکیلا نام طبقهٔ از ریشی‌هاست‌که بنابر اساطیر هندو تصور شده طول قـامتشان باندازهٔ انگشت شست و عدهٔ آنها شصت هزار نفر بوده‌است واز بدن برهما بوجود آمده واطراف ارابهٔ خورشید را احاطه مینموده‌اند .

(۲) ناستیه ها Nāsatyas دراینجا یعنی : افراد راستکار .

۶ـ گرگ نر وماده راباز دار ، ای « اورمیا » ، و دزدان را دورساز،
عبورما ازتو آسان باشد [۱].

۷ـ آن که تاریکی‌را باغنی‌ترین رنگ هامیپوشاند، بروشنی نزدیك من آمده‌است .
ای صبح آنرامانندقرض (وام) هاازمیان‌ببر.

۸ـ من‌این‌هارا مانند گاوان برای توآورده‌ام ، ای‌شب ، ای فرزندآسمان بپذیر این‌مدیحهٔ پیروزی را [۲].

(ماندالای دهم ـ سرود ۱۲۷)

---

(۱) اورمیا Urmyâ : مواج‌یانوسان کننده ، ولی‌اینجا بمعنی‌شب‌است .
(۲) اینها، یعنی:این اشعار .

واژه نامۀ کتاب

ای اشوین‌های درخشان از آتش، این‌ستایش ونذرمارا قبول کنید وسومارا بنوشید.(۱)

۳ ـ ای اشوین‌ها که اعمال شما در خـورشگفتی است ،گاو آسمان وزمین بناحیهٔ وسط هوا،

آری وهزاران وعدهٔشما درجنگ به‌همهٔ اینان بنزدیك ما بیائید،ودر کنار ما بنوشید. (۲)

٤ ـ این‌است سهم‌شما که به‌شما اختصاص دادهٔ شده ، شماای مقدسین ، شما (بـرای شنیدن) سرود هـای ما بیائید ، ای «ناستیه» ها ،

ودرمیان ما این‌سومای پر از شیرینی را بنوشید، و به‌نیروی خود مردمی که‌شمارا ستایش‌میکنند، یاری نمائید .

(سرود نهم والکیلا) ۱

(۱) سی وسه یا سه بار یازده . در ریگ‌وداخدایان به سی وسه محدود شده‌اند .

(۲) ظاهراً مقصود از گاو ، خورشید است .

لغتنامهٔ کتاب

آپه Āpah : آب‌ها. ٤٧١. م-۲۳ .

آتمن Ātman : روح ، نفس ، ذات ، جوهر ، انسان. ۱۳۱.

آدیتیا Âdityâ : فرزند ادیتی ، مخصوصاً وارونا و آفتاب ، بصیغهٔ جمع : نام‌دسته‌ای‌ازخدایان که‌شمارهٔ آنهارا ازهفت تادوازده ذکر کرده‌اند . ۱۳ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۳۹ ، ٤۰ ، ٦٦ ، ۱۲۷ ، ١٦٦ ، ۱۷۱ ، ۱۷۵ ، ۱۸٦ ، ۲٦۹، ۲۷۰ ، ۳۲۲ ، ۳٦۳ ، ۳۸۷ ، ۳۹۰. م-۲۰ .

آرنیکاها Āraṇyakas: نام کتاب‌های مدون در جنگل‌ها م - ۱۷.

آریا (آریه Ārya) : محترم ، وفادار ، معتمد ، ساکنان آریا وارته (Ārya varta = سرزمین‌آریایی) . ۹ ، ٦۳ ، ۳۳۹ ، ۳۵۷ ، ۳۷۷ .

اپام‌نپات Apām-Napāt : فرزند یانوادهٔ آب‌ها. ۲۱۵. م-۱۱.

اپسارا (اپچهرا Apsarā) : رونده یامتحرك درآب یادرمیان‌آبهای ابرها، حور ، پری ، همسر گندهرب. ۱٦۳. م-۲٤.

اتری Atri : خورنده ، بلع کننده ، نام ریشی بزرگ دورهٔ ودائی . ۱۸ ، ۱۹۳ ، ۲٦۳ ، ۲٦٤ ، ۲٦۵ ، ۳۱۸ ، ۳۸۳.

ارجیکیه Arjikya : نام‌قومی . ۳۳.

اریمن (ارجمان Aryaman) : نام یکی از دوازده آدیتیا . نام یکی‌از
آدیتیا ها که تصور شده رئیس ارواح گذشتگان یا نیاکان است و
کهکشان را راه یاجادهٔ او میدانند . ۱۳ ، ۱۵ ، ٤٥ ، ٦٥ ، ۹۳ ،
۱۵۳ ، ۱٦٦ ، ۱۷۹ ، ۲۱۰ ، ۲۱۱ ، ۳۱٦ ، ۳۲۲ ، ۳٦۹ ، ۳۷۲ ،
۳۷٤ ، ۳۸۹ .

اسوره (اسورا، اسر Asura = اهورا Ahura :) : روحانی ، بدون
جسم ، الهی ، روح‌اعلی، روح‌پلید ، روح‌شیطانی، دیو ، خدای بزرگ،
ایزد . ۵۷، ۲٦٤ ، ۲٦۵، ۲٦۹ ، ۲۷۱ ، ۲۹۱ ، ۳۳۳ ، ۳٤۰.
م-۸ ، ۱۱.

اشا Aśa: نام ایزدی م - ۱۰ .

اشتاکا Ashṭaka: درتقسیم‌بندی ریگ‌ودا، کتاب‌را به‌هشت باب‌یاهشت قسمت
تقسیم مینمایند، و هریك از آنهارا اشتاکا (ثمن یاهشت‌یك) می‌نامند.
م - ۲۰.

اشوین‌ها Aśvins : مالك اسبان ، اسب‌سواران ، رام کنندهٔ‌اسبان ، عدددو ،
خدایان توامان سپیده‌دم . ۱۳ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۳ ، ۳۹ ، ۷۳ ، ۸۵ ،
۹۳ ، ۹٤ ، ۱۰۲ ، ۱۲۷ ، ۱۵۱ ، ۱۹۲ ، ۱۹۳ ، ۲۵۰ ، ۲۸۷ ،
۳۱۸ ، ۳٦۵ ، ۳٦٦ ، ۳٦۷ ، ۳۷۰ ، ۳۷۷ ، ۳۸۹ ، ۳۹۹، ٤۰۰
م-۲۳ .

اگنی (اگن Agni) : آتش ، خدای‌آتش ، آتش‌قربانی. ۷ ، ۱۳ ، ۱۹ ،
۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۹ ، ۳۱ ، ۳۷ ، ۳۹ ، ٤۰ ، ۵۷ ، ٦٦ ،
٦۷ ، ۹٤ ، ۹٦ ، ۹۷ ، ۹۸ ، ۹۹ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۵ ،
۱۰٦ ، ۱۰۷ ، ۱۰۸ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ، ۱۲٤ ، ۱۲۷ ،
۱٦۱ ، ۱٦٦ ، ۱۸٤ ، ۱۸۷ ، ۱۸۸ ، ۱۸۹ ، ۱۹۸ ، ۲۰۵ ، ۲۱۹ ،
۲۲۰ ، ۲۲۱ ، ۲۲۲ ، ۲۲۳ ، ۲۲٤ ، ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، ۲۳۱، ۲٤۰ ،
۲٤۵ ، ۲٤۹ ، ۲۵٤ ، ۲۵۵ ، ۲۵۷ ، ۲۵۸ ، ۲۵۹ ، ۲٦۷ ، ۲۷۲،
۲۷۳ ، ۳۱۳ ، ۳۱٦ ، ۳۱۷ ، ۳۲۲ ، ۳۳۷ ، ۳٦۰ ، ۳٦۵ ، ۳۷۳،

اتهروا ودا Atharva-Veda (اتهربن بید) : نام یکی ازچهاربید م ـ ۱۵، ۱۶ ، ۱۹ ، ۲۳ ، ۲۴ ،

اتهرون Atharvan : مؤبد نگهبان آتش . این کلمه ظاهراً از واژهٔ مهجور اتهر Athar (آذر،آتش) مأخوذاست. روحانی یابرهمنی که بکار آتش و سوما میپردازد . ۱۹۶.

اتیتهیگوه Atithigva : نام یالقب دیوداس. ۹ ، ۱۷۴.

اتی‌راتره Atirātra : مراسمی درقربانی‌سوما که‌شب‌هنگام بعمل‌می‌آید. ۸۳.

اثرون Athravan (= اتهربن Atharvan = آذربان): موبدآتش م ـ ۹،

ادگاتر Udgatar : روحانی که سرودهای سام Sama را میخواند .خواننده (سراینده). ۷۷ .

ادهییای Adhyâya : باب م ـ ۲۰

ادهورج (ادهوریوAdhvaryu) : روحانی که‌مراسم قربانی‌را انجام‌میدهد . براهمن یا روحانی کـه تشریفات قربانـی ادهورا Adhvara را انجام میدهد . ۳۰۳.

ادیتی Aditi : آزاد ، نامحدود ، آسمان بیکران، فضای‌بی‌نهایت‌در ماورای زمین و ابرها ، خورنده ، مادرخدایان ، بی‌نهایت ، طبیعت ، خدایی که برکت بفرزند ورمه میدهد . ۱۳ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۴۹ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۷۲ ، ۹۳ ، ۹۵ ، ۱۵۱ ، ۱۵۳ ، ۱۶۶ ، ۲۰۷ ، ۲۶۷ ، ۲۷۰ ، ۲۷۱، ۳۰۸ ، ۳۲۷ ، ۳۷۹ ، ۳۸۰ ، ۳۸۹ ، ۳۹۰ . م‌ـ۲۳.

اربوده Arbuda : دیوفضاء یاجو . ۶۳.

ارپیتا Arpita : ثابت ، ثابت شده ، تسلیم‌شده ، داده‌شده . ۲۴۵.

ارجونی Arjuni : یکی‌از منزل‌های قمر . ۹ ، ۳۶۷.

انگرس Angiras: ریشهٔ لغوی این اسم مبهم است و شاید از «اگنی» که لفظاً با این کلمه شبیه است مشتق گردیده باشد و ظاهراً بهمین دلیل یکی از القاب اگنی است. یکی از ده پرجاپت، نام یکی از هفت ریشی. ۳۲، ۴۰ ، ۶۳ ، ۱۶۶ ، ۱۸۸ ، ۱۹۵ ، ۱۹۶ ، ۲۲۱ ، ۲۲۲ ، ۲۲۳ .

انویاجه Anuyāja: پایان قربانی ، بعدازقربانی- ۱۴۷.

اوپانیشادها Upanishads: نام عمومی رساله‌هایی کـه در بارهٔ فلسفهٔ وداهـا فراهم آمده است - م – ۱۶ ، ۱۷ ، ۲۱ ،

اوپه نه‌ینه Upa - nayana: نام تشریفات ومراسم زنار بندی درمذهب هندو و زردشتی. م – ۹.

اوپاستوته Upa - stuta (ستایش‌شده) : نام ریشی دوره ودایی. ۴۰۸.

اورمیا Urmyā: نام شب. ۳۹۸.

اوستا Avesta: نام کتاب مقدس در مذهب زردشت م – ۴ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۸

اوشان Uşana : نام ریشی پسر Kavi ، (اوشانا Uśanā همسر ایندرا ، دوست ایندرا) ۹ ، ۲۹۵ .

اوشس Ushas: سپیده‌دم. ۱۱ ، ۱۲ ، ۳۶ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶، ۳۰۹. م – ۲۳ ، ۳۶.

اوشینیه Ushinih: یکی از اوزان عروض دارای ۲۸ مقطع . ۳۶۱.

اوکتهه Uktha: سرود ستایش. ۳۶۱.

اهورا Ahura: ایزد ، خدا م – ۱۰ ، ۱۱ ،

اهورا مزدا Ahura Mazdāh: خدا م – ۱۲.

ایتی‌هاس Itihāsa: داستان ، سنت ، تاریخ داستانی ، م – ۱۶

٣٧٤ ، ٣٨٤ ، ٣٨٧ ، ٣٩٠. م – ١٣ ، ٢٦ ، ٣٣ ، ٣٤ ، ٣٥ ، ٣٦،
٣٧.

امریت Amrit: آب حیات ، من و سلوی ، باران ، شیر. ١٩٢.

اندرا Indra: خدای جو و آسمان، موکل باران، پادشاه خدایان، خدای آسمان نیلگون، خدای خدایان ، جنگ کننده با دیوان ، سازندهٔ همه چیزها، خدای مخصوص قوم آریایی ،
٩ ، ١٣ ، ٢٠ ، ٢٥ ، ٢٦ ، ٣٣ ، ٣٤ ، ٣٥ ، ٣٨ ، ٣٩ ، ٤١ ، ٤٢
٤٣ ، ٤٤ ، ٤٥ ، ٤٦ ، ٥٩ ، ٦٠ ، ٦١ ، ٦٢ ، ٦٣ ، ٦٧ ، ٦٨ ،
٧٠ ، ٧٢ ، ٧٣ ، ٧٤ ، ٧٥ ، ٧٦ ، ٨٠ ، ٨٥ ، ٨٦ ، ٨٨ ، ٨٩ ،
٩٠ ، ٩١ ، ٩٢، ٩٤ ، ١٠٤ ، ١١١ ، ١١٢، ١٢٧ ، ١٣٩ ، ١٤٠،
١٤٤، ١٤٦ ، ١٥٤ ، ١٥٥ ، ١٥٩ ، ١٦٤ ، ١٦٥، ١٦٦ ، ١٧٢ ،
١٧٣ ، ١٧٤ ، ١٧٩ ، ١٨٤ ، ١٨٥ ، ١٨٦ ، ١٩٠ ، ١٩١ ، ٢٠٠ ،
٢٠١ ، ٢٠٢ ، ٢٠٣ ، ٢١٠ ، ٢١١ ، ٢١٢، ٢١٣ ، ٢١٤ ، ٢٢٥ ،
٢٢٦ ، ٢٢٨ ، ٢٢٩ ، ٢٣٠ ، ٢٣٣ ، ٢٣٤ ، ٢٣٥ ، ٢٤٨ ، ٢٥٤ ،
٢٦٣ ، ٢٦٤ ، ٢٧١ ، ٢٧٤ ، ٢٧٩ ، ٢٨٠ ، ٢٨١ ، ٢٨٢ ، ٢٨٣ ،
٢٨٧ ، ٢٩٥ ، ٢٩٦ ، ٢٩٧ ، ٢٩٨ ، ٣٠٠ ، ٣٠٢ ، ٣٠٣ ، ٣٠٤ ،
٣٠٥ ، ٣٠٦ ، ٣١٧ ، ٣٢٠ ، ٣٢٦ ، ٣٢٧ ، ٣٢٨ ، ٣٣٤، ٣٣٧ ،
٣٥٢ ، ٣٥٣ ، ٣٥٤ ، ٣٥٥ ، ٣٥٦ ، ٣٥٧ ، ٣٥٨ ، ٣٥٩ ،
٣٦١ ، ٣٧٠ ، ٣٧٤ ، ٣٧٧ ، ٣٨٨ ، ٣٨٩ ، ٣٩١ . م – ٧ ، ١٠ ،
١١ ، ٢٣ ، ٣٦ ، ٢٩ ، ٣٤ ، ٣٥ ، ٣٦ .

اندرانی Indrānī (اندری Indrî) : همسر اندرا، ٣٥٢ ، ٣٥٥ ، ٣٥٦ .

اندو Indu: قطره ، سوما ، ماه ، بصیغهٔ جمع ، شب. ٣٣ ، ٣٤ ، ٣٥، ٤١ ، ٤٢ ، ٧٩ ، ١٤٢ ، ١٥٧ ، ١٥٩ ، ١٦٠ ، ٢٢٦.

انوشتپ Anu-shṭup : تحسین ، تمجید ، نیایش ، یکی از اوزان عروضی مشتمل بر چهار پادا pādas دارای ٨ × ٤ مقطع که بعضی از سرودهای ریگ‌ودا به این وزن سروده شده است. ٣٦١.

برهماپوتره Brahmaputra: پسر یا فرزند روحانی (برهمن) ، پسر برهمن یا روحانی . ۷۷

بریهتی Brihati: یکی از اوزان عروضی در ادب سنسکرت که دارای ۳۶ مقطع باشد (۸+۸+۱۲+۸) ، وزنی مرکب از ۳۶ مقطع(سیلاب). ۳۶۱ ، ۳۶٤ .

بریهسپتی Brihaspati: خداوند نماز ودعا ، خداوند گویایی . ۹٤ ، ۱۲۰، ۱٤۷ ، ۱٤۸ ، ۱۹۵ ، ۲۱۱ ، ۲۳٦ ، ۳٦۱ . م - ۲٦ ، ۳۳ .

برهمنسپتی Brahmaṇaspati : خدای نماز و دعا ، خداوند گویایی . = بریهسپتی . ۳۹.

بشن (=ویشنو Vishnu): یکی‌از خدایان‌مهم‌هندو. ۳۲٤، ۳۲۵ ، ۳۳٦ ، ۳۳۷ . م - ۱۳ .

بهارتی Bhāratî: الههٔ گفتار . ۲۳٦ .

بهردواج Bharadvāja: نام یکی‌از ریشی‌های بزرگ و خانواده او . ٦۷ .

بهرگو Bhrigus: نام یک ریشی قدیمی وخانوادهٔ او . ۱۹٦ ، ۲۲۱ .

بهگه Bhaga : بخشنده ، صاحب ، سرور ، اقبال ، جلال ، شکوه ، زیبایی ، خداوند محترم(به‌خدایان بویژه‌سویتری اطلاق‌میشود)، یکی‌از آدیتیاها که بخشندهٔ ثروت‌وسرپرست‌عشق‌وعروسی‌است،خدای‌زفاف،خدای‌خوشبختی. ۳۹ ، ٦۵ ، ٦۷ ، ۹۳ ، ۱۰۸ ، ۱۲۷ ، ۲۱۰ ، ۲٦۷ ، ۳۰۷ ، ۳٦۹ ، ۳۸۸.

پادا Pada : کلمه یا $\frac{1}{4}$ بیت . م - ۲۰

پاروته Parvata: نابغهٔ کوه و ابر، کوه نشین. ۷۱.

پرانها Purāṇas : تاریخ یاداستان‌های اساطیری م - ۱٦.

ایریمان Airyaman (= اریمان‌ارجمان Aryaman): نام یکی از «آدت»ها که تصور شده رئیس ارواح گذشتگان یا نیاکان است، موکل روز، خورشید، موکل آفتاب م ـ ۹ .

ایشور Iśvara: صاحب همه، صاحب، خدای عشق ـ خدا، روح اعلی (آتمن). وجود اعلی. م ۲۳

ایشون Iśvan: (= ایشور Iśvara): صاحب، خدا م ـ ۹ ،

اوروشی Ūrvaşī: یکی از پریسان مشهور ، نام یکی از اپسارها . ۳۴۵ ، ۳۴۹ ، ۳۵۱ .

اویامروت Evayamarut : کلمه‌ای که هنگام قربانی ادا میشود . ۱۱۳ ، ۱۱۴ ، ۱۱۵ .

اهی Ahi: اژدها ، دیو خشکسالی . ۵۹ ، ۶۰ .

ایلا Ilā (Iḍā) : الههٔ نماز، ودعا. ۳۹ ، ۲۳۱ ، ۲۵۸ ، ۳۵۱ .

ایندو(اندوIndu): ماه، قمر، سوما، قطره. ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰ ، ۳۰۱ ، ۳۰۲ ، ۳۰۴ ، ۳۰۵ ، ۳۰۶ ، ۳۰۷ ، ۳۰۸ .

باهلیکه Bāhlika : نام محلی م ـ ۶.

براهماناها Brāhmanas: نام‌عمومی رسائل‌و کتب‌تفسیرودا‌ها م‌ـ۸، ۱۷، ۱۸.

بگه Baga (= بغ): خدا م ـ ۱۲

بها شکل Bhāshakal: نام یکی از مکتب‌های ریگ ودا. م ـ ۱۹

براهمن Brāhman: روحانی در مذهب هندو، و ازطبقهٔ اول(عالی) هندوان ، یکی از چهار ذات هندو یا اولین طبقه از طبقات چهارگانهٔ هندو (طبقهٔروحانی). ۱۵، ۳۱ ، ۸۲، ۸۳ ، ۱۲۲ ، ۱۲۳ ، ۱۴۸ ، ۱۸۳، ۲۵۴ ، ۲۶۵ ، ۳۶۴ ، ۳۷۱ ، ۳۷۲ ، ۴۰۱ . م ـ ۲۳ ، ۳۴.

پوشان Pūšan: راهنمای مسافران. نام یکی از خدایان دورهٔ ودایی ۳۹ ، ۶۷ ، ۷٤ ، ۹٤ ، ۱۲۷ ، ۱٦٤ ، ۲۱۰ ، ۲۳٦ ، ۲۳۷ ، ۳۱۷ ، ۳۲۱ ، ۳٦۷ ، ۳۷۰ ، ۳۷۳ ، ۳۸۷ ، ۵۰٤ . م - ۲۳ .

پومانه Pavamāna: شیرهٔسوم ، اسم اگنی، باد یاخدای باد . ۳٤ ، ۲۹٦ ، ۳۰۱ ، ۳۰٤ ، ۳۰۸.

تاتا Tata: پدر. ٤۱.

تارکشیه Tārkshya: محتملاً شخصیت خورشید. ۹٤.

تپورموردهن Tâpurmûrdhan: شعله ورس، لقب اگنی یا بریهسپتی. ۱٤۸ .

ترسه دسیو Trasadasyu: نام شاهزاده‌ای ، نام پسری باین‌نام که با یاری اندرا و وارونازاده‌شد. ۳۲۸.

تریته(یاتریتا Trita یا **تریته‌آپتیه** Trita Āptya: (Āptya=مستقر در آب‌ها ، Trita=سوم) یکی‌از خدایان کم اهمیت که معمولا تاحدودی با اندرانزدیکی‌وارتباط دارد) یکی‌از خدایان ودایی . ٦۳ ، ۱۱۱ ، ۱۳۷ ، ۱۵۵ ، ۱۷۲ .

تری‌کدروکه Tri-kadruka: ظروف سه‌گانهٔ سوما ، نام سه روز اول‌جشن «ابهی پلاوه Abhi-plava » . ٦۲ ، ۱۹۸.

ترایم بر هم سناتنم Trāyam brahma sanatānan: ودای ثلاثهٔ ابدی م-۱۵.

ترایی ودیه Trayi-Vidya: دانش سه‌گانه م - ۱۵.

تریشتپ Trishṭup: وزنی درعروض که دارای چهار بار یازده مقطع است (مقطع:۱۱×٤). ۷۷ ، ۱۹۹ ، ۲٤۹ ، ۳۰۲ ، ۳٦۱.

تری‌شکنده Tr̥ṇaṣkanda : نام شاهزاده یارئیس قبیله‌ای. ۲۹۳ .

توشتر TvaŠtar : نجار ، ارابه‌ساز ، خالق‌موجودات زنده ، صانع‌آسمانی ، صنعت‌گر الهی که‌بدن موجودات را میسازد ، نام‌خدایی ، سازندهٔافزار

پرشوها Parŝus: احتمالا پارس‌ها (فارسی‌ها = ایرانی‌ها) م - ۵ .

پریتهو - پرشوه Prithu-Parŝavah: دنده‌های پهن ، تبرهای پهن (یا پارت‌ها و پارس‌ها) م - ۵

پریتهوها Pṛithus: پهن، بزرگ، مهم، احتمالا پارت‌ها . م - ۵ .

پر برهم Para-brahma: روح اعلی یا براهمن Brāhman ، آفریدگار بزرگ. ۲۸۴ .

پرتهی (پریتهیوی) = Pṛithivî: م - ۲۳ .

پرجانیه (پرجنیه Parjanya): خدای ابر بارانی ، ابر ، خدای باران، باران. ۳۳ ، ۸۲ ، ۱۱۶، ۱۱۹. م - ۲۳ .

پرجاپتی Prajāpati: خدای آفرینش ، نام سویتری ، سوما ، اگنی ، اندرا ، و خدایان دیگر ، خدایی که ناظر بر مخلوقات و حافظ حیات است ، موکل کل عالم. ۸ ، ۱۵۱ ، ۴۷۴. م - ۲۴.

پریشنه Pṛiŝana: ظاهراً نام محلی یا دریاچه آبی است . ۳۰۷ .

پریشنی Pṛiŝni: مادر ماروت‌ها. ۹۴ ، ۱۵۶ .

پرنیه Parṇaya: نام دیوی. ۱۷۴.

پروش Purusha: آدمی، شخص ، انسان ، بشر ، نوع بشر ، اصل حیات ، روح ، وجود اعلی یا روح کیهانی ، انسان اولیه که روح و منشاء اصلی جهان است. ۱۸۱ ، ۱۸۲ ، ۱۸۳ . م - ۳۳ ، ۳۴.

پریشین PurĪshin: مالك زمین یا ساکن زمین و یا توسعه‌دهندهٔ آن. ۲۴۵ .

پروهیتا Puro-hita: روحانی خانواده یا قبیله . ۲۵۹.

پریاجه Prayāja: پیش نذر ، پیش نیاز. ۱۴۷.

پریتهیوی Pṛithivî: زمین. ۴۸ ، ۴۹ .

ددهیاچ Dadhyach : پسر اتهرون (Atharvan = مؤبد آتش) . ۱۷۲ .

ددهیکراوان Dadhi-krāvan = ددهیکراس Dadhikrās : ۳۹.

ددهیکراس Dadhikrās : تجسم خورشید بامدادی. ۳۹ ، ۴۰ .

دسره Dasra : صاحب اعجاز یا کننده‌کارهای شگفت‌آور ، اشوین‌ها . ۸۵ .

دشتری Deshtari : آموزگار ، نام‌الهه‌ای . ۳۷۵ .

دکشه Daksha : توانا ، نیروی خلاقه ، نیرومند، یکسی‌از آدیتیاها ، نام قربانی مشهور و بزرگ. ۹۳ .

دهاتر Dhātar(دهاتری Dhātṛi) :آفریننده ، سازنده ، خالق، مؤسس، مرتب کننده، برقرار کننده ، نام‌خدایی که‌دارای صفات‌مذکوراست و بر توالد وتناسل، ازدواج ، سلامت ، ثروت ، زمان وفصول‌حکومت‌میکند. بعداز دورهٔودایی مخصوصاً به‌خالق و نگاهدارندهٔ جهان که‌برهما یاپرجاپت باشد اطلاق شده است. ۵ ، ۱۵۱ ، ۳۷۵ .

دیوداس Devodasa = بنگرید به اتیت هیگوه . ۳۸.

دیوداس‌اتیت‌هیگوه Devodâsa Atithigva : نام یالقب دیوداس. ۹.

دیوس Dyaus : آسمان . ۴۹. م - ۲۳.

دهرما Dharma: وظیفه ، تکلیف م - ۲۶.

دیوا Daiva: الهی ، خدایی ، آسمانی ، نورانی م - ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰.

رسا Rasā (= اوستا Ranha): نام رودخانه‌ای م - ۶

ریگ سهمیتا Rik-Saṁhitā: مجموعهٔ‌منظوم(مجموعه‌ریگ‌ودا) م - ۱۸.

زئوتر Zootar (= هوتری Hotṛi): قربان کننده. نام‌روحانی که‌قربانیهای سوختنی را به آتش تقدیم میدارد. م - ۹

راجنیه Rājanya : سلطنتی ، ازطبقه کشتریه، نام اگنی. ۱۸۳. م-۳۴ .

الهی بویژه سازندهٔ صاعقهٔ اندرا . ۶۳ ، ۱۲۷ ، ۱۷۳ ، ۲۰۱ .

توشتری (Tvaṣtari = توشتر TvaŠtar) : ۱۵۱ ، ۳۱۷ ، ۳۲۶ ، ۳۴۱ ، ۳۸۷ .

جات‌ویداس Jāta-Vedas : متصرف همه ، دانندهٔ همه ، دانندهٔ آفرینش تمام موجودات ، لقب ودایی اگنی. ۱۹ ، ۲۱ ، ۱۰۰ ، ۱۰۲ ، ۲۲۰ ، ۲۲۱ ، ۲۲۳ ، ۲۴۰ ، ۳۳۴ ، ۴۳۹ ، ۴۷۸. م - ۳۷ .

جگتی Jagatî : یکی‌از بحرهای‌عروض‌مرکب‌از۱۲ × ۴مقطع.۲۴۹ ، ۳۶۱ .

جمدآگنی (جمدگن) Jamadâgni، نام‌یك ریشی مشهوری ازاخلاف‌بهرگ. ۲۳۹ ، ۳۰۶ .

جنانم Jñānam: دانش ، معرفت م - ۳۳ .

چهاندوگ Chandhogya : نام‌یکی از اوپانیشادهای‌قدیمی. م-۱۶.

چرنیو Charanyu : یکی‌از پریان (اپ چهرا - Apsarā). ۳۴۷ .

چیه‌وانا Chyavāna : حمایت‌شدهٔاشوین‌ها، حرکت‌دهنده ، دیوی که موجب بیماری میشود ، درحال حرکت ، باعث حرکت ، نام ریشی . ۱۸ .

داسیو Dasyu : دشمن ، دشمن خدایان ، مردم وحشی ، راندگان جامعه ، دیو، مردم بومی ، غیرآریایی، موجودات شریر . ۶۳ ، ۲۸۱ ، ۳۳۴ ، ۳۳۵ ، ۳۴۸ ، ۳۸۱ . م - ۸ .

دان Dāna : دهش ، دادن ، نذر ، بخشش ، وقف ، تقسیم غذا ، پخش ، آزادگی ، سهم . ۱۴ .

دانوه Dānava : دسته ای از اهریمنان یا دیو زادگان ، فرزندان دانو Danū که با دایتیاها Daityas یااسران Asuras یکی شمرده میشوند، و ازدشمنان آشتی‌ناپذیر خدایان میباشند و در اساطیر بعدی عدهٔ آنها را ازچهل تاصد نوشته‌اند. ۶۱ ، ۶۳ .

داسه Dasa : بومی ، مردم بومی غیر آریائی هندکه آریایی‌ها آنها را دشمن میدانستند. ۵۹ ، ۳۳۴ ، ۳۳۷ ، ۳۵۷ .

ساپیه‌نامی Sāpya-Nami : نام خانوادگی « نامی » دوست ایندرا . ۱۷۵ .

ساچی Sachi : تجسم نیرو و همسر ایندرا . ۴۳۷ .

سادهیه Sadhyas : نام دسته‌ای از موجودات آسمانی ، نام دسته‌ای از موکلان ، دسته یاطبقه‌ای از خدایان . ۱۸۳ ، ۱۸۴ .

سام Sāma : آیت ، آهنگ ، خواندن به‌آواز خوش ، قرائت (باآهنگ) ، سرود ، سرود مقدس ، سرودی که باآهنگ خوانده میشود. ۷۷.

ساماودا Sāma Veda : ودای‌آهنگ‌ها ، نام یکی‌از سه‌بیداصلی ، نام‌یکی از چهار کتاب مقدس‌در مذهب هندو . ۷۷ . م‍ـ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۹ ، ۲۳ ، ۲۴.

سامن Sāman : آواز ، آهنگ ، سرود ، سام بید ، برطرف کنندهٔ گناه، سرود های ستایش بویژه متون و اشعار مقدسی که برای سرودن یا خواندن (تغنّی) باشد. ۱۸۳ ، ۳۱۸ . م‍ـ۳۴ .

سرما Saramā : تیزرو ، ماده‌سگ متعلق به‌ایندرا و خدایان . ۸۰ ، ۱۹۷ .

سرسوتی Sarasvatî : آبی ، مائی ، سرزمین دریاچه‌ها، خدای رودخانه‌ها، خدای گفتار، خدای‌دانش‌وعلم، الههٔ سخن یا فصاحت . ۷۴ ، ۸۶ ، ۸۷ ، ۹۳ ، ۱۵۱ ، ۲۵۵ ، ۳۸۸ . م‍ـ۶.

سریه‌ناوان Saryanāvān : نام‌دریاچه و ناحیه‌ای . ۳۳ .

سندهو (سیندهو Sindhu) : رودخانهٔ سند. ۲۰ ، ۲۰۷ ، ۳۰۸.

سمرتی Smṛiti: دانش دریادمانده ، علم محفوظ. م ـ ۱۶.

سمهیتا (= سنهیتا) Saṁhitâ: ترتیب متن ودا، مجموعهٔ سرودهای هر یك از وداهای‌چهارگانه. م ـ ۱۷ ، ۱۹ .

سوکتا Sukta، سرود م‍ـ۱۹ ، ۲۱ .

سوپرنه Su-parṇa : زیبا بال ، عقاب ، آفتاب . ۱۲۵ .

راتری Ratri : تجسّم شب . ۱۲٤

راکشس (راکهس Rākshasa) : دیو ، روح پلید ، جن ، عفریت . ۱۲٦، ۱٤۸ ، ۱٦۰ ، ۲۲۳ ، ۲۷۲ ، ٤۰۸ . م.-۸ ، ۱۹.

رتهنتره Rathantara : نام یکی‌از مهمترین سرودهای سام‌ودا . ۲٤۹ .

رگ‌بید Rig-Veda = ریگ‌ودا .

رودرا Rudra : غرش کننده ، غران ، نیرومند ، خدای‌طوفان ، طوفان ، مخوف، سرخ ، درخشان ، پدرماروت‌ها ، موکل‌ویرانی، خدای‌ویرانی . ۷۳ ، ۱۱٤ ، ۱۲۷ ، ۱۲۸ ، ۱٦۲ ، ۱۷۵ ، ۱۷۹ ، ۳۱۷، ۳۸۱. م - ۲۰ ، ۲۳.

روهینه Rauhina : دیوی که مانع ریزش باران از ابرها میشود . ۲۸۲ .

ریبهو Ribhu: نام‌یکی‌از سه خدای جوّ میانه . ۱۳ ، ۳۸۷ ، ۳۸۹.

ریبهوکشن Ribhukshan : یکی‌از القاب اندرا . ٦۹ ، ۷۰.

ریبهی Raibhi : سرود و شعرمراسم . ۳٦۵ .

ریتا (رت Rta) : قانون یانظم اخلاقی ، راست ، درست ، قاعدهٔ اخلاقی ، قانون الهی . ٤۹۲ .م — ۱۰ ، ۲۲ ، ۲۵ ، ۲٦ ، ۳۵.

ریچ Rich : سرود یاشعر مقدس (ریک Rik = ریچ) . ۱۸۳. م - ۲۰.

ریشی Rši : ملهم ، حکیم، شاعر یاحکیم‌الهام یافته، سرایندهٔ سرود مقدس، ۱۲ ، ٤٦ ، ۵۵ ، ۱۲۰ ، ۱۲۸ ، ۱۸۳ ، ۱۸۷ ، ۳۲۸ ، ۳۳۲، ۳٦۱، ۳٦۲، ۳۹٤. م - ۲۰ ، ۲۳ ، ۳۳.

ریکون‌ها Rikvans : سرایندگان یاخوانندگان مقدس، ۱۹۵.

ریگ‌ودا (رگ‌بید Rig Veda) : ودای منظوم ، نخستین کتاب مقدس هندو و مهمترین کتاب از چهار کتاب مقدس(در مذهب هندو) .۱ ، ۸۹. م - ۳ ، ٤ ، ۵، ٦، ۸، ۱۳، ۱۵ ، ۱٦ ، ۱۷. ، ۱۸م - ۱۹ ، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲٤، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵.

سویتر Savitar : برانگیزنده، محرک، زاینده، پیدا کنندهٔ غذا، خورشید، نام خدای آفتاب، نام یازده سرود ریگ بید . ۲۳ ، ۲۳۸ ، ۲۶۷، ۲۸۹ ، ۲۹۰ ، ۳۰۵ ، ۳۰۹ ، ۳۶۱، ۳۶۶.

سویتری Savitṛi (= سویتر): خورشید، مقدس ترین سرود ستایش خورشید. ۷۱ ، ۱۰۲ ، ۱۲۴ ، ۱۲۵ ، ۱۲۶ ، ۱۶۴ ، ۱۶۶ ، ۱۶۸ ، ۱۷۶، ۱۷۷ ، ۱۷۸ ، ۱۷۹ ، ۱۸۰ ، ۲۳۷ ، ۲۵۰ ، ۳۶۶ ، ۳۶۹ ، ۳۷۲، ۳۸۷ . م-۲۳.

سینی والی Sinivāli :نام الهه‌ای، همسر ویشنو، نام رودخانه‌یی، ۱۵۱.

شاکل Śākala : نام یکی از قرآت یا مکتب‌های ریگ‌ودا . م - ۱۹ .

شاکهه‌ها Śākhās : مکتب‌ها یا قرآت. م - ۱۹ .

شالملی Ṣālmali : نام درختی ، درخت پنبه . ۳۶۸ .

شایو Śayu : خوابیدن ، دراز کشیدن ، استراحت کردن ، حمایت شدهٔ اشوین‌ها . ۱۸ .

شردها Ṣradhā : ایمان ، اعتقاد . ۵۷ ، ۵۸ . م - ۲۴ .

شت‌کرتو Śatkratu : صدنیرو ، لقب اندرا . ۲۵ ، ۸۹ ، ۲۱۳ ، ۲۱۴.

شرنی Ṣreni : رشته ، راسته ، سلسله ، سری ، شماره ، دسته ، گروه‌بسیار، یکی از پریان (اپ چهرا - Apsara) . ۳۴۷ .

شروتی Śruti : دانش مسموع . م - ۱۶ .

شکوری Śakvari : یکی از اوزان عروض در ادب سنسکرت . ۱۲۳ .

شمبره Śambara : دیوخشکسالی . ۹ ، ۳۸ ، ۲۸۲ ، ۳۳۷ .

شودر Ṣūdra : افراد متعلق به طبقهٔ چهارم هندو ، طبقهٔ خدمتگزاران . بنا برمذهب هندو افراد جامعه به چهار طبقه تقسیم میشوند : براهمن ، کشتریه (= راجنیه) ، ویشیه (= بیش) ، و شودر (= سودر) . درسرود ۹۰ ماندالای‌دهم به‌این تقسیم‌بندی در بند ۱۲ اشاره شده‌است . ۱۸۳ . م - ۳۴ ، ۳۵ .

شونه شپه Ṣunaḥṣcpa : نام ریشی . ۲۶۹ .

سوجورنی Sujurni : یکی‌از پریان (اپچهرا ـ Apsarā) . ۳۴۷ .

سوریا (سریه ، سوریه ، سورج ـ Surya) : آفتاب ، خورشید و خدای خورشید . ۹ ، ۱۲ ، ۱۷ ، ۲۰ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۳۳ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۲ ، ۱۰۲ ، ۱۰۵ ، ۱۲۵ ، ۱۶۹ ، ۱۷۰ ، ۲۰۵ ، ۲۰۶ ، ۲۰۷ ، ۲۲۶ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۳۰۱ ، ۳۰۲ ، ۳۰۴ ، ۳۱۸ ، ۳۲۹ ، ۳۳۷ ، ۳۴۲ ، ۳۶۳ ، ۳۶۵ ، ۳۶۶ ، ۳۶۷ ، ۳۶۸ ، ۳۷۲ ، ۳۷۳ .

سوربهانو Svarbhanu : دیوی که موجب کسوف و خسوف میگردد . ۲۶۴ ، ۲۶۵ .

سورگ (سرگ) Svarga : بهشت ، جنّت ، آسمان ، آسمانی . ۳۵۱ .

سوری Sûri : بانی قربانی ، رئیس . ۱۹۰ .

سوما Soma : شیره ، جوهر ، زبده ، گیاه زندگی ، افشرهٔ مقدس ، آب حیات ، ماه ، گیاه سوما ، خدای‌ماه ، شیرهٔ‌سوما ، نوشابه الهام بخش براهمنان . ۹ ، ۱۰ ، ۱۳ ، ۱۷ ، ۱۹ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۳۸ ، ۴۴ ، ۵۵ ، ۶۱ ، ۶۲ ، ۶۳ ، ۶۸ ، ۶۹ ، ۷۲ ، ۸۳ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۳ ، ۹۴ ، ۹۶ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴ ، ۱۲۷ ، ۱۴۲ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۱۵۶ ، ۱۵۷ ، ۱۵۹ ، ۱۶۰ ، ۱۶۴ ، ۱۷۳ ، ۱۷۵ ، ۱۹۳ ، ۱۹۶ ، ۱۹۸ ، ۲۰۱ ، ۲۰۴ ، ۲۱۲ ، ۲۲۵ ، ۲۲۹ ، ۲۳۴ ، ۲۳۸ ، ۲۳۹ ، ۲۴۸ ، ۲۴۹ ، ۲۵۲ ، ۲۵۴ ، ۲۶۰ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۲۷۴ ، ۲۷۵ ، ۲۸۰ ، ۲۸۲ ، ۲۸۷ ، ۲۹۲ ، ۲۹۴ ، ۲۹۵ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۲۹۹ ، ۳۰۰ ، ۳۰۲ ، ۳۰۳ ، ۳۰۴ ، ۳۰۵ ، ۳۰۶ ، ۳۰۸ ، ۳۱۷ ، ۳۲۰ ، ۳۲۷ ، ۳۲۹ ، ۳۵۳ ، ۳۵۸ ، ۳۶۰ ، ۳۶۱ ، ۳۶۳ ، ۳۶۴ ، ۳۶۵ ، ۳۶۶ ، ۳۷۳ ، ۳۷۴ ، ۳۸۲ ، ۳۸۳ ، ۴۰۰ . م ـ ۶ ، ۹ ، ۱۳ ، ۲۶ ، ۳۳ .

سوماپومانه Soma Pavamāna افشره یاشیرهٔ گیاه‌سوما ، قطره . ۳۳ ، ۴۱ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۲۷۴ .

سومن آپی Sumne-āpi : یکی‌از پریان (اپچهرا ـ Apsara) . ۳۴۷ .

سونیه Svanaya : نام شاهزاده مقدسی . ۳۹۱ ، ۴۴۳ .

کینشوکه Kinṣuka : نام‌درختی، چوب، بوته‌بزرگ ویا پربرگی . ۳٦۸ .

گاتها Gāthā : شعر (این کلمه در ادب سانسکریت به سرود ودایی از قبیل سامن ، وریچ اطلاق نمیشود بلکه این واژه به‌اشعار رزمی و داستانی یا آکیانه Ākhyānas اطلاق میگیرد) . ۳٦۵ . م - ۷ ، ۹ ، ۱۲ ، ۱۸ .

گایتری Gayatri : موزون، آهنگ مخصوص، یکی از بحور عروض در ادب سنسکرت . ۷۷ ، ۱۹۹ ، ۲٤۹ ، ۲۵۰ ، ۳٦۰ .

گراوان Grāvan : سنگ هایی که‌جهت خرد کردن ساقه‌وعلف بوتهٔ سوم‌بکار میرفته‌است ، آسیای‌مخصوص جهت‌خورد کردن‌ساقه‌های‌سوما . ۲۸۹ .

گرتسمد Gṛitsamada : نام یکی‌از ریشی‌های دورهٔ ودایی . ۷٤ .

گرنت‌هینی Granthini : یکی‌از پریان (اپ چهرا - Apsara). ۳٤۷ .

گروتمان Garutmān : پرندهٔ آسمانی ، خورشید (این پرنده‌را گروتمت Garutmat و گـروده Garuḍa و سوپـرنه Suparna نیز میخوانند) . ۲۵٤ .

گنگو Gungu : نام قبیله یاقوم غیر آریایی . ۱۷٤ .

گندهروه (= گندهرب) Gandharva : مطربان بهشتی یا آسمانی، فرشتهٔ نغمه‌خوان ، مطرب یا موسیقی‌دانی که پیش‌فرشتگان آوازمیخوانند . ۳٤ ، ۱٦۲ ، ۳٤۱ ، ۳۷۳ ، ۳۷٤ . م - ۱۱ ، ۲٤ .

گندهروه ویشواوسو Gandharva Viṣvavasu : نام موجود افسانه‌ای که رابطهٔ نزدیك باخورشید دارد . ۱٦٤ ، ۱٦۵ .

گویش‌تهیره Gavishthira : نام ریشی . ۱۰۷ .

گهرمه Gharma : حرارت غریزی ، گـرمی ، گرما، هوای گرم، فصل گرم و سوزان ، گرمی آفتاب یاآتش، شیرگرم یاهرنوشابهٔ گرم دیگر که در مراسم قربانی اهداء میشود ، ظرف مخصوص برای جوشانیدن شیر جهت تقدیم به اشوین‌ها . ۸۳ .

گهریته Ghṛitá : پاشیده، کره ، نوعی کره‌صاف کرده که‌به‌آتش می‌پاشیدند . م - ۳۳ .

شونه‌هوتر Şunahotra : نام‌چندریشی دورهٔ ودایی‌از خانوادهٔ گرتسمده . ۷۳ .

شیپی ویشته Şipivishta : یکی‌از القاب ویشنو . ۳۲۵ ، ۳۳۷ .

شیوا Śiva : فرخنده ، مبارك ، خجسته ، خیّر ، نیکوکار ، دوستدار ، عزیز ، نعمت ، یکی از سه خدای بزرگ هندو ، خدای رحمت ، نام مها دیو موکل یا ایزدفنا ومرگ . در رگ‌بید نام شیوا ذکر نشده است ولی نام‌دیگر این‌موکل که‌احتمالارود را باشد بصیغهٔ مفرد و جمع‌زیادآمده است . ۳۳۷ .

کال‌یوگ(کلیوگ Kālyuga): عصر کالی، یکی‌ازاعصارداستانی‌درآیین‌هندو . م - ۱۹ .

کپینجله Kapinjala : نوعی‌کبك یا دراج . ۷۵ ، ۷۷ .

کرشانی Kərəśāni (= کریشانی) : نگهبان سومای‌آسمانی در ادب‌زردشتی. م - ۱۱ .

کرنجه Karanja : نام دیوی . ۱۷٤ .

کریشانو Kṛiṣanu : نگهبان سومای آسمانی . ۲۸٦ . م - ۱۱ .

کریشانی Kriśāni = کرشانی . م - ۱۱ .

کشن Keşin : گیسوبلند ، موبلند ، نام یالقب اگنی ، ووایو ، وسوریه . ۱٦۱ .

ککشیوان Kakshivān : نام ریشی دورهٔ ودایی . ۹ .

کنوا (یا کنوه) Kaṇva : نام‌ریشی دورهٔ ودائی . ۵۳ .

کوتسه Kutsa : برگزیده و محبوب اندرا (نام ریشی موسوم به آرجونیه). Ārjuneya : مؤلف‌یاسراینده‌ٔ تعدادی از سرودهای ریگ‌ودا که‌مورد حملهٔ دیو شوشنه قرار گرفت ، و اندرا آن عفریت را کشت و او را نجات‌داد . ۹ .

کوریره Kurira : جفت گیری ، نوعی لباس زنانه ، نوعی‌وزن عروضی . ۳٦۵ .

کوشوا Kushavā : نام عفریت ماده‌ای که اندرا او را کشت . ۲۰۲ .

کویه Kavya : طبقه‌ای ازارواح نیاکان یامردگان . ۱۹۵ .

اوراد یا ادعیهٔ قربانی، قسمتی از متون بیدها که «ریچ Ric» (در رگ بید)
یا «یاجوش yajuṡ» (درججر بید)، و یا «سامن Sāman» (درسام بید)
خوانده میشود و در برابر قسمتهای موسوم به «براهماناها Brāhmanas
(توضیحات و تفسیرهای بید)، و اوپانیشادها قراردارد. دعای مخصوصی
که به یکی از خدایان خطاب میشود. شعر عرفانی یا اوراد جادویی،
طلسم و افسون (بویژه به اورادی اطلاق میشود که برای به دست آوردن
نیروی فوق بشری خوانده میشود). م - ۹، ۲٤.

منذك Muṇḍakya : سلمانی، نام یکی از رسائل اوپانیشاد های قدیم.
م - ۱٦.

منیو Manyu : مظهر غضب و شهوت، خشم. ۳۳٤، ۳۳۵. م - ۲٤.

مونی Muni : عارف، آموخته، مرتاض. ۱٦۱، ۱٦۲.

میترا Mitra : خدای نور. ۱۳، ۲۰، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۳۷، ٤٤، ٤۵،
٦۵، ٦۷، ۷۲، ۹۳، ۱۰۸، ۱۲٤، ۱۲۷، ۱۵۳، ۱٦٦، ۱۷۹،
۱۹۱، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۳۰، ۲۳۹، ۲٤۰، ۲۵٤،
۲٦۵، ۱۹۱، ۲۹۲، ۳۰٤، ۳۰٦، ۳۰۸، ۳۱٦، ۳۱۸، ۳۲۲،
۳٤۱، ۳٦۱، ۳٦۸، ۳۷٦، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲،
۳۸۳، ۳۸۷. م - ۷، ۱۰، ۲۳، ۳٦.

نابهاکه Nabhāka : نام یك ریشی. ۱۳٦.

ناراشنسی Nārāṣansi : شعر ستایش. ۳٦۵.

ناستیه Nāsatya : مهربان، مشفق، بکار خورنده، مفید، دوستانه، بصیغهٔ
جمع، نام دو اشوین (اشوین‌ها)، نام یکی از اشوین‌ها (چون این واژه بصورت
مفرد بکاررود، اشوین دیگر «دسره Dasra» خوانده میشود)، مربوط یا
متعلق به اشوین‌ها، (بنا بر عقیدهٔ بعضی این واژه مشتق است از Na+asatya
و بگفتهٔ بعضی دیگر مأخوذ است از Nāsā+tya و یا از : Nā+satya
و این اشتقاق اخیر بیشتر مورد نظر است). ۸۵، ۱۰۲، ۱۹۳، ۳۸۹،
۳۹۹، ٤۰۰. م - ۷، ۱۱.

نانا Nanā : مادر، اصطلاح برای مادر. ٤۱.

نراشنسه Narāṣansa : لقب وعنوان اگنی، شیرمرد. ۱٤۷، ۱۷۹.

گیانم Jñānam : دانش ، معرفت . ۱۲۰ .

ماتریشون Mātariṣvan : نام‌دیگر اگنی (آتش) ، باد ، آورندهٔ اگنی از آسمان ، نام یك‌ریشی . ۱۷۲ ، ۲۵۵ ، ۳۷۵ .

ماروت (= مروت Marut) : درخشنده ، خدای طوفان ، خدای باد ، فرزند آسمان و دریا . ۹ ، ۱۳ ، ۶۲ ، ۷٤ ، ۹٤ ، ۱۱۳ ، ۱۱۵ ، ۱۳۵ ، ۱٤۰ ، ۱۵٤ ، ۱۶۶ ، ۲۱۰ ، ۲۳۵ ، ۲۷۱ ، ۲۹۳ ، ۳۰٤ ، ۳۱۶ ، ۳۵۵ ، ۳۷۷ ، ۳۸۸ ، ۳۹۰ . م - ۲۳ .

ماندالا (منده) Maṇḍala : گرد،مدور، قرص (بویژه قرص‌ماه و خورشید)، دایره ، هالهٔ خورشید یاماه ، مدار ، یکی‌از ده‌قسمت ریگ‌ودا - بعبارت دیگرر گ‌بید به ده ماندالا که‌جمعاً ۸۵ انوواك Ānuvāka (درس) بالغ میگردد تقسیم میشود . م - ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۵ ، ۳۶ .

مانس Manas : روح ، روان ، ادراك ، اندیشه . ۲۷۶ .

مانو (= مَنُ) Manu : آدم ، نوع بشر ، انسان‌اول، متفکر، خداوند اندیشه، دانا ، زکی ، انسان (گاهی این‌کلمه در مقابل روح پلید بکارمیرود) . ۹ ، ۱۰ ، ۲۲۱ ، ۲۲۳ ، ۲۲۸ ، ۳۱۹ ، ۳۲٤ ، ۳۵۹ . م - ۱۵ .

مایا Māyā : عشق‌ازلی ، قدرت الهی ، معـدوم ، فریب ، صورت ظـاهر ، ضدحقیقت ، نمودبی‌بود ، خطای‌باصره ، صورخیالی ، تجسم خطای باصره ، ماده ، ضدپرش (روح) . خرد، عقل ، نیروی خارق‌العاده یا مافوق‌طبیعی ، م - ۸ ، ۹ .

متالی Matali : ارابه ران اندرا ، موجودی الهی . ۱۹۵ .

مدهاتیتهی Medhātithi : نام‌یکی ازمفسران وفقهای‌هندو . م - ۱۵ .

مدی Median : مادی ، منسوب به‌قوم ماد . م - ۱۳ .

مگها Maghā . یکی‌از منزل‌های قمر . ۳۶۷ .

مگهون Maghavan : بخشش ، پاداش ، نیرومند، لقب اندرا ، نیرومند ، ۳۸ ، ٤۶ ، ۶۹ ، ۱۹۱ ، ۲۸۷ ، ۳۰۷ ، ۳۲۷ .

منتره Mantra (= منثره Manthra) : سخن ، اسباب فکر ، یا آلت تفکّر ، نوشته یاسخن مقدس ، دعاء ، ورد ، سرود ستایش ، سرودهای رگ‌بید ،

۱۶۲ ، ۲۲۹ ، ۲۳۰ ، ۲۴۹ ، ۲۹۲ ، ۳۰۰ ، ۳۰۴ ، ۳۰۶ ، ۳۶۵ .
م - ۲۳ ، ۳۶ .

ودا Veda : دانش ، دانش مقدس ، نام عمومی چهار کتاب مقدس هندو .
۲۵۳ . م - ۴ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ ،
۱۹ ، ۲۱ ، ۲۶ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۴ .

ورچین Varchin: نام یك پادشاه غیرآریایی هند که دیو شناخته شده است. ۳۳۷.

ورنا Varṇa : رنگ ، رنگ نژادی ، طبقه‌ها ، کاست ، چرده ، کاست بویژه
اختلافات طبقه‌ای بین آریاها و داسیوها و همچنین میان طبقات
چهارگانهٔ هندو .

ورگا Varga : قطعه ، تیکه . م - ۲۰ .

وروتری‌ها Varūtris : آلهه‌های نگهبان . ۲۳۶.

وروُنا (= وارونا Váruṇa) : آسمان‌محیط برهمه چیز ، خدای آسمان‌های
پرستاره . ۱۳ ، ۲۰ ، ۲۳ ، ۳۷ ، ۳۹ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۶۵ ، ۶۷ ، ۷۲ ،
۹۳ ، ۱۲۴ ، ۱۲۷ ، ۱۳۲ ، ۱۳۳ ، ۱۳۴ ، ۱۳۵ ، ۱۳۶ ، ۱۳۷ ،
۱۳۸ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۱۶۶ ، ۱۷۸ ، ۱۷۹ ، ۱۸۵ ، ۱۸۶ ،
۱۹۱ ، ۱۹۲ ، ۱۹۷ ، ۲۰۵ ، ۲۰۷ ، ۲۱۰ ، ۲۱۱ ، ۲۳۰ ، ۲۳۵ ،
۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۲۵۴ ، ۲۶۶ ، ۲۶۷ ، ۲۶۸ ، ۲۶۹ ، ۲۹۱ ، ۲۹۲ ،
۳۰۴ ، ۳۰۶ ، ۳۰۸ ، ۳۱۶ ، ۳۱۸ ، ۳۲۲ ، ۳۲۶ ، ۳۲۷ ، ۳۲۸ ،
۳۲۹ ، ۳۳۰ ، ۳۳۱ ، ۳۳۴ ، ۳۴۱ ، ۳۶۱ ، ۳۶۸ ، ۳۶۹ ، ۳۷۷ ،
۳۷۸ ، ۳۷۹ ، ۳۸۰ ، ۳۸۱ ، ۳۸۲ ، ۳۸۳ ، ۳۸۷ ، ۳۸۹ .

وریترا (= ورتر Vṛitra): دیو خشکسالی. ۲۵، ۳۳ ، ۴۴، ۴۷، ۶۱، ۶۳،
۱۱۱ ، ۱۷۴ ، ۱۹۰ ، ۲۰۲ ، ۲۱۳ ، ۲۲۵ ، ۲۲۶ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ،
۳۱۷ ، ۳۲۷ ، ۳۳۴ ، ۳۸۹ . م - ۲۹ .

وریتراهن Vṛitrahan (وریترا = مقاومت) ، مقاومت شکن ، (= ورترغنه
Vṛiθragna = بهرام) ؛ م - ۱۰ ، ۱۱ .

وری‌شاکپایی Vrishākāpâyî : همسر وری‌شاکپی . ۳۵۶ .

وری شاکپی Vrishākapi : میمون نیرومند ، موجودی بین دیو و فرشتهٔ .

نوگوه‌ها Navagvas : یك نژاد اساطیری ، یکی‌از سه خانواده روحانی‌هند قدیم . ۱۹۶ .

نیریتی Niriti : نابودی ، الهه مرگ و ویرانی . ۷۰ .

وات Vata : باد ، خدای باد . ۱۳۰ ، ۱۳۱ ، ۱۴۳ .

واجه (= واج) Vāja : نام یکی از سه ریبهوها . ۶۹ .

وارونا Varuṇa : آسمان محیط برهمه‌چیز ، نام یکی‌از آدیتیاها که‌خدای شب است ، همان‌گونه که میترا خدای روز میباشد و غالباً بایکدیگر پرستش‌می‌شده‌اند . وارونا یکی از خدایان‌قدیم هندو است و اورا معادل اوپاوس یونانیان دانسته‌اند ، هرچند او از اورانوس نورانی‌تر میباشد ، گاهی‌خدای خدایان نیز نامیده شده‌است . م ـ ۷ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۲۳، ۲۸ ، ۳۵ ، ۳۶ .

واستوشپتی Vāstoshpati : نگهبان خانه ، ایزد محافظ تاسیسات و اساس و بنیان‌خانه ، اندرا . ۷۹ ، ۸۰ .

واسو Vasu : عالی ، خوب ، نورانی ، هرموجود نورانی، دسته‌ای از مو کلان بویژه‌آدیتیاها ، ماروت‌ها ، اشوین‌ها ، اندرا ، اوشس ، رودرا ، وایو ،. ویشنو ، شیوا ، کوبر Kubera ، دسته‌ای از ایزدان که عددآنهاهشت است ، یکی‌ازخدایان هندو . ۴۰ ، ۶۶ ، ۱۲۷ . م ـ ۲۰ .

واك (= واچ Vāc) ،Vāk : صدا ، کلام‌مقدس ، گفتارمقدس ، سخن‌مقدس ، کلمه ، تجسم گفتار که‌او را مادر بیدها وهمسراندرا میدانسته‌اند، الههٔ گفتار یا گویایی . ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۲۷ . م ـ ۲۸ ، ۳۳ .

والکیلیا (= بال کیلا) Vālakhilya : نام‌یازده سرود ریگ‌ودا که معمولا بین‌ماندالای‌هشتم ونهم قرارداده میشود ، نام طبقهٔ از ریشی‌ها که تصور میشده طول قامتشان باندازهٔ انگشت شست‌میباشد و عدهٔ آنها شصت هزار بوده و ازبدن‌برهما بوجودآمده‌است، و اطراف ارابهٔ خورشیدرا احاطه میکرده‌اند . م ـ ۱۹ .

وایو Vayu : خدای‌باد ، باد ، هوا ، بصیغهٔ‌جمع: ماروت‌ها ، یکی‌ازپنج‌عنصر، پنج باد حیاتی . ۵۷ ، ۷۲ ، ۱۰۴ ، ۱۳۰ ، ۱۴۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ ،

ویشو دواه Viṣvedevas = Viṣvedevâh : همه‌خدایان. ۸۶، ۹۳، ۱۶۶.
ویروپه Virūpa : رنگارنگ ، گوناگون ، مختلف، چندرنگ ، چندشکل، نام یک‌ریشی . ۱۹۶ .

ویشیه Vaiṣya : کشاورز ، فلاح ، افرادطبقهٔسوم هندو که‌عبارت‌از کشاورزان و بازرگانان هستند ؛ ذات یاطبقه‌ای که‌وظیفهٔ او سوداگری‌و کشاورزی است . ۱۸۳ . م - ۳۴ ، ۳۵ .

ویشواکرمن Viṣvakarman (= وشوکرمن): کنندهٔ همهٔ اعمال ، فاعل یا عامل همه‌چیز ،سازندهٔ کل ، خالق کل، سازندهٔ کائنات وجهان‌هستی. ۳۳۲ ، ۳۹٤ ، ۳۹۵ ، ۳۹۶ ، ۳۹۷ .

ویشنو (= بشن Vishnu) : یکی از خدایان هندو ، خدای‌حافظ . ۳۹ ، ۱۱۳ ، ۱۱۵ ، ۱۵۱ ، ۱۵٤ ، ۱۵۵ ، ۱۵۹ ، ۲۰۳ ، ۲۰۸ ، ۲۰۹ ، ۲۱۰ ، ۲۱۱ ، ۲۵۲ ، ۲۵۷ ، ۳۱۸ ، ۳۲۱ ، ۳۲٤ ، ۳۲۵ ، ۳۳٦ ، ۳۳۷ ، ۳۷٦ ، ۳۷۷ ، ۳۸۸ .

ویشوامتر Viṣvamitra : دوست همه ، دوستدار همهٔ عالم ، نام ریشی مشهوری که بنابر افسانه های هندی ابتدا با وسیشت در خدمت پادشاه تریتوس Tritus بودند ولی در اثر رقابت با وسیشت به بهارت رفت . ٤٦ ، ۹٦ ، ۱۰۱ .

ویشوانر Visvanair : مربوط بههمهٔ عالم ، آتشی که غذارا هضم میکند ، همهٔ مردم ، حرارت غریزی ، یکی‌از القاب اگنی . ۲۰ .

ویشواوسو Viṣvāvasu : مال‌همه ، دولت همه ، رئیس گندهرو ، نام پسر پوروروس Puru - Ravas . ۳٦۹ .

ویشوادیوها (= وشودیوها) Viṣvadevas : همهٔ خدایان . ٦۵ ، ٦۹ ، ۸٦، ۱٦٦، ۲۱۰ ، ۲٤۱ ، ۲۷۱، ۳۱۵ ، ۳۱۷ ، ۳۱۹ ، ۳۸٤ .

ویشو روپ Viṣvarūpa : صورت کل عالم ، صورت همهٔ عالم ، همه شکل ، همه جا حاضر، پسرتوشتر ، موجود افسانه‌ای سه سر که بدست اندرا کشته شد . ٦۳ .

. ۳۵۳ ، ۳۵۵ ، ۳۵۶ ، ۳۵۷ ، ۳۵۸ .

وری شگنه Vṛishagaṇa : نام یك ریشی و خانواده او . ۲۹۶ .

وریکه Vṛika : گرگ ، سگ ، احتمالاً نام شخصی . ۱۸ .

وسیشته (= وسیشت) Vasishtha : بهترین ، عالیترین ، داناترین ، پناه همه ، نام ریشی معروفی که صاحب گاو فراوانی بود و افسانهٔ مبارزهٔ او با وشوامتر که از طبقهٔ کشتری برخاست و بطبقهٔ براهمن وارد شد ، مشهور میباشد . ۷۰ ، ۱۳۳ ، ۲٤۰ .

وشت Vaṡat : کلمه ندائی که بهنگام قربانی در وقت اهدای نذور به آتش ادا میشود . ۳۲۵ ، ۳۳۷ .

وشودیوها Viṣvedevas(= ویشوادیوها): همهٔ خدایان ، الهی کامل، نام خدایی، نام دوازده موکل ، نام طبقهٔ از خدایان . م ـ ۳۵، ۳۶ .

وشو کرمن Viṡvakarman : صانع جهان ، فاعل همه چیز ، آفرینندهٔ کل. م ـ ۲٤ .

وله Valà : دیوخشکسالی (برادر وریترا که اندرا براوچیره شد) ، زیرزمین، زندان تاریك . ۶۳ .

ویاسا Vyāsa : ترتیب دهنده ، نام تنظیم کنندهٔ داستانی ریگ‌ودا . م ـ ۱۹ .

وید Vid : دانستن . م ـ ۱۵.

ویدانت Vedanta : آخرودا ، نام قسمت دوم یعنی مهمترین قسمت میمانسا Mimāṁsā که بخش سوم از بخش های سه گانه فلسفهٔ هندوان است . م ـ ۲۱ .

ویدودات Vīdevdat : نام یکی از ادبیات مقدس زردشتی . م ـ ۱۳ .

ویراج Viráj : موجود الهی، یکی از اوزان عروض دارای چهارپادای ده سیلابی، عدد ده . ۱۸۲ ، ۳۶۱ .

یجمانه Yajamāna : قربانی کننده . ۱٤۹ .

یادو Yadu : نام یك پهلوان باستانی که در ریگ‌ودا بارهانامش با توروشه Turvaša یا Turvasu با هم آمده ، وگویند پسر ججات (بیاتی Yayati) بوده است . م ـ ۵ .

یزته Yazata (= آهوتی Ā-hūti) ؛ تقدیم نذور به‌آتش برای ایزدان، هرگونه مراسم مذهبی که درآن نذور به خدایان تقدیم شود. م ـ ۹ .

یشت‌ها Yašts نام پاره‌ای از ادبیات مقدس زردشتی : م ـ ۱۲ .

یم (= جم) Yama : ملك‌الموت . ۱۲۵ ، ۱۹٤ ، ۱۹۵ ، ۱۹٦ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ، ۱۹۹ ، ۲۵۵ ، ۲٦۰ ، ۲٦۲ ، ۲۷٦ ، ۳۳۹ ، ۳٤۱ ، ۳٤۲ ، ۳٤۳ .

یمه (یاما Yama = یم): خودداری یا کف نفس، مهار، راننده، مانع‌شونده، خدای مرگ ، خدای ارواح مردگان ، موکل مرگ . م ـ ۱۱.

ییمه Yima: (= جم) م ـ ۱۱.

******
****
**
*

وینسه Vyansa : دیو خشکسالی . ۲۰۲ .

وی‌وسوان Vivasvân: درخشان ، قربانی کننده ، نام آفتاب بامداد، خورشید، سخن ، کلمه مقدس ، نام پدر نوع بشر - مانو و یوسونت . ۳۵ ، ۲۷۶ . م - ۲۳ .

ویوسوت Vivasvat : = وی‌وسوان . ۱۹۴ ، ۱۹۶ .

ویونهنت Vivanhant : = وی‌وسوان . م - ۱۱ .

هردچکشوس Harde Chakshus : یکی از پریان (اپچهرا - Apsara) . ۳۴۷ .

هرن‌گربهه Hiranya-garbha : تخم‌طلایی، تخم‌زرین عالم ، زهدان زرین، مشیمهٔ زرین ، جنین زرین ، نام‌لنگایی ، نام یکی‌از گویندگان سرودهای رگ‌بید ، موجودقائم بخودکه‌برهما ازآن پیداشد . ۶ .

هری‌تاله Haritāla : ظاهراً نام درختی . ۱۷۱ .

هوترا Hotrā : نام الهه‌ای ، بهاراتی Bhāratî و هوترا Hotrā دو الهه‌ای هستندکه سرپرستی حوزه‌های مختلف مذهبی را میکنند . ۲۳۶ .

هوتری Hotri (= هوتر Hotar) : روحانی‌که درمراسم قربانی سرودهای ریگ ودا را میخواند، پارسا، نیکوکار، آموزگار مذهبی، یکی ازچهار دسته روحانی‌که دارای سه معاون میباشد، سر روحانی. ۱۵۰ ، ۳۳۴، ۳۹۴ . م - ۲۰ ، ۲۵، ۳۷ .

هوم Haoma = سوما در مذهب هندو . م - ۹ ، ۱۲ .

یاتو دهانه Yātudhāna : افسونگر، جن ، روح پلید . ۱۲۶ .

یاجور ودا (= جچربید) Yajur Veda : ودای قربانی‌ها . م - ۱۵ ، ۱۶، ۱۹ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۴۴ .

یمی (Yamî) : خواهر یم . ۳۳۹ ، ۳۴۱ ، ۳۴۲ ، ۳۴۳ .

سرود خلقت	۱۲۹/۱۰	۱-۵
پیدایی جهان	۱۲۱/۱۰	۶-۸
ستایش اندرا	۲۶/۴	۹-۱۰
« اوشس	۷۵/۷	۱۱-۱۲
« آدیتیاها	۵۱/۷	۱۳
آزادگی و نیکوکاری	۱۱۷/۱۰	۱۴-۱۶
ستایش اشوین‌ها	۶۸/۷	۱۷-۱۸
« اگنی	۹۹/۱	۱۹
« اندرا	۹۸/۱	۲۰
« اگنی	۱۲/۴	۲۱-۲۲
« اگنی	۱۳/۴	۲۳-۲۴
« اندرا	۳۸/۵	۲۵-۲۶
« میترا	۶۰/۳	۲۷-۲۸
« اگنی	۸/۴	۲۹-۳۰
« سوما	۱۱۳/۹	۳۳-۳۵
« اوشس	۶۱/۳	۳۶-۳۷
« اندرا	۴۳/۶	۳۸
« ددهیکراس	۴۴/۷	۳۹-۴۰
« سوماپوماته	۱۱۲/۹	۴۱-۴۲
« اندرا	۸۹/۱۰	۴۳-۴۷
« زمین	۸۴/۵	۴۸
« آسمان و زمین	۱۸۵/۱	۴۹-۵۲
« اوشس	۴۸/۱	۵۳-۵۶
خطاب به شردها (= ایمان)	۱۵۱/۱۰	۵۷-۵۸
ستایش اندرا	۱۱/۲	۵۹-۶۴
« وشودیوها	۵۱/۶	۶۵-۶۸
« وشودیوها	۳۷/۷	۶۹-۷۱

فهرست مندرجات کتاب

همبستگی ریگ‌ودا و اوستا وخویشاوندی زبان‌اوستا با ریگ‌ودا ۳ـ۱۴ مقدمه

ریگ‌ودا ۱۵ـ۱۷ »

قدمت ریگ‌ودا ۱۷ـ۲۰ »

طبقه بندی سرودها ۲۰ـ۲۳ »

رابطهٔ خدایان باپدیده های طبیعت ۲۳ـ۲۴ »

ارتباط ریگ‌ودا باسایر وداها ۲۴ »

مشخصات ریگ‌ودا ۲۵ »

اصول اخلاقی و آداب اجتماعی در ریگ‌ودا ۲۵ »

تردید و استهزاء نسبت به خدایان ۲۸ـ۳۰ »

تشبیهات و تعبیرات ادبی ۳۰ـ۳۲ »

قربانی در ودا ۳۲ـ۳۵ »

ناموس طبیعت یا نظم کیهانی ۳۵ـ۳۷ »

پایان مقدمه ۳۸ـ۳۸ »

خطاب به‌سوما	۳۱/۹	۱٤۲
ستایش وایو	۱٦۸/۱۰	۱٤۳
« اندرا	۱۷۹/۱۰	۱٤٥–۱٤٤
« «	۱۸۰/۱۰	۱٤٦
« بریهسپتی	۱۸۲/۱۰	۱٤۸–۱٤۷
خطاب به قربانی کننده	۱۸۳/۱۰	۱٥۰–۱٤۹
ستایش ادیتی	۱۸٤/۱۰	۱٥۲–۱٥۱
« «	۱۸٥/۱۰	۱٥۳
« سوما	۳۳/۹	۱٥٤
« «	۳٤/۹	۱٥٦–۱٥٥
« «	۳٥/۹	۱٥۸–۱٥۷
« «	٥٦/۹	۱٥۹
« «	٥۷/۹	۱٦۰
« کشن‌ها	۱۳٦/۱۰	۱٦۳–۱٦۱
« سویتری	۱۳۹/۱۰	۱٦٥–۱٦٤
« وشودیوها	۱۰۷/۱	۱٦٦
خطاب به آسمان،و زمین	۱٥۲/۱	۱٦۸–۱٦۷
ستایش سوریه	٥۰/۱	۱۷۱–۱٦۹
« اندرا	٤۸/۱۰	۱۷٥–۱۷۲
« سویتری	۳۸/۲	۱۸۰–۱۷٦
خطاب به پروش	۹۰/۱۰	۱۸٤–۱۸۱
ستایش اندرا،و وارونا	۸٤/۷	۱۸٦–۱۸٥
« اگنی	۱/۱	۱۸۹–۱۸۷
« اندرا	۱٤۷/۱۰	۱۹۱–۱۹۰
« وارونا،واشوین‌ها	٤۲/۸	۱۹۳–۱۹۲
« یم	۱٤/۱۰	۱۹۹–۱۹٤
« اندرا،و خدایان دیگر	۱۸/٤	۲۰۲–۲۰۰

ستایش خدایان مختلف	۴۱/۲	۷۴-۷۲
« اندرا (بصورت پرنده)	۴۲/۲	۷۶-۷۵
« « «	۴۳/۲	۷۸-۷۷
« واستوشپتی	۵۴/۷	۷۹
« «	۵۵/۷	۸۱-۸۰
خطاب به غوکان و خدای باران	۱۰۳/۷	۸۴-۸۲
ستایش دو اشوین	۳/۱	۸۷-۸۵
« اندرا	۵/۱	۸۹-۸۸
« اندرا	۷/۱	۹۲-۹۰
« وشودیوها	۸۹/۱	۹۵-۹۳
« اگنی	۱/۳	۱۰۱-۹۶
« اگنی	۱۴/۴	۱۰۳-۱۰۲
« وایو و اندرا	۴۷/۴	۱۰۴
« اگنی	۱/۵	۱۰۷-۱۰۵
« اگنی	۱۶/۵	۱۰۹-۱۰۸
« اگنی	۲۴/۵	۱۱۰
« اندرا و اگنی	۸۶/۵	۱۱۲-۱۱۱
« ماروت‌ها	۸۷/۵	۱۱۵-۱۱۳
خطاب به خدای باران (پرجنیه)	۱۰۱/۷	۱۱۸-۱۱۶
« « «	۱۰۲/۷	۱۱۹
خطاب به دانش	۷۱/۱۰	۱۲۳-۱۲۰
ستایش سویتری	۵/۱	۱۲۶-۱۲۴
خطاب به‌سخن مجسم	۱۲۵/۱۰	۱۲۹-۱۲۷
ستایش وایو	۱۶۸/۱۰	۱۳۱-۱۳۰
« وارونا	۸۶/۷	۱۳۴-۱۳۲
« «	۴۱/۸	۱۴۸-۱۳۵
« اندرا	۶/۱	۱۴۱-۱۳۹

خطاب به عصارهٔ سوما	۹۷/۹	۳۰۸-۲۹٤
ستایش سپیده دم	۱۲٤/۱	۳۱٤-۳۰۹
« وشودیوها	۲۸/۸	۳۱٦-۳۱۵
« «	۲۹-۸	۳۱۸-۳۱۷
« خدایان مختلف	۳۱/۸	۳۲۳-۳۲۰
« ویشنو	۱۰۰/۷	۳۲۵-۳۲٤
« اندرا وارونا	٤۲/٤	۲۲۸-٤۲۹
خطاب به وارونا	۵۸/۵	۳۳۱-۳۲۹
« به وشوکرمن	۸۲/۱۰	۳۳۳-۳۳۲
« به منیو (خشم)	۸۳/۱۰	۳۳۵-۳۳٤
ستایش ویشنو	۹۹/۷	۳۳۸-۳۳٦
خطاب به یم و یمی	۱۰/۱۰	۳٤٤-۳۳۹
مکالمه میان پورو راوسه و اوروشی	۹۵/۱۰	۳۵۱-۳٤۵
مکالمه بین اندرا و اندرانی	۸٦/۱۰	۳۵۹-۳۵۲
دربارهٔ آفرینش	۱۳۰/۱۰	۳٦۲-۳٦۰
عروسی سوریا	۸۵/۱۰	
خطاب به ویشنو	۱۵٦/۱	۳۷۷-۳۷٦
ستایش میترا و وارونا	٦۸/۵	۳۷۸
« میترا و وارونا	٦٦/۵	۳۸۰-۳۷۹
« میترا و وارونا	۷۰/۵	۳۸۱
« « «	۷۱/۵	۳۸٦
« « «	۷۲/۵	۰۸۳
خطاب به وشودیوها		۳۹۰-۳۸٤
مکالمه میان فقیر و شاهزادهٔ آزاده	۱۲۵/۱	۳۹۳-۳۹۱
خطاب به وشوکرمن	۸۱/۱۰	۳۹۵-۳۹٤
« به شب	۱۲/۵۰	۳۹۸-۳۹۷
« به اشوین‌ها		٤۰۰-۳۹۹
واژه نامهٔ کتاب		٤۳۲-٤۰۳
مقدمهٔ انگلیسی استاد تاراچند		۱۵-۳

ستایش سوریه	۱۱۵/۱	۲۰۷-۲۰۵
» ویشنو	۱۵٤/۱	۲۰۹-۲۰۸
» وشودیوها	۹۰/۱	۳۱۱-۲۱۰
» اندرا	٤/۱	۲۱٤-۲۱۲
» اپام‌نپات	۳۵/۲	۲۱۹-۲۱۵
» اگنی	٤۳/۸	۲۲٤-۲۲۰
» سوما	۱/۹	۲۲٦-۲۲۵
» اگنی	۱۱/۷	۲۲۸-۲۲۷
» وایو	۲/۱	۲۳۰-۲۲۹
» اگنی	۱۹۱/۱۰	۲۳۱-۲۳۱
» اندرا	۸/۱	۲۳۵-۲۳٤
» اندرا - وارونا	٦۲/۳	۲۳۹-۲۳۵
» اگنی	۱۲/۷	۲٤۰
» وشودیوها	۱٦٤/۱	۲۵٦-۲٤۱
» اگنی	۱/۱۰	۲۵۹-۲۵۷
خطاب به‌یم	۱۳۵/۱۰	۲٦۲-۲٦۰
» به‌اندرا وسوریه‌واتری	٤۰/۵	۲٦۵-۲٦۳
ستایش وارونا و خدایان دیگر	۲٤/۱	۲۷۰-۲٦٦
» وشودیوها	۱۵۷/۱۰	۲۷۱
» اگنی	۱۸۷/۱۰	۲۷۳-۲۷۲
» سوما	۵۷/۱۰	۲۷۵-۲۷٤
خطاب به مانس	۵۸/۱۰	۲۷۸-۲۷٦
» اندرا	۵۸/۱۰	۲۸۳-۲۷۹
» شهباز	۲۷/٤	۲۸۸-۲۸٤
» به‌گروانه	۱۷۵/۱۰	۲۹۰-۲۸۹
ستایش میترا ، و وارونا	٦۵/۷	۲۹۲-۲۹۱
خطاب به ماروت‌ها	۱۷۲/۱	۲۹۳

Sir - re Akbar (Upanishad) translated by Prince Dara Shokouh, edited by Dr. Tara Chand and Sayyed Mohammed Reza Jalali Naini.

سرّ اکبر ترجمهٔ : شاهزاده محمد دارا شکوه بتصحیح و تحقیق و مقدمهٔ دکتر تاراچند و جلالی نائینی چاپ تهران سال ۱۳٤۰ هجری شمسی

The Vedic Etymology by Prof. Fatah Singh.

Sanskrit Grammar by Monier Williams.

Indian Philosophy by S. Radhakrishnan.

New Light on the Gathas of Holy Zarathushtra by Ardeshir F. Khabardar.

Philosophy of Zoroastrianism and Comparative Study of Religions, by Faredun K. Dadachanji.

Sanskrit and Culture by Goldstrucker.

The Ramayana. of Tulridas

The Principal Upanișads by S. Radhakrishnan.

تحقیق ما للهند من مقولة ، مقبولة فی العقل او مرذولة.
تألیف : ابوریحان محمد پسر احمد بیرونی ـ چاپ آلمان وحیدر آباد دکن .

* * *
* *
*

A study of Sankara by Nalinimohan Mukharji Sastri.

The Dhammapada by S. Radhakrishnan.

The Sanskrit Language by T. Burrow

The Thirteen Principal Upanishad by Robert Ernest Hume

Sanskrit-English Dictionary by Sir M. Monier-Williams.

Dictionnaire Sanskrit-Français by N. Stchoupak, L. Nitti et L. Renou.

A Practical Sanskrit Dictionary by Arthur Anthony Macdonell.

Buddhist Hybrid Sanskrit Grammar and Dictionary, by Franklin Edgerton.

The Practical Sanskrit-English Dictionary by Principal V. S. Apte.

A Classical Dictionary of Hindu Mythology by Dowson.

Ṛg-Bhaṣya-Sangraha by Devraj Chanana.

The Seers of the Ṛg Veda by V. R. Rahurkar.

The Vedic Mythology by A. A. Macdonell.

Les Religions Du Monde by H. Ringgren et A. V. Strom.

The Vedic Age, General Editor, R. C. Majumdar.

The Sacred Books of the East by F. Max Müller.

A Source Book in Indian Philosophy edited by S. Radhakrishnan and Charles A. Moore.

The Twelve Principal Upanishads, by Dr. E. Röer.

Hymns from the Vedas by Abinash Chandra Bose.

Hymns of the Mystic Fire by Sri Aurobindo.

The Geography of Ṛg Vedic India by Manohar Lal Bhargava.

Vedic Grammar by A. A. Macdonell.

Epic Mythology by E. Washburn Hopkins.

Th New Vedic Selection by Pt. N. K. S. Telang and Dr. B. B. Chaubey.

Le Ṛig-Veda by Paul Regnaud.

The Brahma Sutra by S. Radhakrishnan.

The Mahabharata by P. C. Roy.

Shrimad Bhagavad Gita by Swami Swarupananda.

L'Hindouisme by Louis Renou.

Rig Veda with Urdu paraphrase and commentary by Munshi Daya Rama.

Le Rig Veda et les origines de la Mythologie Indo-Europeenne, par Regnaud.

Hymns from the Rig Veda, edited with Sayana's commentary, notes and translation by Peter Peterson.

Le Rig Veda Text et Tradiction, par Paul Regnaud.

Yajur Veda by Devi Chand.

The Texts of The White Yajur Veda by Ralph T.H. Griffith.

Rig-Veda Samhitā, 5 volumes by H. H. Wilson.

A Critical Study of Rg Veda by Dr. Deo Prakash Patanjal Shastri.

The Hymns of the Rg Veda, by Ralph T.H. Griffith.

The Sama Veda Samhita by Rev. J. Stevenson, D. D.

Atharva Veda Samhita, with the commentary of Sayanacharya, edited by Shankar Pandurang Pandit, 4 volumes.

Atharva Veda Samhita by William Dwight Whitney.

Sama Veda in the Pada Samhita according to the Kauthumi Sakhta, edited by Satyavrata Samasrami.

Vajasaneyi Saṁhita, edited with introduction and commentary by Giri Prasad Varma.

The Panini's Grammatical Aphorisms edited by Bhimsen Sharma.

English translation of the Vedas—The Hymns of the Ṛig Veda, Sama Veda, Atharva Veda and Yajur Veda (White) with commentaries and notes by Griffith.

Nirukta by Yaska published by Roth.

Manu Saṁhita translated and edited by Haughton.

Anthologie Sanskrite par Louis Renou.

A Literal Translation of the Vedas, the Gospels of India, with the text, explanatory notes and summary of each hymn by Durga Prasad, Lahore 1918.

Vedic India by Louis Renou, Calcutta 1957.

Some Kṣatriya Tribes of Ancient India by Bimala Charan Low, Calcutta 1924.

Early Hindu Civilisation by Romesh C. Dutt, Calcutta, 1927.

Wörterbuch Zum Rig Veda by Hermann Grassmann.

Religious sects of the Hindus by H. H. Wilson.

An Introduction to Adwaita Philosophy, by Kokileswar Sastri, Calcutta 1926.

نامهای برخی از ماخذ کتاب

در ترجمهٔ این‌کتاب علاوه‌بر مآخذی که در ذیل صفحات کتاب به‌آنها اشاره شده مآخذ و منابع مذکور در زیر نیز مورد نقل وترجمه‌ومراجعه و استفاده بوده است :

Rig Veda in the Saṁhita and Pada Texts with commentaries, grammatical and paraphrasetic, in Sanskrit and Hindi by Dananda Sarasvati, Allahabad.

Rig Veda in the Saṁhita Text, printed in Ajmer.

Hymns from Rig Veda, edited with Sayana's commentary, Punjab University.

Rig Veda Saṁhita, edited by International Academy of Sanskrit Research.

Rig Veda Saṁhita, with Sayana's commentary, printed in Calcutta.

spent all his life in study and research on Indian literature, philosophy and religion and has been successful in rendering valuable services in introducing Indian thought to Iranian scholars. It will not be an exaggeration to say that after the great Biruni, no one in Iran has devoted so much of his precious time to Indian studies as Mr. Jalali Naini. In editing earlier works on religious sects like Kitab al-Melal wal-Nehal, he came across descriptions of schools of Hindu and Buddhist philosophy, which were quite inadequate and sometimes misleading and inaccurate. But they aroused his interest. Mohsin Fani's work, Dabistani Madhahib, and Biruni's Indica provided him with more satisfactory information and made him realize the need for the publication of the original texts of Hindu religion in Persian translation.

As a result he undertook the laborious task of bringing out the Persian translation of the fifty Upanishads by Dara Shukoh. After several years of hard work and after comparing many manuscripts, he brought out this great edition which provides alternative reading, glossary of Sanskrit words and terminology and an introduction containing the life sketch of Dara Shukoh. Along with it other treatises of Dara Shukoh — Majma al-Bahrain (the Confluence of the two Seas), Safinat-al-Aulia, Sakinat-al- Aulia, were also edited.

The study of the Upanishads leads naturally to their source, viz. the Veda. So after the publication of the Upanishads, Mr. Jalali Naini took the preparation of the selected hyms of the Rig Veda which is the spring of Hindu religion, philosophy and thought. In

the previous works which he undertook, the main concern was editing the already existent translations, but in the matter of Veda, Mr. Jalali Naini embarked upon a totally new enterprise, namely, to translate the Vedic verses into Persian.

I may say that in so far as I am able to judge the Persian translation, it fulfils admirably the requirements of a good rendering. It is accurate and rhythmical and possesses a charm of its own. Both beauty and truth of the ancient sacred text are reflected in it. I congratulate Mr. Jalali Naini on his industry and skill in producing this work and making it available to all those who are interested in religion, but who depend on the Persian language for acquiring this knowledge. The translator has successfully achieved his aim to bring the basic thought of Indian culture to the attention of people who know Persian.

Allahabad (India) **Tara Chand**
March 1969

known as Kurukshetra (Ambala district of the Indian Panjab).

It is impossible to determine the date of the collection and even more so of the making of the hymns. But it is interesting to note the connection between India and Iran as revealed in this ancient work. For instance, certain names of tribes are common to both. The **Panis** of the Rigveda are identified with **Parnians** of Iran, **Parthavas** with **Parthians, Dasas** with **Dahae,** the river Sarasvati with Harahvaiti, **Hariyupiya** with **Iriyab** or **Haliab, Arjikiya** with **Arsaks, Bribhu Taksan** the enemy of **Panis** with the founders of Takshashila, **Parasu** with **Parsu.** Then the names of rivers Krumu, Gomati, Subastu and others have their counterparts in Iranian Kurram, Gomal, Suwat, etc.

The language of the Rig Veda is closely related to the Avestan of the Gatha of Zarathushthra. The gods mentioned in the two have great resemblance. The Vedic **Varuna Asura** suggests the Avestan **Ahura mazda;** Vedic **Rita** is similar to Avestan **Asa, Mitra** to **Mithra, Indra** is known to both — to one as a god and to the other as a demon, the Iranian **Verathraghna** is Indian **Vritrahan,** the Parsi **Amesha Spenta** and the Vedic **Adityas,** the Parsi **Bagha** and the Indian **Bhaga** are identical. Yama son of Vivasvant, the first man and ruler of paradise compares with Yima Vivanhvant of the Avesta.

In both religions the names of priests are similar — Indian **Hotri** and **Atharvan** are the Iranian **Zaotar** and **Atharvan.** The Indian Yajna is Iranian Yasna (sacrifice), and Soma or Homa is the plant celebrated in

both countries. The straw spread for the god is **Barhis** (India) and **Baresman** (Iran). There are many other examples of community of race, language and religion, but these must suffice to demonstrate the intimate relations between the Aryans of India and the inhabitants of the land **Arya Vaejo** (Iran).

The Rig Veda which has been handed down through the centuries with marvellous accuracy attracted early in the 19th century the attention of the Western scholars. Max Muller brought out a monumental edition which is still regarded as the standard work. The Vedas in whole or part have been translated into a number of European languages — English, French and German. The entire text was rendered into English by Griffith. Its hymns have been reproduced in many literary histories of Sanskrit and its contents have received wide attention from scholars interested in religion, philosophy and history.

It is a matter of great satisfaction that such an eminent Iranian scholar as Mr. S. M. Reza Jalali Naini has now rendered a selection of the hymns into Persian and thus made this work, revered by the Hindus, available to our brethren in Iran. The Vedas of India and the Gathas of Zarathushtra — the two sacred texts of the two closely related branches of the ancient Aryan race possess a community of language and of thought which cannot fail to remind us of our common heritage. They beckon us to a future of fruitful cooperation, mutual goodwill and friendship.

Mr. Jalali Naini has been long interested in Indian studies — philosophical and religious. He has

Besides the ritualistic and philosophic there is a third point of view. According to this the Veda has an inner mystic significance. This view is not easy to grasp, as men of learning are interested in language, grammar, philosophical speculation, and textual criticism, and so their approach is literal and exoteric. But for the devotees this is unsatisfying and they endeavour to reach to the deeper esoteric meaning. They interpret the Veda in accordance with the teachings of the Upanishads, which acknowledge their origin from the Veda, and indeed are known as **Vedanta** — the fulfilment of Veda. According to this view the Vedic natural imagery and legendry stories are really symbolic of the struggle between the spiritual powers of Light and Darkness, Truth and Falsehood, Knowledge and Ignorance, Death and Immortality, and not descriptions of natural phenomena personified as gods and demons, nor are they a poetical account of racial conflicts between Aryan and Dravidian.

According to this view among the teachings of the Veda, the first is the duty of attainment of truth and immortality, the ascent in spirit into the world Reality and to dwell there. Secondly, it is necessary for us to distinguish between two worlds, the world of lower truth where there is much falsehood and error, and the world of the highest light. And in the third place we should realize that there is a perpetual fight between the powers of Truth and Light and those of Error and Darkness. The first is represented by gods and the second by evil spirits.

We invoke the first in order to help us in destroying the opposition of the second. We approach the

gods through sacrifice, and call them to our aid through prayer, mantra. The element of the outer sacrifice are the songs of the inner self offering. We give ourselves in order to receive the riches of truth — in thought and deed.

In this view life is a pilgrimage whose goal is godliness, a journey in which Agni, the inner flame, is the leader. The gods are children of light, sons of Aditi, of infinity, who assist man in his growth, in the increase of his knowledge and his happiness. They help him to overcome the hinderances and obstructions which evil nature places in the way of progress. The Rishis were the seers who found through intuition the wisdom which is embodied in the Vedic hymns.

The Rig Veda which is the oldest of the four Vedas and the fountain of the Hindu religion consists of 1,017 (or 1,028) hymns divided into 10 chapters or mandalas. The mandalas were composed by priests (rishis) either singly or in families. The collection contains some old and some later compositions. The mandalas two to seven are ascribed to families of priests having the names of Gautama, Vishvamitra, Vasudeva, Atri, Bharadvaja and Vasishtha. The earlier portion of mandala one, and the whole of mandala eight are ascribed to the Kanva family, and appear to be later compositions. The ninth mandala consists of hymns addressed to Soma. The last to be added was the tenth mandala which contains the famous hymn of creation.

Apparently all the mandalas were compiled in one collection (Samhita) in India in the regions through which the ancient river Sarasvati flowed, and which is

three thousand years. So much so that they have made unprecedented efforts to preserve the text accurately even up to the syllable and the letter of the word. It is a marvel of human memory and will that notwithstanding political upheavals, conquests by foreigners and social change the Veda has come down to us wholly unaltered from the second millennium before Christ to the present day.

The natural implication is that the Hindus considered the Vedas as priceless treasures possessing the highest value. Now such value cannot be attributed to the crude products of the infantile imagination of a people in the early stages of human evolution.

In the second place the literalistic approach has led to ludicrous and sometimes quite non-sensical translations, which if correct not only expose the makers of the hymns and songs as crude versifiers with confused childlike minds, but also condemns the whole generations of learned scholars as deluded men and reckless triflers who wasted their time and energy on a profitless undertaking.

Faced with such alternatives some Indian students have sought to find their philosophic significance and others the deeper mystic meaning of these books.

According to the first the Vedic concept of gods connotes a philosophic frame of mind, shows keen interest in speculation with the object of discovering the truth. This is illustrated by the concept of Rita, which is applied frequently to gods, and which means the uniformity of nature, the ordered course of the forces which pervade the universe. It also signifies the moral

order. This points to the conclusion that the gods are not mere phenomena of nature as they appear to the bewildered mind of a primitive observer, but as maintainers of cosmic order and upholders of moral law.

Then again the polytheism of the Vedas is only apparent. In it is implicit the idea of unitary godhead which indicates the philosophic pursuit of unity in multiplicity, the search for that one power which is manifested in many. In fact in the song of creation (Rig Veda, X, 129) the Vedic seer's thought passes over to monism, which renconciles all opposites in the first Cause.

According to this view the sacrifice is the symbol of the universal process. The world is the outcome of sacrifice, it is maintained through sacrifice, and man exalts himself from the lower to the higher self by means of sacrifices. The sacrifice is a form of activity which is something apart from the ordinary. The paraphernalia of sacrifice lays emphasis upon its unusual character. Chant, music, song, colour, incense, all combine to enhance aesthetic sensibility. The fire and its leaping flames symbolize the heaven-ward movement of the soul. The mood of prayer and expectancy stimulates the tension of the mind and promotes belief and dependence upon the beneficent powers — the gods, who are the objects of supplication.

The philosophy of sacrifice is based upon the order of nature, the universal principle underlying the process of creation and moral evolution. Just as effect follows cause, action invokes reaction, so must the stirring of the soul in sacrifice result in achieving its exaltation and illumination.

Among the atmospheric gods the first place is occupied by **Indra**, who is described as a warrior, the god of thunder, the vanquisher of the serpent **Vritri**, the mighty one who protects the Aryan people. With him there is a host of other gods like **Parjanya** (rain), **Marut** (storm), **Vayu** (wind), **Apam napat** (sons of water), and so on.

The celestial gods are **Dyauh** (heaven); Varuna who is the upholder of the physical and moral order. He divides heaven and earth, controls the courses of heavenly bodies, watches the conduct of men and confers reward and punishment; **Mitrah** (associate fo Varuna), **Suryah** (sun), **Savitri** (ray of light), **Pusan** (protector), **Usas** (dawn), and **Asvins** (two physicians).

There are besides other gods and goddesses who represent abstract ideas like **Dhatu** (creator), **Prajapati** (lord of creation), **Visvakarma** (maker of the universe), and **Brahmanaspati** (lord of devotion). Among the goddesses are **Sarasvati** (learning) and **Ila** (sacrificial food). Some group gods also occur, e.g., **Visvadeva** (all gods), and some deified features of the earth, like mountains, rivers, plants.

Lastly the Veda mentions demons and evil spirits, e.g., **Asura**, and **Raksa** (or goblins).

One remarkable feature of the Vedic conception of gods is that they appear to have little individuality or specific character. Gods merge into one another and several are described as identical. Another feature is the idea that all gods are one, « **ekam sad vipra bahudha vadanti** » (there is only one but the learned speak of them as many), and again « **tad ekam** » (That

one). Some scholars infer from these sayings in the Veda that its teaching is really monotheistic and the gods are representatives of His innumerable attributes.

The worship of the gods aims at supplication and propitiation which is achieved by means of sacrifice. Sacrificial rites are of many kinds, daily, monthly, seasonal and occasional. Some sacrifices are domestic and are performed by the worshipper individually by himself but in others priests assist. Apart from the domestic sacrifices there are a number of public ones, e.g., of **Vajapeya** (draught of vigour) performed by the royalty and Brahmans, **Asva-medha** (horse sacrifice) whose object was conquest and glory.

The rites were based upon the sacrificial fire, for which altars were made, and on which offerings were cast. The oblations consisted either of dairy produce — milk and butter, and grain — barley and rice; or animals. The priests employed at the sacrifices were of several kinds. Seven kinds are ordinarily mentioned, among whom was the **Purohita**, who acted also as the invoker.

The modern European Indologists lay emphasis upon the external ritualistic aspects of the Vedic religion. According to the theory of social evolution the thought of such ancient people as the Aryan Indians whose material culture was primitive could not bear any highly philosophic or mystic interpretation. But many Indian scholars differ from this line of approach. According to them two considerations militate against the western interpretation. One is the extraordinary value and great veneration which the Hindus have attached to the ancient scriptures, through more than

above his ordinary, day-to-day, humdrum involvement in the immediate present and to realize abiding peace within and identification with all.

Religion is more than philosophy which is the intellectual pursuit in search of unity. Religion is atonement expressed through life, it is a withdrawal from the demeaning pressures of the world in order to serve and promote the permanent good of all. Its hall-mark is action, and not escape. It is will in motion, but it is an integrated, unified will which in particulars manifests their organic relation with the whole.

Every religion has two aspects — one of rites, doctrines and organisation, the other of ethical, philosophical and mystical intent and purpose. The first appeals to minds which lean on authority, need direction and believe in literal conformity. The second appeals to the free mind, is more interested in the substance than the forms of religion, more anxious to transform the inner life as a whole in order to attain harmony and self mastery.

The Vedic religion also embodies these two aspects. Corresponding with these are two main types of interpretation of the Veda. Those who lay stress upon the first aspect hold that the Veda is primarily a book of ritual and of sacrifice.

Ritual is discipline, specialized activity with appropriate psychological environment. In order to realise its essential quality the mind has to be disciplined, for the world is too much with us, its tyranny can only be overthrown by a process of well planned training. Ritual is, therefore, the necessary part of every religion. Ritual is not the performance of certain actions

mechanically. For instance, it is not the lighting of fire and throwing of melted butter on it and the chanting of Sanskrit verses, which constitutes the Hindu Puja (worship); it is not the setting up of an altar, the breaking of bread on it and circulating the cup of wine, which is the Christian Eucharist; nor are genuflections of the hand and other limbs of the body oriented towards the niche in a mosque, the reality of Namaz (prayer). It is the spirit, which envelopes these, which makes the worshipper forget the insistent, exigient claims of the here and now and uplifts his soul so that man may be inspired to work for the triumph of the truth, which is the essence of worship.

According to this school of interpretation the Veda contains many beliefs. Among them are cosmogonic beliefs or theories of the origin of the world and of man; for example, how the universe is born from the sacrifice of the primeval man (purusha), or from the golden egg (hiranya-garbha), or by evolution of being from not-being; how the human race descends from Manu or Yama son of Vivasvant.

Then there is belief in many gods. They are enumerated as thirty three and divided into three classes — terrestial, atmospheric and celestial. Among the important terrestial ones Agni (fire god) is most frequently invoked. He personifies the sacrificial fire, conducts the offerings to the gods and summons them to the sacrifice. He is the messenger between earth and heaven and is the great priest. He confers prosperity and bliss on the worshippers, and overcomes and destroys their enemies. The others are: Prithivi (earth) and Soma (the herb whose juice is drunk in sacrifice).

INTRODUCTION

The Vedas are the most ancient literary creation of the Aryan speaking peoples. They were compiled long before the Gathas of Zarathushtra in the Avestic language and the epic of Homer in Greek. In their literary forms they indicate an advance which must have taken centuries to mature. The language, poetic diction, versification all show a high state of development. Their thought content is highly evolved.

No wonder the Hindus regard them as sacred, as the source of all their later religious, ethical and philosophical speculations. For them the Veda is not only literally but also in the true sense knowledge — the knowledge that liberates and exalts the soul of man, which is the object of all religions.

How does religion seek to achieve liberation? The answer is by reminding man of his high destiny as man — the noblest of all creatures, the bearer of the divine principle which seeks to raise his spirit above the mundane pursuit of immediate needs and satisfactions, by knowing the self. No other creature, so far as one can judge, seems to feel the same urge to a higher life in which the inner conflicts are resolved and the strains of contradictory impulses overcome. Man alone can rise

Selected Hymns

of

RIG-VEDA

The Oldest Living Document on Hindu Religion & Society

Introduction by

Dr. Tara Chand

Professor of History and Philosophy and Former Ambassador of India in Iran

Translation by

S. Mohammed Reza Jalali Naini

Member of the Iranian Society for Philosophy & Humanities

Taban Press, Tehran - Iran

1969